شواهد التنزیل

۲۰۹ شاهد قرآنی در فضایل علی (ع)

از روایات اهل سنت

مؤلف : حاکم حسکانی
مترجم : احمد روحانی

شواهد التنزیل

۲۰۹ شاهد قرآنی در فضائل علی(ع)

از روایات اهل سنت

مؤلف: عبیدالله بن عبدالله حسکانی
مترجم: احمد روحانی

حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، قرن ۵ق
[شواهد التنزیل لقواعد التفضیل (فارسی)]
شواهد التنزیل؛ [دویست و نه] ۲۰۹ شاهد

قرآن در فضائل علی(ع) از روایات اهل سنت/ تألیف حاکم حسکانی؛ ترجمه احمد روحانی.ـ قم: دارالهدی ۱۳۸۰
۳۳۶ص
۱۲۰۰ ریال: ISBN 964-92474-9-1
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
کتابنامه به صورت زیرنویس
۱.علی بن ابی‌طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق - فضائل. ۲.علی بن ابی‌طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق احمد:۱۳۳۶ - ،مترجم، عنوان
BP ۳۷/۴ ح ۴۶ ش ۹۰۴۱ ۲۹۷/۹۵۱
۱۳۸۰

نشر دارالهدی

نام کتاب .... **شواهد التنزیل**
مؤلف .... **حاکم حسکانی**
مترجم .... **احمد روحانی**
ویراستار .... **بشیر خزامی پور**
ناشر .... **دارالهدی**
نوبت چاپ .... **اول - پاییز ۸۰**
تیراژ .... **۴۱۰۰ جلد**
چاپخانه .... **شریعت**
شابک **۹۶۴-۹۲۴۷۴-۹-۱**
قیمت **۱۲۰۰تومان**

تلفن: ۰۲۵۱ ۲۹۳۰۳۸۱ ، ۰۹۱۱۲۵۳۴۴۶۵

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه مترجم

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس خدای بزرگ را که دوستان و اولیای خویش را بـه انـواع کـرامـات مزیّن و آنان را رفعت مقام و علوّ درجات عنایت فرماید.

و بهترین درود و صلوات بر محمد مصطفی ﷺ سرور کائنات باد.

کتاب حاضر ترجمه شواهد التنزیل لقواعدالتفضیل، متعلّق به یکی از علمای اهل سنّت به نام «حاکم حسکانی» است که در قرن پنجم هـ.ق می‌زیست و در سـال ۴۹۰ هـ.ق بدرود حیات گفت.

کتاب فوق تاکنون ترجمه فارسی نشده است و برای اولین بار به مـناسبت سـال امیرالمؤمنین علی ؑ ترجمه و چاپ می‌شود.

در این مجموعه سعی و تلاش گردید در ذکر شماره آیات و روایات از اصل کتاب متابعت شود تا مراجعه به اصل کتاب در هنگام ضرورت آسان‌تر گردد.

و در ترجمه کتاب حاضر، روایت‌های مشابه که از یک نفر نقل شده در پاورقی با ذکر شماره آن روایت آورده شد تا موجب طولانی شدن کتاب نگردد.

کتاب شواهدالتنزیل در دو جلد با ذکر سلسله سند تدوین شده بود که بعلت عدم تطویل سعی شد از ذکر اسامی سند خودداری شده و فقط دو یا سه نفر که متصل به زمان نقل حدیث بودند آورده شود.

لذا مجموعه دو جلدی کتاب اصلی در یک جلد ترجمه و تنظیم گردید.

اما انگیزه ترجمه این کتاب با توجه به این که کتاب شواهدالتنزیل از کتابهای ارزنده و پر محتوا و مستند می‌باشد که از منابع روایی اهل سنت نقل گردیده و هم این که مؤلف کتاب فوق از علمای برجسته و قابل اعتماد اهل سنت و دارای اطلاعات کافی و تحقیق وافی در علم حدیث و رجال و روایت بوده است.

و هم این که محتوای کتاب فوق با الهام از آیات قرآنی و روایات نبوی لطف خاصی به فضای معنوی کتاب داده است و مخصوصاً موضوع کتاب فوق درباره شخصیت برجسته و نمونه جهان اسلام امیرالمؤمنین علی ﷺ است که این خصیصه‌ها موجب شد این کتاب در سال امیرالمؤمنین مورد توجه قرار گیرد تا محبان فارسی زبان علی و اهل بیتش ﷺ از اندیشه و دیدگاه محدثان و راویان اهل سنّت نسبت به امیرمؤمنان آگاه شوند.

امید است این مجموعه ارزشمند، علمی و مستند مورد استفاده برادران ارجمند بالاخص برادران اهل تسنّن و علاقمندان امیرالمؤمنین علی ﷺ قرار گیرد.

معرفی مؤلف کتاب شواهد التنزیل

در معرفی صاحب کتاب، بزرگان اهل سنت بياناتي را ابراز داشته‌اند که از باب نمونه سخنان دو تن از آنان را نقل می‌کنیم:

سیوطی در کتاب «طبقات حفاظ» در معرفی «حاکم حسکانی» می‌گوید:

> **حسکانی محدّثی توانا و قاضی زبر دست بود، نامش به ابن‌الحذا معروف بود. مردی فاضل، شیخی دقیق و مدقق که صاحب ذوق و عنایت به علم الحدیث بود در این فن کتاب‌هایی را تدوین و جمع آوری کرد.**

همچنین ذهبی از علمای اهل سنت از کتاب الطبقة جلد ۱۴ می‌گوید:

الحسکانی القاضی المحدث ابوالقاسم عبد الله بن عبد الله بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد حسکان القرشی العامری النیشابوری الحنفی الحاکم معروف به ابن الحذاء شیخی مدقق و متقن و صاحب ذوق تام در علم الحدیث بود که با عنایت وافر و همت کامل در این فن جدّ و جهد نمود و کتابهایی را تألیف و تدوین کرد.

او از جدّ و همچنین از ابن ابی الحسن علوی و ابی عبدالله حاکم و ابی طاهر بن محمش و... حدیث نقل می‌کرد و پیوسته در حال استماع یا افاضه یا جمع آوری حدیث نبوی بود و عمر خویش را در این راه صرف کرد تا در سال ۴۹۰ هق به دار باقی شتافت.

انگیزه تألیف کتاب از زبان مؤلف

چنین آورده‌اند که شیخ اجل علی بن حمزة بن علی رشکی خبر داد، فرزند مصنّف به نام وهب بن علی حسکانی الحذاء نقل کرد:

پدرش حاکم امام ابوالقاسم حسکانی، حکایتی شنیدنی در انگیزهٔ تألیف این کتاب ارزشمند را این چنین بیان کرد و گفت:

بعضی از علمای عوام زده که ریاست بر عوام النّاس را دوست داشتند، سخنانی طبق مذاق و میل آنان می‌گفتند.

از جمله در روزگار ما در یکی از مجالس پر جمعیت و شلوغ، یکی از اصحاب ابن کرام که از این صنف عالمان بود بر کرسی موعظه نشست و با سخنان وقیحانه درباره علویان، پیروان خود را گمراه و اغواء می‌کرد. و مبالغت چندان نمود، و سخنان پرشیان همی گفت، و به عیب جویی و مذمت علویان و آباء و اجداد آنان پرداخت.

چون همدلی و همراهی مستمعین و سکوت حاضرین را مشاهده کرد پا را از گلیم خویش فراتر نهاده در صدد عیب جویی سر سلسله علویان یعنی علی بن ابی‌طالب‌ؑ افتاد و گفت: هیچ مفسّری را ندیدم که گفته باشد سوره (هَلْ

أتیٰ علی الإنسانِ) در شأن علی بن ابی طالبﷺ و اهل بیت او نازل شده است.
نه تنها سوره هل اتی بلکه هیچ آیه‌ای از قرآن در فضیلت و کرامات علیﷺ و اهل بیتش نازل نشده است!!

او با جرئت و جسارت به گستاخی خویش ادامه داد و همچنان سخنان پریشان می‌گفت. و به تهمت و افترا مبادرت می‌کرد.

من از بزرگان مجلس و اکابر علما، توقع داشتم که جوابی سخت و نیکو به او دهند. ولی متاسفانه همه سکوت کرده و کسی اعتراض نکرد مگر قاضی عمادالاسلام ابی‌العلا صاعد بن محمد(قدس روحه) که اعتراض خویش را آشکار کرده و او را از باب امر به معروف و نهی از منکر مورد عتاب و سرزنش قرار داد.

من در پایان آن مجلس مصلحت چنان دیدم که باید به این سخنان ناصواب و شبهه خطرناک جوابی نیکو گویم تا اذهان مسلمانان و اصحاب قرآن نسبت به علی بن ابی‌طالبﷺ مشوش نگردد لذا در این راستا، به جمع‌آوری آیات قرآنی و روایات نبوی که در شأن علی‌بن ابی طالبﷺ بیان شده بود، مبادرت کردم تا شخصیت علمی و مجاهدات‌های فرهنگی و فضیلت‌های بی شمار آن حضرت مورد شک و تردید نسلهای آینده قرار نگیرد.

بر همین اساس هر آیه‌ای که قطعا یا احتمالا در شأن علیﷺ نازل شد استقصاء (شمارش) کردم و روایات مستند را با ذکر سند آن در ذیل آیات نقل کردم که ۲۰۹ آیه و ۱۱۶۳ روایت را در دو جلد کتاب به نام شواهد التنزیل، لقواعد التفضیل تدوین کردم تا شاید گوشه‌ای از عظمت و فضیلت بیکران علی بن ابی طالبﷺ را شناسانده باشم.

وَحَسْبنااللّهُ وَنِعْمَ الْمُوفّقُ وَالْوَکیل.

احمد روحانی

بسم الله الرحمن الرحيم

مؤلف دانشمند، حاکم حسکانی قبل از وارد شدن به آیات قرآنی و بیان شأن نزول آنها فصولی را در طلیعه کتاب به عنوان آغاز بحث مطرح کرده است که رابطه تکمیلی با مقاصد کتاب و ارتباط عقلائی با مباحث آن دارد و فصلهای آن به شرح زیر است:

- فصل اول: فضائل بی‌شمار علی علیه السلام
- فصل دوم: تقدم و برتری علی علیه السلام در تلاوت قرآن
- فصل سوم: سبقت بر یاران در جمع‌آوری قرآن
- فصل چهارم: عالم‌ترین فرد به تفسیر و عارف‌ترین به تنزیل
- فصل پنجم: کثرت آیات در شأن علی علیه السلام و اولاد
- فصل ششم: معنای «یا ایُّها الّذِیْنَ آمَنُوا»

فصل اول

فضایل بی شمار علی عليه السلام

صفات حمیده، خصلت‌های پسندیده و فضایل ارزنده امیرالمؤمنین علی عليه السلام به قدری زیاد و فراوان است که اکثر محدّثان و دانشمندان شیعه و سُنّی از متقدمین و متأخرین در کتابهای خویش نقل کردند.

در این جا به پاره‌ای از این احادیث که از متقدمین بالاخص عبدالله‌بن عباس شاگرد تفسیری علی عليه السلام نقل شده است اشاره می‌شود.

(۱) روایتی با سند طولانی از حکیم بن جُبَیر از مجاهد نقل شد که ابن عباس شاگرد امیرالمؤمنین علی عليه السلام در بیان عظمت استادش گفته است:

لَقَدْ کٰانَ لِعَلی بن ابی طالب عليه السلام ثَمانیة عَشَر مَنْقبة لَوْ لَمْ یَکُنْ لَهُ إلاّ واحِدة لَنجابِها، وَ لَقَدْ کٰانَتْ لَهُ ثَلاثةُ عَشر مَنْقبة لَم تکن لِأَحَدٍ مِنْ هذِهِ الْأُمَّة

برای علی عليه السلام هجده منقبت وجود دارد که حتی اگر یکی از این هجده منقبت را می‌داشت. اهل نجات بود. همچنین سیزده منقبت از این هجده کرامت مختص آن سید و سرور است و احدی را در آن نصیبی نیست.

(۲) مجاهد و عبدالله بن شدّاد چنین نقل کرده‌اند:

روزی در حضور عبدالله بن عباس سخنی درباره علیﷺ به میان آمد. ابن عباس گفت: «لَقَدْ کانَتْ لِعلیٍّ ثمانیة عشر منقبة...» از کسی سخن گفتید، که هجده منقبت را به تنهایی داراست که اگر یکی از آن منقبت‌ها را هم می‌داشت اهل رستگاری و نجات بود. سیزده صفت و منقبت او مختصّ به اوست که هیچ یک از اُمّت مصطفیﷺ غیر از او این منقبت‌ها را ندارد.

۳ حکیم بن جبیر از (مجاهد و عبدالله بن شدّاد) نقل کرده است ابن عباس بیان کرد:

لَقَدْ کانَ لِعلیٍّﷺ ثَمانِیة عَشَرة مَنْقَبة.....

علیﷺ را هجده منقبت است، اگر یکی از این هجده منقبت را به تنهایی می‌داشت. اهل نجات و رستگاری بود؛ حال آن که دارای مناقب هجده گانه است. و همچنین برایش دوازده منقبت است که هیچ یک از امّت محمّدﷺ دارای این منقبت‌ها نیست، و این مناقب اختصاص به علیﷺ دارد.

۴ ابونعیم می‌گوید: کامل بن علا برایم نقل کرد که مجاهد در مناقب علیﷺ گفت:

اِنَّ لِعَلیٍّﷺ سَبْعینَ مَنْقَبَةً ما کانَتْ لِأحَدٍ مِنْ اَصْحابِ النَّبي(ص) مِثْلُها وَ ما مِنْ شَیْءٍ مِنْ مَناقِبِهِمْ اِلاّ وَ قَدْ شَرَکَهُمْ فیها.

برای علی بن ابی طالبﷺ هفتاد فضیلت و منقبت وجود دارد. که هیچ یک از اصحاب مصطفیﷺ در آنها سهمی و نصیبی ندارند. امّا منقبتی که اصحاب محمّدﷺ دارند، علیﷺ در آن مناقب شریک است.

۵ محمّد بن عباد از محمد بن معتمر و او از پدر و جدش نقل کرده است:

کانَ لِعلیّ بن أبي طالبﷺ عِشْرُون وَ مائة مَنْقبة لَمْ یَشْترک مَعَه فیها أحدٌ مِنْ أصْحابِ محمّدﷺ وَ قَدْ إشْتَرکَ في مَناقب النّاس.

«علیﷺ را یکصد و بیست منقبت از مناقب مخصوص است که احدی از اصحاب محمّدﷺ را در آن مناقب نصیب و سهمی نیست؛ امّا علیﷺ در مناقب دیگران شریک است؛ یعنی هر منقبتی را که اصحاب مصطفیﷺ داراشت علیﷺ نیز همان فضیلت و منقبت را دارد.

دیدگاه اصحاب مصطفی ﷺ در تفضیل علی ﷺ

۶) اَبی طُفَیل از قول بعضی از اصحاب محمد ﷺ روایت کرده:

لَقَدْ سَبَقَ لِعَلیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ ﷺ مِنَ الْمَناقِبِ ما لَوْ اَنَّ واحِدَةً مِنْها قُسِّمَتْ بَیْنَ الْخَلْقِ وَ سِعَتْهُمْ خَیْراً.

مناقب کثیری برای علی بن ابی طالب ﷺ است که اگر یکی از آن مناقب را بین جمیع خلایق تقسیم می‌کردند همه آنان را خیر و خوبی و برکت فرا می‌گرفت.

۷) محمدبن منصور از احمد بن حنبل چنین نقل کرده است:

ما جاءَ لِاَحَدٍ مِنْ اَصْحابِ النَّبی مِنَ الْفَضائل اَکْثَر مِمّا جاء لعلیِّ بن ابی طالب ﷺ.

برای احدی از صحابه مصطفی ﷺ به اندازهٔ علی بن ابی طالب فضایل و مناقب وارد نشده است.

۸) ابوحامد حضرمی و ابونصر محمّد بن احمد گفته‌اند: از محمدبن منصور شنیدیم که او نقل کرد، احمدبن حنبل امام اهل حدیث در فضیلت علی ﷺ بیان کرده است:

ما جاءَ لِاَحَدٍ مِنْ اَصْحابِ النَّبیِّ ﷺ مَنَ الْفَضائِلِ اَکْثَرُ مِمّا جاءَ لِعَلیِّ بْنِ اَبی طالِب ﷺ.

برای هیچ یک از اصحاب مصطفی ﷺ فضایلی به اندازهٔ علی ﷺ وجود ندارد.

۹) حمدان وراق می‌گوید از احمد بن حنبل شنیدم که گفت:

ما رُوِیَ لِاَحَدٍ مِنْ اَصْحابِ رَسُولِ اللهِ ﷺ مِنَ الْفَضائل الصِحاح ما رُوِیَ لِعلیِّ بن ابی طالب ﷺ.

روایات صحیحی که در بیان فضایل علی ﷺ وارد شده، برای هیچ یک از اصحاب مصطفی ﷺ وارد نشده است.

(۱۰) فطربن خلیفه می‌گوید از ابوطفیل شنیدم گفت: بعضی از اصحاب مصطفی ﷺ در مناقب علی ﷺ چنین نقل می‌کردند:

لَقَدْ کانَ لِعلیّ ﷺ مِنَ السَّوابِق ما لَوْ اَنّ سابَقةً مِنها قُسِّمَتْ بَیْنَ الْخَلایِقَ لَاَوْسَعَتْهُمْ خَیْراً

صفات حمیده و سوابق درخشان علی ﷺ آن چنان باارزش است،که اگر یکی از آن سوابق برجسته علی ﷺ بین خلایق تقسیم شود، همه آنان را خیر و خوبی فرا می‌گرفت.

(۱۱) محمّد بن عیسی از فطر بن خلیفه و او از ابی طفیل روایت کرده، که ابن عبّاس در بیان فضایل علی ﷺ نقل کرد:

لَقَدْ سَبَقَتْ لِعلیّ ﷺ مِنَ السَّوابِق ما لَوْ اَنَّ واحِدةً مِنْها قُسِّمَتْ بَیْنَ جَمیعِ الْخَلایق لَاَوْسَعَتْهُم خَیراً

سوابق درخشان علی ﷺ چنان است که اگر یکی از آنها در بین خلایق تقسیم شود. همه، اهل خیر و خوبی می‌شوند.

دیدگاه عبدالله ابن عمر بن خطّاب در تفضیل علی ﷺ

(۱۲) خلف بن خلیفه بیان کرد: از اباهارون عَبْدی شنیدم که گفت؛ با عبدالله بن عمر نشسته بودم، نافع بن ارزق به جمع ما پیوست. او با بی‌حیایی و گستاخی گفت: به خدا سوگند که من دشمن علی ﷺ هستم و کینهٔ او را در دل دارم.

ابن عمر گفت: ای نافع! خداوند دشمن تو باشد. **تَبْغُضُ رَجُلاً سابِقَةٌ مِنْ سَوابِقِهِ خیرٌ مِنَ الدُّنْیا وَ ما فِیها.**

با مردی دشمنی می‌کنی که یک سابقه از سوابق درخشان او از دنیا و ما فیها بالاتر و برتر است!

نظر عِکْرَمه مولی ابن عباس در تفضیل علی ﷺ

(۱۳) عِکْرَمه از ابن عبّاس چنین روایت کرده است:

مٰا فِی الْقُرآن آیةٌ؛ «اَلَّذِیْنَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحٰات» اِلاّ وَعَلیٌّ اَمیرُهٰا وشَرِیفُهٰا وَ مٰا مِنْ اَصْحٰاب محمّدﷺ رَجُلٌ اِلاّ وَقَدْ عٰاتَبَهُ اللهُ وَ مٰا ذَکَرَ علیّاً اِلاّ بِخیرٍ.

در قرآن کریم هر آیه‌ای با عنوان **اَلَّذِیْنَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحٰات** ذکر شده است. علی ﷺ امیر آن مؤمنان و شریف‌ترین آن صالحان است. و از اصحاب محمّد ﷺ کسی نیست که مورد عتاب خدای سبحان قرار نگرفته باشد، مگر علی بن ابی طالب ﷺ که همیشه به خیر و نیکویی توصیف شده است.

سپس عِکْرَمه گفت: در مناقب جلیله و فضایل کثیره علی ﷺ چیزهایی می‌دانم که اقطار زمین و آسمان تاب و تحمّل شنیدن آنها را ندارند.

نامه عایشه در فضایل علی ﷺ

(۱۴) عبدالله بن عبدالرّحمان، قاضی شهر ری نقل کرده که به ابی عبدالرّحمان گفتم: نامه‌ای از عایشه دریافت کردم که مناقب علی ﷺ را در آن نوشته است.

ابی عبدالرّحمان در جواب گفت: بدان عایشه هر قدر از فضایل علی ﷺ را یادآور شده باشد، بازهم، کم گفته است، چون فضایل آن حضرت بیشتر از آن است که قابل شمارش و نگارش باشد؛ اگر عایشه هم فضایلی را نقل کرده باشد، از دریا قطره‌ای و از خشکی ذره‌ای را متذکّر شده است.

فصل دوم

تقدّم و برتری علی ﷺ در تلاوت قرآن

(۱۵) عاصم از ابی عبدالرّحمان سلمی این روایت را ذکر کرده‌است:

«مَا رَأَيْتُ اَحَداً كَانَ اَقْرَأُ لِلْقُرانِ مِنْ عَلِيٍّ ﷺ

هیچ کسی را ندیدم در قرائت قرآن از علی ﷺ برتر و مقدم تر باشد.

سپس عاصم می‌گوید: ابوعبدالرّحمان قرائت قرآن را از علی ﷺ فرا گرفت.

(۱۶) ابی مالک از ابن عبّاس نقل می‌کند؛ عبدالرّحمان بن عوف چند تن از اصحاب رسول‌الله ﷺ را به نماز جماعت دعوت کرد، چون جمع شدند؛ علی ﷺ را امام جماعت خویش قرار دادند؛ زیرا آن حضرت قرآن را بهتر از دیگران قرائت می‌کرد.

(۱۷) ابن فُضَیل از عطاء و او از ابوعبدالرّحمان سلمی نقل کرده است:

مَا رَأَيْتُ اَحَداً اَقْرَأُ مِنْ عَلِيٍّ ﷺ.

احدی را قاری‌تر از علی بن ابی طالب ﷺ ندیدم یعنی هیچ کسی را ندیدیم قرآن را بهتر از علی ﷺ تلاوت کند.

(۱۸) یحیی بن آدم می‌گوید به ابی بکر بن عیّاش گفتم:

بعضی از مردم می‌گویند؛ علیﷇ قرائت قرآن را نمی‌داند یا نمی‌خواند.

در جواب گفت: هر کسی چنین گفت؛ دروغ گفته است. بلکه علیﷇ سر آمد قاریان قرآن است.

(۱۹) عاصم از ابی نجود و او از عبدالرّحمان سلمی چنین نقل می‌کند:

«مٰا رَأَیْتُ اَحَداً اَقْرأُ مِنْ علی بن ابی طالبﷇ»

هیچ کسی را در قرائت قرآن تواناتر از علیﷇ نیافتم.

(۲۰) ابی اسحاق از ابی الاحوص و او از عبدالله بن مسعود که از قاریان معروف قرآن است درباره علیﷇ چنین نقل کرده است:

«اَفْرَضُ اَهْلِ الْمَدینةِ وَ اَقْرأُوهٰا عَلیُّ بْنِ أَبي طٰالبﷇ»

داناترین و قاری‌ترین مردم مدینه، علی بن ابی طالب ﷇ بود.

(۲۱) عبدالله بن عباس گفت: عمر بن خطّاب همیشه می‌گفت:

«اَعْلَمُنٰا بِالْقَضٰاءِ وَأَقْرَؤُنٰا لِلْقُرآن علی بن ابی طالبﷇ»

داناترین فرد به علم قضاوت و قاری‌ترین شخص به قرآن علی بن ابی طالبﷇ است.

فصل سوم

سبقت بر یاران در جمع آوری قرآن

(۲۲) حسن بن دینار از قول ابن سیرین چنین روایت کرده است:

وقتی ابوبکر بر مسند خلافت نشست، و علیؑ خانه‌نشین شد، مردی مُغرِض به ابوبکر گفت: علیؑ از تو اکراه دارد.

ابوبکر، علیؑ را فرا خواند و گفت: آیا درست است که تو از من بیزاری و نسبت به من اکراه داری؟

علیؑ فرمود: من از تو اکراهی ندارم، امّا چون رسول اللهﷺ به ملکوت اعلیٰ پیوسته و قرآن جمع‌آوری نشده است می‌ترسم چیزی از قرآن کم یا زیاد شود؛ سوگند یاد کرده‌ام جز برای نماز از خانه بیرون نیایم تا قرآن را جمع آوری کنم.

ابوبکر گفت: اگر چنین است پس کاری نیکو انجام می‌دهی.

(۲۳) شُدیّ از عبد خیر نقل کرد:

چون علیؑ بعد از وفات نبیﷺ از بعضی مردم زمانه سبک عقلی و خیره‌سری مشاهده کرد. سوگند یاد کرد تا قرآن را جمع آوری نکند؛ ردا بر دوش نیندازد. پس در خانه نشست و قرآن را جمع آوری کرد.

پس آن حضرت نخستین کسی بود که قرآن را در مُصحف جمع آوری کرد و از قلبش به

صورت مکتوب در مُصحَف نگاشت. و مُصْحف علی ﷺ اکنون در نـزد آل جـعفر ﷺ موجود است.

(۲۴) ایوب از عِکرمه روایت کرد:

وقتی بعضی از مردم با ابوبکر بیعت کردند و او خلافت را به عهده گرفت. عـلی ﷺ در خانه نشست و از بیعت سرباز زد، عُمَر به سراغ علی ﷺ رفته با او ملاقات کرد و پرسید: یا علی! آیا از بیعت با ابوبکر تخلّف می‌کنی؟
علی ﷺ فرمود: بعد از وفات رسول الله ﷺ سوگند یاد کردم ردا بر دوش نگذارم مگـر برای نمازهای واجب تا قرآن را جمع آوری کنم، چون می‌ترسم در قرآن تقلّبی صورت گیرد و کلام الهی دست خوش تحریف شود.

(۲۵) سُدیّ از عَبْد خیر و او از یَمان روایت کرده است:

زمانی که رسول الله ﷺ به ملکوت اعلی پیوست علی ﷺ سوگند یاد کرد که ردا بر دوش نگذارد تا سر انجام تمامی سُوَر قرآن را جمع آوری کند و به صورت مُصْحف در آورد. و آن بزرگوار ردا بر دوش نگذاشت تا سرانجام قرآن شریف را جمع آوری کرد.

(۲۶) ابن عون از محمّد بن سیرین چنین نقل می‌کند که ابن سیرین گفت:

در مدینه بودم و از ملاقات ابوبکر با علی ﷺ با خبر شدم. ابوبکر به علی گفت یا علی! شنیدم از امارت و حکومت من اکراه داری؟!
علی ﷺ گفت: خیر؛ بلکه سوگند یاد کرده‌ام تا قرآن را جمع آوری نکـنم ردا بـر دوش نگذارم.

ابن سیرین ادامه داد و گفت:

علی ﷺ قرآن را با شأن نزول آیاتش مکتوب کرد که اگر آن قرآن به دست ما می‌رسید، به علم کثیر وحکمت‌های فراوان دسترسی پیدا می‌کردیم.

ابن سیرین می‌گوید از عِکْرَمه دربارهٔ آن قرآن پرسیدم که آن قرآن در کجاست؟ او ساکت شد و سخنی نگفت.

(۲۷) ایّوب از محمّدبن سیرین روایتی به این مضمون نقل می‌کند:

وقتی رسول‌الله ﷺ رحلت فرمود، علی ﷺ خانه‌نشینی را انتخاب کرد، و از خانه بیرون

نیامد. عدّه‌ای به ابوبکر گفتند، علی از خانه بیرون نمی‌آید. او حتماً به امارت و حکومت تو معترض است و از تو اکراه دارد.

ابوبکر، علی علیه السلام را فرا خواند و پرسید: یا علی علیه السلام! آیا از این که امارت وحکومت به دست من است اکراه داری؟

علی علیه السلام فرمود: از امارت تو کراهت ندارم امّا می‌ترسم قرآن دستخوش تحریف شود، لذا سوگند یاد کردم تا قرآن را جمع‌آوری نکنم، عبا و ردا بر دوش نگذارم و از منزل بیرون نیایم.

فصل چهارم

علی علیه السلام عالم‌ترین فرد به تفسیر و عارف‌ترین کس به تنزیل

(۲۸) اَبی طُفیل از انس بن مالک روایت کرده است که مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود:

عليٌّ يُعَلِّمُ النّاسَ بَعْدي مِنْ تَأْويلِ الْقُرآن ما لايَعْلَمُون

علی علیه السلام پس از وفات من تعلیم دهندهٔ تأویل قرآن به مردم است، در آنچه نمی‌دانند[1].

(۲۹) عُمَیر بن بشر خَثْعمی از قول عبدالله بن عمر چنین نقل کرده است:

عَليٌّ اَعْلَمُ النّاسِ بِما اَنْزَلَ اللهُ عَلیٰ محمّد صلی الله علیه و آله

علی بن ابی طالب علیه السلام عالم‌ترین و عارف‌ترین مردم به قرآن است.

(۳۰) سعیدبن حنظله از علقمة بن قیس روایت کرد؛ علی علیه السلام روزی در مسجد کوفه در خطبه‌ای فرمود:

سَلُوني يا اَهْلَ الْكُوفَةِ! قَبْلَ اَنْ لا تَسْأَلُوني فَوَالَّذي نَفْسي بِيَدِهِ ما نَزَلَتْ

---

۱. همین روایت را جماعتی از عبدالکریم نقل کردند.

آیَةٌ اِلاّ وَ اَنَا اَعْلَمُ بِها اَیْنَ نَزَلَتْ و فیمَنْ نَزَلَتْ. فی سَهْلٍ اَمْ فی جَبَلٍ اَوْ فی مَسیرٍ اَمْ فی مُقام.

ای اهل کوفه! از مسائل علمی و شرعی و حکمت‌های الهی از من بپرسید، قبل از آن که نتوانید از من سؤال کنید و من در میان شما نباشم. به خدایی که جان علی ﷺ در قبضه قدرت اوست، هیچ آیه‌ای نازل نشد مگر این که می‌دانم در کجا و برای چه کسی و برای چه چیزی نازل شده است. آیا در دشت نازل شده یا در کوه؟ در مسیر راه یا در منزلگاه؟ و می‌دانم در توبیخ یا تمجید چه کسی نازل شده است. پس از من درباره قرآن بپرسید تا دانا شوید.

(۳۱) وَهب بن عبدالله نقل کرد ابی طُفَیل گفت؛ علی ﷺ را در حال خطبه دیدم، می‌فرمود:

«سَلُونی فَوَاللهِ لاتَسْألُونی عَنْ شَیءٍ یَکُون اِلیٰ یَوْمِ القیامة اِلاّ حَدَّثْتُکُمْ بِهِ. سَلُونی عَنْ کتابِ اللهِ واللهِ ما مِنْ آیةٍ اِلاّ و انا اَعْلَمُ اَیْنَ نَـزَلَتْ، بِـلَیْلٍ او بنهارٍ، اَو بِسَهَلٍ نَزَلَتْ اَوْ فی جَبَلٍ».

ای مردم کوفه! از من سؤال‌های علمی کنید، به خدا سوگند! دربارهٔ هر چیزی که از حالا تا قیامت مسئله‌اش را بپرسید، خبرش را به شما می‌دهم.

ای مردم! از کتاب خدا، قرآن، بپرسید، آیه‌ای نیست مگر این که می‌دانم کجا و کی و چگونه و بر چه کسی و برای چه چیزی نازل شده و آیا در کوه یا در دشت نازل شده است؟!

(۳۲) ابی عبدالرّحمان سَلْمی چنین نقل کرده است: هیچ کسی را مثل علی ﷺ عالم به علم قرائت قرآن ندیدم، او بود که می‌فرمود:

«سَلُونی فَوَاللهِ لا تَسْألُونی عَنْ شَیءٍ مِن کِتابِ الله اِلاّ اُحَدِّثُکُمْ بِلَیْلٍ نَزَلَتْ اَمْ بِنَهارٍ اَوْ فی سَهْلٍ اَوْ فی جَبَلٍ».

بپرسید تا بگویم، از هر چه بپرسید، جواب عالمانه می‌گویم.

اگر از آیات ربّانی سؤال کنید، خبر از شأن نزول، زمان و مکان نزول آیات را به شما خواهم داد.

۳۳ سیدالشهداء، حسین بن علیﷺ بیان کرد؛ پدرم علیﷺ فرمود:

مٰا فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلاّ وَقَدْ قَرَأْتُهٰا عَلىٰ رَسُولَ اللهِ وَ عَلَّمَني مَعْنٰاهٰا.

در قرآن هیچ آیه‌ای نیست مگر این که آن را بـرای رسـول اللهﷺ قـرائت کـردم و آن حضرت معنا و تفسیرش را به من تعلیم داد.

۳۴ زیدبن علیﷺ از پدرش علی بن حسینﷺ و او از پدرش حسینﷺ نقل کرد که پدرم علیﷺ فرمود:

مٰا دَخَلَ نَوْمٌ عَيْني وَلاٰ غَمَضَ رَأْسي عَلىٰ عَهْدِ رَسُولِ اللهِ حَتّیٰ عَلِمْتُ ذٰلِكَ الْيَوْمَ مٰا نَزَلَ بِهِ جِبْرَئيلُ مِنْ حَلاٰلٍ اَوْ حَرٰامٍ اَوْ سُنَّةٍ اَوْكِتٰابٍ اَوْ اَمْرٍ اَوْ نَهْيٍ وَ في مَنْ نَزَلَتْ.

در عهد رسول الله، خواب به چشمم راه نمی‌یافت، مگـر آن کـه در آن روز عـلم پیدا می‌کردم که جبرئیل از حلال و حرام، از سنّت و کتاب، از امر و نهی چه چیزی را آورده و آیات در شأن چه کسی نازل شده است.

۳۵ زیدبن علیﷺ از پدر و جدّش نقل کرد که علیﷺ فرمود:

مٰا دَخَلَ عَيْني وَ لاٰ رَأْسي حَتّیٰ عَلِمْتُ......

هیچ شبی چشمم به خواب نمی‌رفت مگر این که علم و معرفت به آیات نازل شده در آن روز و از حلال وحرام، از امر و نهی، از سنّت و کتاب، از شأن نزول آیـات عـلم پـیدا می‌کردم، آن گاه می‌خوابیدم.

۳۶ ابوبکر بن عیّاش از ثویر بن ابی فاخته از پدرش نقل کرد که علیﷺ فرمود:

كٰانَ لي لِسٰانٌ سَؤُلٌ وَ قَلْبٌ عَقُولٌ وَ مٰا نَزَلَتْ آيَةٌ إِلاّ وَ قَدْ عَلِمْتُ فيمَ نَزَلَتْ وَ عَلىٰ مَنْ نَزَلَتْ وَ بِمَ اُنْزِلَتْ.

برای من زبانی گویا و قلبی عاقل قرار داده شد و هیچ آیه‌ای نازل نشد، مگر ایـن کـه می‌دانم درکجا و برای چه کسی و برای چه چیزی نازل شده است.

۳۷ سعیدبن حنظله از علقمة بن قیس چنین روایت می‌کند که علیﷺ می‌فرمود:

سَلُوني يٰا اَهْلَ الْكُوفَةِ! قَبْلَ اَنْ لاٰتَسْأَلُوني فَوَالَّذي نَفْسي بِيَدِهِ مٰا نَـزَلَت

آيَةٌ اِلاّ وَ اَنا اَعْلَم اَيْنَ نَزَلَتْ وَ فيمَنْ نَزَلَت أَفي سَهْلٍ اَمْ في جَبَلٍ اَمْ في مَسيرٍ اَمْ في مُقامٍ[1].

(۳۸) سلیمان احمسی از پدرش این روایت را نقل کرده است که علی علیه السلام فرمود:

وَاللهِ ما نَزَلَتْ آيَةٌ اِلاّ وَ قَدْ عَلِمْتُ فيما نَزَلَتْ وَ اَيْنَ نَزَلَتْ وَ عَلىٰ مَنْ نَزَلَتْ.

به خدا سوگند، آیه‌ای نازل نشد مگر این که می‌دانم دربارهٔ چه کسی و در کجا و برای چه چیزی نازل شده است.

سپس ادامه داد و فرمود: «لِأَنَّ اللهَ وَهَبَ لي قَلْباً عقولاً وَ لِساناً طلقاً؛

برای این که خدای حکیم، قلبی عاقل و زبانی گویا و آزاد، به من عنایت کرد.»

(۳۹) منهال بن عمرو از عباد بن عبدالله این روایت را نیز نقل کرده است که علی علیه السلام فرمود:

هیچ آیه‌ای نازل نشد مگر این که می‌دانم آن آیه در کوه یا در دشت، در شب و یا در روز نازل شده است و نیز می‌دانم هر آیه‌ای در شأن و منزلت یا مذمّت چه کسی نازل شده است.

(۴۰) عطاء از عایشه چنین نقل کرده است که عایشه گفت:

عَلِيٌّ اَعْلَمُ اَصْحابِ مُحَمَّد بِما اُنْزِلَ عَلىٰ مُحَمَّد.

علی علیه السلام عارف‌ترین و عالم‌ترین اصحاب نبی صلی الله علیه و آله به قرآن کریم است.

(۴۱) اَبان بن ابی عیّاش از سلیم بن قیس هلالی شنیده است که علی علیه السلام فرمود:

ما نَزَلَتْ عَلىٰ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله آيَةٌ اِلاّ اَقرأنيها عَلَيَّ فَاَكْتُبُها بِخَطّي وَ عَلَّمَني تَأويلَها و تَفْسيرَها وناسِخَها و مَنسوخَها و مُحكَمَها و مُتَشابِهَها، وَ دَعَاالله اَنْ يُعَلِّمَني فَهْمَها و حِفْظَها.

آیه‌ای نازل نمی‌شد مگر این که مصطفی صلی الله علیه و آله بر من قرائت می‌کرد و من آن را با خط خود می‌نوشتم، آن حضرت تأویل، تفسیر، ناسخ، منسوخ، محکم و متشابه آن آیات را به من

---

۱. ترجمه این کلام علی علیه السلام در شماره ۳۰ ذکر شد، مراجعه فرمایید.

آموخت و به برکت دعای مصطفی ﷺ حتی یک حرف را فراموش نکردم. و بر اثر دعای آن حضرت خدای سبحان فهم، حفظ و ضبط قرآن را به من عنایت کرد.

(۴۲) از قول شعبی نقل شده است:

علیّ‌ﷺ اعلم اصحاب به قرآن است[۱].

(۴۴) عبدالملک بن ابی سفیان گفت از عطا سؤال کردم، آیا در بین اصحاب و یاران مصطفی‌ﷺ کسی عالم‌تر از علی‌ﷺ یافت می‌شود. در جواب گفت:

به خدا سوگند کسی عالم‌تر از او نیست[۲].

(۴۶) محمّدبن فُضَیل می‌گوید از ابن شبرمة شنیدم که می‌گفت:

هیچ کسی را سراغ ندارم بر منبر بنشیند و بگوید. **سَلُونِي عَمَّا بَيْنَ اللَّوْحَيْنِ اِلاّ عليّ بن ابي طالب‌ﷺ.**
جز علی‌ﷺ کسی چنین ادعایی نکرد و نگفت؛ آنچه در قرآن است از من بپرسید.

(۴۷) از ابن شبرمه نیز شنیده شده که او گفته است:

مٰا كٰانَ اَحَدٌ يَقُومُ عَلَى الْمِنْبَرِ فَيَقُولُ سَلُونِي عَمّٰا بَيْنَ اللَّوْحِيْنِ اِلاّ عَلى بن ابي طٰالِب.

احدی بر منبر ننشست و نگفت، بپرسید از هر چه می‌خواهید مخصوصاً از قرآن بپرسید تا جواب بگویم مگر علی بن ابی طالب‌ﷺ[۳].

---

۱. روایت ۴۳ / شواهد التنزیل از عامر شعبی به همین معنی نقل شد.
۲. روایت ۴۵ / شواهد التنزیل از عبدالملک به همین معنی نقل شد.
۳. روایت ۴۸ / شواهد التنزیل از عبدالله حسین اَشْعَر به همین معنا نقل شده است.

فصل پنجم

کثرت آیات در شأن علی ﷺ و اولاد

(۴۸) سعیدبن جبیر از ابن عباس نقل می‌کند:

«مٰا نَزَلَ فِي اَحَدٍ مِنْ کِتٰابِ اللهِ مٰا نَزَلَ فِي عَلِيٍّ ﷺ»

برای هیچ کسی به اندازهٔ علی ﷺ در قرآن آیه نازل نشده است.

(۴۹) مجاهد می‌گوید:

نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ سَبعُون آيَةً لَمْ يَشْرِكْهُ فِيهٰا اَحَدٌ

در حقّ علی ﷺ هفتاد آیه نازل شده که هیچ کسی در آن دخالت و شرکت ندارد[1].

(۵۰) حفص بن غیاث از لیث و او از مجاهد چنین نقل کرده است:

مٰا اَنْزَلَ اللهُ آيَةً فِي الْقُرْآنِ اِلاّ عَلِيٌّ رَأْسُهٰا.

هیچ آیه‌ای در قرآن نازل نشده مگر این که علیّ ﷺ در رأس آن آیه بوده است.

(۵۳) ابن اسحاق می‌گوید یزید بن رومان گفت:

---

۱. روایت ۵۲ / شواهد التنزیل مجدداً از مجاهد با همین متن و لفظ نقل شد.

مٰا نَزَلَ فِی اَحَدٍ مِنَ الْقُرآنِ مٰا نَزَلَ عَلیٍّ بْن ابی‌طالِب

هر آیه‌ای که برای اصحاب نازل شده علی‌ؑ هم در آن آیه حظّی و شرکتی داشته است.

۵۴ محمّد بن اسحاق از یزید بن رومان چنین نقل می‌کند:

مٰا اَنْزِلَتْ فِي اَحَدٍ مٰا اَنْزَلَ فِي عليّ مِنَ الفَضْل فِي القُرآن

فضایلی که برای علیؑ در قرآن وارد و نازل شده برای احدی از صحابه وارد نشده است.

۵۵ عبدالرّحمان بن ابی لیلی می‌گوید:

لَقَدْ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ ثَمٰانُونَ آيَةً صَفْواً فِي كِتٰابِ اللهِ مٰا يَشْرِكُهُ اَحَدٌ مِنْ هٰذِهِ الْأُمَةِ.

هشتاد آیهٔ اختصاصی در قرآن کریم دربارهٔ فداکاری، عظمت و حقوق علیؑ نازل شده است که احدی از اصحاب مصطفیﷺ با علیؑ در آن آیات شریک نیست.

۵۶ علی بن حسینؑ فرمود:

نَزَلَ الْقُرآنُ عَلَيْنٰا وَ لَنٰا كَرٰائِمُهُ.

قرآن برای ما نازل شد و کرائم قرآن برای ما اهل‌بیت است.

۵۷ ابن عبّاس نقل می‌کند، روزی از روزها نبیﷺ دست من و علیؑ را گرفته، به ثُبیر برد. ابتدا دو رکعت نماز گزارد، سپس دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

خدایا! موسی بن عمران از تو خواهشی کرد و من محمّد که برگزیدهٔ توأم، از تو می‌خواهم به من شرح صدر عنایت فرمایی و کارهایم را آسان گردانی و زبانی گویا و ناطق به من مرحمت فرمایی تا عرب و عجم سخنم را بفهمند. بعد فرمود:

وَاجْعَل لِي وَزِيراً مِنْ اَهْلِي عَلِيَّ بْن اَبِي طالبؑ اَخِي اُشْدُدْ بِهِ اَزْرِي وَاشْرِكهُ فِي اَمرِي.

خدایا! وزیر و معاونی مثل علی‌بن ابی طالبؑ که از اهل بیت و برادر من است برایم قرار ده، تا پشتوانهٔ من در غم‌ها و گرفتاری‌ها و شریک در کارهایم باشد.

ابن عباس ادامه می‌دهد: در پایان سخنان مصطفی ﷺ شنیدم که مُنادی ندا داد، یا محمد! آنچه خواستی به تو عطا کردم، آن گاه نبی الله ﷺ به علی ﷺ فرمود:

یا اباالحسن! دستت را به آسمان بلند کن و از خدایت درخواست کن تا آنچه را خواسته باشی به تو عنایت فرماید.

علی ﷺ دست را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

اَللّٰهُمَّ اجْعَل لِي عِنْدَکَ عَهْداً وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَکَ وُدّاً.

و خدای سبحان آیهٔ شریفهٔ «**اِنَّ الَّذِیْنَ آمَنُوا و عَمِلُوا الصَّالِحَات سَیَجْعَل لَهُم الرَّحمٰان وُدّاً**» را نازل کرد.

سپس نبیّ ﷺ آن آیه را برای اصحاب خویش تلاوت کرد.

وقتی اصحاب از این صحنه تعجّب کردند، رسول الله ﷺ فرمود:

ای یاران! از چه چیزی تعجّب می‌کنید؟! بدانید آیات قرآن چهار قسمت است. یک قسمت مختص ما اهل بیت است و یک قسمت اختصاص به مذمّت دشمنان ما دارد. و یک چهارم در بارهٔ حلال و حرام و یک چهارم باقی مانده در واجبات و فرایض است. خدای رحمان در بارهٔ علی ﷺ کرائم قرآن را نازل فرمود.

(۵۸) زکریا بن میسره از اصبغ بن نباته نقل می‌کند که علی ﷺ فرمود:

آیات قرآن چهار قسمت است؛ یک قسمت آن که یک چهارم قرآن است در شأن ما نازل شد و یک چهارم دیگر آن دربارهٔ دشمنان ما و توبیخ آنان وارد شده است. یک چهارم قرآن هم در تفسیر سُنن و بیان مثال و داستان گذشتگان و انبیا نازل شده است. یک چهارم دیگر قرآن در بیان فرایض شرعی و واجبات الهی است. امّا آن ربعی که در شأن ماست از کرائم قرآن است[۱].

(۵۹) ابو حمزه ثُمالی از اَبی یَحْییٰ (زکریا بن میسره) نقل کرده است امیرالمؤمنین علی ﷺ فرمود:

نَزَلَ الْقُرآنُ اَثلاثاً؛ ثُلْثٌ فِینا وَ ثُلْثٌ فی عَدُوِّنا وَ ثُلثٌ فَرائِضُ وَ اَحْکَامٌ وَ

---

۱. این حدیث را جماعتی دیگر از محمدبن حسن روایت کردند (همان طوری که از زکریا بن میسره نقل شد.)

سُنَنٌ وَ أمْثالٌ.

آيات قرآن به سه قسمت تقسيم می‌شود؛ يک ثُلث در شأن ما اهل بيت است و يک ثلث در توبيخ و مذمّت دشمنان ماست. و ثلث ديگر در توضيح و تبيين واجبات و احکام و سنن وامثال است.

(۶۰) حسين بن سليمان از ابی جارود و او از اصبغ بن نباته نقل کرده است که علی ﷺ فرمود:

نَزَلَ الْقُرآن اَرْبَعَةَ اَرْباعٍ، رُبعٌ فِينا وَ رُبعٌ فِي عَدُوِّنا وَ رُبْعٌ حَلالٌ وَ حَرامٌ وَ رُبعٌ فَرائضُ وَ احكامٌ وَلنا كرائم القُرآن.

قرآن در چهار قسمت نازل شده است: يک چهارم در شأن ما اهل بيت،يک ربع دربارهٔ دشمنان، يک ربع در تبيين حلال و حرام و ربع آخر در توضيح فرايض و احکام است، ولی آن بخشی که مربوط به ماست از کرائم قرآن است[1].

(۶۲) حبيب بن ابی ثابت گفت: يوسف بن ماهک برای ما طعامی مهيّا کرد در حالی که مجاهد، طاوس و عطا همراه من بودند. مجاهد لب به سخن گشود و گفت:

لَقَدْ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ سَبْعُونَ آيَةً ما شَرِكَهُ فِيها أحَدٍ.

در شأن اميرالمؤمنين علی ﷺ هفتاد آيه نازل شده که هيچ کسی در آن آيه‌ها با علی ﷺ شرکت ندارد.

(۶۳) عُبيدالله بن موسی از عبدالعزيزبن سيابه نقل کرده است.

جماعتی از محدثان و مفسران با يکديگر سخن می‌گفتند. در آن ميان مجاهد گفت:

لَقَدْ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ سَبْعُونَ آيَةً ما شَرِكَهُ فِيها أحَدٍ.

ای دوستان! بدانيد هفتاد آيه درباره علی بن ابی طالب ﷺ نازل شده است که احدی در آنها با علی ﷺ شريک نيست.[2]

---

۱. روايت ۶۱ /شواهد التنزيل از نصربن مزاحم از اصبغ نباتة با همين مضمون ومحتوا نقل شده است.

۲. روايت شماره ۶۴ / شواهد التنزيل از ابوعبدالله حسين بن حکم حِبری در کتاب تفسيرش از مالک بن اسماعيل به همين معنی نقل شد.

(۶۵) حسین بن سلیمان از ابی جارود و او از اَصْبغ بن نُباته روایت کرده که علی﷣ فرمود:

نَزَلَ الْقُرآنُ أَرْبعةَ أرْباعٍ، رُبْعٌ فینا، وَ رُبْعٌ فی عَدُوِّنا وَ رُبْعٌ حَلالٌ وَ حَرامٌ وَ رُبعٌ فَرائضُ وَ أَحْكامٌ، و لَنا كَرائِمُ الْقُرآن.

قرآن شریف در چهار قسمت نازل شد. یک چهارم در شأن ما، یک چهارم دربارهٔ دشمنان ما و یک چهارم در تبیین حلال و حرام و یک چهارم در تشریع احکام و وجوب فرایض است و کرائم قرآن برای ماست[1].

---

۱. روایت ۶۶ / شواهد التنزیل در مورد کثرت آیات نازله است و بیان می‌کند در قرآن برای هر حادثه‌ای آیه‌ای نازل شد.

فصل ششم

معنای «يا اَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا» چیست؟

در هفتاد مَوْضعِ از قرآن شریف، آیه کریمه «**يا أيّها الّذين آمَنوا**» نازل شده است؛ در شرح و توضیح این آیهٔ شریفه روایاتی ذکر شده که نقل می‌شود تا شأن و منزلت علی﷼ بیشتر شناخته شود.

(۶۷) زَیْدِبن وَهَبْ از حُذیفة بن یَمان نقل کرده است که طایفه‌ای از مردم با هم مذاکره می‌کردند و می‌گفتند:

هر آیه‌ای از قرآن با خطاب «**يا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا**» نازل شده خطاب به اصحاب محمدﷺ است.

حُذَیْفه گفت: ای دوستان! بدانید هر آیه‌ای که با خطاب «**يا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا**» نازل شده علی﷼ لُبّ و لباب آن است[1].

(۷۰) علی بن بذیمه از عِکْرَمه نقل می‌کند که عبدالله بن عباس گفت:

---

۱. روات رقم ۶۸ و ۶۹ / شواهد التنزیل از قول راویان دیگری مثل روایت ۶۷ از حُذیفة بن یمان نقل شد.

مٰا أَنْزَلَ اللهُ فِي الْقُرآنِ آيَةَ «يٰا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا» إِلاّ كٰانَ عَـلِيٌّ أَمـيرَهٰا وَ شَرِيفَهٰا، وَلَقَدْ عٰاتَبَ اللهُ أَصْحٰابَ مُحَمَّدٍ وَ لَمْ يَذْكُرْ عَلِيّاً إِلاّ بِخَيْرٍ.

هیچ آیه‌ای در قرآن با خطاب «**يٰا أَيُّها الَّذِيْنَ آمَنُوا**» شروع نشده، مگر این که علی ﷺ امیر و سرآمد آن مؤمنان است. بدانید که خدای محمد ﷺ همهٔ اصحاب او را مورد عتاب و سرزنش قرار داده مگر علی ﷺ را و از علی ﷺ همیشه با نیکی یاد کرده است[1].

(۷۴) عِکرمه از ابن عبّاس روایت کرده است:

مٰا ذَكَرَ اللهُ فِي الْقُرآن؛ (يٰا أيُّها الَّذِيْنَ آمَنُوا) إِلاّ وَ عَلِيٌّ شَرِيفُها وَ أَمـيرُهٰا وَلَقَدْ عٰاتَبَ اللهُ أَصْحٰابَ مُحَمَّدٍ فِي آيٍ مِنَ الْقُرآن وَ مٰا ذَكَرَ عَلِيّاً إِلاّ بِخيرٍ.

هیچ جای قرآن «يٰا ايُّها الَّذِينَ آمَنُوا» ذکر نشده مگر این که علی ﷺ امیر و شریف آنان است و خدای جبّار اصحاب مصطفی ﷺ را در قرآن مورد عتاب قرار داد. ولی علی ﷺ را در قرآن جز به نیکی یاد نکرده است.

(۷۵) عکرمه از ابن عباس نقل کرده است:

مٰا فِي الْقُرآن آيَة (يٰا ايُّها الَّذِينَ آمَنُوا) إِلاّ عَلِيٌّ سَيِّدُهٰا وَ أَميرُها وَ شَرِيفُها و...

هر آیه کریمه‌ای که با خطاب «**يا ايُّها الذين آمَنُوا**» در قرآن عظیم نازل شده علی بن ابی طالب ﷺ به عنوان امیر و شریف و سیّد آنان مورد خطاب خدای سبحان قرار گرفته است. هیچ یک از اصحاب مصطفی ﷺ نیست که مورد عتاب و سرزنش قرآن واقع نشده باشد، به جز علی ﷺ که در هیچ جا مورد معاتبه قرار نگرفته است.

(۷۶) عیسی بن راشد از علی بن بذیمة و او از عِکرمه نقل کرده است که ابن عبّاس شاگرد نمونه علی ﷺ گفت:

مٰا نَزَلَ فِي الْقُرآن (يٰا ايُّها الَّذِينَ آمَنُوا) إِلاّ عليٌّ اميرُها و شَرِيفُها لَقَدْ عَاتَب اللهُ الْمُؤمنين في الْقُرآن فِي غَيْرِ آية مٰا فِيهم عليّ.

---

۱. روایت رقم ۷۳، ۷۲، ۷۱ / شواهد التنزیل مثل همین روایت از ابن عباس نقل شده است.

هر آیه‌ای با کلمات مبارک «یا ایّها الَّذینَ آمَنوا» نازل شد. علی ﷺ امیر و شریف آن جماعت مؤمنان است. خدای منّان در آیات متعددی مؤمنان را مورد عتاب و سرزنش قرار داد جز علی ﷺ راکه او هرگز مورد مؤاخذه و معاتبه واقع نشد.

(۷۷) همچنین از علی بن بذیمة از عِکرمه و او هم از ابن عباس نقل کرده است:

مٰا اَنْزَلَ الله قطّ (يا ايّها الَّذينَ آمَنُوا) اِلاّ عَلِيٌّ أَميرُهٰا وَ شَريفُهٰا، ولَقَدْ عٰاتَبَ اللهُ أَصْحٰابَ مُحَمَّدٍ ﷺ في غَيرِ مَكٰانٍ وَ مٰا ذَكَرَ عَليّاً اِلاّ بِخَيْرٍ.[1]

(۷۸) مجاهد از ابن عبّاس این چنین نقل کرده است:[2]

مٰا اَنْزَلَ الله آية: (يا ايُّها الَّذِيْنَ آمَنُوا) و عَلِيٌّ رأسُها واميرُها.

هر جایی آیهٔ «یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنوا» نازل شده علی ﷺ امیر و رئیس مؤمنان است.

(۸۱) مجاهد از عبدالله بن عبّاس چنین روایت کرده است :

مٰا اَنْزَلَ الله في القُرآن (يا اَيُّها الَّذِينَ آمَنُوا) اِلاّ كٰانَ علِيٌّ أميرَهٰا وَ شَرِيفَهٰا لِاَنَّهُ اَوَّلُ المُؤمِنينَ ايماناً.

هیچ آیه ای در قرآن با خطاب «یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنوا» نازل نشده مگر این که علی ﷺ امیر و شریف آن مؤمنین است چون او اوّلین اسلام آورنده و نخستین مؤمن به دین اسلام و آیین محمّد ﷺ و کتاب خدا بود.

(۸۲) جماعتی از عیسی بن راشد این حدیث را نقل کرده‌اند:

مٰا اَنْزَلَ اللهُ في القُرآنِ (يا اَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا) اِلاّ عَلِيٌّ اَميرُها وَشَريفُهٰا، وَلَقَدْ عٰاتَبَ اللهُ اَصْحٰابَ محمّدٍ ﷺ في غَيْرِ آيَةٍ مِنَ القُرآنِ وَ مٰا ذَكَرَ عَلِيّاً اِلاّ بِخَيْرٍ.

هیچ آیه‌ای با الفاظ «یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنوا» نازل نشد مگر این که علی ﷺ امیر آن مؤمنان و شریف ترین آنان است. خدای سبحان، اصحاب محمد ﷺ را در آیات متعدّدی مورد عتاب و سرزنش قرار داد، ولی علی ﷺ را همیشه به نیکی و خیر یاد کرده است .

---

۱. ترجمه این گفتار مشابه ترجمه روایت شماره ۷۶ / شواهد التنزیل است.

۲. روایت شماره ۷۹، ۸۰ / شواهد التنزیل هم از ابن عباس با همین الفاظ نقل شد.

(۸۳) محمدبن مروان از جعفربن محمد و او از ابن عباس شاگرد تفسیری علی ؑ نقل کرده است:

مٰا ذَکَرَ اللهُ فِی کِتٰابِهِ؛ (یا ایُّها الَّذِیْنَ آمَنُوا) اِلاّ وَ عَلِیٌّ اَمیرُها.

خدای سبحان در کتابش هرگاه آیه شریفه «یٰا أَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا» را ذکر فرمود؛ علی بن ابی طالب ؑ به عنوان امیرالمؤمنین آن آیه شریفه است.

(۸۴) عبدالله بن خراش از عوام بن حوشب و او از مجاهد روایت کرده است:

مٰا کٰانَ فِی الْقُرآن (یا ایُّها الَّذِیْنَ آمَنُوا) فَاِنَّ لِعَلیٍّ سابِقَةَ ذٰلِک وَ فَضیلَتَهُ.

هر موضعی در قرآن عظیم آیه «یا ایُّها الَّذِینَ آمَنُوا» ذکر شده است علی بن ابی طالب ؑ اوّلین و با سابقه‌ترین مؤمنان و با فضیلت‌ترین آنان است.

(۸۵) عبدالله بن خراش در مقام علی ؑ از عوام و او از مجاهد چنین روایت کرده است:

کُلُّ شیءٍ فِی الْقُرآن (یا ایُّها الَّذِین آمَنُوا) فَاِنَّ لِعَلیٍّ سَبْقَهُ وَ فَضْلَهُ.

هر جا آیه «یا ایُّها الَّذِینَ آمَنُوا» در قرآن نازل شده، علی ؑ را سبقت و فضیلت بر همه آن مؤمنان است.

شواهد قرآنی
در فضایل
علی و اهل بیت علیهم السلام

۱ اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیم. (حمد / ۶)

(خدایا) ما را به راه راست راهبر باش.

(۸۶) حاکم پدر ابومحمّد عبدالله بن احمد با سلسله سند از ابی بریدة در تفسیر آیه شریفه (اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُستَقِیم) نقل می‌کند که صراط مستقیم یعنی صراط مصطفی ﷺ و صراط اهل بیت مصطفی ﷺ.

(۸۷) عبدالله بن عباس شاگرد علی ؑ در تفسیر آیه «اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُستَقِیم» گفته است: ای بندگان خدا! بگویید اِهْدِنا به حُبّ نبیّ ﷺ و اهل بیت گرامی‌اش.

(۸۸) سعید بن جُبَیر از ابن عباس نقل کرده که رسول الله ﷺ فرمود؛

یَا علیُّ! اَنْتَ طَرِیقُ الْوَاضِحُ وَ اَنْتَ الصِّراطُ الْمُستَقِیمُ وَ اَنْتَ یَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِین.

«یا علی تو طریق آشکار و صراط مستقیم و سرکردهٔ مؤمنان هستی»

(۸۹) جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید؛ پیامبر گرامی ﷺ فرمود؛

اِنَّ اللهَ جَعَلَ عَلِیّاً وَ زَوْجَتَه وَ اَبْنَائَهُ حُجَجَ اللهِ عَلیٰ خَلْقِهِ وَ هُمْ اَبْوابُ الْعِلْمِ

فِي أُمَّتي؛ مَنْ اهْتَدىٰ بِهِم هَدىٰ الي صِراطٍ مُسْتقِيم.

خدای سبحان؛ علیﷺ و همسر و فرزندانش را حجّت‌های خود بر مردم قرار داده است و آنان باب‌های علم برای اُمّت من هستند. هر کسی در جُست و جوی هدایت توسط آنان باشد. به صراط مستقیم هدایت می‌یابد.

(۹۰) ابی جعفر الباقرﷺ از پدر و او از جدش نقل کرده است که رسول اللهﷺ فرمود:

مَنْ سَرَّهُ (مَنْ اَراد) اَنْ يَجُوزَ عَلىٰ الصِّراطِ كَالرّيحِ الْعاصِفْ وَ يَلِجُ الْجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ فَلْيَتَوَلَّ وَلِيِّ وَ وَصِيِّ وَ صاحِبي وَ خَلِيفَتي عَلىٰ اَهْلي عَلِيِّ بن ابی‌طالبﷺ و مَن ارادَ اَنْ يَلِجَ النّار. ...

هر کسی مشتاق است که از پل صراط مثل باد تند پاییزی بگذرد و خود را بدون حساب به بهشت جاویدان برساند، ولایت ولیّ و وصیّ و مصاحب و خلیفه من، علی بن ابی طالبﷺ را بپذیرد و بر دل بسپارد. و هر کسی می‌خواهد در آتش جهنّم سرنگون شود، ولایت علی بن‌ابی‌طالبﷺ را رها کند.

به عزّت و جلال پروردگارم سوگند، علیﷺ باب الله است، هیچ کسی وارد نمی‌شود، مگر از آن باب، و او صراط مستقیم است، علیﷺ آن کسی است که خداوند، در روز قیامت از ولایت او سؤال خواهد کرد.

(۹۱) جابربن عبدالله انصاری می‌گوید از رسول خداﷺ شنیدم که فرمود:

اِهْتَدُوا بالشَّمْسِ؛ فَاِذا غابَ الشَّمْسُ فَاهْتَدُوا بِالْقَمَر. فَاِذا غابَ القَمَرُ فَاهْتَدُوا بالزُّهرة. فَاِذا غابَتِ الزُّهرَةِ فَاهتَدُوا بِالفَرقَدين.

با نور خورشید دنبال هدایت و مطلوب خود باشید. اگر خورشید غایب شد، به وسیلهٔ ماه هدایت یابید. اگر ماه پنهان شد به وسیله ستاره زُهره، راه را بیابید. اگر زُهره ناپدید شد به وسیلهٔ فرقدین به دنبال هدایت باشید.

سؤال شد یا رسول الله! شمس، قمر، زهره و فرقدان را نمی‌شناسیم بیان فرمایید تا بدانیم اینان کیستند؟ حضرت فرمود:

من خورشید هدایتم، علیﷺ قمر عالمتاب است، فاطمهﷺ ستاره نورانی در شب ظلمانی است، حسن و حسینﷺ هم فرقدان این جهان هستند.

(۹۲) سلام بن مُستَنیر جُعْفی می‌گوید، روزی در منزل امام باقر﷣ به خدمت آن بزرگوار رسیدم و عرض کردم، فدایت شوم، سؤالی دارم اگر مشقت ندارد جواب دهید.

حضرت فرمود: از هر چه دوست داری سؤال کن.

گفتم: اجازه می‌فرمایی از مسائل قرآن بپرسم!

فرمود: سؤال کن!

پرسیدم معنی آیهٔ شریفه (**هذا صِراطٌ علیَّ مُستقیم**)[1] چیست ؟

فرمود: آن صراطِ علی بن ابی طالب﷣ است.

پرسیدم: آیا صراط علی بن ابی طالب﷣ منظورتان است.

دوباره بیان فرمود: بلی،آن صراط علی بن ابی طالب﷣ است[2].

(۹۳) عبدالله بن سلیمان نقل می‌کند، از ابی عبدالله﷣ سؤال کردم،منظور از برهان و نور در کلام خداوند: «**قَدْ جاءَکُم بُرهانٌ مِنْ رَبِّکم وَ اَنْزَلنا اِلَیکُم نوراً مُبِیناً**» یعنی چه؟

آن بزرگوار فرمود: منظور از برهان، محمدﷺ و منظور از نور، علی بن ابی‌طالب﷣ است. و همچنین منظور از صراط مستقیم، علی﷣ است[3].

(۹۵) ابوبصیر نقل می‌کند از ابی عبدالله﷣ پرسیدم، صراطی را که ابلیس گفت: **لَاَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَکَ الْمُستَقِیم**. منظور کدام راه و صراط است.

آن حضرت فرمود: منظور از صراط مستقیم، صراط علی﷣ است.

(۹۶) عبدالله بن ابی جعفر از برادرش نقل می‌کند؛

«**هذا صِراطٌ عَلیَّ مُستَقِیم**» یعنی صراط امیرالمؤمنین علی﷣.

(۹۷) حُذیفة بن یمان می‌گوید از پیامبرﷺ شنیدم فرمود:

---

۱. فجر / ۴۰

۲. شواهد التنزیل ج ۱ ص ۷۸.

۳. روایت رقم ۹۴ / شواهد التنزیل از قول ابی جعفر﷣ نقل شد که آل محمدﷺ صراط مستقیم الهی هستند که خداوند بندگانش را به این صراط راهنمایی کرده است.

اگر ابوبکر را به ولایت و امارت انتخاب کنم، هر چند زاهد در دنیا و راغب به آخرت است امّا ضعیف است و توانایی جسمی ندارد. اگر عُمر را بر این کار بگمارم قوی و امین است، ولی از ملامت و انتقاد ابایی ندارد.
امّا اگر علی بن ابی طالبؑ را ولایت دهم شما را به صراط مستقیم هدایت می‌کند و به مقصد نهایی می‌رساند[1].

(۱۰۱) حُذیفة بن یَمان از پیامبرﷺ نقل کرد که آن حضرت فرمود:

«وَ اِنْ تَوَلَّوا عَلِيّاً تَجِدُوهُ هادِياً مَهْدِيّاً يَسْلُكُ بِكُمُ الطَّرِيقَ الْمُسْتَقِيم»

ای مردم! اگر علیؑ را به ولایت انتخاب کنید، او را هادی و مهدی خویش می‌یابید، و شما را به طریق مستقیم سوق می‌دهد[2].

(۱۰۲) ابی‌یقظان از ابی‌وائل و او از حُذیفة بن یمان روایت کرد که پیامبر گرامیﷺ فرمود:

اِنْ تَوَلَّوا عَلِيّاً ـ وَلَنْ تَفْعَلُوا ـ تَجِدُوهُ هادِياً مَهْدِيّاً يَسْلُكُ بِكُمُ الطَّرِيق الْمُسْتَقِيم.

اگر ولایت علی بن ابی طالبؑ را بپذیرید ـ که نمی‌پذیرید ـ او را هادی و مهدی می‌یابید، شما را به طریق مستقیم سیر می‌دهد. که هرگز گمراهی در آن نباشد[3].

(۱۰۵) عبدالرحمن بن زید بن اسلم می‌گوید از پدرم درباره آیه شریفه **(صِراطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِم)** سؤال کردم،

پدرم گفت: آن صراطِ نبیﷺ و پیروانش و همچنین صراط علیؑ و شیعیانش است که خدای منّان به آنان نعمتِ هدایت را عنایت فرمود.

۱. روایت‌های ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ / شواهد التنزیل با الفاظ مختلف ولی به یک مفهوم و مضمون نقل شده است.

۲. شواهد التنزیل ج ۱ ص ۸۳

۳. روایت ۱۰۳ و ۱۰۴ / شواهد التنزیل به همین معنی و مضمون نقل شد.

۲ الٓمٓ * ذٰلِكَ الْكِتَابُ لَارَيْبَ فِيهِ هُدىً لِلْمُتَّقِينَ. (بقره/۲)

الف، لام، میم* این است کتابی که در (حقّانیت) آن هیچ تردیدی نیست؛ ومایهٔ هدایت تقوا پیشگان است.

(۱۰۶) ابی صالح از مقاتل و او از ضحّاک نقل می‌کند که از عبدالله بن عباس شاگرد تفسیری امیرالمؤمنین علی ﷺ از تفسیر آیه «**ذٰلِک الِکتاب لارَیْبَ فِیه هُدیً لِلمُتّقین**» پرسیدیم.

او در جواب گفت:

شک نیست که قرآن از جانب خدای رحمان است، و در قرآن **هُدیٰ** یعنی هدایت و نور برای متقین است.

و بدانید، علی بن ابی طالب ﷺ که حتی در یک چشم بهم زدن مشرک نشد، و بُت را نپرستید و عبادت خالص را برای خدای سبحان به جای آورد. از متقین است. او و شیعیان حقیقی‌اش بدون حساب وارد بهشت می‌شوند[1].

۳ أُولٰئِکَ عَلَی هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولٰئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (بقره/۵)

آنهایند که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگاران‌اند.

سؤال این است که **مُفلِحُون**، در آیه چه کس یا کسانی هستند؛ سه روایت در تفسیر و تعیین مصداق آیه فوق وارد شده است.

(۱۰۷) عیسی بن عبدالله بن محمدبن عُمر بن علی بن ابی طالب ﷺ از پدرش و پدرش از جدّش و او از علی بن ابی طالب ﷺ نقل کرده است که علی ﷺ فرمود:

---

۱. شواهد التنزیل ج۱ ص ۸۶

روزی سلمان فارسی گفت: یا علیؑ! هرگاه، به خدمت پیامبر وارد می‌شدم، آن حضرت دست بر کتفم می‌گذاشت و می‌فرمود: یا سلمان! **هَذَا وَ حِزْبُهُ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.**
ای سلمان! این مرد (علیؑ) و حزبش از رستگاران اند[1].

(۱۰۸) عمربن علی بن ابی طالب می‌گوید؛ از پدرم امیرالمؤمنین علیؑ شنیدم که فرمود:

سلمان فارسی رو به من کرد و گفت: یا اباالحسن! هر بار که نزد رسول خدا بودم و شما وارد مجلس پیامبرﷺ می‌شدید، مصطفیﷺ می‌فرمود: **یَا سَلْمان! هَذَا وَ حِزْبُهُ هُمُ الْمُفْلِحُونَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ.**
ای سلمان! این مرد و حزبش در روز قیامت از رستگاران‌اند.

(۱۰۹) عیسی بن عبدالله بن عبیدالله بن عمر بن علی بن ابی طالبؑ می‌گوید: پدرم از پدرش، و او از جدش نقل کرده است که امیرالمؤمنین علیؑ فرمود:

سلمان فارسی به من گفت یا علی! هرگاه به حضور پیامبرﷺ می‌رسیدم ، آن حضرت دستش را به شانه‌ام می‌گذاشت و می‌فرمود؛ ای سلمان! این شخصیت و شیعیان وحزبش از رستگاران عالم‌اند.

(۱۱۰) عیسی بن عبدالله از زبان پدر و جدّش نقل کرده که؛ علی بن ابی طالبؑ فرمود؛ سلمان فارسی گفت:

فَلَمّا اطلعتُ عَلیٰ رَسُول اللهﷺ وَ اَنَا مَعَه اِلاّ ضَرَبَ بَیْنَ کتفی وَ قَال: یا سلمان! هٰذا وَحِزْبُهُ الْمُفْلِحُون.

یا علی! هرگاه در خدمت مصطفیﷺ بودم و تو از بیرون به حضور آن حضرت می‌رسیدی. رسول اللهﷺ دست بر شانه‌ام می‌زد و می‌فرمود: ای سلمان! این شخصیت و حزبش از رستگاران و مفلحان هستند.

---

۱. شواهد التنزیل ج۱ ص ۸۹

۴ **وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ.**(بقره / ۱۳)

و چون به آنان گفته شود: همان گونه که مردم ایمان آوردند، شما هم ایمان بیاورید.

(۱۱۱) مصادیق جمله مبارک **آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاس** چه کسانی هستند.

از عبدالله بن عباس درباره کلام خدای تعالی: «**آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاس**» سؤال شد.

ابن عباس در جواب پاسخ داد، آنان علی بن ابی طالب‌ﷺ، جعفر طیّار، حمزه سیدالشهدا، سلمان، ابوذر، عمّار، مقداد، حُذیفَة بن یَمان و امثال این جماعت از مؤمنان راستین هستند.

۵ **وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا.**(بقره /۱۴)

و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می‌گویند ایمان آوردیم.

(۱۱۲) شأن نزول این آیهٔ شریفه را عبدالله بن ثابت مقری از پدرش و پدرش از هذیل و او از مقاتل و او از محمدبن حنفیّه فرزند علی‌ﷺ چنین بیان می‌کند:

روزی پدرم امیرالمؤمنین علی‌ﷺ با اصحابش؛ سلمان فارسی، عمّار، صهیب، مقداد و ابوذر از بیرون، وارد شهر مدینه می‌شدند که با عبدالله بن اُبی بن سلول سر کردهٔ منافقین مدینه و پیروانش روبه‌رو شدند.

چون علی‌ﷺ نزدیک شد، عبدالله بن اُبی، زبان نفاق گشاد و گفت: **مَرْحَبا بِسِيِّدِ بَنِي هاشِم، وَصِيِّ رَسول الله وَ أَخيهِ وَ خَتَنه و أَبِي السِّبْطَيْن الْباذِل لَهُ مالَهُ ونَفسَهَ.**

علی‌ﷺ فرمود: وای بر تو ای ابن اُبی! ولی من گواهی می‌دهم تو منافقی بی دین هستی.

ابن اُبی گفت: یا علی! آیا این سخنان را درباره من می‌گویی! به خدا سوگند، من

مؤمنی مثل تو و یارانت هستم.

علی﷣ فرمود: ای ابن أُبی! مادرت به عزایت بنشیند. یقین می‌دانم تو منافق بی‌دینی هستی.

عبدالله بن أُبی به نزد رسول خداﷺ آمد و از آنچه بین او و پدرم علی﷣ گذشته بود، اظهار ناراحتی کرد.

ابن أُبی هنوز در مجلس رسول خدا بود که آیهٔ شریفهٔ «**وَإِذَا لَقُوا الَّذِيْنَ آمَنُوا**»نازل شد.

یعنی ابن أُبی هرگاه امیرالمؤمنین علی﷣ را که مؤمن و تصدیق کنندهٔ قرآن است ملاقات کند می‌گوید: «**قالوا آمنّا**» یعنی به محمدﷺ و قرآن عظیم ایمان راستین داریم.

همین‌ها وقتی دوستان منافق و شیاطین خود را می‌بینند اظهار می‌دارند، ما در کفر و شرک با شما هستیم، «**وإنّما نحنُ مُستَهزِئوْنَ**» ما علی﷣ و یارانش را استهزا می‌کنیم.

خداوند فرمود: «**اللهُ يَسْتَهْزِءُ بِهِم**» خدای تعالی در پاسخ استهزاء به علی﷣ و یارانش، آنان را در آخرت عذابی دردناک و مجازاتی سخت می‌نماید.

۶ **وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوْا الصَّالِحَات اَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ.** (بقره / ۲۵)

و کسانی را که ایمان آورده‌اند، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود.

(۱۱۳) از ابن عباس با سلسله سند طولانی آن نقل شده است: آنچه از قرآن به‌طور خاص در حق رسول اللهﷺ و علی﷣ و اهل بیتش نازل شد. آیهٔ شریفهٔ (**وَ بَشِّرِ الَّذِيْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَات**) است. که در شأن علی بن ابی طالب﷣ و حمزه سیدالشهدا و جعفر طیّار و عبیدة بن حارث بن عبدالمطلب نازل شده است.

۷ وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِيفَةً. (بقره/ ۳۰)

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت.

(۱۱۴) خدای تعالی فرمود: «**إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِيفَةً**» «من روی زمین خلیفه و جانشین برگزیدم». سؤال اینجاست این خلفا و برگزیدگان چه کسانی هستند؟!

از عبدالله بن مسعود روایتی نقل شده است که در قرآن، خلافت از جانب خداوند برای سه نفر واقع شده است:

اول ـ خلافت برای آدم(ع) به دلیل قول خدای تعالی در آیه: **وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِيفَةً.**

دوم ـ خلافت برای داود(ع) طبق آیهٔ «**يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ**»[1].

ای داود! خلافت سرزمین بیت المقدس را برای تو قرار دادیم.

سوم ـ خلافت برای مولای متقیان، امیرالمؤمنین علی(ع) است، بر اساس آیه «**لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ**»[2] آن حضرت خلیفه خداوند مثل آن دو نفر (آدم و داود) بر روی زمین است.

(۱۱۵) سفیان ثوری از منصور و او از مجاهد نقل کرده است که سلمان فارسی گفت: روزی در خدمت محمّد مصطفی(ص) بودم، آن حضرت فرمود:

ای مردم! بدانید، وصی و خلیفه و بهترین کسی که بعد از من، دَین مرا ادا کند و وعده‌های مرا عمل نماید پسر عمّ من علی بن ابی طالب(ع) است.

۱. سوره ص /۲۶
۲. نور / ۵۵

۸ وَ عَلَّمَ آدَمَ الأَسْمَاءَ كُلَّهَا (بقره / ۳۱)

و (خدا) همه معانی نامها را به آدم آموخت.

(۱۱۶) مصطفی ﷺ علم و دانش امیرالمؤمنین علی ﷺ را شبیه آدم قرار داد.

ابن راشد از قول ابی حمراء نقل می‌کند، با جماعتی در کنار رسول خدا ﷺ نشسته بودیم، به محض این که علی ﷺ وارد مجلس شد، پیامبر ﷺ از ورود او مسرور شد و این مطلب را فرمود:

مَنْ سَرَّهُ اَنْ يَنظُرَ اِلىٰ آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ نوحٍ في فَهْمِهِ وَ إبراهِيم في حِلمِهِ فَلْيَنظُرَ اِلىٰ على بن ابى طالب ﷺ

یعنی هر کسی اراده کند به علم آدم و فهم نوح و حلم ابراهیم بنگرد به علی بن ابی طالب نظاره کند.

(۱۱۷) روایت دیگری از ابی راشد از ابی حمراء به گونه‌ای دیگر نقل شده است:

مَنْ ارادَ اَن يَنظُرَ اِلىٰ آدَم في عِلمِهِ و اِلىٰ نوحٍ فِي فَهمِه و اِلىٰ اَبراهيم فِي حِلمِهِ و اِلىٰ يَحييٰ في زُهدِهِ و اِلىٰ مُوسى في بَطْشِهِ فَليَنظُر اِلىٰ على بن ابى طالب ﷺ

یعنی: هر کسی بخواهد به علم آدم و فهم نوح و حلم ابراهیم و زهد یحیی و هیبت و قدرت موسی نظاره کند به علی بن ابیطالب ﷺ بنگرد و این صفات را در او مشاهده کند.

(۱۱۸) ابومعاویه از اعمش و او از مجاهد نقل می‌کند که ابن عباس گفت، رسول خدا ﷺ در فضل و علم علی ﷺ فرمود:

أنا مَدينَةُ العِلْمِ وَ عَلِيٌّ بابُها، فَمَنْ أرادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَاب.

من شهر علم و علی ﷺ دَرِ آن است پس هر کسی طالب علم است باید از دَرِ علم وارد شود.

ابن عباس از شاگردان و نزدیکان علی ﷺ می‌گوید: بارها شنیده‌ام که علی ﷺ

می‌گفت؛ در سینهٔ من علم کثیر و معلومات فراوانی جمع است[۱].

(۱۲۲) سلام بن سلیمان مدائنی و او از عمر بن مثنی و او از ابی اسحاق نقل می‌کند که انس بن مالک گفت: رسول خدا ﷺ به دخترش فاطمه ﷺ فرمود:

زَوَّجتُک یا بُنَیَّةُ اَعظَمَ النّاس حِلماً وَاَقدَمُهُمْ سِلْماً وَ اَکثَرُهُمْ عِلْماً[۲].

ای دختر عزیزم! تو را به ازدواج شخصی در آوردم که از نظر همه کمالات معنوی سرآمد روزگار است او را حلمی عظیم و علمی کثیر و سابقه‌ای درخشان در اسلام است، و در مسلمانی نخستین فرد است.

(۱۲۳) حاکم ابوعبدالله حافظ از ابوبکر بن ابی دارم و او از خالد بن خفّاف و او از عامر و او از ابن عباس در باب علم علی ﷺ روایت جالبی را نقل می‌کند. که چنین است:

اَلعِلْمُ عَشَرَةُ اَجْزاء، اُعْطِیَ عَلِیُّ بْنِ ابی طالب مِنها تِسْعَةً، وَالْجُزءُ الْعاشِر بَیْنَ جَمیعَ النّاسِ وَ هُوَ بِذلِک الجِزءِ اَعْلَمُ مِنهُم.

علم ده جزء است. نه جزء آن به علی بن ابی طالب ﷺ عطا شد، و مختص آن حضرت گردید؛ امّا جزء دهم بین همه مخلوقات عالم تقسیم شد. وامیرالمؤمنین ﷺ در آن یک جزء نیز سرآمد همه عالمیان است[۳].

۹ وَ أَقِیمُوا الصَّلاةَ وَآتُوا الزَّکاةَ وَارْکَعُوا مَعَ الرَّاکِعِینَ (بقره / ۴۳)

و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و با رکوع کنندگان رکوع کنید.

(۱۲۴) ابن عباس دربارهٔ آیات قرآن می‌گوید، آنچه از سورهٔ بقره مخصوص پیامبر ﷺ، و علی بن ابی طالب ﷺ و اهل بیت آن حضرت وارد شد همین آیه ۴۳ است، که در شأن

---

۱. روایت رقم ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹ / شواهد التنزیل به همین معنی نقل شده است.

۲. این روایت از طریق عایشه و معقل بن یسار و غیر این دو نیز وارد شده است.

۳. مؤلف، کتاب مستقلی در باب علم علی ﷺ تالیف کرده است علاقه مندان می‌توانند برای اطّلاع بیشتر به آن کتاب مراجعه کنند.

رسول خدا ﷺ و علی بن ابی طالب ﷺ در آن هنگام که نخستین نمازگزاران و رکوع کنندگان بودند، نازل شد[۱].

(۱۲۵) روایتی مسند با سلسله روات طولانی و مضبوط از قول یحیی بن عفیف کِندی از پدر و جدّش نقل شده است. جدّ یحیی بن عفیف کندی داستانی راکه خودش مشاهده کرد این چنین بیان می‌کند:

روزی برای خریدن لباس و عطر به نزد عباس بن عبدالمطلب که مردی تاجر پیشه بود رفته ، در کنارش نشستم و به خانهٔ کعبه نگاه می‌کردم. غروب آفتاب فرا رسید و قرص خورشید پنهان شد.

جوانی خوش سیما را در حالی که به آسمان نگاه می‌کرد دیدم جوان رو به قبله ایستاد. بعد از اندک زمانی نوجوانی آمد و در سمت راست او قرار گرفت، بعد از لحظه‌ای بانویی را دیدم که پشت سر آنان ایستاد سپس آن جوان دست به آسمان بلند کرد آن دو نیز دست بلند کردند. آن جوان به رکوع رفت آن دو هم پیروی کردند، و رکوع به جا آوردند.

گفتم: ای عباس! امر عجیبی را مشاهده می‌کنم!

عباس گفت: آیا اینان را می‌شناسی؟

گفتم: خیر، نمی‌شناسم، آنان را معرّفی کن تا بدانم.

عباس گفت: آن جوان محمدبن عبدالله بن عبدالمطلب برادر زاده من است.

آن نوجوان علی بن ابی طالب است و آن زن خدیجه بنت خویلد، همسر آن جوان است.

برادر زاده‌ام می‌گوید خدای او خدای زمین وآسمان است. و آن خدا او را به این دین وآیین امر کرده است، در روی زمین غیر این سه نفر هیچ کسی بر این دین نیست.

---

۱. این روایت به طریق مختلف نقل شده است. میناتی در کتاب خصائص ص ۴۴، ابن عساکر در تاریخ دمشق حدیث ۹۳۵، ابن سعد در کتاب طبقات ج۸ ص ۱۷، عبدالباقی در کتاب معجم صحابه ج۵ ص ۱۳۵.

۱۰ وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ * الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُلاقُوا رَبِّهِم وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بقره/ ۴۵-۴۶)

از شکیبایی و نماز یاری جویید. و به راستی این (کار) گران است، مگر بر فروتنان. همان کسانی که می‌دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد؛ و به سوی او باز خواهند گشت.

(۱۲۶) کلبی از قول ابی صالح نقل می‌کند، ابن عباس در تفسیر آیه مبارکه «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلاةِ وَإِنَّها لَكَبِيرَةٌ إِلاّ عَلَى الْخاشِعِين» گفت:

به کسی که در نماز تذلل نشان دهد، خاشع گویند و آیه خطابش به رسول خداﷺ و علی بن ابی طالبؑ است که با خشوع و اخلاص نماز می‌گزارند.

همچنین ابن عباس درباره «الَّذِينَ يَظُنُّون أَنَّهُم مُلاقُوا رَبِّهِم» می‌گوید:

این قسمت از آیهٔ شریفهٔ برای علی بن ابی طالبؑ و عثمان بن مظعون و عمّار یاسر و اصحاب علیؑ نازل شده است.[1]

۱۱ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره/۸۲)

و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان اهل بهشت‌اند، و در آن جاودان خواهند ماند.

(۱۲۷) از جمله آیاتی که در شأن رسول خداﷺ و علیؑ و اهل بیت آن حضرت نازل شده همین آیه شریفه‌در سوره بقره است.

۱. حسین حبری همین روایت را در کتاب تفسیرش آورده است.

ابن عباس از مفسرین معروف در شأن نزول آیهٔ «**الَّذِینَ آمَنوُا و عَمِلوُا الصَّالِحات أُولئِکَ أَصحابُ الْجَنَّةِ هُمْ فیها خَالِدُون**». می‌گوید: این آیه انحصاراً و فقط برای علی؛ نازل شده چون او نخستین مؤمن به خدا؛ و اوّلین نمازگزار همراه پیامبر؛ بوده است.

(۱۲۸) روایت دیگری از طریق عِکْرمه نقل شده که از زبان ابن عباس حکایت شد در این روایت ابن عباس می‌گوید:

برای علی؛ چهار خصلت ارزنده و بارز وجود دارد که برای احدی ذکر نشده است.

علی؛ نخستین عرب و عجمی است که با پیامبر؛ نماز گزارد.
علی؛ تنها کسی است که در همهٔ جنگ‌ها پرچم پیامبر؛ را پیروزمندانه در دست داشت.
در جنگ احد تنها کسی که پیامبر؛ را تنها نگذاشت و فرار نکرد علی؛ بود.
علی؛ تنها صحابی بود که پیامبر؛ را غسل داد و او را در قبر گذاشت[1].

۱۲ وَ کَذٰلِکَ جَعَلْنَاکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَدَآءَ عَلَى النَّاسِ (بقره / ۱۴۳)

و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر بر شما گواه باشد.

(۱۲۹) از قول سلیم بن قیس نقل شده که وی از امیرالمؤمنین علی؛ در تفسیر آیه «**کَذٰلِکَ جَعَلْناکُم أُمَّةً وَسَطاً**» پرسید که چه کسانی مورد نظر هستند؟

علی؛ فرمود: منظور خداوند تبارک و تعالی از آیه شریفهٔ فوق ما هستیم. تا برطبق آیهٔ «**لِتَکُونُوا شُهَدا علی النَّاس**» شاهد بر همهٔ مردم باشیم و رسول خدا؛ شاهد بر ماست.

---

۱. این روایت را جماعتی دیگر از عکرمه و جماعتی از ابن عباس نقل کردند.

نَحْنُ شُهَداءُ اللهِ عَلَى النَّاسِ وَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ.

ما اهل بیت، شاهد خداوند بر جمیع مردم و حجّت او بر زمین هستیم ما کسانی هستیم که خداوند در حقّ ما فرمود:

كَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَدَآءَ عَلَى النَّاسِ

۱۳ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُ. (بقره / ۱۴۳)

و البته (این کار) جز بر کسانی که خدا هدایت(شان) کرده، سخت گران بود.

(۱۳۰) ابوذر هم از حسن روایت می‌کند:

علی بن ابی طالب ؑ نخستین مهتدی و اوّلین کسی بود که خدای تعالی او را همراه نبیﷺ هدایت کرد، و اوّلین یاری بود که به پیامبرﷺ پیوست.

(۱۳۱) شعبی نقل می‌کند:

ما گروهی بودیم در شهر بصره، بر حجاج بن یوسف وارد شدیم. و حسن هم آخرین نفری بود که وارد مجلس شد. حجاج بن یوسف پیوسته از علیؑ عیب جویی می‌کرد و از او بد می‌گفت و ما همه از ترس و به منظور بر حذر ماندن از شرّش او را همراهی می‌کردیم، و حسن هم ساکت بود و چیزی نمی‌گفت،

حجاج بن یوسف پرسید؟: ای اباسعید! چرا ساکت نشسته‌ای؟ در مورد ابوتراب بگو، تا بدانم رای و نظر تو چیست؟

حسن گفت: خدای تعالی فرمود: **وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْها إِلاَّ لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ، وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلاَّ عَلَى الَّذِينَ هَدَى الله.**

علیؑ از کسانی است که خدای تعالی او را هدایت کرده است و از اهل ایمان و یقین قرار داد. او پسر عمّ رسول خداﷺ و همسر دختر او و محبوب‌ترین چهره نزد پیامبرﷺ است، دارای سوابق حمیده و فضایل کثیره است که تو و هیچ کس دیگری،

قادر به رد یا منع آن فضایل نیست.

(۱۳۲) از عبدالله بن عمرو هدادی نقل شده است که حجاج بن یوسف از حسن پرسید: ابو تراب چه کسی است و تو درباره‌اش چه می‌دانی؟

حسن گفت: علی بن ابی طالب ﷺ کسی است که خدای تعالی او را از هدایت یافتگان و مهتدین قرار داد.

حجاج بن یوسف گفت: ای حسن! برای سخن خود دلیل بیاور و با برهان سخن بگو.

حسن گفت، خدای تعالی فرمود: **وَ ما جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتی کُنْتَ عَلَیْها اِلاّ لِنَعْلَمَ مَنْ یَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ یَنْقَلِبُ عَلیٰ عَقِبَیْهِ وَ اِنْ کانَتْ لَکَبِیرَةً اِلاّ عَلَی الَّذِینَ هَدَی اللهُ.**

علی ﷺ نخستین کسی است که خدای تعالی او را همراه نبی ﷺ هدایت کرد.

حجاج بن یوسف بعد از شنیدن فضایل علی ﷺ از زبان حسن، او را از بصره اخراج کرد.

۱۴ وَ مِنَ ٱلنَّاسِ مَنْ يَشْرِى نَفْسَهُ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ رَءُوفٌۢ بِٱلْعِبَادِ.

(بقره / ۲۰۷)

و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد و خدا نسبت به (این) بندگان مهربان است.

(۱۳۳) ابی سعید خدری می‌گوید:

شبی که مصطفی ﷺ قصد مهاجرت از مکّه به مدینه را داشت و در غار ثور مخفی شد، علی بن ابی طالب ﷺ برای حفظ جان رسول خدا و خانواده‌اش در بستر آن حضرت خوابید. خداوند بزرگ به جبرئیل و میکائیل فرمود: بین شما دو تن، برادری قرار می‌دهم، و عمر یکی را طولانی‌تر از دیگری می‌کنم. یکی از شما عمر طولانی را

انتخاب کند، امّا هر دو عمر طولانی را برگزیدند، و هر یک عمر طولانی را برای خود می‌خواستند. خدای سبحان فرمود:

حالا بنگرید ایثار و از خودگذشتگی علی بن ابی طالب‌ﷺ را وبدانید بین نبی‌ﷺ و علی‌ﷺ هم برادری برقرار کردم، علی‌ﷺ در بستر برادرش مصطفی‌ﷺ خوابیده است.

هر دو به زمین هبوط کنید و او را از شرّ دشمنانش حفظ کنید. جبرئیل و میکائیل به خانه رسول خداﷺ وارد شدند. جبرئیل در بالای سر علی‌ﷺ و میکائیل در پایین پای او قرار گرفت، و جبرئیل ندا می‌داد بَخٍ بَخٍ یا بن ابی طالب!

ای پسر ابوطالب! مبارک باد بر تو، خدای بزرگ به واسطهٔ ایثارت بر ملائکهٔ آسمان‌ها مباهات وافتخار می‌کند. سپس آیهٔ **«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللهِ وَاللهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ»** در آن شب به پاس از خودگذشتگی علی‌ﷺ نازل شد.[1]

(۱۳۵) ابن عباس چنین نقل می‌کند:

رسول خداﷺ در شب مهاجرت به سوی غار حرکت کرد، علی‌ﷺ لباس آن حضرت را پوشید و در بستر او خوابید، قریش برای کشتن نبی‌ﷺ خانه را محاصره کردند.

آن جماعت قصد حمله به علی‌ﷺ را داشتند، چون او را نبی‌ﷺ می‌پنداشتند، امّا وقتی با دقت از نزدیک نگاه کردند، دیدند علی‌ﷺ است که در بستر پیامبرﷺ قرار گرفته است.

گفتند: ای علی! خود را به شکل صاحب خویش در آوردی و ما را به اشتباه انداختی!

(۱۳۶) ابن عباس می‌گوید؛ علی‌ﷺ در شب هجرت رسول خداﷺ جان خود را فروخت، و لباس مصطفی‌ﷺ را پوشید و در بستر آن حضرت آرمید.

(۱۳۷) عبدالرحمان بن میمون از پدرش نقل می‌کند که از ابن عباس شنید، علی‌ﷺ در شبی که رسول اللهﷺ در غار پنهان شد در بستر آن حضرت خوابید، لحظاتی بعد

---

۱. روایت ۱۳۴ / شواهد التنزیل تقریباً به مضمون همین روایت است.

ابوبکر به طلب رسول خداﷺ به منزل آن حضرت آمد. امیرالمؤمنین علیؑ او را از ماجرا با خبر کرد، ابوبکر به تعقیب مصطفیﷺ پرداخت تا به آن حضرت ملحق شد.

قریش تا صبح، علیؑ را می‌دیدند و گمان می‌کردند پیامبرﷺ است امّا صبحگاه با روشنی هوا علیؑ را مشاهده کردند. همگی با عصبانیت پرسیدند محمدﷺ کجاست؟

علیؑ گفت: از جایگاه او خبری ندارم.

گفتند: امر بر ما اشتباه شد. تو را محمدﷺ پنداشتیم.

در همین شب آیه **وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ٱبْتِغَاءَ مَرْضَاةِ ٱللَّهِ** دربارهٔ علیؑ نازل شد.[1]

(۱۳۹) سُدیّ داستان غار را چنین بیان می‌کند:

شبی که پیامبرﷺ عازم غار بود، علی بن ابی طالب ؑ را در بستر خویش خوابانید، و به تنهایی به سوی غار به راه افتاد.

بعد از مدّتی ابوبکر به منزل آن حضرت وارد شد.

علیؑ گفت: رسول خداﷺ از منزل خارج شده است .

ابوبکر به تعقیب او پرداخت، تا جایی که پیامبرﷺ از پشت سر، صدایی شنید و گمان کرد او از مشرکان است.

ابوبکر بلافاصله لب به سخن گشود و خود را معرّفی کرد تا نگرانی آن حضرت بیشتر نشود.

پس هر دو به سوی غار حرکت کردند تا این که به داخل غار شدند، از طرف دیگر مشرکان قریش که خانهٔ مصطفیﷺ را محاصره کرده بودند، به طرف بستر آن حضرت رفتند، علیؑ را در حالی که لباس پیامبرﷺ را پوشیده بود در جای آن حضرت دیدند. ابتدا گمان کردند پیامبرﷺ است.

---

۱. روایت ۱۳۸ / شواهد التنزیل مشابه همین روایت است.

بعضی از مشرکان به بعضی دیگر گفتند حمله می‌کنیم و کار محمدﷺ را تمام می‌سازیم بعضی دیگر گفتند: صبر می‌کنیم، تا بیدار شود. آن‌گاه او را با شمشیر از پای در می‌آوریم.

امّا چون صبح شد، علی‌ﷺ را در بستر نبی‌ﷺ دیدند، با ناراحتی و عصبانیت گفتند: رفیق تو کجاست؟!

علی‌ﷺ فرمود: جایگاه او را نمی‌دانم.

امّا آن بی دینان یقین پیدا کردند که مصطفیﷺ به جانب مدینه رهسپار شده است. خداوند هم به پاس خدمت علی‌ﷺ آیهٔ **«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاةِاللهِ»** را نازل کرد.

(۱۴۱) حکیم بن جبیر می‌گوید، علی بن حسین‌ﷺ فرمود نخستین کسی که جانش را با خداوند معامله کرد علی‌ﷺ بود.

سپس این آیهٔ مبارکه را قرائت فرمود: **«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاةِاللهِ»** و ادامه داد این آیه به پاس ایثار علی‌ﷺ و جانفشانی او در آن شب نازل شد[1].

(۱۴۲) حکیم بن جبیر می‌گوید، از علی بن حسین‌ﷺ درباره آیهٔ **«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاةَ اللهِ»** سؤال شد آن حضرت فرمود:

آن هنگام که علی بن ابی طالب‌ﷺ در بستر رسول خداﷺ آرمید و آن حضرت غار را پناهگاه خود ساخت، آیه شریفه فوق نازل شد و علی‌ﷺ نیز این ابیات را می‌خواند:

وَ قَيْتُ بِنَفسي خَير مَنْ وَطِئَ الْحَصى	وَ أكرَم خَلقٍ طافَ بِالبَيت وَالْحَجر
و بتُّ اراعي مِنهُم ما يَنو بني	وَ قَدْ صبرتُ نَفسي على القَتل والأسر
محمّد لمّا خافَ أنْ يَمكرُوا بِهِ	فَنَجّاه ذو الطول العظيم مِنَ الْمَكرِ
وَ باتَ رَسُول الله فِي الغارَ آمِناً	فَما زالَ في حِفظِ الإله و في ستر

---

۱. روایت رقم ۱۴۰ / شواهد التنزیل از حکیم بن جبیر از علی بن حسین با همین لفظ و متن نقل شد.

۱۵ وَ ءَاتَى ٱلْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَ فِى ٱلرِّقَابِ. (بقره /۱۷۷)

و مال (خود) را با وجود دوست داشتنش، به خویشاوندان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در (راه آزاد کردن) بندگان بدهد.

(۱۴۳) ابی بکر سبیعی از علی بن عباس بن ولید و او از محمدبن مروان غزال و او از ابراهیم بن حکم بن ظهیر و او از پدرش نقل می‌کند که سُدّی گفت:

آیهٔ **واٰتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِى الْقُرْبىٰ** در شأن علی بن ابی طالب نازل شده است.

۱۶ وَ مَثَلُ الَّذِيْنَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللهِ وَتَثْبِيتاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَٱللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. (بقره /۲۶۵)

و مَثَل (صدقات) کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا واستواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مَثَلِ باغی است که بر فراز پشته‌ای قرار دارد (که اگر) رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی (برای آن بس است)، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

(۱۴۴) حسن بن محبوب از ابی جعفر اَحول و او از سلام بن مستنیر و او از ابن جعفر ﷺ نقل کرد که دربارهٔ آیهٔ «**مَثَلُ الّذِينَ يُنفِقُون أموالَهم...**» سؤال شد، آن حضرت فرمود: آیه مبارکه در شأن امیرالمؤمنین علی ﷺ نازل شد.

(۱۴۵) ابی بصیر نقل کرد ابی عبدالله ﷺ در تفسیر و توضیح آیهٔ (**مَثَلُ الّذِيْن يُنفِقُونَ أموالَهُم اَبتِغاءَ مَرْضاتِ الله**) فرمود:

علی﷣ افضل و برترین مصداق در آیه شریفه است. او بود که پیوسته اموالش را برای به دست آوردن رضایت خدای تعالی انفاق می‌کرد.

۱۷ يُؤتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَآءُ وَ مَن يُؤتَ الْحِكمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كثيراً.

(بقره / ۲۶۹)

(خدا) به هر کسی که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کسی حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است.

(۱۴۶) سفیان ثوری از منصور و او از ابراهیم و او از علقمه و او از عبدالله بن عباس نقل کرده است که عبدالله گفت: روزی در حضور رسول خداﷺ نشسته بودم، شخصی از علم و دانش و حکمت علی﷣ سؤال کرد.

آن حضرت فرمود:

قُسِّمَتْ الْحِكْمَةُ عَشَرَةَ أَجْزاءٍ فَأُعْطِيَ عَلِيٌّ تِسْعَةَ أَجْزاء وَ أُعْطِيَ النَّاسُ جُزْءً واحِداً.

بدانید، حکمت به ده قسمت تقسیم شده است، نُه قسمت آن به علی بن ابی طالب﷣ و یک قسم آن به بقیهٔ مردم داده شد.

(۱۴۷) ابن عباس از رسول خدا روایت کرد:

مَنْ أَرادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى اَبْراهيمَ فِي حِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي حِكْمَتِهِ وَ إِلَى يوسفَ فِي اجْتِماعِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلى علي بن ابي طالب﷣.

(۱۴۸) سفیان ثوری می‌گوید، ربیع بن خیثم گفت:

در دوستی هیچ کسی را محبوب‌تر از علی﷣ در نزد مردم ندیدم، و همچنین در دشمنی آن حضرت، بعضی‌ها او را مبغوض‌ترین بودند، سپس آیه شریفه **«وَ مَنْ يُؤْتَ**

الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً» را قرائت کرد و «گفت؛ و آن علی ﷺ است که حکمت وافر و خیر کثیر را داراست.

(۱۴۹) عامربن مفضّل تغلبی می‌گوید: روزی به نزد حسن بن صالح رفتم و مسائل بسیاری را از او سؤال کردم. در جواب هر مسئله‌ای می‌گفت:

حکیم الحکماء علی بن ابی طالب ﷺ چنین فرمود و چنان پاسخ داد؛ یعنی او را حکمتی زیاد و علمی فراوان بود که جواب هر مسئله‌ای را می‌گفت و هرگز در نمی‌ماند.

(۱۵۱) باز هم عامر نقل می‌کند: روزی در نزد ربیع بن خیثم ذکری از نام علی ﷺ شد، آهی کشید و گفت: از شخصی نام بردید، که دوستان و محبّان او، او را بسیار دوست می‌داشتند و دشمنان او نیز نسبت به وی بغضی شدید داشتند.

سپس گفت: ای مردم، هیچ کس را در حکمت به اندازهٔ علی ﷺ ندیدم، آن گاه آیهٔ «وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً» را تلاوت کرد.

مردم گفتند: ای ربیع! تو در حقّ علی ﷺ مبالغه می‌کنی.

البته هر چند مردم نمی‌فهمیدند چه می‌گویند، از نزدش متفرّق شدند.[1]

(۱۵۲) ربیع بن خثیم دربارهٔ دوستان و دشمنان علی ﷺ چنین می‌گوید:

مردی که دوستانش در محبّت و دوستی، او را از همه گرامی‌تر و محبوب‌تر دارند، علی بن ابی طالب ﷺ است و همچنین او کسی است که دشمنانش در دشمنی وکینه از هر دشمنی شدیدتر و مبغوض‌تر هستند.

سپس رو به مردم کرد و گفت: به خدا سوگند، علی ﷺ عالم به قضاء الهی است، چون وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً و او علی ﷺ است. که دارای حکمت وافر و علم کثیر است.

(۱۵۳) طارق بن شهاب می‌گوید: نزد عبدالله بن عباس حضور داشتم، عدّه‌ای از

۱. روایت رقم ۱۵۰ / شواهد التنزیل از سعید بن مسروق از منذر به همین معنی نقل شده است.

فرزندان مهاجرین آمدند و پرسیدند، ای ابن عباس! علی بن ابی طالبؑ چگونه مردی بود؟

ابن عباس گفت: **مُلِیءَ جَوْفه حُکماً وعِلْماً وبَأساً ونَجْدَةً و قَرابةً مِن رَسُولِ الله.**

علیؑ یگانه‌ای است که دارای حکمت وافر و علم فراوان و اُبهت زیاد است و با رسول خداﷺ قرابت دارد[1].

۱۸ **اَلَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِالَّیْلِ وَالنَّهَارِ سِرّاً وَعَلاَنِیَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلاَ خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلاَ هُمْ یَحْزَنُونَ** (بقره/۲۷۴)

کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

(۱۵۵) محمدبن سائب از ابی صالح و او از عبدالله بن عباس نقل کرده که آیه شریفهٔ «**اَلَّذِینَ یُنفِقُون اَمْوَالَهُم بِالَّیْلِ وَ النَّهار سِرّاً وَ عَلانِیَة...**» در تحسین و تمجید علی بن ابی طالبؑ نازل شده است.

چون آن حضرت را چهار درهم نقد موجود بود. یک درهم را در شب، یک درهم در روز، یک درهم در پنهانی و یک درهم آشکارا در طلب رضای خدای سبحان صدقه داد.

وقتی مصطفیﷺ از او پرسید، چه چیزی باعث این کار شد؟

علیؑ گفت: یا رسول الله! انگیزهٔ این انفاق آن است که امید دارم خدای تعالی مرا مستوجب وعده‌ها و لطف نیکوی خویش قرار دهد.

مصطفیﷺ فرمود: حقاً که مستحق چنین پاداش نیکویی هستی!

---

۱. روایت رقم ۱۵۴ / شواهد التنزیل از ربیع بن خثیم در همین معنی با اندک اختلافی نقل شد.

سپس آیهٔ «**الَّذِینَ یُنفِقُونَ اَموالَهُم بِاللَّیلِ وَ النَّهار سِرّاً وَ عَلانِیة**» بر آن بزرگوار در شأن علی﷣ نازل شد.

(۱۵۶) ایوب بن سلیمان می‌گوید: محمّد بن مروان دربارهٔ آیه «**الَّذِینَ یُنفِقُونَ اَموالَهُم بِاللَّیل و النَّهار**» گفته است این کلام خدا در شأن علی بن ابی طالب﷣ نازل شده، درست در زمانی که آن بزرگوار چهار درهم داشت، یک درهم در شب، یک درهم در روز، یک درهم در پنهان و یک درهم آشکارا در راه خدای بزرگ به عنوان صدقه تقدیم کرد. آن گاه آیه فوق نازل شد[1].

(۱۵۹) عبدالرّزاق وبرادرش عبدالوهاب از فرزند مجاهد و او از پدرش نقل می‌کند که از ابن عباس دربارهٔ کلام خدا. «**الَّذِینَ یُنفِقُونَ اَموالَهُم**» سؤال شد.

ابن عباس گفت: علی﷣ را چهار درهم یا چهار دینار موجود بود یکی را در روز، دیگری را در شب، یکی را در سرّ و دیگری را آشکار انفاق کرد و خدای متعال آن حضرت را با این آیه شریفه ثنا و تحسین کرد[2].

(۱۶۱) سفیان ثوری و او از اعمش و او از ابی صالح نقل می‌کند که ابن عباس در شأن نزول **الَّذِینَ یُنفِقُونَ اَموالَهُم** گفت، این آیهٔ شریفه در حق علی﷣ نازل شد. آن زمان که علی﷣ را چهار درهم بیش نبود.

یک درهم در روز و درهم دیگر در شب و یک درهم در سرّ و درهم دیگر را آشکارا در راه رضای خدا انفاق کرد.

وقتی آیهٔ فوق نازل شد. علی﷣ فرمود: به خدا سوگند فقط چهار درهم داشتم که صدقه دادم ولیکن می‌شنوم خداوند می‌فرماید **یُنفِقُونَ اَموالَهُم**. از اموال و دارایی خویش انفاق می‌کنند.

---

۱. روایت رقم ۱۵۷ / شواهد التنزیل از طریق احمد بن محمدبن نصر از محمدبن مروان با اندکی اختلاف نقل شده است. و روایت رقم ۱۵۸ / شواهد التنزیل از ابن عباس با همین متن والفاظ در شأن علی﷣ نقل شد.

۲. روایت رقم /۱۶۰ شواهد التنزیل از مجاهد از ابن عباس به همین معنی نقل شد.

مصطفی ﷺ فرمود: ای علی ﷺ انفاق یک درهم از مقلّ (بی پول) بهتر و افضل از هزار درهم از موسر (ثروتمند) در نزد خدای سبحان است.

(۱۶۲) عبدالرّحمان بن جابر از نصر بن بشّار و او از جویبر و او از ضحّاک نقل می‌کند که عبدالله بن عباس بیان نمود:

وقتی آیه **لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ**[1] نازل شد، عبدالرّحمن بن عوف درهم و دینار زیادی را برای اصحاب صُفّه فرستاد. در همان وقت علی بن ابی طالب ﷺ در دل شب و دور از چشم مردم یک ظرف خرما برای اصحاب صُفه برد، و از صدقه آن دو، صدقهٔ علی ﷺ محبوب ترین صدقه‌ها بود.

و آیه **الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ** برای هر دو آنان نازل شد، بالنّهار یعنی صدقه عبدالرحمن بن عوف که در روز فرستاده شد. و بالليل یعنی صدقه سرّی و شبانه علی ﷺ.

(۱۶۳) حبّان از کلبی و او از ابی صالح نقل می‌کند که ابن عبّاس در شأن نزول آیهٔ **الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرّاً وَعَلَانِيَةً** بیان داشت. این آیه فقط در حق علی بن ابی طالب ﷺ نازل شد.

آن زمان علی ﷺ از مال دنیا فقط چهار دینار بیش نداشت، یک دینار را در روز و دینار دیگر را در شب و دینار سوم را در پنهان و دینار چهارم را آشکار در راه رضای خدا انفاق کرد. آن گاه آیه شریفه فوق در حقش نازل شد.

---

۱. بقره ۲۷۳

۱۹ **قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِن ذٰلِكُم لِلَّذينَ اتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللهِ واللهُ بَصِيرٌ بِالعِبَادِ.**

(آل عمران/۱۵)

بگو: آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغهایی است که از زیر (درختان) آنها نهرها روان است؛ در آن جاودانه بمانند، و همسرانی پاکیزه ونیز خشنودی خدا را دارند و خداوند به (امور) بندگان (خود) بیناست.

(۱۶۴) حبّان از کلبی و کلبی از ابی صالح و او از ابن عباس نقل می‌کند که عبدالله بن عباس درباره آیه **قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذٰلِكُم**... گفته است. این آیه شریفه درشأن علی بن ابی طالب ﷺ و حمزه سیدالشهدا و عُبَیدة بن حارث نازل شد.

۲۰ **إِنَّ اللهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحاً وآلَ إِبراهيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ.**

(آل عمران / ۳۳)

به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است.

منظور از آل عمران در آیه شریفه چیست؟

ابن مسعود نقل می‌کند آل عمران همان آل محمدﷺ است.

(۱۶۵) شقیق از روات حدیث چنین بیان کرده است: در مُصحف ابن مسعود آیهٔ شریفه فوق را این گونه دیدم:

إِنَّ اللهَ اِصْطَفَیٰ آدَمَ وَ نُوحاً وَآلَ اَبراهیمَ وَآلَ عِمْرانَ وَ آلَ مـحمّدٍ عـلی الْعَالِمین[۱]

(۱۶۷) در روایتی از عبدالله بن مسعود از قاریان مشهور زمان پیامبر ﷺ نقل شده است که عبدالله بن عباس مفسّر قرآن آیه را این گونه قرائت می‌کرد.

إِنَّ اللهَ اصْطَفَی آدَمَ وَنُوحاً وَآلَ إبْراهیمَ وَآلَ عِـمْرانَ وَ آلَ مُـحَمَّدٍ عَـلَی الْعَالَمِین

حاکم حسکانی می‌گوید: من معتقدم اگر قرائت ابن مسعود و ابن عباس هم تثبیت نشود شکی نیست که آل محمد در تحت عنوان آل ابراهیم داخل می‌شوند.

۲۱ فَمَنْ حَآجَّکَ فِیهِ مِن بَعْدِ مَا جَآءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَآءَنَا وَأَبْنَآءَکُمْ وَ نِسَآءَنَا وَنِسَآءَکُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللهِ عَلَى الْکَـٰذِبِینَ. (آل عمران/ ۶۱)

پس هر که در این (باره) پس از دانشی که تو را (حاصل) آمده، با تو محاجّه کند، بگو: بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک، و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم؛ سپس مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

آیه شریفه فوق در عظمت پیامبر ﷺ و اهل بیت کرام آن حضرت است.

(۱۶۸) حصین بن عبدالرّحمان از قول عمروبن سعد بن معاذ، داستان آمدن رهبانان مسیحی و پیروانش به مدینه را نقل می‌کند، که آنان در مدینه به حضور پیامبر ﷺ رسیدند، و گفتند: یا محمد ﷺ! شما از صاحب ما در کتاب خود نام می‌بری.

---

۱. روایت رقم ۱۶۶ / شواهد التنزیل از ابو جناده سلولی از اعمش مثل همین روایت رقم ۱۶۵ نقل شد.

رسول خدا ﷺ پرسید: صاحب شما کیست؟

گفتند: صاحب ما، عیسی بن مریم ﷺ است.

پیامبر ﷺ فرمود: او عبد خداو رسول خدا بود.

پرسیدند: به ما بگو، خلقت او چگونه بود؟

پیامبر ﷺ: سخنی نگفت و از آنان جدا شد.

جبرئیل نازل شد و آیهٔ **«إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَاللهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ»**[1] را برای جواب آن طایفه قرائت کرد.

مجدداً روز بعد به حضور آن حضرت آمدند و گفتند: یا محمد ﷺ! آیا بمثل خلقت صاحب ما خلقتی وجود دارد؟

پیامبر ﷺ فرمود: بلی؛ خلقت پیامبر شما مثل خلقت آدم ﷺ است.

سپس آیه **إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَاللهِ كَمَثَلِ آدَمَ** را قرائت کرد.

آن جماعت سخنان رسول خدا ﷺ را نپذیرفتند.

پس آن حضرت به دستور خداوند بر طبق آیهٔ **«تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُم و نِسَاءَنَا و نِسَاءَكُم...»** مأمور به مباهله با آنان شد.

در روز مقرّر مصطفی ﷺ دست علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ را گرفته، فرمود: اینان فرزندان و زنان و جان من هستند.

چون آماده مباهله ونفرین شدند.

بزرگ و مهتر آنان به پیروانش گفت: مباهله با این بزرگان صحیح نیست.

اگر دروغگو باشند چیزی نصیب و عاید ما نمی‌شوند و اگر صادق باشند و نفرین و مباهله کنند همه ما مسیحیان هلاک می‌شویم. پس با رسول خدا ﷺ مصالحه کردند و دادن جزیه را پذیرفتند.

در پایان سیّد آنان گفت: قسم به آن کسی که جانم در دست اوست در آنان به قدری عظمت

---

۱. آل عمران/ ۵۹.

دیدم که اگر مباهله ولعنت می‌کردند احدی از ما باقی نمی‌ماند.

(۱۶۹) ابن عباس داستان مسیحیان نجران را چنین بیان کرده است: عدة‌ای از علمای مسیحی به ریاست اسقف خویش که نامش «عبدالمسیح» بود در مدینه به حضور مصطفی ﷺ رسیدند، و پرسیدند:

یا محمد! از صاحب ما عیسی مسیح ﷺ یاد می‌کنی، بیان کن کیفیت خلقت او چگونه بود؟ مصطفی ﷺ منتظر ماند تا جبرئیل نازل شد و آیه **«اِنَّ مَثَلَ عیسیٰ عِندَاللّٰه کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِن تُرابٍ»** را بر پیامبر ﷺ قرائت کرد.

چون مسیحیان لجاجت کردند ، دستور مباهله از جانب پروردگار صادر شد و پیامبر ﷺ را مأمور به مباهله و ملاعنه کرد.

مسیحیان نیز برای ملاعنه و مباهله آماده شدند.

مصطفی ﷺ دست علی ﷺ، فاطمه ﷺ، حسن ﷺ و حسین ﷺ راگرفت و به وعده گاه آورد و فرمود: **اَللّٰهُمَّ هٰؤُلاءِ اَبْناؤُنا وَ نِساؤُنا و اَنْفُسُنا.**

چون مصطفی ﷺ آماده مباهله شد، سید مسیحیان گفت: با عظمتی که این پنج تن دارند ما هرگز با آنان مباهله نمی‌کنیم زیرا بیم هلاک ما وجود دارد.

پس با آن حضرت مصالحه کرده، حاضر به پرداخت جزیه سالانه شدند. در همان هنگام رئیس آنان گفت: به خدا سوگند اگر این پنج تن با ما مباهله و ملاعنه می‌کردند احدی‌از ما باقی نمی‌ماند و خداوند ظالمان را هلاک می‌کرد.

(۱۷۰) شعبی از جابربن عبدالله نقل می‌کند: گروهی از علمای مسیحی به حضور نبی ﷺ در مدینه رسیدند، چون آن حضرت آنان را به اسلام دعوت کرد، گفتند:

ما قبل از حضور مسلمان شدیم، پیامبر ﷺ فرمود: در شما موانع مسلمانی را می‌بینم و هنوز مسلمان نشده‌اید، گفتند: یا محمد ﷺ! اگر می‌دانی ما را خبر ده!

مصطفی ﷺ فرمود: **حُبُّ صَليبٍ وَ شُرْبُ خَمْرٍ وَ أَكْلُ لَحْمِ الخِنزيرِ**؛ در وجود شماست و اینها مانع مسلمانی شماست.

پس آن حضرت را دعوت به ملاعنه و مباهله کردند.

پیامبرﷺ بر طبق فرمان یزدان در آیهٔ **قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُم وَنِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُم ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللهِ عَلَى الْكَاذِبِين.** آمادهٔ مباهله شد، و روز دیگر را موعد مباهله قرار داد.

چون آن روز فرا رسید آن حضرت دست علی، فاطمه، حسن و حسینﷺ را گرفته، برای ملاعنه ومباهله حاضر شد. امّا آن گروه وقتی عظمت آن پنج تن را دیدند راضی به مباهله نشدند و با پرداخت خراج سالانه راضی به مصالحه شدند.

شعبی می‌گوید در آیهٔ «**نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُم وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنفُسَكُم**» منظور از أَبْنَاءَنَا حسن وحسینﷺ و نِسَاءَنَا یعنی فاطمهﷺ و أَنفُسَنا، علی بن ابی طالبﷺ است.

(۱۷۱) کلبی از ابی صالح نقل می‌کند، ابن عباس در تفسیر آیهٔ: **فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وأَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنفُسَنا وأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِل فَنَجْعَل لَعْنَةَ اللهِ عَلَى الْكَاذِبِين.** بیان کرده است: آیه در شأن رسول اللهﷺ و علیﷺ با لفظ **أَنفُسَنَا** وفاطمهﷺ با عبارت **نِسَاءَنَا**، و حسن و حسینﷺ با کلمه **أَبْنَاءَنَا** است. و دعا بر ضد کاذبین از علمای نجران، به نام‌های عاقب وسیّد وعبدالمسیح واصحاب آنان است.

(۱۷۲) عامربن سعد از پدرش نقل کرده است: زمانی که آیهٔ **نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُم وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُم وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُم** نازل شد. رسول خداﷺ، علی، فاطمه و حسن وحسینﷺ را فرا خواند، چون جمع شدند، فرمود: خدایا اینان عزیزان و اهل بیت من هستند.

(۱۷۳) جابربن عبدالله انصاری نقل کرده است: دو تن از علمای مسیحی به نام‌های عاقب و سیّد در مدینه به خدمت مصطفیﷺ رسیدند. آن حضرت آنان را به اسلام دعوت کرد، آن دو نپذیرفتند. نبیﷺ بر طبق فرمان خدای سبحان در آیهٔ «**فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُم وَ نِسَاءَنَا و نِسَاءَكُم وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُم**» آنان را به مباهله دعوت

کرد، و در روز موعود به همراه علی ﷺ و فاطمه ﷺ و حسن ﷺ و حسین ﷺ در جایگاه مباهله حاضر شد. امّا آن دو حاضر به مباهله نشدند، بلکه به خراج و جزیه راضی شدند،

مصطفی ﷺ فرمود: به خدایی که مرا به رسالت فرستاد، اگر به مباهله تن می‌دادند در این بیابان بر آنان آتش می‌بارید.

در این جا شعبی از جابربن عبدالله نقل می‌کند: منظور از **أَنْفُسَنا، علی بن ابی‌طالب ﷺ و أَبْنَاءَنا، حسن و حسین ﷺ و از نِسَاءَنا، فاطمه ﷺ** است.

(۱۷۴) حذیفة بن یَمان می‌گوید: در مدینه حضور داشتم، دوتن از اسقف‌های نجران به نام‌های سیّد و عاقب به نزد نبی ﷺ رسیدند، و آن حضرت را به مباهله و ملاعنه دعوت کردند؛ چون پیامبر ﷺ حاضر به ملاعنه شد عاقب به سیّد گفت: ای سیّد! اگر محمد ﷺ با اصحاب و یاران برای ملاعنه حاضر شود، او نبی و پیامبر نیست.

اگر با اهل بیت و خاندانش حاضر شود پیامبری راستین و فرستاده خداست.

روز دیگر وقتی پیامبر برای ملاعنه می‌آمد، دیدند علی ﷺ در سمت راستش و حسن ﷺ در سمت چپ و حسین ﷺ در سمت راست علی ﷺ و فاطمه ﷺ در پشت سر آنان می‌آیند.

عاقب به سید گفت: با آنان ملاعنه نکن. اگر چنین کنی، ما و فرزندانمان هرگز رستگار نمی‌شویم، و حتماً از بین خواهیم رفت. به همین دلیل از مباهله اعراض کردند.

و پیامبر ﷺ نیز فرمود: اگر آنان تن به ملاعنه می‌دادند، به یک چشم به هم زدن، هیچ مسیحی در نجران باقی نمی‌ماند.

(۱۷۵) محدثین از ابن عباس نقل کرده‌اند که جماعتی از نصارای نجران که در میان آنان سیّد و حارث و عبدالمسیح حضور داشتند در مدینه به خدمت مصطفی ﷺ آمدند، و گفتند:

یا محمد! چرا از صاحب و پیامبر ما نام می‌بری، مصطفی ﷺ پرسید؛ صاحب شما کیست؟ گفتند: عیسی بن مریم که گمان می‌کنی او عبد و بنده خداست.

پیامبر ﷺ فرمود: بلی چنین است، او عبدالله و رسول الله بود.

گفتند: آیا دیدی یا شنیدی که خدا بنده‌ای مثل او خلق کند؟

پیامبر ﷺ از سخنان آنان دلتنگ شد و از آنها اعراض کرد.

جبرئیل آیهٔ **(إِنَّ مَثَلَ عيسىٰ عِنْدَاللهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ)**[1] را به خدمت مصطفی ﷺ آورد. پیامبر ﷺ آیهٔ شریفه را برای آنان تلاوت کرد، چون زیر بار نرفتند.

خدای تعالی بار دیگر فرمود: **«فَمَنْ حاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُم وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُم وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُم»**

بر طبق فرمان رحمان، پیامبر ﷺ آنان را به ملاعنه فرا خواند، آنان هم آماده ملاعنه با مصطفی ﷺ شدند.

رسول خدا ﷺ علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را به همراه خویش در جایگاه مباهله آورد و گفت: خدایا! اینان، جان، زن و فرزندان من هستند.

چون حارث هیبت و عظمت آن پنج تن را مشاهده کرد، به عبدالمسیح گفت: اگر اینان صادق باشند که هستند ملاعنه کنیم، همهٔ ما هلاک می‌شویم.

پس به اتّفاق هم با نبی ﷺ مصالحه کردند و پذیرفتند که سالانه هزار دست لباس حُلّه جزیه بپردازند.

پیامبر ﷺ هم فرمود: قسم به خدایی که جان محمد ﷺ در دست اوست، اگر منصرف نمی‌شدند، و ملاعنه می‌کردند، خداوند همه آنان را هلاک می‌کرد.

(۱۷۶) ابی البختری نقل می‌کند: وقتی رسول خدا ﷺ قصد مباهله با اهل نجران را داشت علی، حسن، حسین و فاطمه ﷺ را همراه خود به جایگاه مباهله برد تا مصداق آیه مباهله تحقّق یابد.[2]

---

۱. آل عمران / ۵۹.

۲. این مختصری از روایات است که در این جا آوردیم که مفصل آن در کتابهای تفسیری در ذیل آیه شریفه ذکر شده است.

۲۲ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعاً (آل عمران/ ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید.

(۱۷۷) حسین بن خالد از علی بن موسی الرضاﷺ و آن حضرت از پدران خود تا می‌رسد به علی بن ابی طالبﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود از رسول خداﷺ شنیدم فرمود:

مَنْ اَحَبَّ اَنْ یَرْکَبَ سَفِینَةَ النَّجاة وَ یَسْتَمْسِکَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثقیٰ وَ یَعْتَصِمَ بِحَبلِ اللهِ الْمَتِین فَلْیُوال علیّاً وَلیأتمّ بِالْهُداة مِنْ وُلْدِهِ.

هر کسی دوست دارد به کشتی نجات در آید، و به دستگیره محکم در آویزد و به ریسمان محکم الهی اعتصام جوید، ولایت علیﷺ و امامت فرزندان او را بپذیرد تا گمراه نشود.

(۱۷۸) یحیی بن علیﷺ از آبان بن تَغلب نقل می‌کند، از جعفربن محمدﷺ شنیدم، فرمود:

ما آن ریسمان محکمی هستیم که خداوند متعال در قرآن فرمود: «**وَاعْتَصِمُوا بِحَبلِ اللهِ جَمیعاً**»

تمسّک به ولایت علی بن ابی طالبﷺ تمسّک به برّ و نیکی است، هر بنده‌ای که تمسک به ولایت علیﷺ کند، مؤمن است. و هر کسی ولایت او را ترک کند، در حقیقت ایمان را ترک کرده است. و خارج از دایرهٔ ایمان شده است[1].

(۱۸۰) حسن بن حسین از ابوحفص صائغ روایتی نقل می‌کند که جعفربن محمدﷺ در تفسیر آیهٔ **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا** فرمود: ما اهل بیت پیامبر حَبل الله هستیم. که اعتصام به آن واجب است.

(۱۸۱) محمدبن شهاب زُهری از نافع نقل کرده که فرزند عمربن خطاب از رسول

۱. روایت رقم ۱۷۹ / شواهد التنزیل از حسن بن حسین از یحیی بن علی در همین معنی نقل شد.

خداﷺ روایتی را چنین بیان کرد.

مصطفیﷺ فرمود: جبرئیل امین برایم خبر آورده که «**وِلأيَتُ عَلی بن ابی‌طالب**ﷺ **حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي اَمِنَ مِنْ عَذابِي.**»

«ولایت علیﷺ قلعهٔ و پناهگاه امن من است، هر کسی داخل این پناهگاه شود از عذاب و خطرات محفوظ خواهد ماند.

۲۳ **اَلَّذِينَ اَسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِن بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ** (آل عمران / ۱۷۲)

کسانی که (در نبرد احد) پس از آنکه زخم برداشته بودند، دعوت خدا و پیامبر (او) را اجابت کردند، برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است.

(۱۸۲) ابی رافع نقل کرده است در جنگ اُحد که بر اثر سهل انگاری، عدّه‌ای از مسلمانان کشته و عدّه‌ای نیز زخمی شدند، مشرکین صحنهٔ جنگ را ترک کرده به سوی مکّه روان شدند.

رسول خداﷺ، علیﷺ را با این که مجروح بود فرا خواند و با جمعی از قبیله خزرج به تعقیب مشرکین مکّه فرستاد. علیﷺ و همراهان منزل به منزل آنان را تعقیب می‌کردند و آنان به سوی مکه گریختند.

در آن هنگام خدای سبحان به پاس خدمات علی وهمراهان وی آیهٔ «**اَلَّذِينَ اسْتَجابُوا لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ ما اصابَهُمُ اَلْقَرْحُ**» را بر پیامبرش ﷺ نازل فرمود.

(۱۸۳) ابن عباس نقل می‌کند، آن کسانی که فرمان خدا و رسولش را اجابت کردند از مصادیق این آیه شریفه **اَلَّذِين اسْتَجابُوا لِلَّهِ والرَّسُولِ** هستند، و این آیه در شأن ابوبکر و عمر و علی بن ابی طالبﷺ و ابن مسعود نازل شده است.

(۱۸۴) کلبی از ابی صالح نقل می‌کند: ابن عباس در شأن نزول آیه شریفه، «**اَلَّذِيْنَ**

اِستَجابُوا لِلّهِ وَ الرَّسُول ...» گفت این آیه در تحسین و ثنای علی بن ابی طالب﴿ع﴾ و نه نفر از همراهانش که رسول خدا﴿ص﴾ آنان را به تعقیب سپاه ابی‌سفیان بعد از کوچ کردن فرستاد، نازل شد.

چون علی﴿ع﴾ با بدن مجروح، دستور پیامبر﴿ص﴾ را اجابت کرد و به تعقیب سپاه ابوسفیان پرداخت. مورد تحسین در آیه شریفه قرار گرفت.

(۱۸۵) ابی‌مریم از قول ابوعبدالله نقل می‌کند، محمد مصطفی﴿ص﴾، علی﴿ع﴾ را که در جنگ اُحد مجروح شده بود با ده نفر دیگر به تعقیب مشرکین مکه فرستاد که آیه **«لِلَّذینَ اَحسَنُوا مِنهُم وَ اتَّقَوا اَجرٌ عَظیمٌ»** در تحسین امیرالمؤمنین علی﴿ع﴾ نازل شد.

(۱۸۶) کلبی از ابی صالح نقل می‌کند: ابن عباس درباره کلام خدا **(اَلَّذینَ اِستَجابُوا لِلّهِ وَالرَّسُولِ)** بیان کرده است که این آیهٔ شریفه در شأن علی﴿ع﴾ و نه نفر از همراهانشان که پیامبر﴿ص﴾ آنان را به تعقیب ابوسفیان از مدینه فرستاد، نازل شد و آنان دعوت پیامبر﴿ص﴾ و خدای تعالی را اجابت کردند و سپاه ابوسفیان را متواری کردند.

۲۴ وَ سَیَجزِی اللّهُ الشّاکِرینَ (آل عمران / ۱۴۴)

خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد.

(۱۸۷) محمدبن مروان از جعفربن محمد نقل می‌کند که ابن عباس از مفسرین بزرگ گفت: خدای سبحان در دو جای قرآن از کارهای باارزش علی بن ابی طالب﴿ع﴾ تشکّر وقدردانی فرمود:

۱ـ **وَ سَیَجزِی اَللّهُ الشّاکِرینَ** (آل عمران / ۱۴۴)

۲ـ **وَ سَیَنجزِی الشّاکِرین.** (آل عمران / ۱۴۵)

(۱۸۸) از قول حذیفه بن یمان، از اصحاب نزدیک رسول خدا﴿ص﴾ چنین نقل شده است:

در جنگ اُحد درست در گرما گرم نبرد، وقتی اصحاب مصطفیﷺ منهزم ومتواری شدند، وآن حضرت را تنها گذاشتند، علی بن ابی طالبؑ با شمشیرش به همراهی ابودجانه انصاری از جان نبیﷺ دفاعی جانانه کردند و مشرکین را از اطراف آن حضرت پراکنده نمودند.

در آن هنگام آیه‌های «**وَلَقَدْ كُنْتُم تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ...**» تا آیهٔ **سَيَجْزِي اللهُ الشَّاكِرِين**)[1] در تحسین و تمجید علی بن ابی طالبؑ و ابودجانه انصاری نازل شد.

همچنین آیه «**وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِير**» کثیر همان ده نفری که به دستور خدا و رسولﷺ به تعقیب مشرکین مکه پرداختند هستند.

«**وَاللهُ يُحِبُّ الصَّابِرِين**»[2] صابرین یعنی علیؑ و ابودجانه انصاری که در دفاع از جان نبیﷺ پایداری و استقامت کردند.

۲۵ ثَوَاباً مِنْ عِنْدِاللهِ وَاللهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ..... وَ مَا عِنْدَاللهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرارِ.

(آل عمران / ۱۹۸ ـ ۱۹۵)

ثواب از جانب خدا و پاداش نیکو نیز نزد خداست..... و آنچه در نزد خداست برای نیکان از همه چیز بهتر و ارزشمندتر است.

(۱۸۹) اَصبغ بن نباتة از دوستان واصحاب نزدیک علیؑ می‌گوید[3].

از امیرالمؤمنین علیؑ شنیدم فرمود که روزی رسول خداﷺ دستم را گرفت و گفت؛ ای برادرم! آیا معنی کلام خدای تعالی «**ثَوَاباً مِن عِندِالله وَ اللهُ عِندَهُ حُسْنُ الثَّوابِ**». و «**مَا عِندَالله خَيْرٌ لِلْأَبرار**» را می‌دانی، که ثواب عندالله و ابرار چیست؟

---

۱. آل عمران ۱۴۴ ـ ۱۴۲.

۲. آل عمران / ۱۴۶

۳. روایت دیگری از طریق اشخاص دیگری از اصبغ بن نباته به همین نقل شده است.

عرض کردم: بفرمایید تا بدانم.

رسول خداﷺ فرمود: «أَنْتَ الثَّوابُ وَ شيعَتُکَ الْأَبْرار» یعنی تو ثواب هستی و شیعیانت ابرارند.

(۱۹۰) حسین بن سعید از بعضی از اصحاب از قول محمدبن زربیع، روایت کرده است: اصبغ بن نباته از علی‌ﷺ نقل کرد که رسول خداﷺ در تفسیر و معنی آیه (ثَواباً مِنْ عِنْدِالله) فرمود: یا علیﷺ! أَنْتَ الثَّوابُ وَ أَصْحابُکَ الْأَبْرارُ؛ تو ثوابی و اصحاب تو ابرارند.

۲۶ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَاتَّقُوا اللهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران / ۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.

(۱۹۱) انس بن مالک می‌گوید، ابن عباس مفسّر معروف قرآن در کتاب تفسیرش بیان کرده است که «یا ایُّها الَّذین آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا» یعنی در محبّت علی بن ابی طالب‌ﷺ پایدار و صبور باشید (وَاتَّقُوا الله) و از خدا بترسید و پروا داشته باشید در محبّت داشتن نسبت به علی‌ﷺ و فرزندانش و هرگز آنان را تنها نگذارید.

(۱۹۲) کلبی از ابی صالح نقل می‌کند که ابن عباس در تفسیر کلام خدا گفت: (اِصْبِرُوا) یعنی صبور باشید نزد خودتان. (وَصابِرُوا) در مقابله با دشمن صبور باشید، (و رابِطُوا) در راه خدا جهاد کنید و آیهٔ (وَاتَّقُوا اللهَ لَعَلَّکُم تُفْلِحُون) در شأن مصطفیﷺ و مرتضی‌ﷺ و حمزه سیدالشهدا نازل شده است که چنین اوصافی داشتند.

۲۷ **وَلاَ تَقْتُلُواْ أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيماً.** (نساء /۲۹)

و خودتان را نکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است.

(۱۹۳) ابی صالح از ابن عباس نقل می‌کند که ابن عباس در تفسیر آیهٔ شریفه «**وَلاَ تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ**» گفته است منظور از این آیه یعنی اهل بیت نبیّ ﷺ را نکشید.

(۱۹۴) ابی صالح می‌گوید، ابن عباس در توضیح کلام خدا در آیه (**وَلاَ تَقْتُلُوا أَنفُسَكُم**) بیان کرده است که یعنی اهل بیت پیامبرتان را نکشید، و اهل بیت نبی ﷺ برطبق آیه: (**تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وأَبْنَاءَكُم وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُم وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكم**) حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام از **أَبْنَاءَنَا** و **نِسَاءَنَا** هستند و نفس علی علیه‌السلام و نبی ﷺ به منزلهٔ واحد در نظر گرفته شده است که با تعبیر أَنْفُسَنَا در آیه ذکر شد.

۲۸ **أَمْ يَحْسُدُونَ ٱلنَّاسَ عَلَىٰ مَآ آتَاهُمُ اللهُ مِن فَضْلِهِ.** (نساء / ۵۴)

بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند.

(۱۹۵) یحیی بن یعلی ربعی از ابان بن تغلب نقل می‌کند: از جعفربن محمد علیهما‌السلام شنید که آن حضرت در بیان کلام خدا، (**أَمْ يَحْسُدُون النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ**) فرمود: **نَحْنُ المَحسُودُون**. یعنی ما خاندان نبوّت از محسودون هستیم که به جهت فضایل زیاد و صفات پسندیده مورد حسد حسودان واقع شده و می‌شویم.

(۱۹۶) ابوسعید مودّب نقل می‌کند ابن عباس در باره (**أَمْ يَحْسُدُون النَّاس**) گفت: ما بستگان پیامبر از محسودون هستم.

چون فضیلت نبوّت و افتخار رسالت در بین ما خاندان بنی هاشم قرار داده شد، به همین جهت به ما حسد برده می‌شود.

(۱۹۷) محمّدبن فضیل نقل می‌کند: ابی صباح گفت: روزی جعفربن محمدﷺ فرمود: ای اباصباح! آیاکلام خدا (**أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلىٰ مٰا آتاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ**) را شنیده‌ای؟

عرض کردم: بلی، یابن رسول الله این آیه راشنیده‌ام، بفرمایید تا دربارهٔ آن بدانم.

آن جناب فرمود: **نَحْنُ وَاللّٰهِ هُمْ، نَحْنُ وَاللّٰهِ الْمَحْسُودُون.**

به خدا سوگند ما خاندان پیامبر از محسودون هستیم، به سبب فضایل کثیر که از جانب خدای عزّوجلّ به ما عنایت شده. مورد حسد حسودان واقع شده‌ایم.

(۱۹۸) عباس بن هشام از قول پدرش چنین نقل کرده است: روزی خُزَیمة بن ثابت به چهره علیﷺ نگاه کرد. علیﷺ فرمود: ای خزیمه! آیا می‌نگری که چگونه به من حسد برده می‌شود، به سبب جایگاهی که در نزد نبیﷺ و علمی که خداوند روزیم کرد، مورد حسد حسودان واقع شدم.

۲۹ فَقَدْ آتَيْنآ آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتٰابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً

(نساء / ۵۴)

در حقیقت، ما به خاندان ابراهیم کتاب وحکمت دادیم، و به آنان مُلکی بزرگ بخشیدیم.

(۱۹۹) محمدبن أبي عُمر أزْدي از هُشام بن حَکَمْ نقل می‌کند.

جعفربن محمدﷺ در توضیح و تفسیر (**وآتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً**) فرمود:

جَعَلَ فيهم ائمةً مَنْ اَطاعَهُم فَقَدْ اَطاعَ اللّٰهَ وَ مَنْ عَصاهُم فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ

خداوند سبحان در بین آل ابراهیم امامانی قرار داد. هر کسی آنان را اطاعت کند خدا را اطاعت و متابعت کرده است، و هر کسی از آنان تمرد، و نافرمانی و عصیان کند، خدا را عصیان کرده است.

(۲۰۰) ابی خالد کابلی می‌گوید از ابی جعفرﷺ در تفسیر آیه شریفه (**وآتَيْناهُمْ مُلْكاً**

عَظِیماً) سؤال کردم. این مُلک عظیم که بیان شد چیست؟

ابی جعفر﷣ فرمود: خدای عزّوجلّ امامانی در بین مردم قرار داد؛

هر کسی آنان را فرمانبرداری و متابعت واطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و هرکسی آنان را عصیان کند خدای بزرگ را تمرد ونافرمانی کرده است. مُلک عظیم همین امامان هستند[1].

۳۰ یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اَطِیعُوا اللّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُوْلِی الأَمْرِ مِنْکُمْ.

(نساء / ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را (نیز) اطاعت کنید.

(۲۰۲) ابان بن ابی عیّاش از سلیم بن قیس هلالی نقل کرده که علی﷣ فرمود:

رسول خداﷺ درباره آیه **اَطِیعُوا اللهَ وَاَطِیعُوا الرَّسُولَ وَاُولِی الأَمْرِ مِنْکُمْ** به من فرمود: اولی الامر که خدای تعالی او را در کنار نام خویش و رسولش در آیه **(یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اَطِیعُوا اللّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُوْلِی الأَمْرِ مِنْکُمْ**

قرارداده است و در منازعات مردم را رجوع به آنان داد آیا می‌دانی کیستند؟

عرض کردم: یا رسول الله! آنان چه کسانی هستند؟

فرمود: یا علی! تو اولین نفر از آنان هستی.

(۲۰۳) مجاهد در تفسیر آیه شریفه گفته است: **(یا ایُّها الّذینَ آمَنُوا)** یعنی ای کسانی که تصدیق به توحید دارید **(اَطیعُوا اللّهَ)**، اطاعت کنید خدا را در فرایض و واجباتش و **(اَطیعُوا الرَّسُولَ)** اطاعت کنید رسولﷺ را در سنّتش. **(وَأُوْلِی الأَمْرِ مِنْکُم)** و اطاعت

---

[1] روایت رقم ۲۰۱ / شواهد التنزیل نیز با همین لفظ و معنی از مالک بن عطیة از ابن خالد نقل شد.

کنند از امیرالمؤمنین علی﷣ که ولیِ امر مسلمین است.

در جنگ تبوک، مصطفیﷺ مرتضی﷣ راجانشین خویش در مدینه قرار داد و خود آن حضرت فرماندهی لشکر را به عهده گرفت تا به سرزمین تبوک حرکت کند.

وقتی علی﷣ به خدمت نبیﷺ رسید وگفت: یا رسول الله! آیا مرا در بین اطفال و زنان وا می‌گذاری؟

حضرت فرمود: یا علی! آیا راضی نمی‌شوی که برای من بـه مـنزله هـارون بـرای موسی باشی، زمانی که موسی به برادرش هارون گفت: **أُخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ** و تو ولیّ امر و جانشین من هستی و **(أُوْلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)** علی بن ابی طـالب﷣ است، کـه خدای سبحان او را ولایت امر در زمان حـیات مـحمدﷺ زمـانی کـه او را جـانشین خویش در مدینه گذاشت عنایت فرمود، و همچنین بندگانش را امر به اطاعت و ترک مخالفت او فرمان داد.

(۲۰۴) ابی بصیر می‌گوید از ابوجعفر﷣ دربارهٔ معنای کلام خدای تعالی:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمرِ مِنْكم) سوال کردم

ابوجعفر﷣ فرمود: آیه برای اطاعت از علی بن ابی طالب﷣ نازل شد.

گفتم: مردم می‌گویند؛ چه چیزی باعث شده تا خدای تعالی اسم عـلی﷣ و اهـل بیت را صریح و روشن در قرآن بیان نکند.

ابوجعفر﷣ فرمود: به مردم بگویید، خدای سبحان امر به نماز فرمود امّا بیان تعداد رکعت‌ها که ۳ رکعت باشد یا ۴ رکعت به اختیار رسول خداﷺ بود

خدای تعالی امر به مناسک حج فرمود، امّا تفسیر و بیان تعداد اشواط به اختیار پیامبرﷺ گذاشته شد.

خدای تعالی فرمود: **أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُوْلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛**

که این کلام در شأن علی و حسن و حسین﷩ نازل شد.

و رسول اللهﷺ فرمود:

أُوصيكُم بِكتابِ اللّهِ وَ أهلِ بَيتي، إنّي سَألتُ اللّهَ أنْ لايفرق بَيْنَهما حَتّى يُوردهما عَلَيَّ الْحَوْض فَاعطاني ذٰلک.

یعنی شما را به کتاب خدا و اهل بیت خویش توصیه می‌کنم، بین آن دو جدایی نیندازید تا در حوض کوثر بر من وارد شوید، چون خدای یکتا آن دو ثقل را به من عطا فرمود.

(۲۰۵) ابراهیم بن سعد بن ابی وقاص از پدرش سعد بن وقّاص نقل می‌کند.

رسول خداﷺ در لشکر کشی به سرزمین تبوک برای جنگ با رومیان، علی‌ؑ را جانشین خویش در مدینه قرار داد و با انبوه جمعیت عازم تبوک شد.

علی‌ؑ در حالی که سلاح خویش را به همراه داشت در سرزمین جَرْف به خدمت مصطفیﷺ رسید. و گفت: یا رسول الله! در این جنگ مرا جانشین خویش قرار دادی و حال این که درگذشته در هیچ نبردی چنین اتّفاق نیفتاد و منافقین مرا بر این کار مذمّت می‌کنند.

سعدبن وقاص می‌گوید: از رسول خداﷺ شنیدم فرمود:

یا علی! اَمٰا تَرضىٰ اَنْ تَكُونَ مِنّي بِمَنْزِلَةِ هٰارُونَ مِنْ موسىٰ اِلاّٰ أنّه لاٰ نَبِيَّ بَعْدي فَارْجِعْ فَاخْلُفْني في اَهْلي و اَهلِک.

یا علی! به جانشینی من راضی باش، تو به منزله هارون نسبت به موسی برای من هستی؛ جزء این که بعد از من پیامبری وجود ندارد. پس برگرد و جانشین من در مدینه برای اهل من و خانواده خود باش.

۳۱ **وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰئِكَ مَعَ الَّذِيْنَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَداءِ والصّٰالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولٰئِکَ رَفِيقاً** (نساء / ۶۹)

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند؛ در زمرهٔ کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته (یعنی) با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگان‌اند و آنان چه نیکو همدمان هستند.

(۲۰۶) ابی صالح نقل می‌کند: عبدالله بن عباس در تفسیر این آیهٔ شریفه چنین شرح می‌دهد: **(مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ)** یعنی کسانی که خدای تعالی را در فرایض اطاعت می‌کنند، و رسول صلی الله علیه و آله را در سنّتش پیروی می‌نمایند.

(فَأُولٰئِکَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِنَ النَّبِيِّينَ) یعنی آنان با محمد صلی الله علیه و آله که از انبیاء الهی، **(وَالصِّدِّيقِينَ)** یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام که اولین تصدیق کننده نبی صلی الله علیه و آله بود **(وَالشُّهَدَاءِ)** یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام و جعفر طیّار و حمزه سیدالشهدا و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام که از سروران و سادات شهیدان هستند، **(وَالصَّالِحِينَ)** یعنی سلمان و اباذر و صهیب و بلال و خباب بن ارت و عمّار یاسر **(وَحَسُنَ أُولٰئِکَ رَفِيقاً)** یعنی این یازده نفر از صدّیقین وشهدا وصالحین در بهشت در کمال رفقات در کنار یکدیگرند.

(۲۰۷) ابواحمد داوود بن سلیمان می‌گوید، علی بن موسی الرضا از پدرانش نقل می‌کند تا می‌رسد به علی علیه السلام که آن حضرت فرمود:

رسول الله صلی الله علیه و آله در آیه **(فَأُولٰئِکَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ...)** فرمود؛ از **(مِنَ النَّبِيِّينَ)**، محمد صلی الله علیه و آله و **(مِنَ الصِّدِّيقِينَ)** علی بن ابی طالب علیه السلام **(ومن الشُّهداء)** حمزه سیدالشهدا **(ومن الصَّالِحين)** حسن علیه السلام وحسین علیه السلام **(وَحَسُنَ أُولٰئک رَفِيقا)** یعنی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و مهدی اُمّت مورد نظر است[1].

(۲۰۹) حذیفة بن یمان از یاران صمیمی و اصحاب با وفای رسول الله صلی الله علیه و آله می‌گوید، روزی که آیه **(أُولٰئک الَّذِيْن أنْعَم اللّه عليهم مِنَ النَّبيين والصِّدّيقين والشُّهداءِ والصَّالحين وحَسُنَ أُولٰئک رَفيقا)** نازل شد، به خدمت آن حضرت رسیدم.

مصطفی صلی الله علیه و آله آیه را برایم قرائت فرمود.

پرسیدم: یا نبی الله صلی الله علیه و آله! اینان چه کسانی هستند که خداوند اسامی آنان را کنار هم آورده است؟

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ای حذیفة! من آن نبیّ هستم که خدای تعالی فرمود؛ **من**

---

۱. روایت رقم ۲۰۸ / شواهد التنزیل از اصبغ بن نباته از ابن عباس با همین متن والفاظ نقل شده است.

النّبیین الّذین أنْعَم اللّه علیهم، که اول آنان در نُبوّت و آخرشان در بعثت هستم و از صدّیقین علی بن ابی طالب ﷺ است؛ چون زمانی که خدای سبحان مرا به رسالت برانگیخت، او اولین تصدیق کنندهٔ رسالت بود، و از شهدا، حمزه سیدالشهداء وجعفر طیّار هستند

واز صالحین، حسن ﷺ وحسین ﷺ سیّد جوانان اهل بهشت هستند. و **(وَحَسُنَ أُولٰئِکَ رَفیقا)** مهدی زمان خویش است.

۳۲ اَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلاَمَ دِيناً. (مائده /۳)

امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما (به عنوان) آیینی برگزیدم.

(۲۱۰) ابی هریرة می‌گوید، هر کسی روز هجده ذی حجّه را روزه بگیرد خدای تعالی برای او روزهٔ شصت ماه را می‌نویسد.

و آن روزی است که در غدیرخُم، نبیّ ﷺ دست علی ﷺ را گرفته و در بین حاضرین بلند کرد و فرمود: **مَن کُنْتُ مَوْلاه فَعلیٌ مَوْلاه**

ای مردم! هر کسی من مولای اویم، علی هم مولای اوست.

وعمربن خطّاب در آن هنگام برخاست و علی را بدین گونه تهنیت و تبریک گفت: **بَخٍ بَخٍ لک یا بن ابی طالب** ﷺ یعنی ای فرزند ابی طالب این ولایت بر تو مبارک باشد.

(۲۱۱) ابی سعید خدری از صحابه رسول ﷺ چنین نقل می‌کند: پس از معرفی ولایت علی ﷺ در غدیرخم آیهٔ «**اَلْيَوْم اَكْمَلْتُ لَكُم دِينَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيكُم نِعْمَتي وَ رَضِيتُ لَكُم الْإِسْلامَ دِيناً**» نازل شد.

رسول خدا ﷺ با شنیدن آیه شریفه از جبرئیل فرمود:

الله اکبر! بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی‌ﷺ بعد از من.

مجدداً فرمود: **مَنْ كُنْتُ مولاه فَعليٌ مَولاهُ، اللّهم وَالِ مَنْ والاه وَ عادِ مَنْ عاداه وانْصُرْ مَنْ نَصَرَه وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَه**[1].

(۲۱۳) از لسان ابی هریرة این روایت نقل شده است: هر کسی روز هجدهم ذی‌الحجّه روزه بگیرد خداوند روزهٔ شصت ماه را برای او ثبت می‌کند، و آن روز، روز غدیرخم است، روزی که نبیّ‌ﷺ دست علی‌ﷺ را گرفت، در میان جمعیت ایستاد و فرمود: **أَلَسْتُ وَلِيّ المؤمنين؟** ای مردم! آیا من ولیّ مؤمنین نیستم؛ همگی یکصدا گفتند: بلی یا رسول الله! چنین است.

سپس فرمود: **مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَليٌ مَوْلاهُ**

هر کسی من مولای اویم، علی بن ابی طالب‌ﷺ مولای اوست.

عمربن خطاب برای تهنیت برخاست و گفت: بَخٍ بَخٍ یا بن ابی طالب، اَصْبَحْتَ مَوْلای و مولا كُلّ مؤمن!

ای پسر ابوطالب این ولایت بر تو مبارک باد! مولای من و مولای هر مؤمنی هستی.

بعد از این مراسم بود که آیهٔ «**اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ**» نازل شد.

(۲۱۴) سعیدبن جبیر می‌گوید: ابن عباس گفت، روزی در طواف کعبه، رسول خداﷺ فرمود: آیا علی بن ابی طالب در میان شماست. عرض کردیم؛ بلی یا رسول الله! آن حضرت او را به خود نزدیک کرد و دستش را بر کتف او زد و فرمود: طوبی لک، یا علی! هم اکنون آیه‌ای برایم نازل شد که نام من و تو در آن به طور مساوی ذکر شده است.

و آن آیه «**اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيكُم نِعْمَتي وَ رَضِيتُ لَكُم الإِسْلامَ**

---

۱. روایت رقم ۲۱۲ / شواهد التنزیل از ابوسعید خدری با همین متن و محتوا نقل شده است.

دینا» است.

خداوند فرمود: دین را با نبیﷺ کامل کردم، و با علی نعمت را به پایان رساندم و بهترین آیین را که اسلام است، برایتان برگزیدم.

(۲۱۵) عطاء از سعید و سعید از ابن عباس روایتی نقل می‌کند که نبیﷺ در موسم حج و در مکّه مکرمه متوجه علیؑ شد و فرمود: گوارا باد بر تو یا اباالحسن!

خداوند بر من آیه‌ای محکم و صریح نازل فرمود که نام من و تو به طور مساوی در آن ذکر شده. و آن، این آیه است. «اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ...»

۳۳ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وهُمْ رَاكِعُونَ (مائده / ۵۵)

ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

(۲۱۶) ابن عباس از مفسرین قابل اعتماد اهل سنت می‌گوید: آیه شریفه «اِنَّما وَلِیُّکُم اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا» در شأن علی بن ابی طالبؑ نازل شد.

(۲۱۷) ابن طاووس می‌گوید، پدرم گفت: روزی نزد ابن عباس نشسته بودم، مردی غریب وارد شد، و از عبدالله بن عباس مفسر معروف قرآن پرسید، مرا از آیه «اِنَّما وَلِیُّکُم اللّهُ و رسوله...» با خبر ساز که دربارهٔ چه کسی است.

ابن عباس گفت: بدان این آیه شریفه در حقّ علی بن ابی طالبؑ نازل شده است.[1]

(۲۲۱) سعیدبن جُبیر می‌گوید؛ ابن عباس مفسّر قرآن درباره آیهٔ «اِنَّما وَلِیُّکُم اللّهُ وَرَسُولُهُ» گفت، یعنی ناصر و معین شما، خدا و رسولش محمدﷺ هستند.

---

۱. روایت رقم ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ / شواهد التنزیل از ابن عبّاس نقل شد، آیه شریفه در حقّ علی بن ابی طالبؑ نازل شد.

وَالَّذِینَ آمَنُوا یعنی علی﷣ که از بین مؤمنان فقط علی بن ابی طالب﷣ را اختصاص داد. و فرمود: «**اَلَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلٰاةَ**» یعنی آنان که وضو و قرائت و رکوع و سجود را با خشوع انجام می‌دهند و «**وَیُؤْتُونَ الزَّکَاةَ وَ هُمْ رَاکِعُونَ**»

قضیه چنین است که روزی رسول اللهﷺ نماز ظهر را به جماعت گزارد و همه رفتند، غیر علی﷣ کسی در مسجد نبود، فقیری از فُقرای مسلمین وارد مسجد شد، علی﷣ را در حال نماز دیده، به سویش رفت وگفت: ای برادر نبیّ! آنچه ممکن و مقدور شماست، به من عنایت فرمایید.

آن بزرگوار انگشتر عقیق سرخ یمنی را که فقط در نمازها در انگشت دست راست می‌کرد، از انگشت خارج و به سائل اهدا کرد.

بلافاصله جبرئیل به نزد نبیّﷺ آمد و بعد مصطفیﷺ علی را فراخواند و فرمود: یا علی﷣! امروز خدای سبحان به وجود کریمانه تو بر ملائکه آسمان مباهات می‌کند، سپس آیه «**اِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا...**» را برای علی﷣ قرائت کرد.

(۲۲۲) انس بن مالک داستان سائل را این گونه نقل می‌کند.

مسکینی وارد مسجد شد، و گفت: چه کسی این تهی‌دست و بیچاره را با قرض دادن نوازش می‌کند.

علی﷣ در حال رکوع با دستش به سائل اشاره کرد که بیا و این انگشتر را از دستم بیرون آر.

رسول اللهﷺ فرمود: ای عمر! واجب شد!

عمر گفت: یا رسول اللهﷺ چه چیزی واجب شد؟

فرمود: به خدا سوگند بهشت بر او واجب شد و انگشتر از دست او بیرون نیامد مگر این که همه گناهان و خطاهای او محو شد.

عمر پرسید: آیا برای این عمل کوچک این پاداش داده شد؟

رسول خداﷺ فرمود: بلی این پاداش برای کسی است که این کار را از سر اخلاص برای یکی از افراد اُمّتم انجام داد.

(۲۲۳) انس بن مالک چنین نقل می‌کند:

مصطفیﷺ بعد از نماز ظهر از مسجد خارج شد، و به منزل خویش رفت. علی؈ در نماز ایستاده بود سائلی وارد مسجد شد و چنان از بیچارگی خود نالید که قلب علی؈ به درد آمد. آن حضرت در حال رکوع با دست راست خود به سائل اشاره کرد تا انگشتری را از انگشت او خارج کند، و آن سائل انگشتری را گرفت و رفت. علی؈ در پایان نماز عازم منزل خود شد.

مصطفیﷺ کسی را فرستاد و علی؈ را احضار کرد و چون حاضر شد. فرمود: یا علی! چه کار زیبایی بین خود و خدایت انجام دادی؟

علی؈ داستان فقیر و اهدای انگشتر را بیان کرد.

نبیﷺ فرمود: یا اباالحسن! بر تو گوارا باشد. خدای عزّوجلّ در شأن تو آیه ﴿**إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وهُمْ رَاكِعُونَ**﴾ را نازل فرمود.

(۲۲۴) محمدبن حنفیّة فرزند علی؈ قضیه خاتم علی؈ را چنین حکایت کرد: سائلی مسکین در مسجد رسولﷺ تقاضای مساعدت کرد، غیر از علی؈ کسی او را به عطایی ننواخت، چون رسول خداﷺ از مسجد خارج شد از سائل پرسید، آیا چیزی دریافت کردی؟

گفت: غیر از مردی که در حال رکوع بود و انگشتری به من اهدا کرد، چیزی دریافت نکردم.

نبیﷺ فرمود: آیا او را می‌شناسی؟

گفت: خیر، نمی‌شناسم.

آن گاه آیهٔ «**وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُون الصَّلاةَ وَيُؤْتُون الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ**» در شأن

علی بن ابی طالب‌ﷺ نازل شد.[1]

(۲۲۶) عطاء بن سائب دربارهٔ آیه **اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُه**... گفته است این آیه در شأن علی‌ﷺ هنگامی که انگشتری خویش را در حال رکوع به سائل داد نازل شد.

(۲۲۷) عبدالملک بن جُریج مکّی دربارهٔ نزول آیه **انّما وَلـيُّكُمْ اللهُ وَ رَسُـولُه**... گفته است:

وقتی نبیّ‌ﷺ به سوی مسجد می‌رفت، سائلی را در مسجد مشاهده کرد که طلب کمک می‌کرد. بعد از مدّتی رسول خدا پرسید: آیا کسی چیزی به تو اهدا کرد.

سائل گفت: بلی، مردی که او را نمی‌شناسم مرا مورد لطف قرار داد.

حضرت پرسید: عطایش چیست؟

سائل گفت: این انگشتری را عنایت کرد.

پیامبرﷺ انگشتری را شناخت و فهمید صاحب آن علی بن ابی طالب‌ﷺ است.

آن گاه آیه فوق در شأن آن حضرت نازل شد.

(۲۲۸) عبدالملک بن ابی سلیمان می‌گوید از ابوجعفرﷺ در مورد آیهٔ **اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ والَّذِيْن يُقِيمُون الصَّلاةَ**... پرسیدم، آنان چه کسانی هستند؟

آن حضرت فرمود: اصحاب مصطفی‌ﷺ هستند، گفتم؛ مردم می‌گویند؛ علی‌ﷺ است.

گفت: علی‌ﷺ هم از آنان است[2]

(۲۳۱) عمّار یاسر می‌گوید: مسکینی در مقابل علی‌ﷺ در حالی که آن حضرت در رکوع بود ایستاد و درخواست کمک کرد، علی‌ﷺ انگشتری خود را از انگشت خارج کرد و به سائل بینوا عطا کرد. وقتی رسول اللهﷺ از ماجرای ایثار علی‌ﷺ آگاه شد، آیه **«وَالَّذِيْنَ آمَنُوا الَّذِيْنَ يُقِيمُون الصَّلاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.»** بر رسول خداﷺ

---

۱. باز هم از محمد بن حنفیّه روایت رقم ۲۲۵ / شواهدالتنزیل مثل روایت ۲۲۴ نقل شد.

۲. روایت رقم ۲۲۹ و ۲۳۰ / شواهد التنزیل با همین متن والفاظ نقل شد.

نازل شد. و آن حضرت فرمود: **مَنْ کُنْتُ مولاه فَعلیّ مولاه، اللّهم وال مَنْ والاه وَ عاد مَنْ عاداه.**

(۲۳۲) جابربن عبدالله انصاری از اصحاب خاص رسول اللهﷺ می‌گوید:

روزی در زیر درختی نشسته بودیم، عبدالله بن سلام به همراهی عده‌ای خدمت رسول خداﷺ رسید، از کناره گیری مردم و منزوی کردنش بعد از مسلمان شدن شکوه و گله کرد.

پیامبرﷺ دستور داد، در این حوالی بگردید و سائلی را بیابید و نزد من آورید.

ما داخل مسجد شدیم، مسکینی را در گوشه مسجد یافتیم، او را نزد نبیّﷺ بردیم، حضرت از او پرسید؛ آیا کسی چیزی به تو عطا کرده یا خیر؟

سائل گفت: بلی یا رسول اللهﷺ مردی که در حال نماز بود انگشتری خود را به من عنایت کرد.

مصطفیﷺ فرمود: بروید و ببینید او کیست؟

ما همگی رفتیم، دیدیم که علیؑ در حال نماز است.

سائل گفت: همین آقا بود که بزرگواری کرد.

به خدمت رسولﷺ برگشتیم، که آیه «**اِنَّما وَلیُّکُم اللّهُ وَ رَسُولُه...**» هم بر آن حضرت نازل شد.

(۲۳۳) فرزندان علیؑ از قول پدرشان نقل کرده‌اند که علیؑ فرمود:

آیه «**اِنَّما وَلیُّکُم اللّهُ وَ رَسُولُه وَالّذِین آمَنُوا...**» در خانهٔ رسول اللهﷺ بر آن حضرت نازل شد.

رسول اللهﷺ برخاست و به مسجد رفت. عده‌ای از مردم در حال رکوع و عده‌ای در حال سجود بودند.

در همین اثنا رسول خداﷺ سائلی را دیدند، پرسیدند ای سائل! آیا کسی چیزی به تو عطا کرده است؟

سائل گفت: یا نبیَّ الله! غیر از این راکع که انگشتری خود را به من داد کسی چیزی نداد و آن شخص علی بن ابی طالبﷵ بود.

(۲۳۴) مقداد بن اسود کندی می‌گوید: روزی در کنار رسول اللهﷺ در مسجد نشسته بودیم، یک عرب بَدَوی وارد شد.

علیﷵ در بین نماز ظهر وعصر در وسط مسجد به نماز ایستاده بود آن حضرت به درخواست سائل، انگشتری خود را به وی اهدا کرد.

نبی اکرمﷺ فرمود: یا علی! **بَخٍ بَخٍ بَخٍ وَ جَبَتْ الْغُرَفَات.**

یعنی ای علی! مبارک باد مبارک باد مبارک باد بر تو غرفه‌های بهشت.

در همین اثنا جبرئیل به زمین آمد، و آیه «**اِنَّما وَلِیُّکُم اللّهُ وَ رَسُولُه وَالّذِین آمَـنُوا الذین...**» را بر مصطفیﷺ خواند.

(۲۳۵) اعمش از عبایة بن ربعی نقل می‌کند که عبدالله بن عباس در کنار چاه زمزم نشسته بود، و احادیث نبوی را برای مردم نقل می‌کرد و می‌گفت: قال رسول اللهﷺ....

امّا زمانی که مردی عمامه‌دار را می‌دید، در نقل حدیث توقف مـی‌کرد. در هـمین هنگام، مردی ژنده پوش نزدیک آمد و گفت: قال رسول اللهﷺ ابن عباس متعجب شد، از او پرسید، تو را به خدا سوگند می‌دهم کیستی؟

آن ناشناس عمامه را از صورت برگرفت و گفت، من ابوذر غفاری هستم.

ای مردم! از رسول اللهﷺ شنیدم فرمود: شما را به این دو رکن سفارش مـی‌کنم و همچنین آن حضرت فرمود: «**عَلِیٌّ قَائِدُ الْبَرَرة وَقَاتِلُ الْکَـفَرة، مَـنْصورٌ مَـنْ نَـصَرَه و مَخْذولٌ مَنْ خَذَله**».

ای دوستان! گوش کنید تا از علیﷵ بگویم. روزی با رسول اللهﷺ به نـماز ظـهر ایستاده بودیم. در پایان نماز، سائلی در مسجد تقاضای کمک کرد، احدی او را پاسخ نگفت، سائل دست به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! شاهد باش در مسجد رسول الله کسی حاجت مرا بر آورده نکرد و چیزی به من عطا نکرد. علیﷵ که در حال رکـوع

بود، چون صدای او را شنید. با دست اشاره کرد تا انگشتر را از انگشت وی بیرون آورد. و آن سائل چنین کرد. این ایثارگری علی ﷺ در حضور نبی ﷺ بود. پس دست را به آسمان بلند کرد و فرمود:

خدایا! برادرم موسی ﷺ از تو درخواست کرد. «**ربِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْلِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسانِي وَاجْعَل لِي وزيراً مِنْ اَهْلِي هٰارُونَ اَخى. أُشْدُدْ بِهِ أَزْرِي. وَاشْرِكْهُ فِي أَمْرِي**[1]».

و تو در پاسخ او فرمودی (**سَنَشُدّ عَضُدَکَ بِاخیکَ**) و خواستهٔ او را برآورده کردی. خدایا من نبیّ و برگزیده توام و از تو چنین درخواست می‌کنم.

«**اللّٰهُمَّ فَاشْرَحْ لِي صَدري وَيَسِّرْلِي اَمْرِي وَاجْعَلْ لِي وزيرا مِنْ اَهْلِي عَلِيّاً اَخِي أُشْدُدْ بِهِ أَزْرِي**».

به خدا سوگند، هنوز کلام مصطفی ﷺ پایان نیافته بود که جبرئیل به زمین هبوط کرد و به نزد آن حضرت حاضر شد و گفت: یا محمد! گوارا باد بر تو بـه آنـچه خـدا درباره برادرت علی ﷺ به تو عطا کرد.

مصطفی ﷺ پرسید: ای جبرئیل! آن نوید چیست؟.

جبرئیل گفت: خدای تعالی اُمّت را به ولایت برادرت تا روز قیامت امر فـرموده است و آیه «**إِنَّما وَلِيُّكُم اللهُ وَ رَسُولُه وَالَّذِيْن آمَنوُا الَّذِين يُقيمُون الصَّلاة وَيُؤتُون الزّكاة وهُمْ راكعون**» را برایت نازل کرد.

(۲۳۶) ابن عباس مفسّر مشهور دربارهٔ آیهٔ «**انَّما وِلِيُّكُم اللّٰهُ وَ رَسُولُه...**» بیان کـرده است:

جماعتی از مسلمانان که قبلاً اهل کتاب و از دین یهود بودند، مثل عبدالله بن سلام و اسد و اُسید و ثعلبة که به دستور خدای عزّوجل، از یهود ونصاری قطع رابطه کردند. از آن جایی که درحاشیهٔ شهر مدینه سکونت داشتند به خدمت مصطفی ﷺ رسیدند

---

۱. سوره طه / ۲۵.

وگفتند: یا رسول الله ﷺ چون فاصله ما با مساجد و منازل شما دور است، حضور یافتن در مجالس شما برای ما سخت و مشکل است، از طرفی هم با یهودیان و هم با مسیحیان قطع رابطه کرده‌ایم، در همان اثنا که مشغول شکوه و گله بودند. آیه «**اِنَّما وَلِیُّکُم اللّٰهُ وَ رَسُولُه...**» نازل شد.

مصطفی ﷺ این کلام یزدان را بر آنان قرائت کرد.

آنان گفتند: **رَضَینا بِاللّٰهِ و بِرَسُولِهِ وَ بِالْمُؤْمِنینِ.**

یعنی راضی به دستور خدای سبحان و رسول گرامی و مؤمنین هستیم.

همان وقت بلال حبشی بانگ اذان را سر داد.

رسول خدا ﷺ برای نماز به مسجد رفت، مردم در حال رکوع و سجود بودند، و مسکینی در بین نمازگزاران می‌گشت و تقاضای کمک می‌کرد.

مصطفی ﷺ: او را فرا خواند و پرسید آیا کسی چیزی به تو عطا کرد؟

گفت: بلی، به من یک انگشتری دادند.

حضرت پرسید: چه کسی این انگشتری را به تو داد؟ آن مسکین گفت: آن جوان که به نماز ایستاده است.

چون حضرت نگاه کرد، دید علی بن ابی طالب ﷺ است.

سپس پرسید: در چه حالتی این انگشتری را به تو عطا کرد.

گفت: آن جوانمرد، آن را در حال رکوع به من عنایت کرد.

مصطفی ﷺ با شادی این آیه شریفه را تلاوت کرد. «**اِنَّما وَلِیُّکُم اللّٰهُ وَرَسُولُه وَالَّذِیْنَ آمَنُوا الَّذِیْنَ یُقیمُونَ الصَّلاةَ وَیُؤتُون الزَّکاةَ وَ هُمْ راکِعُونَ**».

(۲۳۷) این روایت از طریق روات دیگری که نام ابی صالح در میان آنان است. مجدداً نقل شد. که تقریباً مشابه روایت ۲۳۶ است. که ابن عباس داستان را این گونه نقل می‌کند:

عبدالله بن سلام و چند نفر از هم مسلکانش که پیرو دین یهود بوده و به اسلام

پیوستند به حضور نبی ﷺ رسیدند و گفتند: یا رسول الله ﷺ! منازل ما دور از منزل‌های شماست ما همنشین و هم صحبت نداریم. اقوام ما چون فهمیدند مسلمان شده‌ایم. ازدواج و مجالست و تکلّم با ما را تحریم کرده‌اند و این تنهایی برای ما مشکل است.

مصطفی ﷺ در جواب آنان آیهٔ «**إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ...**» را تلاوت و سپس به سوی مسجد حرکت کرد.

در مسجد عدّه‌ای در حال رکوع و عده‌ای در حال سجود بودند.

سائلی هم در بین آنان تقاضای کمک می‌کرد. مصطفی ﷺ از سائل پرسید؛ آیا کسی کمکی به تو کرده یا خیر؟

سائل گفت: بلی یا رسول الله ﷺ! یک انگشتری به من داده شد.

حضرت پرسید: چه کسی آن را به تو داد؟

سائل گفت: آن جوان که ایستاده است و اشاره به علی بن ابی طالب ؑ کرد

حضرت پرسید: در چه حالتی انگشتری را به تو داد.

سائل گفت: آن را در حالت رکوع به من عنایت کرد.

مصطفی ﷺ تکبیر بلندی گفت؛ سپس آیهٔ شریفه «**وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ**»[1] را قرائت فرمود[2].

(۲۳۹) عبدالله بن محمّدبن حنفیّة از نوادگان علی ؑ دربارهٔ جدّش علی ؑ می‌گوید.

امیرالمؤمنین علی ؑ به نماز ایستاده بود، سائلی تقاضای کمک از جمعیت حاضر در مسجد کرد، علی ؑ با اشاره به سائل، انگشتری خود را اعطا کرد، سائل به خدمت نبی ﷺ آمد.

آن حضرت پرسید: آیا کسی چیزی به تو داده یا خیر؟

سپس آیهٔ «**إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...**» بر آن حضرت نازل شد.

---

۱. مائده / ۵۶

۲. روایت رقم ۲۳۸ فقط چند بیت شعر عربی بود که ذکر نکردم.

(۲۴۰) ابن عباس از مفسّران مشهور و قابل اعتماد می‌گوید:
آیه «**اِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِیْنَ آمَنُوا الَّذِیْنَ...**» فقط به طور اختصاصی در حقّ علی بن ابی طالبﷺ نازل شد. و آیهٔ «**وَ مَنْ یَتَوَلَّ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَالَّذیْنَ آمَنوْا...**» هم در حقّ علیﷺ نازل شد.

و همچنین آیهٔ شریفه «**بَلِّغْ ما اُنْزِلَ اِلَیْک...**» هم در حقّ علیﷺ نازل شد.

آن زمان که خدای تعالی، مصطفیﷺ را امر به ابلاغ فرمود.

آن سید و سرور دست علیﷺ را گرفت به میان مردم آورد و فرمود:

مَنْ کُنْتُ مولاه فَعلیٌ مولاه

یعنی هر که من مولای او هستم؛ علی مولای اوست.

و همچنین کلام خدا (**لاتُحَرِّمُوا طَیِّباتِ ما اَحَلَّ اللّهُ لَکُم**) در شأن علی و اصحابش مثل عثمان بن مظعون و عمّار یاسر نازل شد که شهوات ولذات را بر خویشتن تحریم کرده بودند.

۳۴ **وَ مَنْ یَتَوَلَّ اَللّهَ وَ رَسُولَهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللهَ هُمُ الغَالِبُونَ** (مائده/۵۶)

و هر کسی خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولیّ خود بداند (پیروز است، چرا که) حزب خدا همان پیروزمندان‌اند.

(۲۴۱) هُذَیل از مقاتل واو از ضحّاک روایتی را ذیل آیه فوق از ابن عباس نقل می‌کند. او می‌گوید ابن عبّاس گفت: «**وَ مَن یَتَوَلَّ اَللّهَ وَ رَسُولَهُ**» یعنی کسی که خدای سبحان و رسول مکرّمﷺ را دوست دارد. «**وَالَّذِیْنَ آمَنُوا**» یعنی کسی که دوستی و حبّ علیﷺ را دارد. اینان حزب الله هستند. «**فانَّ حزب اللهِ هم الغالبون**» و پیروان دستور خدا و شریعت محمّدیﷺ و شیعه علویﷺ غالب و برترند و بر جمیع مخالفان علوّ و

برتری دارند.

ابن عباس می‌گوید: خدای تعالی در آیهٔ شریفه اوّل، خود را ثنا و ستایش کرد، سپس مصطفی ﷺ و آن گاه علی ؑ را ستود.

وقتی آیهٔ **«وَ مَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ...»** نازل شد، رسول الله ﷺ فرمود: **«رَحِمَ اللهُ علياً اللّهم اَدِرِ الْحقَّ مَعَه حيثُ دار.»**

خداوند علی ؑ را رحمت کند، خدایا حقّ را دور علی ؑ بگردان هر جا که او باشد.

ابن عباس همچنین می‌گوید: ابن مؤمن قائل است هیچ اختلافی بین مفسرین نیست که آیه شریفه **«وَ مَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...»** در مقام و شأن امیرالمؤمنین علی ؑ نازل شد.

(۲۴۲) ابن عباس در شأن نزول آیهٔ **«وَ مَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»**، چنین می‌گوید[۱]: عبدالله بن سلام و جماعتی از اهل کتاب (یهودی) که مسلمان شده بودند نزدیک اذان ظهر به حضور پیامبر ﷺ رسیدند، و گفتند: یا رسول الله ﷺ ! منازل ما دور از مسجد شماست، و مسجدی هم در آن جا نداریم، اقوام و همکیشان سابق ما هم وقتی شنیدند که به آیین اسلام در آمدیم، عداوت و کینه را نسبت به ما آشکار کردند و مجالست ومعاشرت و معامله با ما را تحریم کردند و با ما سخن نمی‌گویند و ما در مشقت هستیم.

در اثنای گله و شکوه از احوال خود آیهٔ **«اِنَّما وَلِيُّكُم اللّهُ وَرَسُولُه وَالَّذِيْنَ آمَنُوا الَّذِيْنَ...»** و آیهٔ **«وَ مَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الغَالِبُونَ»** نازل شد.

حضرت این آیات را برای آنان قرائت کرد و آنان راضی و خشنود شدند. آن گاه

---

۱. حمانی از محمدبن فضیل همین روایت را در تفسیر عتیق نقل کرده است. که در شواهد التنزیل با رقم / ۲۴۳ ذکر شد.

رسول خداﷺ با صدای اذان بلال حبشی، به سوی مسجد حرکت کرد.

جماعتی در نماز ایستاده بودند، طایفه‌ای در رکوع و جمعی در سجود مشغول عبادت بودند. سائلی در بین آنان می‌گشت و تقاضای کمک داشت پیامبرﷺ آن مسکین را فرا خواند و پرسید. آیا تا به حال کمکی دریافت کرده‌ای؟

سائل گفت: انگشتری نقره‌ای به من داده شد.

حضرت پرسید: از چه کسی دریافت کردی؟

سائل گفت: آن جوان که ایستاده است. چون حضرت نگاه کرد، دید علی بن ابی طالبؑ است.

حضرت پرسید: آن انگشتری را در چه حالی به تو عنایت کرد.

سائل گفت؛ در حال رکوع از دستش بیرون کشیدم.

مصطفیﷺ تکبیر بلندی گفت: سپس فرمود: «وَ مَن یَتَوَلَّ اَللّٰهَ وَ رَسُولَهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الغَالِبُونَ».

۳۵ یَا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللهُ یَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ. (مائده / ۶۷)

ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر ابلاغ نکنی پیامش را نرسانده‌ای، و خدا تو را از (گزند) مردم نگاه می‌دارد.

(۲۴۴) ابی هریرة از رسول اللهﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: در شب معراج آن هنگام که به آسمان سَیر می‌کردم ندایی جذّاب از زیر عرش بگوشم رسید که چنین می‌گفت؛ **إِنّ عَلِیّاً رَایَةُ الْهُدیٰ وَ حَبِیبُ مَنْ یُؤمِنُ بِی بَلِّغْ یَا مُحَمَّد!**

به درستی که علیؑ عَلَم هدایت و حبیب و محبوب مؤمن به من است؛ ای محمّد! پیامت را ابلاغ کن.

چون مصطفی ﷺ به زمین بازگشت این پیام را سرّی نگه داشت و کتمان کرد.

تا این که خدای سبحان آیه «**یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبِّک...**» را دربارهٔ علی بن ابی طالب ؑ نازل فرمود.

و در ادامهٔ فرمان فرمود: «**اِن لَمْ تَفْعَل فَما بلّغتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاس**».

و همچنین ابی سعید خدری روایت کرد که آیه «**یا أَیُّها الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیک مِنْ رَبِّک**» در حقّ علی بن ابی طالب ؑ نازل شد.

(۲۴۵) ابن عباس می‌گوید: این کلام سبحان؛ «**یا ایُّها الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ الیک مِن ربّک**» در شأن علی ؑ نازل شد

پیامبر ﷺ چون این فرمان را شنید برخاست و دست علی ؑ را گرفت و در میان جمعیت ایستاد و فرمود:

«**مَنْ کُنتُ مولاهُ فَعلیٌّ مولاهُ اللّهم والِ مَنْ والاه وَعادِ مَنْ عاداه**».

ای مردم! و ای مسلمانان! هر کسی که من مولای اوهستم، علی هم مولای اوست. خدایا دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن باش.[1]

(۲۴۷) عبدالله بن ابی أوفی می‌گوید: در روز غدیر خُم شنیدم مصطفی ﷺ آیه شریفه «**یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ اِنْ لَمْ تَفعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللهُ یَعْصِمُكَ مِنَ النّاسِ**» را تلاوت می‌کرد، سپس دست خود را بلند کرد و فرمود: «**أَلا مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ، اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ**».

آن‌گاه سر به آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا! تو شاهد باش. امروز پیام تو را به این جمعیت ابلاغ کردم.

(۲۴۸) علی بن محمّد بن سلیمان نوفلی از پدرش نقل می‌کند که پدرش از زیاد بن مُنذر این حکایت را شنید:

روزی در نزد ابی جعفر محمّد بن علی ؑ حضور داشتیم و آن جناب برای مردم

---

۱. روایت ۲۴۶ / شواهد التنزیل تقریباً مشابه همین روایت است.

سخن می‌گفت. در میان سخن مردی از اهل بصره به نام عثمان أعشی بپاخاست و گفت: یابن رسول الله ﷺ! فدایت شوم؛ حسن بصری به ما خبر داده است که آیهٔ «**یا ایُّها الرَّسُول بَلِّغْ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِنْ رَبِّک**» درباره فردی نازل شده است. امّا آن فرد را معرفی و بیان نکرد.

ابی جعفر علیه السلام فرمود: ای عثمان! اگر حسن بصری بخواهد می‌تواند از آن مرد خبر دهد، ولیکن او می‌ترسد.

پس گوش کن تا برایت شرح آن را بیان کنم. در یک فرصتی جبرئیل بـه خـدمت نبی ﷺ رسید و گفت: خدای تعالی امر می‌فرماید اُمّت را به نماز و آداب آن راهنمایی کن. پس آن جناب آداب نماز را تعلیم داد.

بار دیگر جبرئیل آمد و گفت: خدای سبحان فرمان داده تا وجوب زکات و شرایط آن را برای پیروانت بیان کنی، آن حضرت نیز چنین کرد.

بار سوم جبرئیل آمد و گفت: خدای تعالی دستور فرمود، اُمّت خود را به روزه و آداب آن راهنمایی کن و آن بزرگوار چنان کرد.

بار دیگر جبرئیل پیام آورد، خدای عزّوجلّ فرمود، اُمت خود را بر حج و آداب آن راهنمایی فرما. رسول خدا ﷺ چنان که مَرضیّ خدا بود انجام داد.

بار دیگر جبرئیل به خدمت رسید، گفت: خدایت فرمان داد ولیّ را بر امّت معرّفی کن همان گونه که نماز و روز و زکات و حج را بیان کردی، تا حجّت بر آنان تمام شود و عذر و بهانه‌ای نداشته باشند.

مصطفی ﷺ عرض کرد: خدایا! تو می‌دانی قوم وقبیلهٔ من قریب العـهد بـه دوران جاهلیت هستند و در میان آنان فخر و مباهات جاهلیت هنوز ریشه دارد و اگر چنین کنم شاید نپذیرند و من از این کار خوف دارم.

و خدای عزوجلّ آیهٔ «**یا ایُّها الرَّسُولُ بَلِّغْ ما اُنزِلَ اِلَیک مِنْ ربِّک وَ اِنْ لَمْ تَفْعَل فَما بَلَّغْتَ رسالتَهُ والله یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاس**» را بر آن حضرت فرو فرستاد

رسول گرامی ﷺ چون ضمانت و عصمت از خداوند را دریافت کرد، دست علی بن ابی طالب ؑ را گرفته در میان جمعیت بلند کرد و فرمود:

«یا أَیُّهَا النَّاسُ مَنْ کُنتُ مَوْلاهُ فَعَلِيٌّ مولاه، اللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَ عادِ مَنْ عاداه وانصُرْ مَنْ نَصَرَ واخْذُلْ مَنْ خَذَلَه واحب من احبه وابغض من ابغضه»

ای مردم! هر که را من مولای اویم علی بن ابی طالب ؑ مولای اوست.

خدایا! هر کسی او را دوست دارد دوست بدار و هر کسی او را دشمن دارد دشمن بدار، نصرت کننده او را یاور و معین باش و خوار کننده او را خوار و ذلیل کن و هر کسی علی را دوست دارد دوست بدار و آن که نسبت به او کینه و بغض دارد. او را مبغوض بدار.

(۲۴۹) کلبی از ابی صالح و او از ابن عباس و جابربن عبدالله نقل می‌کند که این دو نفر صحابی معروف گفتند:

خدای تعالی به مصطفی ﷺ امر فرمود تا علی ؑ را به ولایت نصب کند و مردم را از ولایت او با خبر گرداند.

آن حضرت از ترس و خوف این که مردم نگویند پسر عمّ خویش را به جانشینی انتخاب و منصوب کرد و همچنین از طعنهٔ بی جا و ناروای آنان، این امر مهم را به تأخیر انداخت. تا این که خداوند وحی فرستاد: **«یا ایُّها الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّک...»** در این هنگام که در غدیرخم بود، مصطفی ﷺ برخاست و ولایت مرتضی ؑ را به همگان خبر داد.

(۲۵۰) عبدالله بن عباس پسر عموی پیامبر ﷺ و از مفسرین قرآن کریم از زبان آن حضرت نقل می‌کند که رسول الله ﷺ داستان معراج را بیان می‌کرد تا رسید به این که خداوند در شب معراج فرمود:

ای برگزیده من! من هیچ نبیّ ای را مبعوث نکردم مگر این که برایش وزیری قرار دادم. تو ای محمد ﷺ! رسول من هستی و علی ؑ وزیر توست.

ابن عباس بیان می‌کند: چون رسول الله از آسمان فرود آمد، اکراه داشت برای مردم چیزی از این حدیث را نقل کند؛ چون مسلمانان را قریب العهد به زمان جاهلیت می‌دانست و شرایط را مناسب نمی‌دید. تا این که آیهٔ شریفه **«فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحیٰ اِلَیْکَ...»** بر آن حضرت نازل شد.

باز هم پیامبر(ص) تحمّل کرد و چیزی آشکار نکرد تا آیهٔ شریفه **«یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ اِلَیکَ مِنْ رَبِّک»**... نازل شد و تکلیف را نهایی کرد.

در این زمان رسول خدا(ص) به بلال حبشی، موذّن اختصاصی، امر فرمود اذان بگوید تا همهٔ مردم در غدیرخم جمع شوند. چون همه جمع شدند. رسول خدا(ص) بر بلندی ایستاد و فرمود:

ای مردم! خدای سبحان مرا به رسالت برگزید و فرمان داد تا علی(ع) را به ولایت معرّفی کنم.

امّا در این کار درنگ کردم، چون خوف داشتم مرا متهم کنید و ترسیدم در ابلاغ ولایت پسر عمّ خود مرا تکذیب کنید.

تا این که خدای رحمان مرا مورد عتاب قرار داد و ابلاغ ولایت علی(ع) را بر من فرمان داد.

و فرمود: **«یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ اِلَیکَ مِنْ رَبِّک»**

سپس دست علی(ع) را گرفت در میان جمعیت حاضر، بلند کرد به گونه‌ای که زیر بغل‌های او مکشوف شد. آن گاه فرمود:

«ایُّها النّاس! الله مولای وَ اَنَا مَولاکُم فَمَنْ کُنْتُ مُولاهُ فَعلی مَولاهُ اللّهُمَ والِ مَنْ والاه و عادِ مَنْ عاداه وانْصُر مَنْ نَصَرَ و اخْذُلْ مَنْ خَذَله».

در پایان مراسم معارفه، بر رسول الله(ص)، آیهٔ شریفهٔ **«اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُم دِینَکُم واَتمَمتُ عَلَیکُم»** نازل شد.

۳۶ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لاَتُحَرِّمُوا طَیِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللهُ لَکُمْ. (مائده / ۸۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای استفادهٔ شما حلال کرده، حرام مشمارید و از حدّ مگذرید.

(۲۵۱) ابی صالح می‌گوید از ابن عباس مفسّر قرآن و یار و یاور علی﴾ درباره کلام خداوند: (**لاتُحَرِّمُوا طَیِّبَاتِ مَا اَحَلَّ اللّه لَکُم**) سئوال شد. در جواب گفت:

این آیه در شأن علی﴾ و یاران او مثل عثمان بن مظعون و عمّار یاسر، آن هنگام که تصمیم گرفتند از لذات دنیوی و شهوات حلال کناره گیری کنند نازل شد.

(۲۵۲) محمدبن ابراهیم بن حرث تمیمی درباره آیه شریفه فوق گفت:

امیرالمؤمنین علی﴾، عثمان بن عفان، عثمان بن مظعون و یک نفر دیگر از صحابه پیامبرﷺ با یکدیگر هم عهد و پیمان شدند تا روزها را روزه و شب‌ها را بیدار بمانند، با زنان خود همبستر نشوند و گوشت و غذای لذیذ تناول نکنند و در تهذیب نفس بکوشند چون این خبر به مصطفیﷺ رسید.

از طرف دیگر هم خداوند رحمان آیهٔ «**یا ایُّها الّذین آمَنُوا لاتُحَرِّمُوا طَیِّبات ما اَحَلَّ اللهُ لکم**» نازل کرد و تکلیف آنان را روشن‌تر کرد.

(۲۵۳) سُدیّ از مفسّران قرآن درباره قول خدا (**یا ایُّها الّذِیْنَ آمَنُوا لاتُحَرِّمُوا طَیِّبات ما اَحَلَّ اللّهُ لَکُم**) گفت:[۱]

روزی پیامبرﷺ به تذکّر و موعظه مردم پرداخت، در حالی که موعظه آن حضرت تأثیری در آنان نداشت و جماعتی نشسته بودند که از جملهٔ آنان علی بن ابی طالب﴾ و عثمان بن مظعون بودند. آن دو رو به پیامبرﷺ کردند و گفتند: یا رسول الله کلماتی را به سمع مبارک شما می‌رسانیم که بعضی‌ها خوردن گوشت را بر خود

---

۱. مولف کتاب می‌گوید این حدیث طولانی بود آن را مختصر کرده است.

تحریم کرده‌اند و جماعتی در روز غذا نمی‌خورند، و بعضی‌ها نیز خواب را بر خویش ممنوع کرده‌اند. وطایفه‌ای همبستر شدن با زنان را تعطیل کردند. بعد از این سخنان، خدای مهربان آیه **(لاتحرّموا طیّبات ما اَحلّ اللّهُ لکم)**را نازل کرد. رسول‌الله ﷺ دستور داد همه حاضر شوند آن گاه فرمود:

مٰا بٰالَ قَوْمٌ حَرَّمُوا النِّساءَ وَالطَّعامَ وَالنَّومَ، اَلا اِنّی اَنامُ وَاَقُومُ، وَاَفْطَرُ وَاَصُومُ وَ اَنْكَحُ النِّسآءَ، فَمَنْ رَغِبَ عَنّی فَلَيْسَ مِنّی.

این چه کاری است که انتخاب کردید. من که پیامبر شمایم می‌خوابم و استراحت می‌کنم، هم روزه می‌گیرم و هم با زنان ازدواج می‌کنم و هر کسی مثل من رفتارنکند از من نیست.

۳۷ وَاِذٰا جٰاءَکَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ.

(انعام / ۵۴)

و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: درود بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرّر کرده است.

(۲۵۴) حسن بن حسن از حبّان بن علی و او از کلبّی و او از ابی صالح نقل می‌کند: از ابن عبّاس درباره آیه شریفهٔ **«وَاذا جاءَکَ الّذِيْنَ يُومِنُون بآياتِنا...»** سؤال شد.

ابن عبّاس در جواب گفت: این کلام خدا در شأن علی بن ابی طالب ﷺ، حمزه سیدالشّهدا، جعفر طیّار و زید نازل شد.

۳۸ الَّذِيْنَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوۤا اِيمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِکَ لَهُمُ الأَمْنُ، وهُمْ مُهْتَدُونَ. (انعام / ۸۲)

كسانى كه ايمان آورده و ايمان خود را به شرک نيالوده‌اند، آنان در امن و امان بوده و از راه يافتگان‌اند.

(۲۵۵) سفيان ثورى از منصور و او از مجاهد نقل مى‌كند؛ عبدالله بن عباس مفسّر قرآن درباره اين آيه شريفه چنين بيان كرده است:

(**الّذين آمَنُوا**) يعنى كسانى كه تصديق به توحيد كردند و حال اينكه اولين موحّد على بن ابى طالب‌علیه‌السلام است (**وَلَمْ يَلْبِسُوا ايمانَهُمْ**) يعنى ايمان خود را با باطل مخلوط و ممزوج نكردند، و نظير اين، آيه (**لِمَ تَلْبِسُون الحقَّ بِالْباطِلِ**)[1] است.

(**بظُلم**) يعنى به شرک.

ابن عباس تأكيد مى‌كند، كه به خدا سوگند همه ياران پيامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بت‌پرستى را رها كرده و به خدا و پيامبر ايمان آورده‌اند و از وادى بى‌بركت كفر و شرک به وادى پر بركت اسلام گرايش پيدا كردند وليكن على بن ابى طالب‌علیه‌السلام حتى در يک چشم به هم زدنى مشرک نشد، و هرگز مشرک نبود و از اوّل موحّد بود.

(**أُوْلئِکَ لَهُمْ الأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ**) اينان از آتش جهنّم و عذاب آن ايمن هستند، و بدون حساب به بهشت راه مى‌يابند. و على‌علیه‌السلام اولين ايمان آورنده است، در حالى كه كودكى هفت ساله بود به دين و آيين پيامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پيوست.

۱. آل عمران/ ۷۱.

۳۹ **وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ** (اعراف/ ۴۶)

و بر اعراف، مردانی هستند که هر یک (از آن دو دسته) را از سیمایشان می‌شناسند.

(۲۵۶) اَصْبغ بن نُباتة از یاران صمیمی علی‌ﷺ می‌گوید:

روزی در کنار علی بن ابی طالب‌ﷺ نشسته بودم، عبدالله بن کوّاء وارد مجلس شد و گفت: یا امیرالمؤمنین! مرا از معنای آیه (**وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ**) با خبر فرما.

علی‌ﷺ فرمود: وای بر تو ای ابن کوّا! **نَحْنُ نوقف يَوْمَ الْقِيامة بَيْنَ الْجَنّة والنّار، فَمَنْ يَنْصُرُنا عَرَفْناه بِسِيماهُ فَاَدْخَلْناه الجَنّة وَ مَنْ اَبْغَضَنا عَرَفْناه بِسِيماه فَاَدْخَلْناهُ النّارَ.**

آن مردان ما هستیم که در قیامت بین بهشت و جهنّم می‌ایستیم هر بنده‌ای ما را نصرت کرده باشد او را به چهره و سیمایش می‌شناسیم و به بهشت می‌بریم و هرکسی با ما دشمنی و عداوت داشت او را هم با سیمایش می‌شناسیم و در جهنم داخل می‌کنیم.

(۲۵۷) ضحّاک نقل کرده است که: از ابن عباس [۱] در معنی آیه (**وَ عَلَى الْأَعْراف رِجَالٌ** ...) سؤال شد. در جواب گفت: اعراف، جایگاه بلندی است بر روی صراط که علی بن ابی طالب‌ﷺ ، حمزه سیدالشهدا، جعفر طیّار و عباس بر آن بلندی قرار دارند. آنان دوستان خود را که دارای چهره‌های نورانی هستند و دشمنان خویش را هم که دارای چهره سیاه و تاریک‌اند می‌شناسند.

۱. روایت رقم ۲۵۸ / شواهد التنزیل از ابن عباس با همین معنی و لفظ نقل شد.

۴۰ **وَنَزَعْنا ما في صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهارُ.** (اعراف / ۴۳)

و هرگونه کینه‌ای را از سینه‌هایشان می‌زداییم، از زیر (قصرهای)شان نهرها جاری است.

(۲۵۹) عبدالله بن ملیل می‌گوید، از امیرالمؤمنین علی‌ؑ درباره مصداق آیه (**نَزَعْنا ما في صُدُورِهِم مِنْ غِلٍّ**) سؤال کردم.

آن بزرگوار فرمود: این آیهٔ شریفه در شأن ما اهل بیت نازل شده است.

(۲۶۰) عبدالله بن احمد بن حنبل از پدرش و او از سفیان و او از ابی موسی و ابی موسی از حسن بن علیؑ نقل کرده است که پدرش علی بن ابی طالب فرمود: به خدا سوگند آیه (**وَنَزَعْنا ما في صُدُورِهِم مِنْ غِلٍّ**) در شأن ما اهل بیت پیامبر نازل شد.

۴۱ **فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى الظّالِمِينَ.** (اعراف / ۴۴)

پس آواز دهنده‌ای میان آنان آواز می‌دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

(۲۶۱) محمّدبن حَنفیّة از پدرش علی بن ابی طالبؑ حکایت می‌کند، که امیرالمؤمنین علیؑ فرمود: در آیه (**فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُم أَنْ لَعْنَةَ اللهِ على الظّالِمين**) آن موذّن که در کلام خداوند جلیل آمده است. من هستم.

(۲۶۲) ابن عباس یکی از صحابه پیامبرﷺ نقل می‌کند، برای امیرالمؤمنین علیؑ در کتاب خدا اسم‌هایی است که مردم آنها را نمی‌شناسند. از جمله آن اسم‌ها در آیه شریفه (**فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُم**) است که نام نیک علیؑ به عنوان مُؤَذِّن آورده شده است. وامیرالمؤمنین علیؑ در تفسیر بقیهٔ آیه (**وأنّ لَعْنَةَ اللهِ على الظّالِمين**) فرمود: یعنی لعنت خداوند بر کسانی که ولایت مرا تکذیب کردند و حق و مقام مرا سبک شمردند.

(۲۶۴) محمدبن فُضَیل از ابن اُذَیْنَه درباره **(فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بینهم)** گفت؛ موذّن در آیه شریفه امیرالمؤمنین علی ﷺ است.

(۲۶۵) ابن اُذَیْنَه از حمران و او از ابی جعفر ﷺ دربارهٔ آیه فوق بیان کرد: موذّن، امیرالمؤمنین علی ﷺ است.[1]

۴۲ و مِمَّنْ خَلَقْنَآ اُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ. (اعراف /۱۸۱)

و از میان کسانی که آفریده‌ایم، گروهی هستند که به حقّ هدایت می‌کنند و به حقّ داوری می‌نمایند.

(۲۶۶) مجاهد می‌گوید ابن عباس در توضیح و تفسیر کلام خداوند **(وَ مِمَّن خَلَقْنَا اُمَّةٌ)** گفت:

یعنی خلق کردیم امت محمد ﷺ را و از آن میان علی بن ابی طالب ﷺ را که مردم را به حق هدایت می‌کند **(یَهْدُونَ بِالْحَقِّ)** در حالی که **«و بِهِ یَعْدِلُون»** مردم بعد از تو از خلافت او عدول و سرپیچی می‌کنند.

(۲۶۷) در کتاب فهم قرآن متعلّق به امام جعفر صادق ﷺ در بیان آیه **(وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا اُمَّةٌ یَهْدُونَ بالحقّ و بِهِ یَعْدِلُونُ)** فرمود:

این آیه شریفه در شأن آل محمد ﷺ و اهل بیت آن حضرت است، که مردم را به حق رهنمون و هدایت می‌کنند و حال این که مردم از آنان عدول می‌کنند

---

۱. روایت رقم ۲۶۴ / شواهد التنزیل از ابن اُذَیْنَه و او از حمران به همین معنی و لفظ نقل شد.

۴۳ **یا أَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا لاَ تَخُونُوا اللهَ والرَّسُولَ وَ تَخُونُوا اَمَانَاتِکُم.**(انفال/ ۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر (او) خیانت نکنید و (نیز) در امانتهای خود خیانت نورزید.

(۲۶۸) در کتاب تفسیر عتیق، یونس بن بکّار از پدرش و پدر او از ابی جعفر محمدبن علیﷺ در بیان آیه شریفهٔ «**یا ایُّها الّذِیْن آمَنُوا لاتَخُونُوا اللهَ والرَّسُول وتَخُونُوااَمانَاتکم**» می‌فرماید: در حالی که می‌دانید آل رسولﷺ و اهل بیت آن حضرت از امانت‌های الهی هستند، به آنان خیانت نکنید».

۴۴ **وَاتَّقُوا فِتْنَةً لاٰ تُصِیْبَنَّ الَّذِیْنَ ظَلَمُوا مِنکُمْ خَآصَّةً.** (انفال / ۲۵)

و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید .

(۲۶۹) ابن عباس می‌گوید: وقتی آیهٔ «**واتَّقُوا فِتْنَةً لاتُصِیْبَنَّ الَّذِیْن ظَلَمُوا مِنْکم خاصَّةً**» نازل شد. محمّد مصطفیﷺ فرمود:

مَنْ ظَلَمَ عَلیّاً مَقْعَدِی هَذٰا بَعْدَ وَفَاتِی فَکَاَنَّمَا جَحَدَ نُبُوَّتِی وَ نُبُوَّةَ الاَنْبِیاءِ قَبْلِی.

هر کسی در حقّ علیﷺ که وصی و جانشین من است در بعد از وفاتم ظلم کند، مثل این است که نبوّت من و جمیع انبیای قبلی را منکر شده باشد.

(۲۷۰) زبیر بن عوّام نقل می‌کند، وقتی آیهٔ «**واتَّقُوا فِتْنَةً لاتُصِیْبنَّ الَّذِیْنَ ظَلَمُوا مِنکُم خَاصَّةً**» نازل شد، همه متعجّب شدیم که چه فتنه‌ای فرا خواهد رسید. و چه حادثه عجیبی رخ خواهد داد تا این که آن فتنه را دیدیم که در جنگ جمل رخ داد.

(۲۷۱) عقبة به صهبان گفت از زبیر بن عوّام شنیدم می‌گفت: سال ها آیه «**وَاتَّقُوا فِتْنَةً**

لاتُصِيبَنَّ الَّذِين ....» را قرائت می‌کردم امّا نمی‌دانستم که من از جملهٔ مصادیق آن هستم. که اهل فتنه و آشوب می‌شوم.

(۲۷۲) سفیان از جویبر و او از ضحّاک بن مزاحم دربارهٔ آیه شریفهٔ «**واتَّقُوا فِتْنَةً لاتُصِيبَنَّ الَّذِين ظَلَمُوا مِنكُم خاصَّةً**» می‌گوید :این آیه برای اصحاب نبیﷺ نازل شد و خبر داد که بعضی بعد از حیات رسول خدا ﷺ فتنه ایجاد می‌کنند و چنین هم کردند.

(۲۷۳) سُدیّ از اصحابش نقل می‌کند: آیهٔ «**وَاتَّقُوا فِتْنَةً...**» به اهل بدر که در رکاب پیامبرﷺ بودند توصیه می‌کند، گرد فتنه نچرخند، امّا فتنه در جنگ جمل ظاهر شد که همانا بعضی از اهل بدر جزء فتنه گران شدند و جنگ و خونریزی بر ضدّ علی﵇ به راه انداختند.

(۲۷۴) حسن بن دینار از حسن و او از زبیر بن عوّام نقل می‌کند که زبیر یک بار آیهٔ «**وَاتَّقُوا فِتْنَةً...**» تا آخر را در اثنای جنگ جمل قرائت کرد، آن گاه گفت: نمی‌فهمیدیم این کلام خدا برای ما فتنه گران آمده و ما را توصیه به خویشتن داری کرده است، تا این که در جنگ جمل و محاربه با علی﵇ فهمیدیم مورد خطاب کلام خداوند سبحان ما هستیم.

(۲۷۵) حسن می‌گوید زبیربن عوّام گفت: ما همدیگر را از فتنه بر حذر می‌داشتیم؛ امّا نمی‌دانستیم کدام یک از ما تخلّف می‌کند و به دنبال فتنه می‌رود. سپس آیه **وَاتَّقُوا فِتْنَةً**.... را قرائت کرد.

بعضی از همراهانش گفتند: سبحان الله، پس تو را چه شد که جنگ را آغاز می‌کنی! زبیر گفت: وای بر شما! ما به فتنه آگاهی و بصیرت داریم امّا صبر و شکیبایی نداریم.

(۲۷۶) شدّاد بن سعید از غیلان بن جریر و او از مطرف نقل می‌کند که، به زبیر گفتم: یا اباعبدالله! شما حقّ خلیفه عثمان را تضییع کردید تا کشته شد. و اکنون خون او را از علی﵇ مطالبه می‌کنید.

زبیر گفت: ما در عهد رسول خدا ﷺ و ابوبکر و عمر آیه «**واتَّقُوا فِتْنَةً لاتُصِيبَنَّ**» را

قرائت می‌کردیم؛ امّا نمی‌دانستیم اهل فتنه ماهستیم. تا این که آن واقعه به دست ما اتّفاق افتاد.

(۲۷۷) ضحّاک نقل می‌کند که ابن عباس دربارهٔ این کلام خدا «واتَّقُوا فِتْنَةً لاتُصِيْبَنَّ الّذين...» بیان کرد:

خدای سبحان اصحاب محمدﷺ را از مقاتله و جنگ با علی بن ابی طالبؑ بعد از حیات پیامبر بر حذر داشته و منع کرد.[1] امّا آنان به این آیه عمل نکردند.

(۲۷۹) سُدیّ در مصداق آیه «واتَّقُوا فتنةً لاتُصِيبَنَّ الّذين ظَلَمُوا مِنكُم خاصَّةً» گفت: اهل فتنه، اصحاب جمل بودند که بر ضدّ امیرالمؤمنین علیؑ جنگ جمل را به راه انداختند.

(۲۸۰) ابی عثمان نهدی نقل می‌کند:

علیؑ را در جنگ جمل دیدم ؛که آیه «وَ اِنْ نَكَثُوا اَيمانَهُم مِنْ بَعْدِ عَهْدِهم» را تلاوت می‌کرد و می‌فرمود:

به خدا سوگند، اهل این آیه از بعد نزول تا به امروز مقاتله و جنگ نکردند،مگر امروز و این آیه شامل حال آنان می‌شود که به جنگ ما برخاستند.

(۲۸۱) عثمان بن مُؤَذِّن می‌گوید:

یک سال کامل مصاحب امیرالمؤمنین علیؑ بودم. آن حضرت در طول این مدت کلامی در دوستی یا بیزاری از سران جمل نفرمود؛ مگر این که از زبان مبارک آن حضرت می‌شنیدم می‌گفت: فلان و فلان چه عذری دارند! آن دو با میل و رغبت و بدون اکراه بیعت کردند، سپس بدون دلیل و تقصیری پیمان شکستند. به خدا سوگند اهل این آیه «وانْ نَكَثُوا اَيْمانُهم مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِم» قتال نکردند مگر امروز که در مقابل من ایستادند.[2]

---

۱ .روایت رقم ۲۷۸ / شواهد التنزیل تقریباً به معنی است که از قول زبیر بن عوّام بیان شد.

۲ .روایت رقم ۲۸۲ / شواهد التنزیل تقریباً مشابه همین روایت است.

۴۵ وَ إِذْ یَمْکُرُ بِکَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِیُثْبِتُوکَ أَوْ یَقْتُلُوکَ أَوْ یُخْرِجُوکَ، وَ یَمْکُرُونَ وَیَمْکُرُ اللهُ واللهُ خَیْرُ الْمَاکِرِینَ. (انفال / ۳۰)

و (یاد کن) هنگامی را که کافران دربارهٔ تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کَشند یا بکُشند یا (از مکّه) اخراج کنند، و نیرنگ می‌زدند، و خدا تدبیر می‌کرد، و خدا بهترین تدبیر کنندگان است.

(۲۸۳) ابن عباس در تفسیر کلام خدا «**وإِذْ یَمْکُرُ بِکَ الَّذِینَ کَفَرُوا...**» می‌گوید: طائفه‌ای از قریش مکّه تصمیم خطرناکی درباره مصطفی ﷺ گرفتند. تا آن تصمیم را در یک شب اجرا کنند. بعضی از آنان گفتند: محمد ﷺ را بکشیم؛ عده‌ای گفتند: او را از شهر بیرون کنیم؛ دسته‌ای دیگر گفتند: او را سخت مجازات کنیم.

خداوند خبیر، مصطفی ﷺ را از نیّات پلید آنان مطّلع گردانید.

آن شب مرتضی ﷺ در بستر مصطفی جای گرفت، تا فدایی برادرش شود.

محمد ﷺ از شهر خارج شد و در غار پناه گرفت، مشرکین هم خانه را محاصره کرده، سخت از آن مراقبت می‌کردند تا مبادا رسول خدا ﷺ از آن خارج شود؛ غافل از این که علی ﷺ در خانه نبی ﷺ آرمیده است.

چون در سحرگاه آن شب علی ﷺ را دیدند، فهمیدند، فریب خورده‌اند. پس پرسیدند: یاعلی! رفیق و مصاحب تو کجاست؟

علی ﷺ فرمود: نمی‌دانم در کجاست.

آن جماعت مشرک به تعقیب رسول خدا ﷺ شتافتند، و ردّ پای آن حضرت را تا پای کوه دنبال کردند، وقتی به دهانه غاری که آن جا بود رسیدند، بر در آن، تار عنکبوت را بافته دیدند. گفتند اگر محمد ﷺ داخل غار می‌شد، تار عنکبوت باید از

بین می‌رفت، در نهایت از رفتن به داخل غار منصرف شدند، و به بالای کوه شتافتند[۱].

(۲۸۶) عثمان بن جزری از مقسم نقل می‌کند که ابن عباس در تفسیر آیهٔ «**وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا...**» گفت:

قریش به مشورت نشستند که چون سحرگاهان شود، نبی ﷺ را سخت مجازات کنند.

اما صبح آن روز، علی ؑ را در جای رسول ﷺ دیدند. به تعقیب آن حضرت پرداختند تا به غار رسیدند، چون دهنه غار را تار عنکبوت پوشانده بود، به داخل غار نرفتند و سه روز در کنار آن غار منتظر ماندند.

(۲۸۷) عبدالرّزاق از پدرش و او از عکرمه درباره کلام خدا (**وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا...**) نقل می‌کند.

زمانی که پیامبر ﷺ و ابوبکر به غار پناه بردند، علی ؑ در بستر رسول خدا ﷺ خوابیده بود، و مشرکین آن شب به حراست و محافظت بیت پیامبر مشغول بودند و هر گاه نگاه می‌کردند،و به نظرشان می‌رسید که او در بستر آرمیده است، پس کاری نداشتند و منتظر بودند تا صبح شود؛ چون روشنی صبح فرا رسید، ناگهان با علی ؑ مواجه شدند.

پرسیدند: یا علی! رفیق و مصاحب تو کجاست؟

علی فرمود: نمی‌دانم، خدا بهتر می‌داند!

پس با همه امکانات به تعقیب پیامبر ﷺ پرداختند ؛ولی او را نیافتند.

(۲۸۸) مجاهد از ابن عباس نقل می‌کند:

زمانی که قریش در دارالندوه برای رهایی از رسول خدا ﷺ تجمّع کردند ابلیس به شکل شیخ جلیل القدری بر آنان عرضه شد.

سران قریش از همدیگر پرسیدند: این شیخ کیست؟ او گفت: شیخی از اهل نَجْد

---

۱. روایت رقم ۲۸۵ / شواهد التنزیل از ابن عبّاس در همین معنی نقل شد.

هستم. چون شنیدم دربارهٔ امر مهمّی تصمیم می‌گیرید به حضور رسیدم. گفتند؛ پس داخل شو.

در آن روز اشراف و سران قریش از همهٔ قبایل حضور داشتند. و هر قبیله برای رهایی از رسالت مصطفی صلی الله علیه و آله و آیین او سخن می‌گفت و پیشنهادی می‌کرد.

بعضی گفتند: او را زندانی کنید و به او آب و نان ندهید تا جان دهد.

دیگری گفت: او را از شهر و دیار خویش بیرون کنیم تا به هر جا که می‌خواهد برود.

در آن میان شیخ نَجْدی (ابلیس) برخاست وگفت: به خدا سوگند این رأی و اندیشهٔ شما نیکو نیست. مگر حُسْن کلام و حلاوت گفتار و حُسْن خُلْق و منطق نیکو و غلبه بر قلوب مردم را از او نمی‌بینید! اگر او را به هر کجا بفرستید، و به هر سرزمینی تبعید کنید، مردم را به خود جذب و پیروان زیادی جمع آوری می‌کند، و امور را از دست شما می‌رباید. از این اندیشه در گذرید.

ابو جهل گفت: مرا اندیشه و رأی دیگری است.

قریش گفتند: بیان کن تا بدانیم.

ابو جهل گفت: قبایل ما بسیارند، از هر قبیله جوانی رشید و چالاک انتخاب می‌کنیم و در دست هر یک شمشیری برنده می‌دهیم.

آنان به صورت گروهی بر محمد صلی الله علیه و آله یورش آورند و هرکدام یک ضربهٔ شمشیر بر او زنند تا از دین و آیین او نجات یابیم.

اگر قبایل مختلف در خون او شریک باشند. بنو عبد مناف قادر به جنگ با همه قبایل نیستند. پس به ناچار به خون‌بها، و دیه راضی می‌شوند.

شیخ نَجدی (ابلیس) گفت: اَحْسَنت بر تو! رأی رأی این مرد است. با وجود این رأی هیچ تصمیمی مطلوب نیست.

پس همهٔ قبایل بر این رأی و اندیشه اتّفاق کردند و متفرق شدند.

در آن هنگام پیک وحی، جبرئیل به حضور پیامبرﷺ آمد و از تصمیم خطرناک قریش خبر داد. و گفت یا نبیّ الله !امشب در بستر خویش نخواب.

چون شب فرا رسید. آن جماعت مشرک جوانان خویش را بر طبق عهد و میثاقی که بسته بودند در اطراف خانه رسول خداﷺ فرستادند. تا نقشه خود را عملی کنند.

وقتی رسول الله ﷺ آنان را در گرد خانهٔ خویش دید، به علی بن ابی طالب‌ؑ فرمود: یا علی! امشب در بستر من بخواب و این جامهٔ سبز را بر روی خود بینداز تا این که هیچ آسیبی به تو نرسد.

و آن جامه‌ای بود که نبیﷺ به هنگام خواب بر روی خویش می‌انداخت.

تا اینجا پایان روایت است ، امّا یونس بن بکیر از قول ابن اسحاق این مطالب را اضافه کرد و گفت:

زمانی پیامبرﷺ علیؑ را در بستر خویش قرار داد، که آن جماعت نااهل بر دَر منزل ایستاده بودند در همان هنگام پیامبر ﷺ از منزل خارج شد.

حضرت به هنگام خروج مشتی خاک از زمین برداشت و بر سر آنان پاشید و با خواندن آیات: «**یس، وَالْقُرآن الْحَکیم.... تا فَاَغْشَیْنٰاهُم فَهُمْ لایبصرون**» منزل را ترک کرد. بدون این که هیچ کسی آن حضرت را ببیند

چون صبح فرا رسید، خدای تعالی به رسولش اذن خروج از مکّه را داد و آخرین فردی هم که وارد مدینه شد. علی بن ابی طالبؑ بود، زیرا مصطفیﷺ او را امر فرمود در بسترش بخوابد، و سه روز در مکّه توقّف کند، تا دیون و امانات را مسترد کند، سپس به آن حضرت ملحق شود و او هم چنین کرد.و آیه شریفه در این خصوص نازل شد و مکر کفّار قریش را بدین وسیله دفع کرد.

۴۶ وَ مَا كَانُوا أَوْلِيَآءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلاَّ الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لاَيَعْلَمُونَ.

(انفال / ۳۴)

«آنان را هیچ رابطه دوستی با خدا نیست که دوستان خدا جز اهل تقوا نیستند، ولی بیشترشان نمی‌دانند.»

(۲۸۹) قتاده از حسن نقل می‌کند ابن عباس در تفسیر آیهٔ «وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاؤَهُ....» گفت: یعنی کفّار مکه اولیاء و دوستان پیامبرﷺ نیستند ؛ بلکه «إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلاَّ الْمُتَّقُونَ» دوستان و اولیای او کسانی هستند که از شرک و گناه کبیره پاک‌اند و از متقین می‌باشند و آنان علی بن ابی طالبﷺ و حمزه و جعفر و عقیل هستند، که دوستان حقیقی وراستین پیامبرﷺ هستند.

«لكنّ أكثرهم لاٰ يَعْلَمُون» امّا اکثر آنان نمی‌دانند.

(۲۹۰) أنس بن مالک از خدمتکاران نبیﷺ بود او بیان می‌کند، که پیامبرﷺ فرمود: «آلُ محمّد كُلُّ تقيّ» اهل بیت محمدﷺ همگی از پاکان و متقین هستند.

(۲۹۱) سُدیّ از قول یاران خودشﷺ نقل می‌کند که در بیان آیه (إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلاَّ الْمُتَّقُون) گفتند مصداق آیهٔ فوق اصحاب محمدﷺ هستند.

۴۷ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ.

(انفال / ۴۱)

و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و از آنِ خویشاوندان (او) و یتیمان و بینوایان است.

(۲۹۲) عمروبن عبدالجبّار بن عمرو می‌گوید: پدرم از علی بن موسی بن جعفر بن

محمدﷺ و او از پدرانش تا می‌رسد به علی بن ابی طالبﷺ که آن حضرت فرمود:

آیه «وَاعْلَمُوا انَّما غَنِمْتُم مِنْ شيءٍ....» مخصوص ما اهل بیت است و خُمس اموال اختصاص به ما دارد.

و خدای سبحان به سبب کرامت و احترام ما، صدقات را برای ما اهل بیت قرار نداد بلکه برای احترام و اکرام ما، چرک و اوساخ دست مسلمین را از ما دفع کرد و به جای آن خُمس را برای ما مقرر فرمود.

(۲۹۳) عبدالله بن عُبیدالله بن عباس از عِکرمة نقل می‌کند، که فاطمهﷺ فرمود: روزی علی و عبّاس وأُسامة بن زید در مجلس پدرم، رسول اللهﷺ، حضور داشتند.

رسول خداﷺ فرمود: ای دوستان! هر یک از شما چیزی از من درخواست کند.

عباس گفت: یا رسول الله! از شما فلان مقدار مال می‌خواهم.

حضرت فرمود: آن مال از آنِ تو باشد.

من گفتم: پدرجان فدایت شوم، هر چه عموی من عباس تقاضا کرد، به همان اندازه درخواست می‌کنم.

رسول خداﷺ فرمود: یا فاطمه! قبول است. آن مال تو باشد.

أُسامة بن زید گفت: یا رسول الله! زمین فلان منطقه را به من برگردان.

حضرت فرمود: برگرداندم، آن مال تو باشد.

آن گاه رسول اللهﷺ به علیﷺ فرمود: یا علی! تو نیز چیزی بخواه. علیﷺ گفت: یا رسول الله! از آن جناب خُمس اموال را درخواست می‌کنم.

رسول اللهﷺ فرمود: خُمس از آن تو باشد.

خدای تعالی آیه (وَاعْلَمُوا انَّما غَنِمْتُم مِنْ شيءٍ فَانَّ للهِ خُمُسَه) را نازل کرد.

سپس پیامبرﷺ فرمود: درباره خمس چنین آیه‌ای نازل شد.

علیﷺ فرمود: خمس از آن من است که خداوند متعال برای من آن را واجب کرد. سپس هر چه نیزهٔ سالم ونیزه شکسته، را غنیمت گرفته بودند، آوردند، رسول

خدا ﷺ $\frac{4}{5}$ آنها را نگه داشت و بقیه را به علی ﷺ واگذار کرد.

(۲۹۴) عبدالرّحمان بن ابی لیلی می‌گوید از امیرالمؤمنین علی ﷺ شنیدم فرمود: روزی به اتفّاق عباس و فاطمه ﷺ و زیدبن حارثه در حضور مصطفی ﷺ نشسته بودیم. عباس عموی پیامبر ﷺ گفت: یا رسول الله! سن من بالا رفته واستخوان‌هایم سست شده است و خرج زندگی‌ام نیز زیاد است . امر فرما تا فلان مقدار از مال و طعام برایم آماده شود.

مصطفی ﷺ خواهش او را اجابت کرده، آنچه خواسته بود برایش مهیا کرد.

سپس فاطمه ﷺ گفت: یا رسول الله ﷺ! دستور فرما آنچه برای عمویم عباس در نظر گرفتی؛ برای من نیز فراهم شود.

پیامبر ﷺ فرمود: بلی، اجابت کردم.

زیدبن حارثه گفت: یا رسول الله ﷺ زمینی که امرار معاش فرزندانم از آن بود و از من گرفتی به من برگردان.

پیامبر ﷺ فرمود: آن زمین از آنِ تو باشد.

من عرض کردم یا رسول الله ﷺ! مسئولیّت و تولیت تقسیم حقّم را از خُمس که خداوند در کتابش برایم در نظر گرفت در حیاتت مشخّص و معیّن فرما تا بعد از شما کسی در این حقّ با من منازعه نکند.

پیامبر ﷺ فرمود: چنین خواهم کرد. و سهم مرا از خُمس معین فرمود و در زمان حیات آن حضرت سهم مرا به من تحویل دادند.

تا این که ابوبکر حکومت را عهده دار شد او نیز سهم مرا به من واگذار کرد. سپس عمر حاکم مسلمین شد، او در آخر عمرش مال زیادی از غنایم به دست آورد. حقّ مرا جدا کرد و برایم فرستاد و گفت: یا علی ﷺ! این حق و سهم توست آن را تحویل بگیر.

گفتم: با این سهیمه خُمس از مردم بی‌نیازیم، و مسلمین هم به آن نیازمندند. بعد از آن سال هیچ کس حقّم را از خُمس غنایم پرداخت نکرد تا این که به مقام خود رسیدم و

حکومت و ولایت را عهده دار شدم. عباس عمویم گفت: یا علی! از ما حقّی را گرفتند که هرگز به ما بر نخواهد گشت.

(۲۹۵) مجاهد دربارهٔ این کلام خدا «**فَإِنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی‌الْقُرْبىٰ وَ...**» بیان کرد، لِذِی القُربی اقارب وبستگان نبی هستند که گرفتن صدقه برای آنان حلال نیست.

(۲۹۶) مجاهد در تفسیر آیه شریفه بیان می‌کند، **ذِی الْقُرْبىٰ** اقارب و فرزندان رسول‌الله هستند چون بر نبی و اهل بیت آن حضرت صدقه حلال و مباح نیست، خداوند خُمس را برای آن بزرگواران قرار داد[۱].

۴۸ هُوَ الَّذِی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِینَ. (انفال / ۶۲)

او همان بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند کرد.

(۲۹۹) کلبی از ابی صالح و او از ابی هریرة نقل کرده است که رسول الله فرمود:

در شب معراج وقتی به آسمان سیر داده شدم در عرش ملکوتی دیدم نوشته بود؛

لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ أَنَا وَحْدِي لاشَرِیکَ لِي، وَ مُحَمَّدٌ عَبْدِي وَ رَسُولِي أَیَّدْتُهُ بِعَلِّيٍ.

خدای واحدی جز من نیست و شریکی ندارم، محمّد بنده و رسول من است، او را به واسطهٔ علی تأیید وتقویت کردم.

و این آیه شریفه «**هُوَ الَّذِي أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وبِالْمُؤْمِنِین**» همان معنای نوشته بر عرش است.

(۳۰۰) اَنس بن مالک می‌گوید: نبیّ فرمود: در شب معراج بر ساق عرش مکتوبی دیدم که روی آن نوشته شده است:

---

۱. روایت رقم ۲۹۷ و ۲۹۸ / شواهد التنزیل از ابن عباس به همین معنی نقل شد.

لاَ اِلهَ اِلاّ الله، محمّد رسول اللهﷺ اَیّدتُه بِعلی، نَصَرتُه بِعلی.

خدایی جز الله نیست. محمدﷺ رسول من است، او را به علیﷺ تأیید کردم و یاری دادم.

(۳۰۱) انس بن مالک نقل می‌کند:

روزی بر مصطفی ﷺ گرسنگی شدید عارض شد. جبرئیل از جانب ربّ جلیل به نزد آن حضرت حاضر شد و یک لوزه سبز (چیزی مانند بادام) از بهشت تقدیم نبیّﷺ کرد و گفت: یا رسول الله! آن را بگشا.

مصطفیﷺ آن را گشود، مکتوبی دید که روی آن نوشته بود:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ، لاٰ اِلٰهَ اِلاّ الله، مُحَمَّدٌ رَسُولُ الله اَیّدتُه بِـعَلِیٍّ وَ نَصَرْتُه بِعَلِیّ».

به نام مهربان مهربانان، خدایی جز الله نیست، محمد رسول من است او را به علیﷺ تأیید کردم و نصرت دادم.

(۳۰۲) جابربن عبدالله انصاری نقل می‌کند؛ پیامبرﷺ فرمود:

ای یاران و پیروان من! بدانید. دو هزار سال قبل از خلقت زمین و آسمان بر دَر بهشت نوشته بود:

« لاٰ اِلٰه اِلاّ الله، محمّد رسول الله، اَیّدتُهُ بِعَلِیٍّ».

یعنی معبودی غیر از الله نیست، محمّد رسول خداست منﷺ او را به علی تأیید کردم و یاری دادم.[۱]

(۳۰۴) ابی حمزه ثمالی از سعید بن جبیر و او از ابی حمراء نقل می‌کند که مصطفیﷺ فرمود:

در شب معراج و در سیر و سفر آسمان در سمت راست ساق عرش نوشته‌ای را دیدم که نوشته بود:

---

۱. روایت رقم ۳۰۳ / شواهد التنزیل از ابی حمراء با همین متن و لفظ در توضیح و تفسیر آیه شریفه نقل شده است.

لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ الله، محمّد رسول الله، اَيدتّه بِعَلِيٍّ وَ نَصَرْتُه بِهِ.

هیچ خدایی جز الله نیست و محمّد ﷺ رسول خداست او را به واسطه علی ؑ تأیید کردم و یاری دادم.

۴۹ يٰا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللهُ وَ مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (انفال /۶۴)

ای پیامبر، خدا و کسانی از مؤمنان که پیرو توأند تو را بس است.

(۳۰۵) جعفربن محمّد ؑ از پدرش در شأن نزول آیهٔ «**يا ايُّها النّبی حَسْبُک اللهُ وَ مَنْ اتَّبعَکَ من الْمؤمنين**» می‌فرماید:

این آیه شریفه درباره علی بن ابی طالب ؑ نازل شد.که از پیروان راستین رسول خدا ﷺ بود.

(۳۰۶) قاسم وعبدالله از فرزندان حسین بن زید از پدرشان و پدرشان از ابی جعفر و آن حضرت از پدرش در مورد آیه **يا ايُّها النّبِيُّ حَسْبُکَ اللهُ**.... فرمود:

این آیه شریفه در حقّ علی بن ابی طالب ؑ نازل شد.

۵۰ وَ أَذٰانٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النّٰاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمشْرِكِينَ (توبه /۳)

و (این آیات) اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حجّ اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند.

(۳۰۷) حکیم بن جُبَیر از علیّ بن حسین ؑ نقل می‌کند:

برای علی بن ابی طالب ؑ در کتاب الله(قرآن) اسم‌های متعددی قرار داده شد که

مردم با آن اسم‌ها بیگانه و ناشناس هستند.

عرض کردم؛ یابن رسول الله آن اسم‌ها کدام است. بیان فرمایید.

فرمود: در آیه «**وَأَذانٌ من اللهِ وَ رَسُولِهِ...**» به خدا سوگند، علی ﷺ اذان در روز حج اکبر است.

(۳۰۸) ابن عباس بیان می‌کند؛ بین نبیّ ﷺ و قبایل عرب عهد و پیمانی وجود داشت. خدای تعالی به پیامبر ﷺ فرمان داد تا همهٔ عهد و میثاق را کنار بگذارد. مگر آن قبایلی که نمازهای مکتوب را به جای می‌آورند و زکات مفروض را ادا می‌کنند.

رسول الله ﷺ علی ﷺ را فرا خواند، هفت آیهٔ متوالی از اول سوره برائت را به او سپرد و امر فرمود تا در عید قربان که روز حج اکبر است. لغو پیمان با قبایل غیر مسلمان را اعلام کند و از میثاق خود با آنان بیزاری جوید.

علی ﷺ با شجاعت تمام و عزم راسخ و دلی قوی آیات فوق را در سرزمین منیٰ و در کنار جمره بزرگ برای تمام مردم و قبایل قرائت کرد.

(۳۰۹) انس بن مالک از خدمتکاران رسول الله ﷺ نقل می‌کند:

مصطفی ﷺ هفت آیه اول سورهٔ برائت را به ابوبکر سپرد و او را مأمور کرد تا بر اهل مکه و قبایل اطراف بخواند، چون ابوبکر به ذُوالحُلیفه رسید؛ پیک مصطفی ﷺ به او رسید و او را برگرداند، و سپس آن حضرت فرمود: **لاٰ یَذْهَبُ بِهِ اِ لاّ رجلٌ مَنْ اَهْلِ بیتی.**

باید فردی از اهل بیت من حامل پیام و اجرا کننده فرمان یزدان باشد.

چون ابوبکر اهل بیت رسول ﷺ نبود پس علی بن ابی طالب ﷺ را به سوی مکه اعزام کرد. تا به نحو احسن و اکمل انجام وظیفه کند[1].

(۳۱۰) انس بن مالک نقل می‌کند، مصطفی ﷺ ابوبکر صدّیق را با آیات برائت عازم مکّه کرد، بعد از این که مسافتی را طی کرده او را فرا خواند، و فرمود: «**لاینبغی اَنْ یُبلِّغ**

۱. روایت رقم ۳۱۶ و ۳۱۷ / شواهد التنزیل از انس بن مالک با همین متن و الفاظ نقل شده است.

هذا اِلاَّ رَجُلٌ مِنْ اَهْلي».

سزاوار و شایسته است که این ابلاغیه به دست شخصی از اهل بیت من انجام پذیرد.

آن گاه علی بن ابی طالب﷣ را احضار فرمود، و آیات برائت را به او سپرد و به جانب مکه روانه کرد.

(۳۱۲) سمّاک بن حرب از انس بن مالک روایت می‌کند؛ رسول اللهﷺ ابوبکر را برای قرائت آیات اوّل سورهٔ برائت به جانب مکّه اعزام کرد. بعد از چندی علی﷣ را احضار و او را برای ابلاغ آیات فوق به مکه مأمور کرد و فرمود: **«لا يُبَلِّغُها اِلاَّ رَجُلٌ مِنْ اَهلی»**؛ تبلیغ آیات سوره برائت صورت نمی‌گیرد مگر توسط فردی از اهل بیت من.[1]

(۳۱۵) سمّاک بن حرب از انس بن مالک نقل می‌کند:

مصطفیﷺ، اول ابوبکر را برای ابلاغ آیات برائت، به جانب مکّه اعزام کرد، سپس او را فرا خواند و آیات را از او گرفته به علی﷣ واگذار کرد تا در جمع مشرکین وقبایل اطراف مکه در سرزمین مِنی قرائت کند.

پیامبر ﷺ فرمود: **«لا يُؤَدّي عنّي اِلاَّ اَنَا اَوْ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَيْتي»**.

(۳۱۹) سمّاک از حنش (جیش) و او از علی﷣ حکایت اعزام به مکّه و قرائت آیات برائت را چنین روایت کرده است که علی﷣ فرمود: به نبیﷺ گفتم یا رسول‌الله! من از نظر سن و ایراد خطبه مناسب این مأموریت بزرگ نیستم. فرد دیگری را مأمور این کار نمایید.

آن بزرگوار فرمود: یا علی! به ناچار تو یا من باید این سفر را انتخاب کنیم و این مأموریت مهم را انجام دهیم.

عرض کردم: اگر چنین باشد، به خدمتگزاری آماده‌ام و مرا برای این سفر بفرست. نبیﷺ فرمود: به سوی مکّه حرکت کن، خدای سبحان زبانت را محکم و قلبت را

---

۱. روایت رقم ۳۱۱ و ۳۱۳ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ / شواهد التنزیل از انس بن مالک تقریباً به همین معنی نقل شد.

آرام کند و تو را هادی باشد.

سپس دستش را بر دهانم گذاشت و گفت: بر خیز، به جانب مکه برو و آیات برائت را برای مشرکین و مردم بخوان.

(۳۲۰) عامر شعبی روایت کرد، امیرالمؤمنین علی‌ﷺ فرمود:

زمانی که رسول‌اللهﷺ مرا در موسم حج برای ابلاغ آیات برائت فرستاد. در روز حج اکبر بپا خاستم و گفتم: ای مردم! آگاه باشید، بعد از امسال هیچ مشرکی حق انجام دادن مراسم حج را ندارد. و هیچ کسی مجاز به طواف عریان نیست. ای مردم! بدانید، غیر از مسلمانان کسی داخل بهشت نمی‌شود.

آنان که قبلاً با محمدﷺ پیمان بستند، میثاقشان تا پایان مدّت، معتبر است. آگاه باشید، **«أَنَّ اللهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ»** یعنی خدا و رسولﷺ از مشرکین بیزارند[1].

(۳۲۲) ابن عباس داستان ابلاغ آیات برائت را این گونه بیان می‌کند:

نبیﷺ ابوبکر را به جانب مکه فرستاد و امر فرمود تا آیات برائت را برای آنان بیان و ابلاغ کند، سپس علی‌ﷺ را به دنبال او اعزام کرد.

زمانی که ابوبکر در مسیر راه صدای نعرهٔ شتر رسول الله را شنید، گمان کرد، آن حضرت از پشت سر می‌آید چون شتر سوار نزدیک شد، دید علی‌ﷺ است.

آن حضرت نامه رسول الله و آیات برائت را از ابوبکر گرفت، هر دو به سوی مکّه رهسپار شدند، ابوبکر در مراسم حج شرکت کرد و علی بن ابی طالبﷺ آیات برائت را با صدای رسا در ایام تشریق در سرزمین مِنی به سمع قبایل عرب رسانید و به آنان گفت:

ای مردم! رسول اللهﷺ از هر مشرکی اعلام برائت می‌کند؛ پس چهار ماه مهلت دارید تا تکلیف خود را مشخّص کنید و از شرک و کفر رهایی یابید.

---

۱. روایت رقم ۳۲۱ / شواهد التنزیل تقریباً به همین معنی نقل شده است.

رسول خداﷺ می‌فرماید؛ هیچ کسی حق ندارد، عریان به طواف بیت الله بپردازد و بدانید سعی و تلاش شما ضایع است، و به جز مؤمن به خدا و پیامبرﷺ احدی وارد بهشت نمی‌شود.

(۳۲۳) مصعب بن سعد از پدرش سعد چنین نقل می‌کند:

نبیّﷺ ابوبکر را با آیات برائت به سوی مکّه فرستاد، چون او به ضَجْنان رسید، علی‌ؑ را در پی وی فرستاد، ابوبکر وقتی صدای شتر رسول اللهﷺ را شنید، گمان کرد، آن حضرت به جانب مکّه می‌آید. چون نزدیک شد. علی‌ؑ را مشاهده کرد.

علی‌ؑ آیات سوره برائت را از ابوبکر گرفت، و به مکه رفت و برای مشرکین خواند.

(۳۲۴) ابوهریرة یا ابوسعید خدری، یکی از این دو نقل کرده است که در ابتدا رسول خداﷺ، ابوبکر را برای قرائت آیات برائت به جانب مکّه اعزام کرد، وقتی او به ضجنان رسید، از پشت سر صدای ناقه رسول خداﷺ را شنید، گمان کرد آن حضرت است. چون نزدیک شد علی‌ؑ را دید که بر شتر رسول اللهﷺ نشسته است و به طرف مکّه می‌آید.

ابوبکر پرسید: چه خبر جدید داری؟

علی‌ؑ فرمود: خیر است؛ رسول اللهﷺ فرمان داد تا آیات برائت را من در بین مشرکین بخوانم، و تو فقط در مراسم حج شرکت کنی.

پس هر دو به جانب مکه روان شدند و هر یک طبق دستور نبیّﷺ وظیفه خود را بپایان بردند، چون برگشتند و به خدمت رسولﷺ رسیدند. ابوبکر پرسید: چه اتفاقی افتاد که سلب مأموریت شدم؟

پیامبرﷺ فرمود: تو برای ما خیر هستی، و مصاحب در غار و مصاحب من در حوض کوثر هستی؛ امّا «**إِنَّهُ لاَیُبَلِّغ عَنِّي غَیرِي أَوْ رَجُلٌ مِنّي**».

چون این مأموریت وابلاغ آن، کار فوق العاده‌ای بود، باید یا خودم شخصاً

عهده‌دار آن می‌شدم یا مردی از اهل بیت من آن را انجام می‌داد.

(۳۲۵) ابی سعید و ابی هریرة می‌گویند:

نبی ﷺ ابوبکر را با آیات برائت به مکّه اعزام کرد، او در ضجنان صدای نعره شتر مصطفی ﷺ را شنید، چون نگاه کرد، علی ﷺ را دید که بر شتر سوار است. پرسید: چه شده است؟

علی ﷺ گفت: خیر است، جای نگرانی نیست. رسول خدا ﷺ مرا برای اعلام برائت فرستاد.

ابوبکر از نیمه راه برگشت به حضور پیامبر رسید، پرسید: یا رسول الله! چه خبر شده است؟ پیامبر ﷺ فرمود: خیر است. تو رفیق من در غار بودی و مصاحب من در حوض کوثر هستی، امّا این مأموریتِ با عظمت را باید یا خود یا شخصی از خودم انجام می‌داد. و تو خودی نیستی.

(۳۲۶) جابربن عبدالله انصاری نقل کرد:

نبیّ ﷺ بعد از مراجعت از حجّ عمره، ابوبکر را به سوی مکّه فرستاد. ما همراه او بودیم در وادی عرج در وقت نماز صبح صدای نعره شتر رسول ﷺ را شنیدیم گمان کردیم رسول خدا ﷺ به سوی ما می‌آید، چون شتر نزدیک شد، علی ﷺ روی آن شتر سوار بود.

ابوبکر پرسید: یا علی! آیا امیری یا رسولی؟

علی ﷺ فرمود: رسولم؛ مصطفی ﷺ مرا برای ابلاغ و قرائت آیات برائت به مکّه فرستاده است.

آن دو به مکه رفتند، روز قبل از تَرویه، ابوبکر برخاست و در میان جمعیت ایستاد و خطبه‌ای خواند، و از اعمال حج و مناسک آن سخن گفت. سپس علی بن ابی طالب ﷺ بپا خاست و آیات اوّل سوره برائت را با صدایی رسا برای آن جماعت مشرک قرائت فرمود.

همچنین در روز عرفه و روز عید قربان و روز کوچ کردن در بین جمعیت ایستاد و آیات برائت را برای مشرکین خواند.

(۳۲۷) ابن عباس از مفسرین و از اصحاب رسول الله و از یاران علی ﷺ نقل می‌کند که مصطفی ﷺ ابوبکر را فرا خواند و آیات اول سوره برائت را به او سپرد و فرمان داد تا آن آیات را برای مردم شرکت کننده در مراسم حج قرائت کند، ابوبکر به قصد مکّه به راه افتاد و بعد از طی مسافتی، جبرئیل به خدمت پیامبر ﷺ رسید و گفت: **«اِنَّهُ لایُؤَدّی عَنْکَ اِلاّ اَنْتَ اَوْ علیّ»**.

یا رسول الله ﷺ! این کار را باید یا خود یا علی ﷺ به پایان برسانید و از دیگری پذیرفته نیست.

بلافاصله رسول خدا ﷺ علی ﷺ را به دنبال ابوبکر برای اعلام برائت به سوی مکّه اعزام کرد. ابوبکر در بین راه صدای نعره شتر نبیّ ﷺ را شنید، چون نگاه کرد علی ﷺ را بر شتر آن حضرت دید. سؤال کرد: یا علی ﷺ! در پشت سرت چه خبر است؟ آیا چیزی دربارهٔ من نازل شد؟

علی ﷺ فرمود: خیر، نگران نباش، ولیکن رسول الله ﷺ فرموده است که آیات برائت را به من واگذار کنی، چون اعلام برائت کار تو نیست و پیامبر فرمود:

«لایُؤَدّی عنّی اِلاّ اَنَا اَوْ عَلیّ».

علی ﷺ آن آیات را گرفت و در موسم حج شرکت کرد و با شجاعت و صلابت در میان مشرکین ایستاد و چندین بار و در روزهای متوالی آن آیات را قرائت کرد.

۵۱ **أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ** (توبه/ ۱۹)

آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همانند (کار) کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند (نه، این دو) نزد خدا یکسان نیستند.

(۳۲۸) شعبی می‌گوید، آیه شریفه فوق در مورد علیؑ و عمویش عباس زمانی که با هم گفت‌وگو می‌کردند نازل شد[1].

(۳۳۰) وکیع از اسماعیل بن ابی خالد و او از شعبی روایت کرده است:
آیه «**أَجَعَلْتُم سِقَايَةَ الْحَاجِّ** ...» در شأن علیؑ و عباس نازل شد[2].

(۳۳۲) ابن سیرین روایت خویش را چنین نقل می‌کند:
روزی علیؑ از مدینه وارد مکّه شد، به عمویش عبّاس گفت:
ای عموی رسول خدا! چرا مهاجرت نمی‌کنی و به پیامبرﷺ ملحق نمی‌شوی؟
عباس گفت: عمارت و آبادانی مسجدالحرام و پرده‌داری بیت الله را به عهده دارم و این کاری ارجمند است، و نمی‌توانم آن را رها کنم و به مدینه مهاجرت نمایم.
خدای سبحان در پاسخ عباس، آیهٔ شریفهٔ «**أَجَعَلْتُم سِقَايَةَ الحاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِد الْحَرام كَمَنْ آمَنَ بالله وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَجاهَدَ فِي سَبِيْلِ اللهِ لَأيَسْتَوُونَ عِنْدَاللهِ وَ اللهُ لايَهْدِي الْقَوْمَ الظّالِمِيْنَ**» را بر پیامبرشﷺ نازل فرمود.

(۳۳۳) عروة بن زبیر در شأن نزول این آیه شریفه چنین نقل می‌کند:
دو تن از بزرگان مکّه به نامهای عباس بن عبدالمطلب و شیبة بن عثمان مسلمان شدند، امّا به مدینه مهاجرت نکردند تا به رسول اللهﷺ ملحق شوند. البته عبّاس

۱. روایت رقم ۳۲۹/ شواهد التنزیل از شعبی با همین متن و لفظ نقل شده است.
۲. روایت رقم ۳۳۱/ شواهد التنزیل از شعبی همین گونه نقل شده است.

مسئولیّت سقایت و آب دادن حاجیان را به عهده داشت و شیبه هم پرده داری بیت الله را عهده‌دار بود.

روزی عبّاس به جهت داشتن منصب سقّایی حاجیان به علی‌ؑ فخر فروخت و گفت: یا علی‌ؑ! فضیلت من از تو بیشتر است؛ چون ساقی حاجیان هستم. علی‌ؑ فرمود: برتری و تفضیل از آنِ من است.

چون کلام آن دو بالا گرفت. خدای بزرگ، آیهٔ **«أَجَعَلْتُم سِقَایة الحاجّ....»** را نازل فرمود تا مشخّص شود کدام برترند.

(۳۳۴) حسن از مفسرین قرآن چنین نقل می‌کند:

آیهٔ **«أَجَعَلْتُم سِقَايَةَ الْحَاجِّ»** در مورد علی‌ؑ و عبّاس و شیبة بن عثمان هنگامی که با هم احتجاج می‌کردند، نازل شد.

(۳۳۵) سُدیّ از قول اصحاب و یاران خودش در مورد کلام خدا **«أَجَعَلْتُم سِقَاية الحاجّ»** حکایت می‌کند.

علی‌ؑ و عبّاس و شیبه؛ هر یک به اعمال خود افتخار می‌کردند و خود را از دیگری برتر می‌دانستند.

عبّاس عموی پیامبرﷺ گفت: چون ساقی حاجیان هستم از شما بالاتر وبرترم.

علی‌ؑ فرمود: با مصطفیﷺ هجرت کردم، در کنارش مجاهدت نمودم، بنابراین برتری و تفضیل از آنِ من است.

شیبه گفت: عمران و آبادی مسجد خدا با من است؛ چون مسجد را فضیلت بسیار است، عامر مسجد را نیز فضیلت بی‌کران است.

خداوند متعال با نزول آیهٔ **«أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَام...»** برتری علی‌ؑ و تفضیل او را بر آن دو نفر اعلام فرمود.

(۳۳۶) ابن عباس در شأن نزول آیهٔ **«أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ ...»** بیان می‌کند.

عبّاس بن عبدالمطلب خود را از علی‌ؑ برتر می‌دانست او به علی‌ؑ گفت: یا

علی! من عمّ رسول اللهﷺ و ساقی حاجیان هستم؛ با این دو خصیصه از تو برترم.

شیبه نیز گفت: من عمارت و تعمیر مسجد الحرام را به عهده دارم و برتری از آنِ من است. علیﷺ بعد از شنیدن سخنان آن دو گفت: من از هر دوی شما برترم. چون هم مهاجر الی الله و هم مجاهدفی سبیل الله هستم.

بعد از این مقال آیه «**أَجَعَلْتُم سِقَايَةَ الْحَاجِّ**» نازل شد، یعنی آیا عباس که طبق آیهٔ شریفهٔ سقایهٔ حاجیان را به عهده داشت و شیبه که طبق آیهٔ (**وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ**) عمارت مسجد الحرام را به عهده دارد (**كَمَنْ آمَنَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...**) مثل علیﷺ هستند؟! هرگز چنین نیست، بلکه علیﷺ بر آن دو برتری کامل دارد.

(۳۳۷) انس بن مالک روایت کرده‌است:

روزی عباس بن عبدالمطلب و شیبه کنار هم نشسته بودند و بر شغل و مسئولیّت خویش فخرمی فروختند و افتخار می‌کردند، در آن هنگام که علیﷺ از کنارشان عبور کرد، عباس گفت: ای فرزند برادرم! توقف فرما.

علیﷺ ایستاد، عباس گفت: شیبه بر من فخر می فروشد و گمان می‌کند شریف‌تر و برتر از من است.

علیﷺ فرمود: شما چه می‌گویی؟

عباس گفت: من می‌گویم چون عموی پیامبرﷺ و وصیّ پدرش و ساقی حاجیان هستم از او برترم.

سپس علیﷺ به شیبة گفت: تو چه می‌گویی و دلیلت چیست؟

شیبه گفت: من برترم، چون امین خدا بر بیت او هستم و عمارت آن را عهده‌دارم.

علیﷺ فرمود: آیا راضی می شوید من افتخارات خود را بیان کنم؟

آن دو گفتند: بلی یا علی! بیان فرما.

علیﷺ فرمود: من از هر دوی شما برتر و فضیلتم بیشتر است.

چون نخستین ایمان آورنده و مهاجر همراه رسول الله و مجاهدفی سبیل الله هستم.

سپس هر سه به خدمت مصطفیﷺ رفتند تا فرد برتر را معرّفی فرماید.

چون هر یک افتخارات خود را بیان کردند؛ آن حضرت سخنی نفرمود و به منزل خویش رفت.

بعد از چند روز پیک وحی آیه‌ای را تقدیم رسول اللهﷺ کرد.

مصطفیﷺ آن سه تن را احضار و آیهٔ **أَجَعَلْتُم سِقَايَةَ الحَاجِّ** تا ده آیه بعدی را برای آنان قرائت فرمود و برتری علیؑ را برآنان به ثبت رسانید.

(۳۳۸) عثمان بن سلیمان از ابن بریدة و او از پدرش نقل کرده است:

در مجلسی، شیبة و عباس بن عبدالمطلب به یکدیگر تفاخر می‌کردند، از علیؑ که از کنار آنان می‌گذشت، پرسید: به چه چیزی با یکدیگر تفاخر می‌کنید؟

عبّاس گفت: فضیلتی که به من داده شده به احدی عنایت نشده است.

علیؑ پرسید: چه موهبتی نصیب تو شده است؟

گفت: ساقی حاجیان در موسم حج هستم.

علیؑ رو به شیبة کرد و گفت: ای شیبة تو چه فضیلت و موهبتی داری؟

شیبه گفت: عمارت مسجد الحرام با من است و این فضیلتی عظیم است.

علیؑ فرمود: ای شیخین! مرا فضیلتی است که شرم دارم آن را بیان کنم.

آن دوگفتند: آن فضیلت چیست؟ بیان کن!

علیؑ فرمود: فضیلت من آن است که شمشیر بر پشت گردن شما دو نفر گذاشتم تا به خدا و رسولشﷺ ایمان آوردید.

عبّاس از سخن علیؑ دلتنگ و ناراحت شد و با همان عصبانیت به حضور پیامبر رفت.

آن حضرت پرسید: ای عبّاس! چه حادثه‌ای تو را ملول کرده است.

عباس گفت: آیا نمی‌بینی طفلی خود را بر ما مُقدّم می‌دارد؟

رسول خداﷺ پرسید: آن طفل کیست؟

عباس گفت: علی بن ابی طالب ﷺ.

پیامبر علی ﷺ را فرا خواند و گفت: چرا عمویت عباس را ناراحت و دلتنگ کردی؟

علی ﷺ گفت: یا رسول الله! او از حرف حق ناراحت شد. می‌خواهد راضی باشد یا غضبناک شود.

در همان اثنا جبرئیل نازل شد و گفت: یا رسول الله! خدای سبحان بر تو سلام رسانید. و فرمود: این آیه را برای آنان قرائت کن.

«أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَاللَّهِ».

عباس چون این آیه را استماع کرد؛ سه بار گفت؛ راضی شدم و فهمیدم علی بن ابی طالب ﷺ را برتری و فضیلتی بسیار است.[1]

۵۲ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (توبه /۲۶)

آن گاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و برمؤمنان فرو آورد.

(۳۴۰) ضحاک بن مُزاحم در شأن نزول آیهٔ **ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ و عَلَى الْمُؤمنين** گفت؛

این آیه دربارهٔ کسانی که در جنگ حنین در کنار مصطفی ﷺ ثابت قدم ماندند و متواری نشدند، مثل علی ﷺ و عباس و ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب و عدّهٔ قلیلی از بنی‌هاشم نازل شد.

(۳۴۱) صالح بن عبدالله ترمذی از حسین بن محمد و او از مسعودی و مسعودی از

---

۱. روایت رقم ۳۳۹ / شواهد التنزیل از جابر ابن عبدالله انصاری با همین محتوا و معنی نقل شد.

حکم بن عُتیبة نقل می‌کند:

آیه شریفه «ثُمَّ أَنزَلَ اللهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» بی شک برای چهار تن از ثابت قدمان جنگ حنین نازل شد و علی بن ابی طالب﵇ مقاوم‌ترین آن چهار تن است.

۵۳ **وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.** (توبه / ۱۰۰)

و پیشگامانِ نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود و آنان (نیز) از او خشنودند، و برای آنان باغهایی آماده کرده که از زیر (درختان) آن نهرها روان است. همیشه در آن جاودانه‌اند. این است همان کامیابی بزرگ.

(۳۴۲) عبدالرّحمان بن عوف در شأن نزول آیهٔ «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ...» بیان کرد: این آیه در مورد شش تن از قریش که نخستین کسانی بودند که اسلام آوردند، نازل شده است. از میان این شش تن، اوّلین وسابقه‌دارترین آنان علی بن ابی طالب﵇ است.

(۳۴۳) ضحّاک نقل می‌کند ابن عباس در توضیح قول خدای تعالی «السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ...» بیان کرد.

این آیه شریفه درباره علی بن ابی طالب﵇ و حمزه سیدالشهدا و عمّار وابوذر وسلمان ومقداد نازل شد[1].

(۳۴۵) سلیم بن قیس نقل می‌کند:

۱. روایت رقم ۳۴۴ / شواهد التنزیل از ابن عباس به همین معنی نقل شد.

روزی حسن بن علی علیه السلام ابتدا حمد وثنای خدا به جا آورد و سپس آیهٔ شریفهٔ «السَّابِقُون الْأَوَّلُونَ...» را قرائت فرمود و گفت: همان طور که برای سابقین در اسلام ومسلمانی فضیلت و اعتباری است برای پدرم، علی بن ابی طالب علیه السلام فضیلتی بالاتر از سابقه داران است زیرا که او اولین آنان است.

(۳۴۶) ابن عبّاس در شأن نزول آیهٔ «السَّابِقُونَ الاوَّلُونَ...» می‌گوید؛ این کلام ربّانی در تحسین وتمجید علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. که در ایمان به خدا و رسول از همه مردم سبقت گرفته بود و به طرف دو قبله نمازگزارد و دوبار بیعت نمود و دوبار مهاجرت کرد.

(۳۴۷) عمربن ابی سلمة از پدرش نقل می‌کند، که اُسامة بن زید گفته‌است ؛ روزی علی علیه السلام و عبّاس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله پشت دَرِ خانه پیامبر بودند و اجازه ورود می‌خواستند، پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: آیا می‌دانی برای چه چیزی می‌آیند. عرض کردم. خیر یا رسول‌الله صلی الله علیه و آله.

حضرت فرمود: امّا من می‌دانم برو در را باز کن. هنگامی که آن دو وارد مجلس شدند.

علی علیه السلام پرسید: یا رسول الله! محبوب‌ترین فرد از اهل بیت شما کیست؟

حضرت فرمود: فاطمه علیها السلام

علی علیه السلام گفت: منظورم از مردان است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **مَنْ انْعَمَ اللهُ عَلَيْه وَاَنْعَمْتَ عَلَيْه.**

علی علیه السلام گفت: سپس چه کسی است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو یا علی علیه السلام!

عبّاس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله زبان به اعتراض گشود وگفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله! عمویت را آخرین نفر قرار دادی!

پیامبر فرمود: علی علیه السلام با هجرت از تو سبقت گرفت.

(۳۴۸) عمربن اَبی سَلْمِه از پدرش روایت کرد که اُسامة بن زید حکایت کرد:

روزی داخل مسجد شده با علی ﷺ و عباس روبه رو شدم. آن دو گفتند؛ ای زید! از رسول الله ﷺ اجازه ملاقات بگیر.

به خدمت پیامبر ﷺ رسیدم و عرض کردم؛ یا رسول الله! علی ﷺ و عباس پشت دَر منزل اند و اجازهٔ ملاقات می خواهند.

رسول الله ﷺ فرمود: حاجت‌شان چیست و چه کاری دارند؟

گفتم: یا رسول الله! نمی دانم چه کاری دارند.

پیامبر ﷺ فرمود: راست می‌گویی، امّا من می‌دانم چه می خواهند. اجازه بده داخل شوند.

چون داخل شدند در کنار آن حضرت نشستند.

پیامبر ﷺ فرمود: چه مطلبی شما را به این جا آورد؟

علی ﷺ گفت: یا رسول الله! آمدیم تا بپرسیم، محبوب‌ترین اهل بیت شما کیست؟

پیامبر ﷺ فرمود: دخترم فاطمه ﷺ.

علی ﷺ گفت: بعد از فاطمه ﷺ چه کسی محبوب‌تر است؟.

پیامبر ﷺ فرمود: **مَنْ اَنْعَمَ اللهُ عَلَیهِ وَانْعَمْتَ عَلَیه.**

علی ﷺ پرسید: سپس چه کسی محبوب‌تر است.

رسول خدا ﷺ فرمود: تو یا علی!

عبّاس گفت: یا رسول الله! عمویت! را آخرین نفر قرار دادی!

پیامبر ﷺ فرمود: ای عباس بن عبدالمطلب! علی ﷺ از تو به جهاتی برتری دارد که از جمله آنها سبقت او در هجرت است.

۵۴ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَکُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ. (توبه /۱۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و با راستان باشید.

(۳۵۰) محمدبن صلت از پدرش حدیثی را نقل کرد که جعفربن محمدﷺ فرمود: «**اتَّقُوا اللهَ وَکُونُوا مَعَ الصَّادِقِین**» یعنی با محمدﷺ و علیﷺ باشید و از آنان جدا نشوید.

(۳۵۱) کلبی از ابی صالح نقل می‌کند: ابن عباس در شأن نزول آیهٔ شریفه (**اتَّقُوا اللهَ وکُونُوا مَعَ الصَّادِقِین**) گفت: این کلام خداوند درباره علی بن ابی طالبﷺ نازل شد.

(۳۵۲) باز هم از طریق روات دیگر از ابن عباس مفسّر قرآن نقل شده است که آیهٔ «**یَا ایُّها الَّذِیْن آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَکُونُوا مَعَ الصَّادِقِین**» درباره علیﷺ و اصحاب آن بزرگوار نازل شد.

(۳۵۳) مُفضّل بن صالح از جابر و جابر از ابی جعفر امام باقرﷺ نقل کرده است که آن بزرگوار فرمود: «**کُونُوا مَعَ الصَّادِقِین**» یعنی با آل محمدﷺ باشید و از آنان جدا نشوید.

(۳۵۴) ضحاک از ابن عباس روایت کرد:

به طایفه‌ای از انصار سفارش و موعظه شد در جنگ‌ها همراه علی بن ابی طالبﷺ باشند و بر طبق دستورات او تأدیب و تربیت شوند و رسول خداﷺ نام آن عدّه را معرفی فرمود.

(۳۵۵) ابان بن تغلب نقل کرده است ابی جعفرﷺ فرمود:

«**اتَّقُوا اللهَ وکُونُوا مَعَ الصَّادقین**» یعنی با علی بن ابی طالبﷺ باشید. و دامان او را رها نکنید.

(۳۵۶) ابن عباس درباره آیه شریفه «**اتَّقُوا الله وَ کُونُوا مَعَ الصَّادقین**» می‌گوید یعنی با علیﷺ و همراه اصحاب علی باشید و از آنان کناره گیری نکنید.

(۳۵۷) مالک بن انس از نافع نقل می‌کند که عبدالله بن عمر در شرح این آیه شریفه

چنین گفت:

«اتّقُوا الله» یعنی خدای بزرگ به همه اصحاب محمدﷺ فرمان داد، تقوا پیشه کنند «وَكُونُوا مَعَ الصَّادقين» یعنی همیشه با محمدﷺ و اهل بیتش باشند و از آنان هرگز جدا نشوند.

۵۵ **وَاللهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِالسَّلامِ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَآءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.**

(یونس/ ۲۵)

و خدا (شما را) به سرای سلامت فرا می‌خواند، و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

(۳۵۸) این روایت با سلسله روات طولانی از عبدالله بن عباس در تفسیر آیه شریفه چنین نقل شده است. که ابن عباس در تفسیر **وَاللهُ يَدْعُوا إِلَى دارالسَّلام** گفت:

یعنی خدای تعالی بندگانش را به جنّت و باغ بهشت می‌خواند. «**و يَهْدى مَنْ يَشَاءُ الى صِراطٍ مُستقيم**» و همچنین مسلمانان را به ولایت علی بن ابی طالبؑ هدایت و ارشاد می‌کند.

(۳۵۹) فُضَیل بن زبیر از زیدبن علیؑ در تفسیر آیهٔ «**وَ يَهدى مَنْ يَشاءُ الى صِراطٍ مُستقيم**» نقل می‌کند، خداوند بندگانش را به ولایت علی بن ابی طالبؑ هدایت و راهنمایی می‌کند.

۵۶ أَفَمَن يَهْدِي إِلَى ٱلْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لَّا يَهِدِّيَ إِلَّآ أَن يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ[۱]. (یونس / ۳۵)

آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آن که هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟

(۳۶۱) در تفسیر عتیق از ابن عباس نقل شده است:

در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله بین طایفه‌ای خصومت و اختلاف پیش آمد آن جماعت به حضور مصطفی صلی الله علیه و آله رسیدند تا بین آنان حُکم کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله به بعضی از اصحابش امر فرمود تا قضاوت و حکم کنند. چون آن افراد حکم کردند، آن طایفه تسلیم دادرسی آنان نشدند.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمان داد تا بین آن جماعت به عدل حکم کند و اختلاف را خاتمه دهد. چون امیرالمؤمنین علی علیه السلام حکم به انصاف صادر فرمود، همگان از قضاوت او راضی شدند.

بعضی از منافقین به متخاصمین گفتند: شما چه قوم بدی هستید! فلان کس حکم کرد راضی نشدید؛ امّا به قضاوت علی علیه السلام تن دادید و تسلیم شدید.

خدای عزّوجل برای کوبیدن منافقین و حقانیت علی علیه السلام در قضاوت، آیهٔ «**أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ....**» را نازل فرمود. به همین سبب است که علی علیه السلام قضاوتش همیشه مطابق واقع است بدون این که تعلیمی در قضاوت دیده باشد.

(۳۶۲) ابراهیم بن حیّان از قول ابی جعفر علیه السلام چنین نقل می‌کند:

دو نفر در زمان حکومت عمر برای رفع خصومت به حضورش آمدند. عمر آن دو را نزد علی علیه السلام فرستاد تا بین‌آنان قضاوت کند. آن حضرت بین آنها قضاوت و حکم

---

۱. روایت رقم ۳۶۰ / شواهد التنزیل با همین لفظ و محتوی نقل شده است.

صادر کرد.

شخص محکوم، لب به اعتراض گشود و گفت:

این کیست که بین ما قضاوت کند. من قضاوت او را قبول ندارم.

عمر از این سخن ناراحت شد، و گریبان او را سخت گرفت و گفت: وای بر تو! چه می‌دانی این مرد کیست، او علی بن ابی طالب ﷺ است. «**هَذَا مَوْلَای وَمَوْلَیٰ کُلُّ مُؤْمِنٍ فَمَنْ لَمْ یَکُنْ مولاه فَلَیْسَ بِمُؤمِنٍ**» این آقا مولای من و مولای هر مؤمنی است. هر کسی علی ﷺ مولایش نباشد مؤمن نیست!!

۵۷ وَیَسْتَنبِؤُنَكَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِی وَ رَبِّی إِنَّهُ لَحَقٌّ وَ مَآ أَنْتُم بِمُعجِزِینَ.

(یونس / ۵۳)

و از تو خبر می‌گیرند، آیا آن راست است؟ بگو آری! سوگند به پروردگارم که آن قطعاً راست است، و شما نمی‌توانید (خدا را) درمانده کنید.

(۳۶۳) یحیی بن سعید از جعفر صادق ﷺ و آن حضرت از پدرش بیان فرمود: «**وَیَسْتَنْبِؤُنَکَ أَحَقٌّ هُوَ**» یعنی ای محمد ﷺ! اهل مکّه درباره علی بن ابی طالب ﷺ می‌پرسند، آیا او امام است یا نه؟

در پاسخ آنان بگو؛ به خدا سوگند، امامت او حق است[1].

۱. عیاشی در تفسیرش روایت ۳۶۴ / شواهد التنزیل را از طریق محمد کاشانی از قاسم بن محمد قرشی اصفهانی از سلیمان منقری نقل کرده است.

۵۸ **قُلْ بِفَضْلِ اللهِ و بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ.**

(یونس/ ۵۸)

بگو: به فضل و رحمت خداست که (مؤمنان) باید شاد شوند. و این از هر چه گرد می‌آورند بهتر است.

(۳۶۵) ابن عباس[۱] مفسّر مشهور قرآن دربارهٔ این کلام خداوند تبارک و تعالی: «**قُل بِفَضْلِ الله و برحمته....**» بیان کرده است:

بفضل‌الله یعنی نبیﷺ **وَبِرَحْمَتِهِ** یعنی علیﷺ منظور نظر است.

۵۹ **أَلاَ إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللهِ لاَ خَوْفٌ عَلَيهِمَ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُون** (یونس/ ۶۲)

آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند.

(۳۶۶) ابو هریرة نقل می‌کند؛ رسول اللهﷺ فرمود:

در بین بندگان خدا، کسانی هستند که دارای مقام والا و آبروی بالا هستند، انبیا به مقام آنان غبطه می‌خورند. آنان بدون مال و دارایی دنیا، محبوب قلوب انسان‌ها هستند. دارای چهره‌های نورانی و قلوبی مطمئن هستند، در جایی که خلایق را خوف و ترس است آنان اندوهی در دل ندارند، و هنگامی که انسان‌ها محزون شوند حُزنی در دل آنان نیست.

آیا می‌دانید؟ آنان چه کسانی هستند؟

گفتند یا رسول الله؟ آنان کیستند، بیان فرمایید تا بشناسیم.

رسول اللهﷺ فرمود: علیﷺ، حمزه سیدالشهدا، جعفر و عقیل از آن کسان هستند

---

۱. از محمدباقرﷺ نیز مثل همین روایت نقل شده است.

سپس آیه شریفه **اَلا اِنّ اَوْلیاءَ اللهِ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُون** را قرائت فرمود.

۶۰ **وَ أَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا اِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتاعاً حَسَناً اِلىٰ اَجَلٍ مُسَمّىً وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِى فَضْلٍ فَضْلَهُ.** (هود /۳)

و این که از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، (تا این که) شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معیّن بهره‌مند سازد، و به هر شایسته‌ای نعمتی از کرم خود عطا کند.

(۳۶۷) در کتاب فهم قرآن متعلق به جعفربن محمد﵇ در ذیل آیه **وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ** بیان فرمود: **ذِى فَضْل** همان امیرالمؤمنین علی﵇ است.

۶۱ **فَلَعَلَّكَ تارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحىٰ اِلَيْكَ وَ ضائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ اَنْ يَقُولُوا لَوْلا اُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ اَوْ جاءَ مَعَهُ مَلَكٌ اِنَّمآ اَنْتَ نَذيرٌ وَاللهُ عَلىٰ كُلِّ شَىْءٍ وَكِيلٌ.** (هود /۱۲)

و مبادا برخی از آنچه به تو وحی می‌شود ترک گویی و سینه‌ات بدان تنگ شود که می‌گویند: چرا گنجی بر او فرستاده نشده یا فرشته‌ای با او نیامد؟ تو فقط هشدار دهنده‌ای، و خدا بر هر چیزی نگهبان است.

(۳۶۸) جابربن ارقم از قول برادرش زید بن ارقم چنین نقل می‌کند:

جبرئیل امین در بعدازظهر روز عرفه در سرزمین عرفات خبر ولایت علی بن ابی طالب﵇ را به مصطفی﵆ اعلام وابلاغ کرد. آن حضرت از جهت انکار طایفه‌ای از منافقان و اهل افترا و تهمت، نگران و دلتنگ بود.

حضرت رسول ﷺ جماعتی از اصحاب نزدیک و صمیمی را برای مشورت فرا خواند که از جمله آنان من بودم. ما نمی‌دانستیم به نبی ﷺ چه جوابی بدهیم در آن میان پیامبر ﷺ گریان شد. جبرئیل گفت: ای رسول خدا! آیا از فرمان خدای عزّ و جلّ جزع و بی تابی می‌کنی؟

رسول خدا ﷺ فرمود: هرگز این چنین نیست؛ بلکه پروردگار من آگاه است، و می‌داند از قبایل قریش چه مشکلاتی را تحمّل کردم. آنان رسالت و نُبوّت مرا نپذیرفتند تا خدایم مرا امر به جهاد و جنگ با آنان کرد و با سربازانی از آسمان مرا نصرت داد تا از ترس شمشیر اقرار به رسالتم کردند، اکنون چگونه اقرار و اعتراف به ولایت علی ﷺ می‌کنند؟!

جبرئیل به آسمان رفت و سپس بازگشت و آیهٔ «**فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحَیٰ اِلَیْکَ وَ ضَائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ**» را قرائت کرد.

(۳۶۹) محمدبن عمر از عبادة حدیثی را از جعفربن محمد ﷺ نقل کرد که او از پدر بزرگوارش چنین نقل کرده که رسول الله ﷺ فرمود:

از پروردگارم درخواست کردم تا بر اخلاص قلب علی ﷺ بیفزاید، و پشتیبان و مددکار او در هر ناملایمات باشد.

خداوند منّان بر من منّت گذاشت و این خواهش مرا اجابت فرمود.

مرد جاهلی چون این سخن را شنید گفت اگر محمد ﷺ یک صاع خرما از خدایش طلب می‌کرد، بهتر و نیکوتر بود.

چون این خبر به نبیّ ﷺ رسید، دلتنگ شد.

بلافاصله جبرئیل، آیهٔ «**فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحیٰ اِلَیْکَ وَ ضائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ**» را بر پیامبر ﷺ قرائت کرد و به حضرت تسکین خاطر داد.

(۳۷۰) حاکم حَسْکانی می‌گوید در تفسیر عتیق روایتی را از طریق جابر بن یزید از ابی جعفر محمّد بن علیّ ﷺ دیدم، آن روایت چنین بود.

رسـول خـداﷺ فـرمود: از خـدای خـویش بـرادری و دوسـتی عـلی بـن ابی‌طالبؑ راخواسته‌بودم.پروردگارم‌همان‌دم،آنچه‌راخواسته‌بودم‌اجابت‌فرمود.

مردی از قریش چون دعای مرا در حق علیؑ شنید گفت:

به خدا سوگند یک صاع خرما در نزد ما بهتر است. از آنچه مـحمدﷺ از خـدای خویش خواسته است.

چون‌سخن‌آن‌مردقریشی‌به‌پیامبرﷺ‌رسید، بر او سخت گران آمد و دلتنگ شد.

خدای سبحان آیهٔ **«فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحیٰ إِلَیْکَ وَضائِقٌ بِهِ صَـدْرُکَ...»** را برای تسکین و شاد کردن آن حضرت فرستاد.

(۳۷۱) ابـی جـارود از ابـوجعفرؑ حـدیثی را از پیامبرﷺ نـقل کـرده است کـه رسول‌اللهﷺ فرمود:

«سَأَلْتُ رَبّی مواخاةَ عَلیّ وَ مُوازِرَتِهِ وَ إِخْلاصِ قَلْبِهِ وَ نَصیحَتِهِ‌فَأَعْطانی»

از خدای خویش برادری علی و پشتیبانی او و اخلاص قلبش و نصیحتش را درخواست کردم، پس آنچه از پروردگار خواستم به من عطا فرمود.

مردی از قریش چون این سخن را شنید گفت: عجب دارم از محمدﷺ که چنین دعاهایی می‌کند، والله یک صاع خرمادر نزد ما محبوب‌تر از آنچه او خواسته است.

ای مردم! پس چرا محمدﷺ دُعا نکرد تا فرشته و مَلَکی او را در مقابل دشمنانش یاری دهد. یا طلا و نقره طلب نکرد تا با آن قوی شود و بر دشمنانش غالب گردد.

چون این سخنان بیهوده به گوش رسول‌اللهﷺ رسید، ملول و غمگین شد.

و آن گاه خدای سبحان، آیهٔ **«فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحیٰ إِلَیْکَ...»** تا آخر آیه را بر آن بزرگوار نازل فرمود.

با شنیدن آیه شریفه قلب مبارک مصطفیﷺ تسلّی یافت و شاد شد.

۶۲ **أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ.** (هود/ ۱۷)

آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و شاهدی از (خویشان) او، پیرو آن است.

(۳۷۲) عبّاد بن عبدالله حدیثی را نقل کرد و گفت؛ امیرالمؤمنین علیؑ فرمود:

منظور از «**أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ**» رسول اللهﷺ است. که با بیّنه و برهان از جانب ربّ کریم به رسالت برگزیده شد.

و (**وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ**) منظور از شاهد من هستم که آیه شریفه مرا به عنوان شاهد ذکر فرمود.[1]

(۳۷۳) عبّاد بن عبدالله می‌گوید در کنار امیرالمؤمنین علیؑ در سرزمین رُحبه حضور داشتم، مردی از جا برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! رأی و نظر شما در تفسیر آیه «**أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ**» چیست؟

علیؑ فرمود: قسم به خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد مَثَل ما، اهل بیت پیامبرﷺ در میان شما مثل سفینه نوح در میان قومش و مانند باب حِطّه در بین بنی‌اسرائیل است.

امّا آیه «**أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ**» را که قرائت کردی، بدان که در این آیه رسول خداﷺ بیّنه و برهان ربّ جلیل است و من پیرو او و شاهد از جانب رسول اللهﷺ هستم.

(۳۷۷) ابی طفیل نقل می‌کند:

روزی علی بن ابی طالبؑ بر منبر کوفه خطبه‌ای بلیغ ایراد فرمود. ابن کَوّاء از میان جمعیت برخاست وگفت: یا علیؑ! آیا آیه‌ای در شأن تو نازل شده است که

---

۱. روایت رقم ۳۷۶ / شواهد التنزیل با همین لفظ و متن از علی بن ابی مغیره نقل شده است.

احدی با تو در آن شریک نباشد؟

امیرالمؤمنین علیؑ فرمود: آیا آیهٔ شریفهٔ «**أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ**» را قرائت کردی؟

بدان، طبق این کلام خدا، نبیّﷺ بیّنه پروردگار بر آدمیان است و من شاهد او هستم.

(۳۷۸) جابر جعفی از طریق عبدالله بن نجیّ نقل کرده است که امیرالمؤمنین علیؑ فرمود:

ای مردم! من نه گمراه شدم و نه موجب گمراهی کسی را فراهم کردم. هرگز عهدی که از من گرفته شد فراموش نکردم. من بر بیّنه‌ای که خدای تعالی آن را بر نبیّﷺ قرار داد هستم. و بدانید من بر طریق واضح و صراط بیّن هستم.

(۳۷۹) عبدالله بن نجیّ گفت از علیؑ شنیدم، فرمود: والله، تا به حال نه دروغ گفتم ونه دروغ شنیدم، هرگز در شبهه نیفتادم و هیچ گاه نسیان وفراموشی بر من عارض نشد.

بدانید من بینه‌ای هستم که خدای تعالی برای نبیﷺ بیان فرمود. من بر طریق آشکار و صراط مبین هستم.[1]

(۳۸۱) از ابن عباس مفسّر مشهور درباره قول خدای تعالی «**أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ...**» سؤال شد.

ابن عبّاس در پاسخ گفت: مصطفیﷺ بیّنه خدای بزرگ بر بندگان است. و علیؑ شاهد بر آن است.

(۳۸۲) کلبی از ابی صالح روایت کرد، ابن عباس در توضیح آیه شریفه «**أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ**» گفت:

رسول اللهﷺ بیّنه پروردگار است و علیؑ شاهد از طرف اوست.

---

۱. روایت رقم ۳۸۰ / شواهد التنزیل با همین لفظ و معنی از اسباط بن نصر نقل شد.

(۳۸۳) انس بن مالک درباره کلام خدای تعالی «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّه» چنین توضیح می‌دهد که منظور از بیّنه، رسول اللهﷺ است و منظور از شاهد در «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» علی بن ابی طالبﷺ است.

به خدا سوگند که علیﷺ زبان گویای نبیّﷺ در فسخ پیمان با مشرکین مکه بود که آیات برائت را با شهامت و صلابت تمام در مراسم حج بر مشرکین قرائت فرمود.

(۳۸۴) حبیب بن یسار حدیثی را نقل کرد که زاذان از هم عصران علیﷺ گفته است: امیرالمؤمنین علیﷺ فرمود:

«لوثنیت لِي الوِسادة فَجَلَسْتُ عَليها لَحَكَمْتُ بينَ اَهلَ التَّوارة بِتوراتِهِم وَ بَيْنَ اَهْلِ الاِنجِيل بانِجيلهم و بين اهل الزَّبُور بِزَبُورِهِم وبَيْنَ اَهلِ الفُرقان بفُرقانهم بِقضاءٍ يَزْهَرْ يَصْعُدُ الى الله...».

اگر کرسی برایم گذاشته شود تا بر آن بنشینم و برای خلایق حکم کنم. می‌توانم در بین اهل تورات طبق قانون تورات و در میان پیروان انجیل به کتاب انجیل و در بین طرفداران زبور به کتاب زبور و در بین پیروان فرقان به قرآن قضاوت و حکم کنم.

به خدا سوگند، هر آیه‌ای که در شب یا روز در بیابان یا کوه، در خشکی یا دریا نازل شده است، به اندازه‌ای دربارهٔ آن آیات مرا علم و عرفان است که می‌دانم در چه روز و ساعت و در شأن چه کسی نازل شده است. هیچ مرد قریشی نیست مگر این که در کتاب خدا جایگاه او را که در نار یا نور است مشخّص کرده است.

در این میان مردی برخاست و پرسید: یا امیرالمؤمنین! چه آیه‌ای در شأن تو نازل شده است؟

علیﷺ فرمود: آیهٔ (أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ) را حتماً قرائت کردی؟

بدان محمدﷺ بیّنه خدای سبحان است. و من شاهد از طرف او و پیروی کننده حکمت و آثار او هستم.

(۳۸۵) حدیث قبلی از طریق ابوجارود چنین نقل شده است، که علیﷺ فرمود: اگر به

قضاوت بین خلایق بنشینم، بین اهل انجیل به انجیل و بین اهل تورات به تورات و بین اهل زبور به زبور و بین امت محمدﷺ به قرآن قضاوت می‌کنم به گونه‌ای که ذره‌ای خطا نداشته باشد.

مردی از میان جمعیت برخاست و گفت: یا علیؑ! چه آیه‌ای در شأن تو نازل شده است.

امیرالمؤمنین علیؑ فرمود: آیه «**أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ**» در شأن من و مصطفیﷺ نازل شد که رسول خدا بیّنهٔ خدای سبحان است و من شاهد از جانب مصطفیﷺ هستم.

(۳۸۶) باز از ابوجارود از حبیب بن یسار و او از زاذان دو روایت قبلی را از طریق راویان دیگری این گونه نقل کرده است.

روزی علیؑ فرمود: اگر بخواهم بین ملل مختلف و ادیان متعدد بر طبق کتاب آسمانی آنان حکم کنم، قادرم چنین کنم.

حتی در مورد کلام ربّانی و آیات قرآنی می‌توانم بگویم کدام آیه در شب یا روز و چه آیه‌ای در دشت یا دمن و کدام آیه در دریا یا خشکی نازل شده است.

حتی مرا معرفت آن گونه است که شأن نزول همه آیات را می‌توانم بیان کنم.

خدای تعالی مرا تا آن جا علم عنایت فرمود که بتوانم بگویم مردان و زنان قریش بر طبق کدام آیات به بهشت یا جهنّم سوق داده می‌شوند.

چون سخن بدین جا رسید مردی از آن میان برخاست و گفت:

یا امیرالمؤمنین! کدام آیه در حقّ شما نازل شده است؟

علیؑ فرمود: در آیه «**أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ**» مصطفیﷺ بیّنه الهی است و من شاهد از طرف مصطفیﷺ هستم.

(۳۸۷) ابن عبّاس در توضیح آیه شریفه فوق می‌گوید:

«**وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ**» شاهد در این آیه فقط علی بن ابی طالبؑ است.

۶۳ **وَ اِنّا لَمُوفُّوهُم نَصيبَهم غَيرَ مَنْقُوصٍ.** (هود/۱۰۹)

و ما بهرهٔ ایشان را تمام و ناکاسته خواهیم داد.

(۳۸۸) کلبی از ابی صالح نقل کرده است، که ابن عبّاس مفسّر قرآن در توضیح کلام خداوند بزرگ (**وَ اِنّا لَمُوَفُّوهُم نَصِيبَهُم غَيْرَ مَنْقُوص**) بیان کرد: منظور و مقصود آیه شریفه بنی‌هاشم هستند که خداوند در آیه شریفه می‌فرماید سهم و نصیب بنی‌هاشم را بدون کم و کاست تحویل می‌دهم.

۶۴ **فَلَوْلا كانَ مِنَ القُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ اُوْلُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الفَسادِ فِى الْاَرضِ.** (هود/۱۱۶)

پس چرا از نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که (مردم را) از فساد در زمین باز دارند؟

(۳۸۹) زیاد مدینی از زیدبن علی﷣ در شأن نزول آیهٔ شریفه بالا چنین می‌گوید: **فَلَوْلاَ كَانَ مِنَ الْقُرُون مِنْ قَبْلِكُم**... در شأن ما خاندان رسول اللهﷺ نازل شده است.

۶۵ **قُلْ هٰذِهِ سَبِيلىَ أَدْعُواَ اِلَى اللهِ عَلىٰ بَصيرَةٍ اَنَاْ وَ مَنِ اتَّبَعَنِى** (یوسف/۱۰۸)

بگو: (این است راه من)، که من و هر کسی پیروی‌ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم، و منزّه است خدا، و من از مشرکان نیستم.

(۳۹۰) عبدالحمید از ابی جعفر﷣ نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

آیه شریفه «**قُل هٰذِهِ سبيلى اَدْعُوا اِلىٰ اَللهِ عَلىٰ بَصِيرة اَنَا وَ مَنْ اتَّبَعَنِي**» در حقّ

امیرالمؤمنین علی﵇ نازل شد. اگر این آیه نازل نمی‌شد، شفاعت جدّم شامل هیچ کسی نمی‌شد.

(۳۹۱) احمدبن محمدبن ابی نصر از ثعلبة بن میمون نقل می‌کند که نجم می‌گوید: از ابی جعفر﵇ در تفسیر آیه **قُلْ هذِهِ سبیلی... و من اتَّبَعَنیْ** سؤال کردم. آن بزرگوار فرمود: **مَنْ اِتَّبَعَنیِ** یعنی هر کسی از علی﵇ اطاعت و متابعت کند.

(۳۹۳) سلم الحذّا از زیدبن علی﵇ نقل کرد که از مصطفیﷺ شنیدم، در تفسیر آیهٔ **«قُلْ هذِه سَبیلِی اَدْعُوا الی اللهِ عَلیٰ بَصِیرة انا وَ مَنْ اتبَّعَنَی»** فرمود: من و اهل بیتم مصداق این آیه شریفه هستیم که یکی پس از دیگری امامت را به عهده می‌گیرند و شما را به سبیل الله فرا می‌خوانیم.

(۳۹۴) از ابان بن تغلب نقل شده است که جعفربن محمد﵇ در تفسیر آیه **«اَدْعُوا اِلی اللهِ عَلیٰ بَصِیرة»** فرمود:

به خدا سوگند منظور از آیه، ولایت ما اهل بیت مصطفیﷺ است که جز گمراهان و ضالین کسی ولایت ما را منکر نمی‌شود.

و علی﵇ را جز ضالین و گمراهان کسی عیب جویی نمی‌کند.

(۶۶) وَ فِی اَلْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ وَ جَنّاتٌ مِن أَعْنابٍ وَ زَرْعٌ وَ نَخِیلٌ صِنْوانٌ وَغَیْرُ صِنْوانٍ (رعد/۴)

و در زمین قطعاتی است کنار هم، و باغ‌هایی از انگور و کشتزارها ودرختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه، که با یک آب سیراب می‌شوند، و (با این همه) برخی از آنها را در میوه (از حیث مزه و نوع و کیفیت) بر برخی دیگر برتری می‌دهیم. بی گمان در این (امر نیز) برای مردمی که تعقل می‌کنند دلایل (روشنی) است.

---

۱. روایت ۳۹۲ / شواهدالتنزل از ابی جعفر﵇، با همین متن و لفظ نقل شد.

(۳۹۵) جابربن عبدالله الانصاری صحابی معروف پیامبر ﷺ گفت: در حضور مصطفی ﷺ بودم، دیدم آن حضرت به امیرالمؤمنین علی ﷺ رو کرد و فرمود:

«یا علی! النّاسُ مِنْ شَجَرة شَتّیٰ وَ اَنَا وَ اَنْتَ مِنْ شَجَرةٍ واحِدَةٍ.»

یا علی! مردم از درختان پراکنده و مختلف‌اند امّا من و تو از شجرهٔ واحد هستیم.

سپس مصطفی ﷺ آیه **«وَ جَنّاتٌ مِنْ اَعْنابٍ وَ زَرْعٌ وَ نَخِیْلٌ صِنْوانٌ وَغَیْرُ صِنْوانٍ یُسْقٰی بِماءٍ واحِدٍ»** را قرائت فرمود.

(۳۹۶) هارون عبدی نقل کرد از ابو سعید خدری که از اصحاب نزدیک رسول‌الله ﷺ است درباره مقام و منزلت علی بن ابی طالب ﷺ پرسیدم.

ابوسعید خدری گفت: روزی در نزد رسول الله ﷺ بودم، از آن حضرت شنیدم فرمود:

«خُلِقَ النّاسُ مِنْ اَشْجارٍ شَتّٰی وَ خُلِقْتُ اَنَا وَ عَلِیٌّ مِنْ شَجَرةٍ واحِدَةٍ فَاَنَا اَصْلُها وَ علیٌّ فَرْعُها فَطُوبیٰ لِمَنْ اسْتَمْسَکَ بِاَصْلِها وَ اکَلَ مِنْ فَرْعِها.»

مردم از اشجار مختلف و متعدّدند امّا من و علی از درخت واحد هستیم من اصل درختم و علی فرع آن است. خوشا به حال کسی که به اصل چنگ زند و از فرعش تناول کند.

(۳۹۷) جابربن عبدالله انصاری می‌گوید:

در سرزمین عرفات در کنار رسول خدا ﷺ بودم که علی ﷺ دورتر از مصطفی ﷺ ایستاده بود.

رسول الله فرمود: یا علی! نزدیک‌تر بیا و خمس خود را در خمس من درآمیز آن‌گاه فرمود:

«یا عَلیُّ! خُلِقْتُ اَنَا وَ اَنْتَ مِنْ شَجَرةٍ، اَنَا اَصْلُها وَ اَنْتَ فَرْعُها وَالْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ اغْصانُها، یا عَلی! مَنْ تَعَلَّق بِغُصْنٍ مِنْها اَدْخَلَهُ اللهُ الْجَنَّةَ.

یا علی! من و تو از درخت واحد هستیم، من اصل و تو فرع آن هستی. حسن وحسین ﷺ شاخه‌های آن درخت‌اند. ای علی! هر کسی به شاخهٔ این درخت چنگ زند خدای بزرگ او را وارد بهشت می‌کند.

۶۷ إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (رعد/۷)

تو فقط هشدار دهنده‌ای، و برای هر قومی رهبری است.

(۳۹۸) سعید بن جبیر از ابن عبّاس روایت کرد. هنگامی که آیه «**إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ**» نازل شد. رسول خداﷺ فرمود: من مُنذِر و علیؑ هادی بعد از من است. سپس دست خود را بر سینه علیؑ گذاشت. وبار دیگر فرمود:

یا علی! أَنْتَ الهادی بَعْدي يا عَلی بِکَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُون

تو هادی امت بعد از من هستی، به سبب تو تشنگان هدایت و جویندگان حقیقت، هدایت می‌یابند.

(۳۹۹) عطاء بن سائب از سعید بن جبیر نقل کرده است، ابن عباس پسر عمّ رسول‌الله درباره آیه فوق گفت، وقتی پیامبرﷺ آیه «**إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**» را دریافت کرد. با دست به سینه خویش اشاره کرد وفرمود: «**أَنَا الْمُنْذِر**» یعنی من مُنذِر اُمت هستم.

سپس با دست به علیؑ اشاره کرد و فرمود: «**يا عَلِيّ! بِکَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُون بَعْدي**» یا علی! به وسیله تو طالبان حقیقت هدایت می‌یابند.[1]

(۴۰۱) سعید بن جبیر از قول ابن عباس نقل کرد وقتی آیه (**إِنَّما أَنْتَ مُنْذِر...**)نازل شد. رسول خداﷺ ابتدا دست خود را به روی سینه‌اش گذاشت و فرمود من مُنْذر برای بندگان خدا هستم.

سپس با دست به کتف علیؑ اشاره کرد وفرمود: «**ياعَلِيُّ! بِکَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُون**».
ای علی! به واسطه تو تشنگان حقیقت هدایت می‌شوند.[2]

(۴۰۳) سعید بن جُبَیر از ابن عبّاس صحابی پیامبرﷺ نقل می‌کند:

---

۱. روایت رقم ۴۰۰ / شواهد التنزیل از ابن عباس در همین معنی نقل شد.

۲. روایت رقم ۴۰۲/شواهد التنزیل مشابه همین روایت است.

از رسول‌اللهﷺ شنید فرمود؛ در شب معراج هر درخواست و دعایی کردم همه به اجابت رسید و ربّ جلیل همهٔ درخواست‌های مرا به من عطا فرمود.

همچنین از پشت‌سر شنیدم مُنادی ندا سر داد وگفت: «**یَا مُحَمّد! اَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**». گفتم؛ من مُنذر اُمّت هستم، پس هادی چه کسی است؟

ندا آمد، علی هادی و مهتدی است. و رهبر اُمّت به سوی بهشت رضوان است.

(۴۰۴) ابن عباس در تفسیر آیه (**وَلِکُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**) بیان کرد:

منظور از هادی در آیه شریفه علی بن ابی طالبﷺ است. که هدایت امت محمدﷺ را بعد از او به عهده می‌گیرد.

(۴۰۵) ابی برزه می‌گوید:

از رسول اللهﷺ شنیدم آیهٔ شریفهٔ «**اِنَّمَا اَنْتَ مُنْذِرٌ**» را قرائت کرد و دست به روی سینه خویش گذاشت؛ سپس ادامه آیه «**وَلِکُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**» را تلاوت کرد و با دست به علی بن ابی طالبﷺ اشاره کرد و فرمود: هادی قوم من اوست.

(۴۰۶) سعید بن مسیّب از ابی هریرهٔ نقل کرد. «**اِنَّمَا اَنْتَ مُنْذِرٌ**» یعنی رسول الله که مُنذر امت است؛ امّا از ادامه آیه «**وَلِکُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**» از مصطفیﷺ پرسیدم منظور چه کسی است؟ آن حضرت فرمود: هادی و هدایت گر این امت علی بن ابی طالبﷺ است[۱].

(۴۰۷) ابی برزهٔ اسلمی گفت:

رسول اللهﷺ آیه «**اِنَّمَا اَنْتَ مُنْذِرٌ**» را قرائت کرد و با دست به سینه خود اشاره کرد؛ یعنی من منذرم و سپس ادامهٔ آیه «**وَلِکُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**» را قرائت کرد و اشاره به علی بن ابی طالبﷺ کرد[۲].

(۴۰۹) عمربن عبدالله بن یعلی بن مرّه از پدر و جدش نقل کرد که رسول اللهﷺ آیه شریفه «**اِنَّمَا اَنْتَ مُنْذِرٌ، وَلِکُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**» را قرائت کرد وگفت:

---

۱. روایت رقم ۴۱۶ / شواهد التنزیل از مجاهد در همین معنی نقل شد.

۲. روایت ۴۰۸/شواهد التنزیل به همین معنی است.

«اَنَا الْمُنْذِر وَ عَلیٌّ الْهادِی» من منذر و انذار دهندهٔ مردم هستم و علی هدایت‌گر مردم است[۱].

(۴۱۳) عباد بن عبدالله روایت کرده است، امیرالمؤمنین علیؑ فرمود:

ای مؤمنین! هیچ آیه‌ای از قرآن شریف نازل نشد مگر این که می‌دانم، برای چه کسی و به چه منظوری نازل شده است.

در آن میان مردی پرسید: یا علی! چه آیه‌ای در شأن شما نازل شد؟

علیؑ فرمود: اگر این مطلب را سؤال نمی‌کردی هرگز از خویشتن سخن نمی‌گفتم.

سپس فرمود: در بیان مسئولیت من آیه «اِنَّما اَنْتَ مُنْذِر وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» نازل شد بدانید، منذر رسول اللهﷺ است و هادی وهدایت‌گر به قرآن من هستم.

(۴۱۴) حکیم بن جبیر از ابی برزه اسلمی نقل کرده است که روزی رسول اللهﷺ آبی برای طهارت و وضو طلب کرد بعد از طهارت، دست علی بن ابی طالبؑ را که در کنارش نشسته بود گرفت و بر سینه‌اش گذاشت وفرمود: «اِنَّما اَنْتَ مُنْذِرٌ» سپس همان دست را بر روی سینه علیؑ گذاشت و ادامهٔ آیه که «لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» بود قرائت کرد. و فرمود:

«یا علی! اِنَّکَ مَنارةُ الْاَنام وَ غایَةُ الْهُدیٰ وَ اَمیرُ الْقُرّاء».

ای علی شاهد باش و تو این گونه هستی که می‌گویم.

(۴۱۵) عبدالله بن عامر که از مخالفین علیؑ است چنین نقل می‌کند که زرقاء کوفی بعد از وفات علیؑ از کوفه به شام نزد معاویه رفت.

معاویه پرسید: نظر تو درباره علی بن ابی طالبؑ چیست؟

زرقاء این دو بیت را در بیان عظمت و تمجید امیرالمؤمنین علیؑ انشاد کرد و خواند:

---

۱. و همچنین روایت ۴۱۱ و ۴۱۲ به همین معنی آمده است.

صَــلَّی اْلاِلٰهُ عَـلیٰ قَـبْرٍ تَـضَمَّنَهُ   نُوْرٌ فَاَصْبَحَ فـیه الْـعَدْل مَـدْفُوناً
مَنْ حَالَفَ الْعَدْلَ وَالْایمان مُقْتَرِناً   فَـصَارَبِالْعَدْل وَالْاِیـمانِ مَـقْرُوناً

معاویه گفت: چرا از علی‌ﷺ با عظمت یاد می‌کنی؟

زرقاء گفت: از خدای سبحان در قرآن شنیدم فرمود؛ **﴿اِنَّما اَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾** بدان ای معاویه! منذر نبی‌ﷺ است و هادی اُمّت او علی‌ﷺ ولی الله است.

۶۸ اَلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوْبىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ. (رعد/۲۹)

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، خوشا به حالشان، و سرانجام نیکویی دارند.

(۴۱۷) حصین بن مخارق از موسی بن جعفرﷺ و آن حضرت از پدر و پدرانش چنین نقل کرده است:

از رسول اللهﷺ سؤال شد. طوبی در آیهٔ شریفه چیست؟

مصطفیﷺ فرمود: **هِيَ شَجَرَةٌ اَصْلُهَا فِي دٰارِي وَ فَرْعُهَا عَلىٰ اَهْلِ الْجَنَّةِ**

طوبی درختی است که اصل و ریشه آن در خانه من و شاخه‌های آن در بهشت است.

دوباره سؤال شد، طوبی چیست؟

آن حضرت فرمود: آن درختی است که در بیت علی‌ﷺ است

سؤال کننده متعجّب شد و گفت: یا رسول الله! این چگونه است!که دو گونه سخن گفته شد.

مصطفیﷺ فرمود: بدان! منزل و مسکن من و علی در بهشت در مکانی واحد است. پس دوگانه سخن نگفتم.

(۴۱۸) جابربن عبدالله انصاری از ابو جعفرﷺ روایت کرده است:

از رسول الله ﷺ در تفسیر آیه «**طُوبىٰ لَهُم وَحُسْنُ مَآب**» سؤال شد.

پیامبر ﷺ فرمود: «**هِيَ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ اَصْلُهَا فِى دَارِي وَ فَرْعُهَا عَلَى اَهْلِ الْجَنَّةِ**».

طوبی درختی است در بهشت که ریشه آن در منزل من و شاخه‌های آن در منازل اهل بهشت است.

مجدداً سؤال شد، طوبی چیست؟

پیامبر ﷺ فرمود: «**هِيَ شَجَرَةٌ فِى الْجَنَّة اَصْلُهَا فِى دَار عَلِيّ وَ فَرْعُهَا عَلىٰ اهلِ الْجَنَّةِ**».

طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در منزل علی ﷺ و شاخه‌های آن در منازل اهل بهشت است.

حاضران در مجلس تعجّب کردند و گفتند: یا رسول الله! اول فرمودی طوبی درختی است که اصل آن در خانه من است، دوباره بیان کردی اصل آن در خانه علی و شاخه‌های آن بر روی اهل بهشت است؟!

مصطفی ﷺ فرمود: برای این که خانه من و خانه علی در بهشت واحد و در یک مکان است[1]

(۴۲۱) ابی هریرة گفت: رسول الله ﷺ به عمربن خطّاب فرمود:

در بهشت درختی تنومند وجود دارد که هیچ قصر و منزل و مجلسی نیست مگر این که شاخه‌های این درخت بر روی آن سایه می‌اندازد و اصل و تنه این درخت در منزل من است.

از این سخن مصطفی سه روز گذشت تا این که مجدداً آن بزرگوار در جمع اصحاب لب به سخن گشود و فرمود:

ای عمر! در بهشت درختی بزرگ وجود دارد که بر روی تمامی قصرها و منازل

---

۱. روایت ۴۱۹ شواهد التنزیل از تفسیر عتیق از قول محمدبن حسن کوفی همین روایت نقل شده است.
و همچنین روایت ۴۲۰ / شواهد التنزیل از محمد قرشی با سلسله روات آن باز هم همین روایت بالا نقل شده است.

و خانه‌ها و مجالس سایه می‌اندازد و شاخه‌های آن بر روی این اماکن می‌افتد. امّا بدانید اصل این درخت در بیت علی‌ﷺ است.

عمر با تعجّب گفت: یا رسول الله! چند روز قبل فرمودی؛ اصل درخت در منزل شماست و امروز می‌فرمایی؛ اصل آن در خانه علی‌ﷺ است.

رسول اللهﷺ فرمود: **أمَا عَلِمْتَ أنَّ مَنزِلِيَ وَ مَنْزِلَ عليّ فَي الْجَنَّةِ واحدة، و قَصْرِي وَ قَصْرُ عَلَيّ فِي الْجَنَّةِ واحدٌ وَسَريري وَ سَريرُ عليّ فَي الْجَنَّةِ واحدٌ.**

آیا نمی‌دانی! منزل من و علی در بهشت در مکان واحد است و قصر من و کاخ علی‌ﷺ در جای واحد است و تخت من و تخت علی در مکانی واحد است؟!

۶۹ **قُلْ كَفَىٰ بِاللهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ.** (رعد/۴۳)

و کسانی که کافر شدند می‌گویند: (تو فرستاده نشده‌ای) بگو: کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد.

(۴۲۲) ابو سعید خدری یکی از اصحاب و یاران پیامبرﷺ نقل کرده است که از مصطفیﷺ پرسیدم:

یا رسول‌الله! منظور از «**وَمَنْ عِنْدَهُ عَلْمُ الْكِتَابِ**» کیست؟

حضرت در جواب فرمود: کسی که علم کتاب نزد اوست برادرم علی بن ابی طالب‌ﷺ است.

(۴۲۳) سعیدبن جبیر نقل کرده است:

ابن عباس مفسّر قرآن و صحابی پیامبر دربارهٔ قول خداوند «**وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ**» بیان کرد، که منظور، علی‌ﷺ است که علم الکتاب در نزد اوست.

(۴۲۴) ابی عمر زاذان از ابن حَنَفِیّة در توضیح کلام خدا «**وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ**» نقل کرد که مصداق آیه علی بن ابی طالب‌ﷺ است.

(۴۲۵) عبدالله بن عطاء حکایت کرد: روزی در خدمت ابی جعفر در مسجد نشسته بودیم، دیدم فرزندان و نوادگان عبدالله بن سلام در قسمت دیگر مسجد نشسته‌اند.

به ابی جعفر گفتم؛ یا بن رسول الله! اینان گمان می‌کنند در نزد پدرشان عبدالله بن سلام **عِلْمُ الْكِتَاب** موجود بود.

ابی جعفر فرمود: خیر؛ این گونه نیست؛ **عِلْمُ الْكِتَاب** در نزد علی جدّ ماست.

(۴۲۶) اسماعیل بن ابی خالد حدیثی از زبان ابی صالح نقل کرد که او در توضیح آیه **«وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَاب»** گفت: مردی از قریش بیان کرد مصداق بارز و آشکار آیه شریفه فوق علی بن ابی‌طالب است. امّا ما نام او را ذکر نمی‌کنیم.

(۴۲۷) از ابی صالح در تفسیر و توضیح آیه شریفه **«وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَاب»** سؤال شد. آن مرد فرزانه گفت: مصداق آیه علی بن ابی طالب است. که عالم به تفسیر و تاویل، ناسخ و منسوخ، حلال و حرام قرآن شریف بود.

۷۰ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللّهُ الأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (ابراهیم/۲۴ و ۲۵)

آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده؛ سخنی پاک مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد و خدا مثلها را برای مردم می‌زند، شاید که پند گیرند.

(۴۲۸) سَلام خَثْعمی در توضیح آیه شریفه گفت:

روزی به حضور محمدبن علی رسیدم و عرض کردم؛ یابن رسول‌الله! تفسیر کلام خدای تعالی در **«كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»** چیست؟

فرمود: ای سلام! شجره طیّبه محمّد ﷺ است، و فرع آن شجره علی ﷺ امیرالمؤمنین ﷺ و ثمره ومیوه آن حسن وحسین ﷺ وشاخه آن درخت، فاطمه ﷺ است.

وشعبه‌های مختلف آن شاخه، ائمه معصومین از فرزندان فاطمه ﷺ هستند وبرگ‌های سبز آن درخت، شیعیان و محبّان اهل بیت و علی ﷺ هستند.

هرگاه یک شیعه از ما از دنیا برود، ورقی از درخت می‌افتد و هر زمان مولودی محبّ اهل بیت به دنیا بیاید، یک ورق سبز بر این درخت روییده می‌شود.

سؤال کردم یابن رسول الله! پس (**تُؤتِي اُكُلها كُلَّ حَيْنٍ بِإذْنِ رِبِّها**) به چه معناست؟

فرمود: یعنی ائمه معصومین که حکم حلال وحرام را در مراسم حج و عمره به شیعیانشان فتوی می‌دهند، و بیان می‌کنند.

(۴۲۹) مینا غلام عبدالرّحمان بن عوف نقل می‌کند، عبدالرحمان به من گفت:

ای مینا! آیا می‌خواهی حدیثی برایت نقل کنم که حقّ را از باطل بازشناسی. سپس به من رو کرد و گفت: از رسول الله ﷺ در توضیح وتفسیر آیه «**كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابت...**» شنیدم فرمود:

اَنَا شَجَرَةٌ وَفاطِمَةٌ فَرْعُها وَعَلِيٌّ لِقاحُها وَ حَسَنٌ وحسين ثَمَرُها وَمُحِبُّوهُمْ مِنْ اُمتي وَرَقُها، هُمْ فِي جَنَّة عَدْنٍ وَالّذي بَعَثَني بِالْحَقِّ.

یعنی من درخت و شجره در این آیه شریفه هستم. فاطمه فرع آن شجره است. و علی لقاح و بارور کننده درخت است. حسن وحسین ﷺ میوه‌های آن هستند، محبان و شیعیان ما برگ‌های سبز این درخت هستند، سوگند به خدایی که مرا مبعوث کرد شیعیان ما در بهشت رضوان مأوا خواهند گرفت.

(۴۳۰) از روات دیگری از قول مینا، غلام عبدالرّحمان بن عوف چنین روایت شد که عبدالرّحمان بن عوف به غلامش مینا گفت:

از مصطفی ﷺ شنیدم فرمود: من آن شجره‌ام که در آیه «**كَشَجرةٍ طَيِّبةٍ اَصْلُها ثابت وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ...**» ذکر شده است و فاطمه فرع و تنه آن شجره است، دو فرزندم

حسن و حسین(ع) میوه‌های آن هستند، شیعیان ما برگ‌های آن درخت هستند. اصل وریشه درخت در بهشت عدن است وسایر قسمت‌های درخت در سایر بهشت‌هاست.[1]

(۴۳۳) زیاد بن مُنْذر نقل کرد از ابی جعفر(ع) شنیدم فرمود:

مَثَلُنا اَهْلُ البَيْتِ كَمَثَلِ شَجَرَةٍ قائمةٍ عَلَى ساقٍ مَنْ تَعلَّقَ بِغُصْنٍ مَنْ اَغْصانِها كانَ مَنْ اهلِها؛

مَثَل ما اهل بیت مثل درختی است که بر ساق و پایه‌ای استوار باشد، هر کسی به شاخه‌ای از شاخه‌های این درخت آویزان شود. جزء و اهل آن مجموعه خواهد شد.

پرسیدم: یابن رسول الله! ساق و پایه آن کیست؟

فرمود: پایه آن علی بن ابی طالب(ع) است.

۷۱ يُثَبِّتُ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ.

(ابراهیم/۲۷)

خداوند کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و در آخرت با سخنی استوار ثابت می‌گرداند.

(۴۳۴) کلبی از ابی صالح روایتی را از ابن عبّاس، مفسّر معروف در توضیح آیه شریفه «**يُثَبِّتُ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِت...**» نقل کرد.

که ابن عباس گفت: منظور از **بِالْقَوْلِ الثَّابِت** ولایت علی بن ابی طالب است و خدای سبحان مؤمنان را با ولایت علی(ع) ثابت قدم نگه می‌دارد.

۱. روایت رقم ۴۳۱/شواهد التنزیل از قول میناء غلامِ عبدالرحمان بن عوف با اندک اختلافی نقل شده است.

۷۲ وَاجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ. (ابراهیم/۳۵)

(خدایا) مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار.

(۴۳۵) عبدالله بن مسعود صحابی معروف و قاری مشهور قرآن گفت از رسول الله ﷺ شنیدم، فرمود: أنَا دَعْوَةُ أَبي إبْراهيم ﷺ

ما به دعا و دعوت پدرمان ابراهیم ﷺ هستیم.

گفتم: یا رسول الله ﷺ! شما چگونه به دعوت و دعای ابراهیم ﷺ هستید.

فرمود: آن هنگام که خدای سبحان به ابراهیم ﷺ وحی فرستاد،

«انّي جاعِلُکَ لِلنّاسِ اماماً»

ابراهیم بسیار شاد و خوشحال شد و از خداوند سؤال کرد.

آیادرذُرّیه‌من‌هم امامت را قرار می‌دهی همان گونه که برای من مقرّر فرمودی؟

خدای عزّوجلّ فرمود: ای ابراهیم! عهدی که قابل اجرا نباشد به تو وعده نخواهم داد.

ابراهیم گفت: خدایا! آن چیست و چرا قابل اجرا نیست.

خدای تعالی فرمود: عهد من به ظالمان از ذُریّه تو عطا نمی‌شود

ابراهیم عرض کرد: خدایا! چه طایفه‌ای از فرزندان من ظالم‌اند که که قابلیّت عهد و میثاق تو را ندارند.

خدای تعالی فرمود: آن کسانی که بُت و صَنم را تعظیم و سجده کرده باشند اهلیت امامت وقابلیت عهد و پیمان مرا ندارند.

ابراهیم تقاضا کرد: ﴿وَاجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الأَصْنامَ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيراً مِنَ النّاس﴾

در نتیجه دعای ابراهیم ﷺ، به کرسی اجابت نشست، من وبرادرم علی ﷺ ثمره و نتیجه دعای ابراهیم ﷺ هستیم، که لحظه‌ای بت را سجده نکردیم. آن گاه خدای سبحان مرا نبیّ و علی را وصیّ من قرار داد.

۷۳ **وَ نَزَعْنا ما فِي صُدُورِهِم مِنْ غِلٍّ إِخوَاناً عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ.** (حجر/۴۷)

و آنچه کینه (شائبه‌های نفسانی) در سینه‌های آنان است بَر کَنیم؛ برادرانه بر تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند.

(۴۳۶) سفیان ثوری از کلبی و او از ابی صالح و او از ابن عبّاس نقل می‌کند:

آیهٔ شریفهٔ «**وَ نَزَعْنا ما فِي صُدُورِهِم مِنْ غِلٍّ اخواناً...**» در حقّ بزرگوارانی چون امیرالمؤمنین علی، حمزه سیّدالشهدا، جعفر طیّار، عقیل، ابوذر، سلمان فارسی، عمّار یاسر، مقداد، حسن و حسین نازل شد. که خداوند از قلوب آنان غلّ و حسد را برداشته است.

(۴۳۷) عبدالله بن ملیل بیان کرد: از علی بن ابی طالب شنیدم آن جناب فرمود: آیهٔ شریفه «**وَ نَزَعْنا ما فِي صُدُورِهم مِنْ غِلٍّ اخواناً على سُرُرٍ مُتقابلين**» در حقّ سه طایفه از قریش (بنی هاشم، بنی تیم بن مرّه و بنی عدیّ بن کعب) نازل شد.

(۴۳۸) ابوموسی بصری از حسن بصری نقل کرده است امیرالمؤمنین علی آیهٔ «**وَ نَزَعْنا ما فی صُدُورِهم مِنْ غِلٍّ...**» را تلاوت کرد و فرمود؛ این کلام خدا فقط در حقّ ما اهل بیت و جنگجویان بدر نازل شد.

(۴۳۹) ربعی بن حراش نقل کرده است:

روزی در حضور علی نشسته بودم، فرزند طلحه وارد مجلس شد، بر امیرالمؤمنین علی سلام کرد.

علی بعد از پاسخ سلام به او خوش آمد گفت، آن گاه فرزند طلحه گفت:

یا علی! تو پدرم را کشتی و اموالم را مصادره کردی!

علی فرمود: اموال تو را به بیت المال ملحق کردم، بر خیز و برو دارایی خویش را بستان.

امّا در کشتن پدرت چاره‌ای در نابودی او نبود. امیدوارم خدای رحیم، من و

پدرت را از مصادیق این آیه قرار دهد. که در قرآن فرمود: **«وَ نَزَعْنا ما فِی صُدُورِهِم مِنْ غِلٍّ...»**

در پایان سخن علی‌ﷺ، مردی از قبیله هَمْدان گفت؛ یا علی‌ﷺ! خداوند عادل‌تر است که تو را مصداق این کلام خویش قرار دهد.

علی‌ﷺ چنان فریادی بر سرش کشید که دارالاماره به لرزه در آمد. آن گاه فرمود: وای بر تو! اگر ما آن کسان نباشیم که غِلّ از سینه‌هایشان بر چیده شود، پس آنان چه کسانی خواهند بود؟!

(۴۴۰) ربعی بن حَراش نقل کرده است از علی‌ﷺ شنیدم، فرمود:

امید کامل و رجاء واثق دارم که من، طلحه و زبیر از مصادیق بارز آیه **«وَ نَزَعْنا ما فِی صُدُورِهِم مِنْ غِلٍّ...»** باشیم.

مردی از قبیله هَمْدان برخاست و گفت: یا علی! خدا عادل‌تر است که شما را از آن کسان قرار دهد!

علی‌ﷺ بر سرش فریادی زد که دارالاماره به لرزه درآمد سپس فرمود؛ اگر ما آن کسان نباشیم پس چه کسانی لایق چنین عنایتی هستند؟!

(۴۴۱) قبیصه نقل کرد: از سفیان ثوری شنیدم در شأن نزول آیهٔ شریفه **«وَ نَزَعْنا ما فِی صُدُورِهِم مِنْ غِلٍّ اخواناً...»** گفت؛ این کلام ربّانی در حقّ علی‌ﷺ، ابوبکر، عمر، عثمان و ابن مسعود نازل شد.

(۴۴۲) محمدبن یوسف از سفیان ثوری نقل کرد که کلبی در شأن نزول آیه **«وَ نَزَعْنا ما فِی صُدُورِهِم مِنْ غِلٍّ...»**، بیان کرد، این کلام الهی در حقّ ابوبکر، عمر، عثمان، علی‌ﷺ، سعید و عبدالله بن مسعود نازل شد.

(۴۴۳) حسن بصری نقل کرده است، علی‌ﷺ فرمود:

آیهٔ **«وَنَزَعْنا ما فِي صُدُورِهِم مَنْ غلّ...»** دربارهٔ ما اهل بدر که جنگجویان نخستین نبرد با کفّار بودیم، نازل شد.

(۴۴۴) از قول حسن بصری نقل شده است که امیرالمؤمنین علیؑ فرمود آیه «**وَ نَزَعْنا ما فِی صُدُورِهِم مِنْ غِلٍّ...**» در اکرام و احترام ما نازل شد.

۷۴ إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ. (حجر/۷۵)

«به یقین در این (کیفر) برای هوشیاران عبرت‌هاست»

(۴۴۵) ابی مریم از حَکَم در تفسیر و توضیح آیهٔ «**إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِین**» گفت به یقین، محمّدﷺ و علیؑ از متوسمین (هوشیاران) هستند.

(۴۴۶) عبدالله بن بَنّان نقل کرد، از جعفربن محمّدؑ در تفسیر آیه: «**إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِین**» سؤال کردم که متوسّمین چه کسانی هستند؟

فرمود: اوّل آنان محمّد رسول اللهﷺ است بعد از او امیرالمؤمنین علیؑ و دو فرزندش حسن وحسینؑ سپس علی بن حسینؑ و بعد از او محمّدبن علیؑ است. بعد از او خدا عالم است چه کسی از متوسّمین است.

پرسیدم: یابن رسول اللهﷺ! **فَما بالُکَ أَنْتَ**؛ ای فرزند پیامبرﷺ چرا از خودت نمی‌گویی

فرمود: **إِنَّ الرَّجُلَ رُبَّما کَنّی عَنْ نَفْسِهِ** یعنی گاهی انسان از خودش باکنایه، سخن می‌گوید.

(۴۴۷) جابربن عبدالله انصاری نقل کرد؛ ابی جعفرؑ فرمود:

روزی امیرالمؤمنین علیؑ در مسجد کوفه نشسته بود و به شکایات مردم رسیدگی می‌کرد، زنی از همسرش شکایت کرد و تَظَلُّم نمود. آن بزرگوار به نفع شوهرش قضاوت کرده، حکم صادر فرمود.

زن گفت: یا علیؑ! حکمی که صادر کردی به حق نیست. تو در بین رعیّت به عدالت رفتار نمی‌کنی و قضاوت تو مرضیّ خدا نیست.

علی‌ﷺ به او نگریست و گفت: ای زن دروغگو و نابکار! گستاخی را بـه غـایت رساندی و سخنان ناروا می‌گویی!

زن چون چنین دید پا به فرار گذاشت.

عمروبن حریث به تعقیب او پرداخت. وقتی او را دستگیر کرد، به او گفت:

ای زن گستاخ! علی‌ﷺ به حق سخن راند و به نرمی وملاطفت رفتار کرد؛ امّا تـو سخنان درشت می‌گویی!

زن که ترسیده بود گفت: به خدا سوگند، علی‌ﷺ به حق حکم کرد؛ امّا من از زمانی که با همسرم ازدواج کردم، مطلبی را از او کتمان می‌کردم.

عمروبن حریث به نزد علی‌ﷺ بازگشت و آنچه شنیده بود باز گفت،

سپس پرسید، یا علی‌ﷺ! آیا علم کهانت می‌دانی که چنین حکمی صادر فرمودی؟!

علی‌ﷺ فرمود: وای بر تو! مرا به کهانت چه ارتباط است! و این از کهانت نیست، به خدا سوگند خدای تعالی در قرآن فرمود «**إِنَّ فِي ذٰلِکَ لآيات لِلْمُتَوَسِّمين**» که رسول خداﷺ نخستین متوسّم بود و بعد از ایشان من هستم و بعد از من هم ائمهٔ هُدیٰ از ذُریّه‌ام متوسّمین و هوشیاران هستند.

ای عمرو! چون در سیمای آن زن نگاه کردم، دانستم او ناحق می‌گوید.[1]

(۴۴۹) ابی مریم از حَکَم بن عُتَیبة دربارهٔ آیه «**إِنَّ فِي ذٰلِکَ لآيات لِلْمُتَوَسِّمين**» گفت: مُتوسِّمین یعنی مُتفرسِّین وابوجعفرﷺ از جملهٔ متوسّمین» است.

(۴۵۰) محمّدبن مسلم نقل کرد ابـوجعفرﷺ در تـوضیح آیـهٔ «**إِنَّ فِي ذٰلِکَ لآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمين**» فرمود:

متوسّمین، ائمهٔ معصومینﷺ هستند و رسـول اللهﷺ فـرمود: «**اتّـقوا فَـراسَـةَ المُؤمنِ فَإِنَّهُ يَنظُرُ بِنور الله**».

از فراست و زیرکی مؤمن بـر حـذر بـاشید کـه او در شـعاع نـور خـدا حـقایق و

---

۱. روایت رقم ۴۴۸/شواهد التنزیل از ابراهیم بن ایّوب از جابر بن عبدالله با همین لفظ و محتوی نقل شد.

واقعیت‌ها را می‌نگرد و می‌بیند.

(۴۵۱) جابربن یزید جُعفی این روایت را نقل کرده است که ابوجعفر ؑ گفت: روزی امیرالمؤمنین علی ؑ در مسجد کوفه نشسته بود، زنی از شوهرش شکایت کرد؛ چون آن حضرت به حق حکم کرد. زن غضبناک شد و سخنان پریشان و ناروا گفت.

تا این که علی ؑ فرمود: بر اساس آیهٔ «اِنّ فی ذٰلِکَ لآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمین» رسول‌الله و من از متوسّمین و هوشیاران هستیم.

۷۵ فَوَرَبِّکَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ أجْمَعِینَ . عَمَّا کَانُوا یَعْمَلُونَ . فَاصْدَعْ بِمَا تُؤمَرُ.

(حجر/۹۴)

پس سوگند به پروردگارت که از همهٔ آنان خواهیم پرسید. از آنچه انجام می‌دادند؛ پس آنچه بدان مأموری آشکار کن.

(۴۵۲) سُفیان ثوری از سُدیّ دربارهٔ آیهٔ «فَوَرَبِّکَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ اَجْمَعِینَ» نقل کرده است: در قیامت و روز حساب از ولایت علیّ بن ابی طالب ؑ سؤال می‌شود که به اوامر و نواهی او چگونه عمل کردید؟! و همچنین اعمال و افعال بندگان محاسبه می‌شود.

ابن عباس در تفسیر آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤمَرْ» بیان کرده است:

خدای تعالی، به مصطفی ﷺ فرمان داد تا پیام قرآن و کلام یزدان را برای مشرکان و بی دینان اظهار کند و همچنین فضایل زیاد و مناقب با ارزش اهل بیت را همانند قرآن برای مردم اظهار و معرّفی فرماید تا عذر و بهانه‌ای برای آنان باقی نماند.

۷۶ **وَعَلاٰمٰاتٍ وبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ.** (نحل/۱۶)

و نشانه‌هایی (دیگر نیز قرارداد)، و آنان به وسیله ستاره (قطبی) راه یابی می‌کنند.

(۴۵۳) محمّدبن یزید از پدرش نقل کرده است که پدرش از ابوجعفر﷣ در تفسیر آیه «**وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ**» سؤال کرد که منظور از نجم چیست؟

آن جناب فرمود: منظور از نجم، امیرالمؤمنین علی﷣ است که مانند ستاره نجم در میان خلایق می‌درخشد.

(۴۵۴) اَبان بن تَغْلب گفت؛ از ابوجعفر محمّدبن علی﷣ در شرح و تفسیر کلام خدا «**وَ عَلاٰمٰاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ**» سؤال کردم؛ منظور از علامات و نجم چیست؟ که موجبات هدایت مردم را فراهم می‌کنند.

آن بزرگوار فرمود: منظور از نجم، مصطفیﷺ است و مقصود از علامات اوصیا و جانشینان محمّد مصطفیﷺ هستند که علی بن ابی طالب﷣ و فرزندان او هستند.

۷۷ **وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ لاٰتُحْصُوهٰا، إِنَّ اللّٰهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ.** (نحل/۱۸)

و اگر نعمت (های) خدا را شماره کنید، آنها را نمی‌توانید بشمارید. قطعاً خدا آمرزندهٔ مهربان است.

(۴۵۵) مجاهد نقل کرده است که ابن عبّاس صحابی نوجوان رسول اللهﷺ، گفت: در دارالنُّدْوه در حضور رسول خداﷺ بودیم. آن حضرت از علی﷣ پرسید:

یا علی! نخستین نعمتی که خدای تعالی به تو عنایت فرمود کدام است؟

علی﷣ گفت: یا نبی الله! این که مرا مرد خلق کرد.

نبیﷺ فرمود: نعمت دوم کدام است؟

علی ﷺ گفت: نعمت هدایت و مسلمانی که به من عنایت فرمود.

نبی ﷺ فرمود: نعمت سوم چیست؟

علی ﷺ آیهٔ «**وَ اِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللهِ لاتُحْصُوها**» را قرائت کرد. یعنی یا رسول الله! خداوند نعمت‌های بی‌شماری به من عنایت فرمود که قابل شمارش نیستند.

نبی ﷺ دستش را بر کتف علی ﷺ گذاشت و فرمود: **اَحْسَنت** بر تو یا علی! دشمن تو جز منافق نیست.

۷۸ **وَ اِذا قِيْلَ لَهُم مَاذَآ اَنزَلَ رَبُّكُم قَالُوا اَسٰطِيرُ الْاَوَّلِينَ.** (نحل/۲۴)

و چون به آنان گفته شود: پروردگارتان چه چیزی نازل کرده است؟ می‌گویند: افسانه‌های پیشینیان را.

(۴۵۶) ابی حمزه ثمالی نقل می‌کند که جعفر صادق ﷺ فرمود:

جبرئیل بر محمّد ﷺ آیهٔ «**وَ اذا قيل لَهُم مَاذا أَنْزَلَ رَبّكم**» را قرائت کرد. یعنی، اگر به مشرکان گفته‌شود؛ خدای‌سبحان در شأن و مقام و منزلت علی ﷺ چه چیزهایی را نازل فرمود؟

آن کافر کیشان و مشرکان در جواب می‌گویند: **أَساطِيرُ الْأَوَّلين**، یعنی داستان‌های اساطیری و بدون واقعیت را فرستاده است.

۷۹ وَ اَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ اَیْمانِهِمْ لایَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ یَمُوتُ... .(نحل/۳۸)

و با سخت ترین سوگندهایشان به خدا سوگند یاد کردند که خدا کسی را که می‌میرد بر نخواهد انگیخت.

(۴۵۷) ابی حمزه ثمالی می‌گوید از بُرید بن اصرم شنیدم؛ گفت: علی‌ﷺ بن ابی طالب فرمود؛ آیه «**وأَقسَمُوا بِاللهِ جَهْدَأَیْمانِهِم لایَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ یَمُوتُ**» در شأن من نازل شده است.

۸۰ وَالَّذِیْنَ هاجَرُوا فِی اللَّهِ مِنْ بَعْدِ ما ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُم فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الآخِرَةِ اکبَرُ. (نحل/۴۱)

و کسانی که پس از ستمدیدگی، در راه خدا هجرت کرده‌اند، در این دنیا جای نیکویی به آنان می‌دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود.

(۴۵۸) در شأن نزول آیه «**والَّذِیْنَ هاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بعِد مَا ظُلِمُوا...**» از عبدالله بن عباس مفسّر مشهور قرآن سؤال شد: منظور چه کسانی هستند که در راه خدای بزرگ هجرت کردند؟

ابن عبّاس در جواب گفت: علی بن ابی طالب‌ﷺ، و جعفر طیّار و عقیل از مهاجرانی هستند که بر اثر ظلم و بیداد مکّیان مهاجرت کردند، و این آیه در تمجید و تحسین آنان است.

۸۱ **وَ مَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِکَ اِلّا رِجَالاً نُوحِیٓ اِلَیْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ اِنْ کُنْتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ.** (نحل/۴۳)

و پیش از تو (هم) جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم. پس اگر نمی‌دانید، از پژوهندگان کتابهای آسمانی جویا شوید.

(۴۵۹) سُفْیان ثوری از سُدیّ روایت کرد که حارث گفت از امیرالمؤمنین علیؑ در تفسیر آیهٔ شریفه «**فَاسْأَلُوا اَهْلَ الذِّکر...**» پرسیدم: اهل ذکر چه کسانی هستند؟

علیؑ فرمود: به خدا سوگند ما اهل ذکر، معدن علم و عارف به تأویل و تنزیل هستیم. رسول اللهﷺ در حقّ من فرمود:

«اَنَا مَدینَةُ الْعِلْمِ وَعَلیٌّ بابُها فَمَنْ اَرادَ الْعِلْمَ فلیأته منْ بابِهِ».

من شهر علم و علیؑ درِ ورودی آن شهر است هر کسی طالب علم و تشنه معرفت است از در آن علم باید وارد شود.

(۴۶۰) یحیی بن یمان از اسرائیل و او از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرد که جابر گفت؛ از ابوجعفرؑ در توضیح آیه «**فَاسْأَلُوا اَهْلَ الذِّکْر**» سؤال کردم.

آن جناب فرمود: اهل الذّکر، ما خاندان پیامبر و اهل بیت مصطفیﷺ هستیم که در معرفت دین و کسب علوم باید از ما بپرسند.[1]

(۴۶۳) موسی بن عثمان حضرمی از جابربن عبدالله انصاری نقل کرد که جابر گفت؛ محمدبن علیؑ حکایت کرد؛

آن هنگام که آیهٔ «**فَاسْأَلُوا اَهْلَ الذِّکْرِ**» نازل شد، از پدرم سؤال کردم «اهل الذکر» که در قرآن امر به سؤال از آنان شده است چه کسانی هستند؟

علیؑ فرمود: اهل ذکر که خدای سبحان در قرآن امر به پرسش از آنان کرد، ما اهل

۱. روایت رقم ۴۶۱ و ۴۶۲ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است.

بیت مصطفیﷺ هستیم که معدن علم و سرچشمه حکمت هستیم.

(۴۶۴) جابربن عبدالله انصاری از ابوجعفر﷤ روایت کرد که آن جناب در توضیح آیهٔ «**فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ**» فرمود: اهل ذکر ما اهل بیت رسول اللهﷺ هستیم.

(۴۶۵) سعد اسکاف از محمدبن علی﷤ درباره کلام خدا «**فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ**» نقل کرد آن جناب فرمود: اهل ذکر، ما اهل بیت محمّدﷺ هستیم.

(۴۶۶) فُضَیل بن یسار از ابوجعفر﷤ نقل کرده است که آن حضرت در تفسیر آیه «**فَاسْأَلُوا أَهْلِ الذِّكْر**» فرمود:

اهل ذکر امامان معصوم از عترت و اهل بیت رسول اللهﷺ هستند و سپس آیه (**وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ ذِكْراً رَسُولاً**) را تلاوت کرد.

۸۲ وَآتِ ذَاالْقُرْبىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلاتُبَذِّرْ تَبْذِيراً (اسراء/۲۶)

و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را (دستگیری کن) و ولخرجی و اسراف مکن.

(۴۶۷) فُضَیل بن مرزوق از عَطیّه و او از ابی سعید خدری نقل کرد:

زمانی که آیه مبارکه «**وَ آتِ ذَاالْقُرْبىٰ حَقَّهُ**» نازل شد. مصطفیﷺ دخترش فاطمه﷧ را فرا خواند، وباغ و بستان فَدَک را به عنوان حق ذی القربیٰ به او واگذار کرد.

(۴۶۸) باز هم از سلسله روات دیگری از ابی سعید خدری نقل شده است: وقتی آیهٔ «**وَ آتِ ذَاالْقُرْبىٰ حَقَّهُ**» نازل شد، رسول اللهﷺ فاطمه را فرا خواند و فَدَک را به دخت گرامی خویش به عنوان حق ذوالقربی عطا فرمود.

(۴۶۹) علی بن هاشم از داود طائی از فُضَیل بن مرزوق از عطیه و او از ابی سعید خدری نقل کرده است:

وقتی آیه «وآتِ ذاالقُربیٰ حَقَّه» به وسیلهٔ پیک وحی نازل شد[۱]. پیامبرﷺ، دخترش فاطمهؑ را به حضور فرا خواند و فدک را تسلیم او کرد.

(۴۷۱) معاویة بن هشام قصار، حدیثی را از طریق فُضَیل بن مرزوق از عطیّه از ابی سعید خدری روایت کرد که ابی سعید خدری گفت:

بلافاصله پس از نزول آیه شریفه «وآتِ ذاالقُربیٰ حَقَّهُ» مصطفیﷺ دخترش فاطمهؑ را فرا خواند و سرزمین فَدک را به او واگذار فرمود.

(۴۷۲) بکر بن اعتق از عطیّه عوفی از ابوسعید خدری روایت کرد:

چون آیهٔ شریفهٔ «وآتِ ذاالقُربیٰ حَقَّه» بر رسول اللهﷺ نازل شد، رسول خداﷺ دخترش فاطمهؑ را به حضور طلبید، و سرزمین فدک و عوالی را به صدّیقه طاهره عطا کرد، سپس فرمود: این سهم توست که خدای سبحان برای تو و فرزندانت مقرّر کرده است.

(۴۷۳) اَبان بن تَغلب از جعفربن محمدؑ و او از پدرش تا می‌رسد به علیؑ که آن حضرت فرمود:

وقتی آیهٔ شریفه «وَ آتِ ذاالقُربیٰ حَقَّه» نازل شد، بلافاصله رسول اللهﷺ دخترش فاطمه را فرا خواند و سرزمین فدک را به عنوان سهمیه ذوالقُربیٰ به او تقدیم فرمود.

۸۳ أُولٰئِکَ الَّذِینَ یَدْعُونَ یَبْتَغُونَ اِلَیٰ رَبِّهِمُ الْوَسِیلَةَ أَیُّهُمْ أَقْرَبُ وَیَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَ یَخَافُونَ عَذَابَهُ اِنَّ عَذَابَ رَبِّکَ کَانَ مَحْذُوراً. (اسراء/۵۷)

آن کسانی که ایشان می‌خوانند (خود) به سوی پروردگارشان تقرب می‌جویند (تا بدانند) کدام یک از آنان (به او) نزدیکترند و به رحمت وی امیدوارند، و از عذابش می‌ترسند، چرا که عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز است.

۱. روایت رقم ۴۷۰/شواهد التنزیل با همین متن و لفظ از ابی سعید خدری نقل شد

(۴۷۴) علی بن مسهّر می‌گوید: علی بن بذیمة از قول عِکْرِمه مفسّر قرآن نقل کرد:
مصداق آیه شریفه «أُولئِکَ الَّذینَ یَدْعُونَ یَبْتَغُونَ إِلیٰ رَبِّهِمُ الْوَسِیلَةَ» نبی‌ﷺ و علی و فاطمه و حسن و حسین‌ؑ هستند که خدای تعالی را می‌جویند و می‌خوانند.

۸۴ وَٱسْتَفْزِزْ مَنِ ٱسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِکَ وَأَجْلِبْ عَلَیْهِم بِخَیْلِکَ وَ رَجِلِکَ وَشَارِکْهُمْ فِی الْأَمْوالِ وَالْأَوْلادِ وَعِدْهُم وَمَا یَعِدُهُمُ الشَّیطانُ إِلاَّ غُرُوراً

(اسراء/۶۴)

و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگانت بر آنان بتاز و با آنها در اموال واولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده، و شیطان جز فریب به آنها وعده‌ای نمی‌دهد.

(۴۷۵) ابی هارون عبدی روایت کرد جابر بن عبدالله انصاری گفت:
روزی در حضور رسول اللهﷺ نشسته بودم. مردی را در حال رکوع و سجود و تضرّع وخشوع دیدم.
گفتم: یا رسول الله! چه نماز نیکویی می‌خواند!
رسول خداﷺ فرمود: این همان کسی است که پدر شما آدم را از بهشت بیرون کرد.
در همین زمان علی‌ؑ از کنارش می‌گذشت چون او را دید به سوی وی رفت و استخوان‌هایش را در هم پیچید. و به او گفت: ای حیله گر! تو را خواهم کشت.
ابلیس گفت: تو قادر نیستی مرا بکشی، چون مرا در نزد خدا أَجَلی معلوم است که از او مهلت گرفتم، پس چگونه می‌توانی مرا بکشی. امّا ای علی! به خدا سوگند هیچ کسی دشمن تو نمی‌شود مگر این که نطفه من زودتر از نطفه پدرش وارد رحم مادرش شود.

یا علی! من در اموال و اولاد دشمنان تو شریک هستم. چون خداوند در قرآن به من فرمود: **(وشارِکْهُم فِی الْأَمْوال وَالْأَولاد وَعِدْهُم وَ ما یَعِدُهُم الشَّیْطان اِلّا غُرُوراً)**.

آن گاه نبیﷺ فرمود: یا علی! این ملعون هر چه گفت راست گفته است.

«یا علیّ! لایُبْغِضُکَ مِنْ قُریش اِلّا سفاحیاً ولا مِنْ الْأَنْصار اِلّا یهودیاً ولا مِنَ الْعَرب الا دعیّاً وَلا مِنْ سائر النّاس الّا شَقِیّاً ولا مِن النّساء اِلاّ سَلْقَلَقَةً وَهِیَ الّتی تحیض مِنْ دُبُرها» سپس رو به انصار کرد و گفت:

ای انصار! فرزندانتان را با محبّت علیﷺ تربیت کنید.

جابر می‌گوید، ما بعد از این ماجرا فرزندانمان را با حُبِّ علیﷺ تربیت می‌کردیم اگر هر یک از فرزندانمان مُحبِّ علیﷺ بود یقین داشتیم اولاد ماست و هر فرزندی را دشمن علیﷺ می‌یافتیم می‌دانستیم خللی در نطفه اوست.

(۴۷۶) مسلم ملائی از حبّة عُرَنی روایت کرد؛ از امیرالمؤمنین علیﷺ شنیدم، فرمود یک وقت به ملاقات رسول اللهﷺ رفتم که هیچ گاه آن موقع به خدمت او نرفته بودم.

دیدم مردی عجیب الخلقه که دارای چهره‌ای مُشوّش است در کنار او نشسته که قبل از این او را ندیده بودم؛ چون مرا دید از کنار آن حضرت دور شد.

گفتم یا رسول الله! این مرد کیست که تا به حال او را ندیده‌ام؟

فرمود: این چهرهٔ ابلیس بود، از خدای سبحان خواسته بودم، او را به من نشان دهد. تاکنون غیر از من و تو، کسی او را با این چهره مشوّش و زشت ندیده است.

علیﷺ فرمود: او را تعقیب کردم تا در کنار احجار الزیت او را یافتم، گریبانش را گرفتم و سیلی محکمی به صورتش نواختم، سپس او را بر زمین زدم و روی سینه‌اش نشستم.

ابلیس گفت: یا علی! از جان من چه می‌خواهی!

گفتم: می‌خواهم تو را بکشم.

ابلیس گفت: تو قدرت و تسلّط نداری که مرا بکشی، چون خدای تو تا روز

قیامت، به من مهلت داده است. پس رهایم کن، من بر ضد تو و فرزندانت اسباب وابزاری در اختیار دارم. تا دشمنی را دامن بزنم.

علی‌ﷺ فرمود: آن اسباب و وسایل چیست؟

گفت: یا علی! بُغض وکینه تو و فرزندانت را فقط کسانی به دل می‌گیرند که من در رحم مادرهایشان شریک شده باشم. مگر خدای تو در قرآن نگفت: **وَشارِکْهُم فِی الْأَمْوالِ والْأَوْلادِ؟!**

(۴۷۷) عبدالرّحمان بن کثیر نقل کرد از جعفر بن محمّدﷺ شنیدم، فرمود: اگر خواستید، با زنانتان همبستر شوید، قبل از نزدیکی و جماع این دعا را بخوانید:

اللّهُمَّ بِأَمانَتِکَ اَخَذْتُها وَ بِکَلِمَتِکَ اَسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا اللّهُمَّ فَإنْ جَعَلْتَ فِی رَحِمِها شیئاً فَاجْعَلْه بارّاً تَقیّاً مؤمناً سَوِیّاً لاتَجْعَلْ فیه شِرْکاً لِلشّیطان.

عرض کردم: یا جعفربن محمد! آیا شیطان را در هنگام مجامعت نصیبی و شراکتی است؟

فرمود: بلی، مگر کلام خدای تعالی را به ابلیس نشنیدی؟

«**وَشَارِکْهُم فِی الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلاد ...**» .

پرسیدم: چگونه فهیمده می‌شود شیطان در آن شرکت داشته است؟

فرمود: به حبّ و بغض ما اهل بیت وضع آن مشخّص می‌شود[1].

علی‌ﷺ تصمیم گرفت با عصا بر سرش بکوبد.

نبی‌ﷺ فرمود: یا علی! آرام باش و دست نگه‌دار، آن ابلیس است او مأمور است در رحم مادران دشمنان و مخالفان تو شراکت داشته باشد و این به سبب کلام خداست که فرمود: «**وشَارِکْهُم فی الْأمْوالِ وَالْأوْلاد...**»

۱. مؤلّف می‌گوید: روایت در این باب بسیار زیاد است که در کتاب طیب الفطرة فی حبّ العترة مشروحاً ذکر شد.

۸۵ «وَ قُل رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ اَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنکَ سُلْطاناً نَصیراً» (اسراء/۸۰)

و بگو: پروردگارا، مرا (در هر کاری) به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز، و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار ده.

(۴۷۹) عمروبن دینار از پدرش و پدرش از عطاء نقل کرد: عبدالله بن عباس در توضیح آیهٔ شریفه «**وَ قُلْ رَبِّ اَدْخِلْنی مُدْخَلَ صَدْقٍ وَ اَخْرِجْنی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِی...**» گفت:

به خدا سوگند، خدای سبحان دعای مصطفیﷺ را مستجاب کرد، و علی بن ابی طالب را برای یاری و نصرت بر ضد دشمنانش به او عطا فرمود. تا با شمشیر کوبنده در جنگها بر سر دشمنان بکوبد و به نصرت آن حضرت بپردازد.

۸۶ وَ قُلْ جَآءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ اِنَّ البَاطِلَ کَانَ زَهُوقاً. (اسراء/۸۱)

و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابود شدنی است.

(۴۸۰) ابی هریرة از جابربن عبدالله انصاری حکایت کرده است که جابر گفت: همراه رسول اللهﷺ در فتح مکه حضور داشتم. به اتفاق آن حضرت وارد بیت الله الحرام شدیم. سیصد و شصت بت و صنم در داخل و بیرون خانهٔ کعبه آویزان بود. به دستور نبی اللهﷺ همهٔ آن بتها را با صورت، روی زمین انداختیم.

در داخل بیت، بُتی بزرگ و طویل به نام هُبَل وجود داشت نبیﷺ به علی نگاهی کرد و سپس فرمود: یا علی! یا بر دوش من بایست یا من بر دوش تو می‌ایستم تا آن بت را سرنگون کنیم.

وقتی رسول اللهﷺ بر دوش علیﷺ ایستاد. علیﷺ گفت: یا رسول الله! سنگینی رسالت و نبوت تاب و تحمّل مرا گرفته است و دیگر توانایی مقاومت ندارم.

نبیﷺ فرمود: یا علی! پس تو بر دوش من بایست و با خنده از دوش علیﷺ فرود آمد.

علیﷺ گفت: چون بر دوش آن حضرت ایستادم چنان جایگاه رفیعی یافتم. به آن خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد، اگر اراده می‌کردم که آسمان را لمس کنم، می‌توانستم با دستم آن را لمس کنم. آن گاه بت هُبَل را سرنگون کردم و بر پشت کعبه انداختم؛ بلافاصله خدای با عظمت آیهٔ **«وَقُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ كانَ زَهُوقاً»** یعنی شعار توحید لااله الا الله و نام محمّد رسول الله را به صحنه آورد.

«و زَهَقَ الباطل» یعنی بت پرستی از میان رفت.

«وَإِنَّ الْباطِلَ كانَ زَهُوقاً» یعنی باطل را ثباتی نیست و از بین رفتنی است.

سپس پیامبرﷺ داخل بیت الله شد و دو رکعت نماز شکر گزارد.

(۴۸۱) از عبدالله بن مسعود حدیثی این گونه حکایت شده است.

«روزی رسول خداﷺ حسن و حسینﷺ را بر پشتش سوار کرده، نشسته به راه افتاد و گفت **«نِعْمَ الْمُطِيّ مَطِيكُما وَ نِعْمَ الرّاكِبان أنْتُما. و أبُوكُما خَيْرٌ مِنْكُما»** یعنی بهترین مرکب، مرکب شماست و بهترین سوار شما دو نفر هستید اما پدرتان از شما دو تن برتر و بهتر است.

❁

۸۷ وَلَقَدْ صَرَّفْنا لِلنّاسِ فِي هَذَا الْقُرانِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبىٰ أَكْثَرُ النّاسِ إِلّا كُفُوراً. (اسراء/۸۹)

و به راستی در این قرآن برای مردم از هرگونه مَثَلی، آوردیم، ولی بیشتر مردم جز سَرِ انکار ندارند.

(۴۸۲) محمّدبن فُضیل از ابی حمزه ثمالی نقل کرد؛ ابوجعفرمحمدبن علی بن حسین ﷺ در تفسیر آیه «**فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُوراً**» فرمود:

اکثر حاضران در غدیر خم، ولایت علی بن ابی طالب ﷺ را در آن روز که رسول‌الله ﷺ او رابه ولایت معرفی کرد ابا واکراه داشتند و این آیه شریفه آنان را ملامت می‌کند.

(۴۸۳) ابوحمزه ثمالی نقل کرده است که از ابوجعفر ﷺ درباره آیه «**وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ...**» سؤال کردم آن حضرت فرمود: «**لقد صَرَّفنا یعنی لَقَدْ ذَکَرْنا علیّا فی کُلِّ قرآن**»

نام علی ﷺ را در تمام قرآن ذکر کردیم. «**فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُوراً**» در حالی که جز گریز و فرار برای آنان سود دیگری نداشت.

(۴۸۴) جابربن عبدالله انصاری گفت از ابوجعفر ﷺ در شرح آیه شریفهٔ «**وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ...**» سؤال کردم. آن بزرگوار فرمود:

خداوند تعالی می‌فرماید: نام علی ﷺ را در هر آیه‌ای ذکر کردم، اما از ولایت علی ﷺ اباکردند وگریزان شدند «**فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورا**» و فایده‌ای جز فرار برای آنان نداشت.

۸۸ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً. (کهف/۷)

در حقیقت، ما آنچه بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم، تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند.

(۴۸۵) قتادة از عطاء نقل کرده است که عبدالله بن مسعود، صحابی معروف پیامبر ﷺ و قاری مشهور مدینه در شرح آیهٔ شریفه «**انّا جَعَلْنا ما عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَها**» گفت:

زیور و زینت زمین به مردان روی آن است و زینت مردانِ روی زمین علی بن ابی طالب ﷺ است.

(۴۸۶) ابی مریم روایت کرد، عمّار یاسر گفت: رسول‌الله ﷺ در بیان فضایل علی ﷺ فرمود:

یا علیّ! إنَّ اللّهَ زَیَّنَکَ بِزینةٍ لَمْ یُزَیِّنِ الْعِبادَ بِأَحْسنِ منها، بَغَّضَ إلَیْکَ الدُّنیا وَ زَهَّدَکَ فیها، وَحَبَّبَ إلَیْکَ الْفُقَراء، فَرَضَیْتَ بِهِم أتْباعاً وَرَضَوا بِکَ إماماً.

یا علی! خدای سبحان تو را به زینتی نیکو مزیّن کرد که احدی آن گونه مزیّن نشد، بغض و کینه دنیا نسبت به تو و زهد تو نسبت به دنیا از جمله آن است.
قلب فقرا جایگاه توست و قلب تو راضی به اطاعت ومتابعت آنان است. امامت تو را به جان خریدارند و به آن رضایت کامل دارند.

۸۹ هُنا لِکَ الْوَلایَةُ لِلّهِ الْحَقِّ هُوَ خَیْرٌ ثَواباً وَ خَیْرٌ عُقْباً. (کهف/۴۴)

در آنجا (آشکار شد که) یاری به خدای حق تعلق دارد. اوست بهترین پاداش دهنده و(اوست) بهترین فرجام دهنده.

(۴۸۷) ابوحمزه ثُمالی می‌گوید: ابوجعفر محمدبن علیّ ﷺ در تفسیر و شرح آیه شریفه «هُنالِکَ الْوَلایَةُ لِلّهِ الْحَقِّ...» فرمود: منظور از ولایت در آیه شریفه ولایت امیرالمؤمنین علی ﷺ است و هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر به ولایت علی بن ابی طالب ﷺ.

۹۰ وَ جَعَلْنا لَهُمْ لِسانَ صِدْقٍ عَلِیّاً. (مریم/۵۰)

و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم.

(۴۸۸) ابوالقاسم اسماعیل بن علیّ خزاعی از پدرش نقل کرد که علی بن موسی الرضا ﷺ از پدرش و او هم از پدرش تا می‌رسد به علی بن ابی طالب ﷺ که آن حضرت فرمود: رسول الله ﷺ داستان شب معراج را این گونه برایم بیان فرمود:

یا علی! در شب معراج بر بال راست جبرئیل نشسته بودم و او در حالی که مرا به سوی آسمان سیر می‌داد، در مسیری آوازی شنیدم که به من گفت:

یا محمد! چه کسی را جانشین خود در زمین قرار دادی؟

گفتم: «**خیرُ أهلِها لَها أهْلاً، علی بن ابی طالب**ؑ **حَبیبی وَ صِهْرِي وَابْنُ عَمّی**».

بهترین اهل زمین، علی بن ابی طالبؑ، حبیب و داماد و پسر عمّ خویش را جانشین خود قرار دادم.

آن‌گاه خدای تعالی به من فرمود: یا محمَد! آیا او را دوست داری؟

گفتم: بلی، یا رب العالمین! او را بسیار دوست دارم.

خدای سبحان فرمود: «**اَحِبُّهُ وَ مُرْ اُمَّتَک بِحُبِّهِ، فَإنّی اَنَا الْعَلیّ الأعْلیٰ اَشْتَقَتُ مِنْ اَسْمائی إسْماً فَسَمَّيْتُهُ عليّاً**».

یا محمد! او را دوست بدار و امت را امر کن او را دوست بدارند، من علیّ أعلیٰ هستم و نامِ او را از نام خویش مشتق کردم و او را علی نامیدم.

سپس جبرئیل به نزدم آمد و گفت: یا رسول اللهﷺ خدایت سلام فرستاد و فرمود بخوان. گفتم چه چیز را بخوانم.

جبرئیل آیه «**وَهَبْنا لَهُم مِنْ رَحْمَتِنا وَ جَعَلْنا لَهُم لِسانَ صِدْقٍ عليّاً**» را قرائت کرد و گفت: این آیه را بخوان.

۹۱ **إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجعَلُ لَهُمُ الرَّحمَنُ وُدّاً.** (مریم/۹۶)

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی (خدای) رحمان برای آنان محبتی (در دلها) قرار می‌دهد.»

(۴۸۹) جابربن عبدالله انصاری روایت کرده است که رسول اللهﷺ به علیؑ فرمود: یا علی! با خدای رحمان مناجات کن و این گونه دعا کن و بگو، خدایا! محبّت و مودّت

مرا در قلوب مؤمنان جای ده. خدایا! برای من در نزد خودت عهد و پیمانی قرار ده. خدایا! مودّت مرا در نزد خود قرار ده.

بعد از مناجات علی ﷺ، جبرئیل فرود آمد و آیه «**اِنَّ الَّذِیْن آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَات، سَیَجْعَلُ لَهُم الرّحمان وُدّاً**» را برای نبی ﷺ قرائت کرد.

آن گاه پیامبر ﷺ فرمود: هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای نیست که در سینه‌اش مودّت و محبّت علی ﷺ و اهل بیت من نباشد.

(۴۹۰) براء بن عازب[1] نقل کرد که رسول الله ﷺ به علی ﷺ فرمود:

یا علی ﷺ! بگو. «**اللّهم اجْعَلْ لِي عِنْدَک عَهْداً، وَ اجْعَلْ لِي فِي صُدُور المُؤمِنين مودّة**».

چون علی ﷺ این دعا را خواند. خدای سبحان آیه «**اِنَّ الَّذِیْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَیَجْعَلُ لَهُم الرّحمٰن وُدّاً**» را در حقّ علی ﷺ نازل فرمود.

(۴۹۴) ابی اسحاق سبیعی از براء بن عازب روایت کرد، روزی رسول الله ﷺ به علی ﷺ فرمود:

یا علی ﷺ! بگو «**اللّهم اجْعَلْ لِي عِنْدَک عَهْداً وَاجْعَلْ لِي فِي قُلُوبِ الْمُؤمنين مَوَدّة**».

خدایا! در نزد خودت عهد و در قلوب مؤمنان مودّت را برایم قرار ده.

پس از این دعا، خدای تعالی آیهٔ «**اِنَّ الَّذِیْنَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَیَجْعَلُ لَهُم الرَّحْمٰن وُدّاً**» را در شأن علی ﷺ نازل فرمود. و آنچه علی ﷺ از خدا خواسته بود به آن حضرت عنایت فرمود.

(۴۹۵) باز هم از براء بن عازب نقل شد. مصطفی ﷺ به مرتضی ﷺ فرمود: یا علی! بگو: «**اللّهم اجْعَلْ لِي عِنْدَکَ عَهْداً، وَاجْعَلْ لِي عِنْدکَ وُدّاً، وَاجْعَل لِي فِي صُدُورِ الْمُؤمنين مَوَدّة**».

چون علی ﷺ این دعا را به پایان برد، آیه شریفه «**اِنَّ الَّذِیْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَات**

---

۱. روایت ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ از روات مختلف و به الفاظ و مضمون روایت ۴۹۰ نقل شد.

سَیَجْعَلُ لَهُم الرحمن ودّاً» در جواب علی‌ؑ نازل شد. و مودّت علی‌ؑ را در قلوب مؤمنین قرار داد.

(۴۹۶) محمّدبن عبیدالله بن ابی رافع از پدر و جدّش نقل کرد که رسول اللهﷺ به علی‌ؑ فرمود:

یا علی‌ؑ! بگو: «**اللَّهُمَ ثَبِّتْ لي الْوُدَّ في قُلُوبِ الْمُؤمنين وَاجْعَل لي عِنْدَک وُدّاً وعَهْداً**».

چون علی‌ؑ بر طبق دستور مصطفیﷺ دعا کرد. نبیﷺ فرمود: به خدای کعبه آنچه علی خواسته بود تثبیت شد.

سپس آیه شریفه «**اِنَّ الَّذِیْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَات**» نازل شد.

و رسول‌اللهﷺ فرمود: این آیه برای کسانی که هم قسم با رسول اللهﷺ و علی‌ؑ هستند نازل شد.

(۴۹۷) جابربن عبدالله انصاری از محمّد بن علیؑ نقل کرد که مصطفیﷺ به مرتضیؑ فرمود: یا علی! دوست داری تو را چیزی بیاموزم؟

علیؑ عرض کرد: بلی یا رسول الله!

پیامبرﷺ فرمود: بگو؛ «**اللَّهُمَ اجْعَلْ لي عِنْدَک عَهْداً وَاجْعَلْ لي عِنْدَک وُدّاً**»

چون این دعا از جانب علیؑ به پایان رسید، آیه قرآنی «**اِنَّ الَّذِیْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَیَجْعَلُ لَهُم الرَّحْمَان وُدّاً**» در شأن علیؑ نازل شد. و مودّت را برای آن حضرت در سینه‌های مؤمنین تثبیت و تقریر فرمود.

(۴۹۸) جابربن عبدالله انصاری از ابی جعفرؑ روایتی را نقل کرد. که نبیﷺ به علیؑ فرمود:

یا علی! بگو: «**اللَّهُمَ اجْعَل لي عِنْدَک عَهْداً وَ في صُدُورِ الْمُؤمِنين وُدّاً**».

چون علیؑ بر طبق تعلیم رسول اللهﷺ دعا کرد. آیه شریفهٔ «**اِنَّ الَّذِیْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالحات....**» در پاسخ خواسته علیؑ نازل شد.

(۵۰۰) ضحّاک روایت کرد. ابن عباس در شرح و تفسیر آیهٔ شریفه «**إِنَّ الَّذِيْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحات سَيَجْعَلُ لَهُم الرّحمن ودّا**» بیان کرد که خدای سبحان محبّت علیؑ را در قلوب مؤمنین تثبیت کرد و این آیه شریفه درباره علیؑ نازل شد.

(۵۰۱) عون بن سلام هاشمی نقل کرد، آیهٔ شریفهٔ «**إِنَّ الَّذيْنَ آمَنُوا... سَيَجْعَل لَهُم الرّحمن وُدّا**» در شأن علیؑ نازل شد. و خدای سبحان محبّت او را در قلوب مؤمنین قرار داد.[۱]

(۵۰۲) کلبی از ابی صالح نقل کرد، ابن عبّاس گفت، کلام خدای تعالی (**سَيَجْعَلُ لَهُم الرّحمن وُدّاً**) در اعطای دوستی و محبت علیؑ نازل شد و آیه (**لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِين**) هم اختصاصاً در شأن علیؑ نازل شد و آیه شریفه (**وَ تُنْذِرَ به قوماً لُدّا**)در مذّمت بنی امیه و بنی مغیره نازل شد.

(۵۰۴) ابی سعید خدری روایت کرد. مصطفیﷺ به مرتضیؑ فرمود: یا اباالحسن! این دعا را بخوان. «**اللّهم اجْعَلْ لِي عِنْدَک عَهْداً وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَک وُدّاً واجْعَلْ لي في صُدُورِ الْمُؤمنين مَوَدّه**».

امیرالمؤمنین علیؑ همان گونه که پیامبرﷺ تعلیم فرمود دعا کرد.

در پایان دعا خدای سبحان، آیه شریفه «**إِنَّ الَّذِيْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهمُ الرّحمن وُدّاً**» را بر محمّد مصطفیﷺ نازل فرمود.

سپس مصطفیﷺ فرمود: هیچ مؤمنی را نمی‌یابی که در سینه‌اش حبّ علیؑ نباشد.

(۵۰۵) محمّدبن حنفیّة فرزند امیرالمؤمنین علیؑ در توضیح کلام سبحان «**سَيَجْعَل لَهُم الرَّحْمان وُدّا**» گفت: هیچ مؤمنی را ملاقات نمی‌کنی مگر این که در سینه وقلبش محبّت ومودّت علیؑ وفرزندانش نهفته است.[۲]

---

۱. روایت ۴۹۹ و ۵۰۲ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است.

۲. روایت ۵۰۷ شواهد التنزیل با همین متن و لفظ نقل شده است.

(۵۰۶) ابی عُمر غلام بُشر بن غالب از قول محمّدبن علی بن حنفیّة در شرح و تفسیر آیه شریفه «**سَيَجعَلُ لَهُم الرّحمن وُدّاً**» گفت؛ هیچ مؤمنی دیده نمی‌شود مگر این که قلبش مالامال از مهر و مودّت علی ؑ است.[1]

پس هیچ مؤمنی دیده نمی‌شود مگر این که مِهر و محبّت علی و فرزندانش در سینهٔ او نهفته باشد.

(۵۰۹) مقاتل از محمّدبن حنفیّه روایت کرد که محمّد حنفیّة گفت از پدرم علی ؑ از تفسیر و معنای آیه (**سَيَجْعَلُ لَهُم الرّحمن وداً**) سؤال کردم.

به من جواب فرمود؛ رسول الله ﷺ درباره این آیه فرمود: هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای یافت نمی‌شود مگر این که در قلبش مودّت و محبّت علی و اهل بیتش نهفته است.

۹۲ وَاجْعَلْ لِي وَزِيراً مِنْ أَهْلِي * هارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي * وَ أَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي (طه/۳۲ـ۲۹)

و برای من دستیاری از کسانم قرار ده، هارون برادرم را، پشتم را به او استوار کن، و او را شریک کارم گردان.

(۵۱۰) ابی طفیل از قول حُذیفه بن اسید نقل کرد، مصطفی ﷺ دست علی ؑ را گرفت و فرمود: یا علی! بشارت باد تو را که موسای کلیم ؑ از خدای حکیم درخواست کرد تا وزیری از اهلش که هارون باشد برایش قرار دهد.

امّا من از پروردگارم خواستم علی را که از اهل بیت و برادرم است وزیرم قرار دهد. تا با او پشتم را قوی گرداند، و او را شریک در مسئولیت سنگین من قرار دهد.

(۵۱۱) از اسماء بنت عمیس[2] نقل شد که گفت؛ از رسول الله ﷺ شنیدم فرمود: «اللّهمّ

---

۱. روایت ۵۰۸ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است.

۲. مثل همین روایت از صباح بن یحیی از حرث در کتاب تفسیر عیاشی نقل شد.

أقُولُ كَمَا قال أخي موسى، اللّهُم اجْعَلْ لي وَزيراً مَنْ أهْلي عليّاً اخي وَ اشْدُدْ بِهِ ازری واشركه في امري».

خدایا! همان گونه که برادرم موسی گفت، من نیز می‌گویم. خدایا! علی را که از اهل بیت من و برادرم است وزیر من قرار ده و با او پشتوانه‌ام را محکم گردان و سنگینی بار مسؤلیتم را کم تر گردان. و او را شریک در کارهایم قرار ده.

(۵۱۲) جعفر احمر از عمران بن سلیمان و او از حصین نقل کرده است که، اسماءِ بنت عمیس روایت کرد، رسول اللهﷺ فرمود؛ مِثْل برادرم موسیﷺ برای پشتیبانی خود از خدای منّان این گونه درخواست می‌کنم.

«رَبِّ اشْرَحْ لي صَدْرِي وَ يَسّر لِي أمْرِي وَاجْعَلْ لِي وزيراً مَنْ أهْلي».

بدین وسیله علی بن ابی طالب را برای پشتوانه و حمایت از خود تقاضا می‌کنم.

(۵۱۳) عطاء از ابن عبّاس نقل کرد، اسماء بنت عمیس حکایت کرد که از رسول‌اللهﷺ شنیدم فرمود: خدایا! همان گونه که موسیﷺ، هارون برادرش را برای پشتیبانی از خود تقاضا کرد. من هم می‌گویم: «اللّهُمَّ اجْعَلْ لِي وَزيراً مِنْ أهْلي عليّ بن ابی طالب، أشْدُدْ بِهِ أزْرِي واشْرِكْهُ فِي أمْرِي».

خدایا! از اهل بیت من علی بن ابی طالبﷺ را وزیرم قرار ده. به وسیلهٔ او پشت و پشتوانه‌ام را قوی گردان و او را شریک در کارهای من قرار ده.

(۵۱۴) عبدالله بن حارث بن نوفل بن عبدالمطلب از قول ابن عبّاس نقل می‌کند علیﷺ فرمود: وقتی آیه شریفه (وَأَنْذِرْ عَشِيرتک الْأَقْرَبِين) نازل شد. مصطفیﷺ مرا به حضور خواند و فرمود: یا علی! خدای سبحان مرا به انذار و تبلیغ عشیره‌ام امر فرمود. تو می‌دانی که آنان از دعوت و رسالت من اکراه دارند و گریزان‌اند سپس سکوت کرد تا این که جبرئیل برای بار دوم نازل شد و گفت: یا محمد! اگر مأموریت خود را انجام ندهی، توبیخ می‌شوی، هر چه زودتر وظیفه انذار خویش را به انجام برسان.

رسول الله ﷺ مرا احضار کرد و گفت: یا علی! یک صاع طعام و یک ران گوسفند و یک ظرف شیر برای پذیرایی مهیاکن و فرزندان عبدالمطلب را دعوت نما تا با آنان صحبت کنم و امر خدایم را ابلاغ نمایم.

چون بنی هاشم جمع شدند، پیامبر ﷺ سخن آغاز کرد گفت: ای بنیّ عبدالمطلب! در میان عرب بهترین و برترین آیین را برایتان آوردم که خیر دنیا وسعادت آخرت در آن است.

خدای سبحان مرا امر فرمود تا شما را دعوت به دین و آیین کنم و به سوی او بخوانم.

چه کسی مرا در این کار پشتیبانی می‌کند تا برادر و وصیّ و ولیّ و خلیفه من درمیان‌شماشود؟

آن جماعت چون سخنان مصطفی ﷺ را شنیدند، سخنی نگفتند.

من که در میان آنان از همه کوچک‌تر بودم گفتم: یا رسول الله! من وزیر تو در این کار می‌شوم.

آن قوم برخاستند و جماعتی به ابوطالب با حالت استهزا گفتند؛ ای ابوطالب! برخیز و از فرزندت علی ؑ اطاعت کن.

(۵۱۵) انس بن مالک نقل کرد. رسول الله ﷺ فرمود:

إِنَّ اخي وَ وَزيري وَ خَلِيفَتي في أَهْلي وَ خَيْر مَنْ أَتْرک بعدي يَقْضي دَيْني وَ يُنْجِز مَوْعِدي عَلَي بن ابی طالب ؑ.

ای مردم! برادر و وزیر و جانشین و خلیفه و بهترین کسی که بعد از من، دَیْنم را ادا کند و وعده‌های مرا وفا نماید علی بن ابی طالب ؑ است.

(۵۱۶) باز هم از انس بن مالک نقل شده است که، رسول الله ﷺ فرمود:

«إِنَّ خَليلي وَ وَزيري وَ خَليفَتي في أَهْلي وَ خَيْرُ مَنْ أَتْرک بَعْدی يُنْجِز مَوْعِدي و يَقْضي دَيْني علی بن ابی طالب ؑ»

اوست وزیر و خلیفه در میان اهل بیتم و بدانید بهترین کسی که وعده‌های مرا وفا کند و قرض و دینم را ادا نماید علی بن ابی طالب‌ﷺ است.

(۵۱۷) عبدالله بن ملیل می‌گوید از علیّ بن ابی طالب‌ﷺ شنیدم گفت: مصطفی‌ﷺ فرمود: «**إنَّه لَمْ یَکُنْ نبیّ إلاّ قَدْ أُعْطِیَ سَبعة رُفَقَاء نُجَبَاء وُزَراء وَ إنّی قَدْ أُعْطِیتُ اربعةَ عشر**».

هیچ پیامبری نبود مگر این که خدای منّان برایش هفت رفیق و هفت وزیر قرار داد امّا برای من چهارده رفیق و وزیر قرار داد که عبارت‌اند از: حمزه، جعفر طیار، علی بن ابی طالب‌ﷺ حسن‌ﷺ، حسین‌ﷺ، ابوبکر، عمر، عبدالله بن مسعود، ابوذر، مقداد، حذیفه، عمّار، سلمان و بلال حبشی.

۹۳ **وَ إنّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ ءامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدیٰ.** (طه/۸۲)

و به یقین، من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست رهسپار شود.

(۵۱۸) شملال بن اسحاق نقل کرده است، جابر جُعْفی گفت، از ابوجعفر‌ﷺ در توضیح کلام خدای تعالی «**ثُمَّ اهْتَدیٰ**» پرسیدم.

آن جناب فرمود: خدای سبحان فرموده است؛ من غفّار وبخشنده کسانی هستم که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح به جای آرند؛ و به ولایت ما اهل بیت پیامبر‌ﷺ هدایت یابند.

(۵۱۹) از جابر جعفی روایت شد که از ابوجعفر‌ﷺ در شرح آیهٔ «**وَإنّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدیٰ**» سؤال شد. آن حضرت فرمود: خدای سبحان بخشنده کسانی است که به ولایت ما اهل بیت پیامبر هدایت یابند.

(۵۲۰) ثابت بنانی در تفسیر و توضیح قول خدای سبحان «**وَإنّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ**

وَ عَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدیٰ»، گفت: کسی که به ولایت اهل بیت گرایش یابد، هدایت می‌شود.

(۵۲۱) عبدالله بن جعفر بن محمد بن فیض از پدرش نقل کرد. ابوجعفر محمدبن علی الباقر علیه السلام از پدر و جدّش روایت کرده است؛ روزی رسول‌الله صلی الله علیه و آله که از منزلش بیرون می‌رفت، فرمود:

«خدای سبحان می‌فرماید: «اِنّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ و آمَنَ وعَمِلَ صالحاً ثُمَّ اهْتَدیٰ»

یا علی علیه السلام! هر کسی به سبب ولایت تو هدایت شود مورد غفران و عفو قرار می‌گیرد.

(۵۲۲) ابی ذَر در تفسیر و توضیح کلام خدای سبحان «وَاِنّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تاب...» گفت یعنی ایمان به آنچه مصطفی صلی الله علیه و آله آورده بیاورد و فرایض و واجبات را ادا کند. هر کسی چنین کند به حب آل محمد صلی الله علیه و آله رهنمون گردد و با محبت اهل بیت هدایت شود.

۹۴ وَ مَن أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيمَةِ أَعْمىٰ. (طه/۱۲۴)

و هرکس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ «وسختی» خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محشور می‌کنیم.

(۵۲۳) اَبان بن تغلب از ابی جعفر علیه السلام و او از علی بن حسین علیه السلام و او از پدرش حسین بن علی علیه السلام و او از پدرش علی علیه السلام نقل کرد.

مصطفی صلی الله علیه و آله در جمع مهاجرین و انصار فرمود:

«اَحِبُّوا عَلِيّاً لِحُبّي وَاَكْرِمُوهُ لِكِرامَتي، وَاللهِ ما قُلْتُ لَكُم هذا مِنْ قِبَلي وَلكِنَّ اللهَ اَمَرَني بِذلك...» .

ای مهاجر و انصار! علی﷣ رادوست بدارید همان گونه که مرا دوست دارید و او را اکرام و احترام کنید همان اندازه که مرا اکرام می‌کنید. این توصیه، گفتار من نیست بلکه فرمان خدای سبحان است.

که در تکریم علی﷣ گفتم: ای دوستان عرب!

«مَن اَبْغَضَ علیّاً مِنْ بَعْدي حَشَرَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيامة اَعْمیٰ لَيْسَ لَهُ حُجَّةٌ».

هر کسی کوردل و بی بصیرت باشد و بغض و کینه علی﷣ را در دل بگیرد، خدایِ علیّ او را در روز قیامت کور و نابینا و بی بَصر و بصیرت محشور کند در حالی که هیچ عـذر و بهانه‌ای از او پذیرفته نمی‌شود.

(۵۲۴) جابربن عبدالله انصاری نقل کرده است.

در خطبه‌ای از رسول اللهﷺ شنیدم آن حضرت فرمود:

«مَنْ اَبْغَضَنا اَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ يَهُودِيّاً».

هرکسی از روی عِناد نسبت به اهل بیت من بغض و کینه در دل پرورد، خدای سبحان او را در روز قیامت یهودی برانگیزد.

(۵۲۵) کامل از ابی صالح نقل کرد. ابن عباس مفسّر مشهور قرآن در شرح و توضیح آیه کریمه **«وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَاِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُه يَوْمَ الْقِيامة اَعْمیٰ»** بیان کرد. هر کسی ولایت علیّ بن ابی طالب﷣ را منکر شود و نپذیرد. خدای قادر او را در روز حساب کور و کر محشور کند و از قبر نابینا برانگیزاند.

۹۵ **وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلٰوةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْها.**(طه/۱۳۲)

و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش

(۵۲۶) ابوحمرا، خادم رسول اللهﷺ گفت: هنگامی که آیهٔ کریمه **«وَاْمُرْ اَهْلَكَ بِالصَّلاة وَاصْطَبِرْ عَلَيْها»** به نبیّﷺ نازل شد. آن حضرت هر روز در وقت نماز به جـلو خـانهٔ

علیؑ و فاطمهؑ می‌آمد و می‌گفت:

الصّلاة رَحِمَکُم الله؛ وسپس آیه شریفه «**اِنّما یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُم الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ**» را تلاوت می‌کرد و آن گاه برای نماز به مسجد می‌رفت.

۹۶ فَسَتَعْلَمُون مَنْ اَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدَیٰ. (طه/۱۳۵)

بگو: (همه در انتظارند. پس در انتظار باشید). زود باشد که بدانید یاران راه راست چه کسانی هستند و چه کسی راه یافته است.

(۵۲۷) معاویة بن اعمش از ابی صالح روایتی را بیان کرده است که ابن عبّاس در تفسیر آیه شریفه فوق بیان کرد: به خدا سوگند «**اَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِیِّ**» محمّدﷺ و اهل بیت گرامی‌اش هستند،

سؤال شد پس «**وَمَنِ اهْتَدیٰ**» یعنی هدایت یافتگان چه کسانی هستند؟

ابن عباس در جواب گفت: آنان اصحاب و یاران محمّدﷺ هستند.

۹۷ اِنَّ الَّذِیْنَ سَبَقَتْ لَهُم مِنَّا الْحُسْنَیٰ اُوْلٰئِکَ عَنْهَا مُبْعَدُوْنَ. (انبیاء/۱۰۰)

بی گمان کسانی که قبلاً از جانب ما به آنان وعدهٔ نیکو داده شده است از آن «آتش» دور داشته خواهند شد.

(۵۲۸) حسن بن راشد از جعفربن محمّدؑ و او از پدر و پدرانش تا می‌رسد به علیؑ که آن حضرت فرمود: از مصطفیﷺ شنیدم به من فرمود: یا علیّ! آیهٔ شریفهٔ **اِنَّ الَّذِیْنَ سَبَقَتْ لَهُم مِنَّا الْحُسْنیٰ اُولٰئک عَنْها مُبْعَدُوْنَ** برای تو و درباره تو نازل شده است.

(۵۲۹) باز هم علیؑ فرموده است: رسول اللهﷺ به من فرمود: یا علی! آیهٔ کریمه

(لایَحزُنُهُم الفَزَع الأکبر)[1] که در ادامه آیه قبل است در حقّ تو نازل شد. تو و شیعیانت در موقف احضار می‌شوید و در بهشت از نعمت‌های الهی متنعّم خواهید شد.

(۵۳۰) ابی عُمر نعمان بن بشیر[2] نقل کرد، شبی در خلوت و سکوت و تنهایی شنیدم علی‌ﷺ آیهٔ کریمه «اِنَّ الّذِیْنَ سَبَقَتْ لَهُم مِنَّا الْحُسنیٰ اُوْلٰئک عَنْها مُبْعِدُون» را تلاوت می‌کرد و می‌فرمود من از آن جمله هستم و ابوبکر، عمر ،عثمان، طلحه، زبیر، سعدبن وقاص و عبدالرّحمان بن عوف هم از آن جمله کسان هستند.

۹۸ هَذانِ خَصْمَانِ اَخْتَصَمُوا فِی رَبِّهِمْ (حج/۱۹)

این دو (گروه) که در دین خدا با هم به جدال پرداختند دشمنان یکدیگرند.

(۵۳۲) قیس بن عبّاد روایت کرده است؛ علی بن ابی طالب‌ﷺ فرمود:

من نخستین کسی هستم که برای مخاصمه با دشمنان از قبر بر انگیخته می‌شوم.

سپس قیس بن عباد در ادامه گفت: آیهٔ شریفهٔ «هٰذان خَصْمان اِخْتَصَمُوا فی رَبِّهِم» در شأن مبارزان جنگ بدر مثل علی‌ﷺ، حمزه، ابوعبیدة، از جانب موافقان دین خدا و شبیة بن ربیعه، عتبة بن ربیعه و ولیدبن عتبه از جانب مخالفان دین خدا نازل شد. که سه تن مخالفین به دست مبارزین اسلام به هلاکت رسیدند.

همین روایت را بخاری در جامع صحیح از طریق روات دیگری نقل کرده است.

(۵۳۳) قیس بن عباده از ابوذر و ابوسعید خدری در شأن نزول آیه «هٰذان خَصْمٰان....» گفت:

این آیه درباره علی‌ﷺ و همراهانش از سپاه رسول الله و عتبة بن ربیعه و همراهانش از سپاه مشرکان در جنگ بدر نازل شد. که علی و همراهان او در کسب

---

۱. انبیاء /۱۰۳.

۲. روایت ۵۳۱ / شواهد التنزیل از ابوالقاسم بغوی از طریق عُبیدالله بن عمر با همین متن و لفظ نقل شد.

رضای ربّ مبارزه کردند.

(۵۳۴) قیس بن عُباده می‌گوید:

از ابوذر شنیدم، سوگند یاد می‌کرد که آیهٔ **«هٰذان خَصْمٰان إِخْتَصَمُوا فِي رَبِّـهِم»** در تحسین علی‌ﷺ وهمرزمانش از لشکر رسول‌اللهﷺ که در مقابل عُتبة و همراهانش از مخالفان رسول خداﷺ در جنگ بدر نبرد کردند نازل شد[1].

(۵۳۷) قیس بن عُباده گفت از ابوذر صحابی معروف رسول اللهﷺ شنیدم، سوگند یادمی‌کرد که آیهٔ شریفهٔ **«هٰذان خَصْمٰان إِخْتَصَمُوافي رَبِّهِم»** برای این شش نفر؛ حمزه سیدالشهدا، ابوعبیده و علیﷺ از لشکر مسلمانان، و شیبه و عتبه، و ولید بن عتبه از جانب کفّار که با یکدیگر خصومت داشتندو پیکار کردند نازل شد.

(۵۳۸) با سلسله سند دیگر از قیس بن عُباده نقل شده است که گفت از ابوذر شنیدم سوگند یاد کرد، آیهٔ شریفهٔ **«هٰذان خَصْمٰان إِخْتَصَمُوا في رَبِّـهِم»** دربارهٔ متخاصمین جنگ بدر نازل شد. که علیﷺ حمزه وابوعبیده با مشرکان به نبرد پرداختند و سرانجام سه نفر مبارزان مشرک با شمشیر سه تن از دلاوران اسلام به هلاکت رسیدند.[2]

(۵۴۱) حارثة بن مضرب از علیﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود:

بعد از مهاجرت مصطفیﷺ به مدینه در آن شهر زندگی می‌کردیم، میوه‌ها رسیده بودند، رسول اللهﷺ از بدر کسب خبر می‌کرد تا این که در آن حوالی دو نفر از قریش را دستگیر کردند از آن دو دربارهٔ عدّه مشرکین و تعداد اسلحه و ابزار آنان سؤال شد.

گفتند عدّه‌شان زیاد و تجهیزاتشان عظیم است؛ امّا آمار و ارقام درست را نمی‌دانستند؛ سپس آن دو را نزد رسول اللهﷺ آوردند.

آن حضرت پرسید: هر روز چند شتر برای غذا نحر می‌کنند. گفتند: روزی ده شتر.

---

۱. روایت رقم ۵۳۵ و ۵۳۶/ شواهد التنزیل منقول از قیس ابن عُباده مثل همین روایت است.

۲. روایت رقم ۵۳۹ و ۵۴۰/ شواهد التنزیل تقریباً با همین محتویٰ ومضمون نقل شد.

رسول‌اللهﷺ فرمود: عدّهٔ آنان هزار نفر است؛ زیرا برای هر صد نفر یک شتر ذبح می‌کنند.

پس به سوی چاه‌های بدر حرکت کردیم. لشکر مشرکین برای جنگ به پیش آمدند و سه تن از آنان که از همه مغرورتر بودند به نام‌های عتبة بن ربیعه و شیبة بن ربیعه و ولید بن عُتبه به میدان آمدند و گفتند، چه کسی را جرأت مبارزه است، تا با ما نبرد کند؟!

مردی انصار از اصحاب مصطفیﷺ پا به میدان گذاشت. آن سه تن گفتند: نیازی به مبارزهٔ تو نیست ما فرزندان قریش را به مبارزه می‌خوانیم.

رسول اللهﷺ فرمود: یا علی! بر خیز، ای حمزه! و ای عبیدة برخیزید و جواب آنان را بدهید.

ما سه تن به نبرد آنان رفتیم. حمزه حریف خود عتبه را هلاک کرد و من هم شیبه را به خاک انداختم، ولید و عبیده هنوز گرم پیکار بودند من به ولید نزدیک شدم واو را با ضربت شمشیری به هلاکت رساندم.

در آن روز هفتاد نفر را اسیر و هفتاد نفر را هلاک کردیم.

در پایان جنگ مردی از انصار، عبّاس بن عبدالمطلب را به اسارت نزد رسول‌اللهﷺ آورد. عباس گفت: یا رسول الله! قبل از این که من به دست این مرد گرفتار شوم به دست مردی خوش سیماکه بر اسبی ابلق نشسته بود اسیر شدم امّا اکنون آن مرد را در میان اصحاب شما نمی‌بینم. مرد انصاری گفت: یا رسول‌الله! من او را اسیر کردم.

پیامبر خداﷺ فرمود: ای مرد انصاری! ساکت باش، خدای تعالی به وسیله فرشتگان کریم ما را نصرت و یاری داد و آنان را مغلوب ومقلوک و اسیر گردانید.

(۵۴۲) قیس بن عباده نقل کرد، علی﵇ فرمود: آیه «**هٰذانِ خَصْمانِ اخْتَصَمُوا فی رَبِّهِم...**» در شأن مبارزه ما با کفار و مشرکین در جنگ بدر نازل شد.[1]

---

۱. روایت رقم ۵۴۳و ۵۴۴ و ۵۴۵/ شواهد التنزیل تقریباً با همین محتوی و مضمون در شأن علی﵇ و دو همرزمش نقل شد.

۹۹ إِنَّ اللهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤاً وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ. (حج/۲۳)

خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغ‌هایی که از زیر (درختان) آنها نهرها روان است داخل شوند. در آن جا با دستبندهایی از طلا ومروارید آراسته می‌شوند، و لباسشان از پرنیان است.

(۵۴۶) محمدبن یزید خدمتکار جعفربن محمدؑ نقل کرده که آن حضرت از پدرش و جدّش روایت کرده است که کلام خدای تعالیٰ «**إنّ اللهَ يُدْخِلُ الّذِيْن آمَنُوا... إلَى صِراطِ الْحَميد**» در شأن علیؑ و حمزه وعبیدة بن حارث، سلمان فارسی، ابوذر، و مقداد است. که خدای کریم آنان را وارد بهشت زیبا می‌کند.

(۵۴۷) کلبی از ابی صالح نقل کرده است: ابن عبّاس مفسر معروف قرآن در توضیح آیه کریمه (**إنّ اللّه يُدخِلُ الّذِيْن آمَنُوا...**) بیان کرد. مصداق (**الّذِيْنَ آمَنُوا**) علی وحمزه و عبیدة هستند که در جنگ بدر جان را در کف گذاشته و از آیین محمدﷺ دفاع کردند و خدای بزرگ چنین پاداشی را به پاس خدمات آنان برایشان منظور کرد.

(۵۴۸) اصبغ بن نباته و ابی مریم هر دو گفته‌اند از عمّار یاسر در صفّین شنیدیم که مصطفیﷺ به علیؑ فرمود: **إنّ اللهَ زَيَّنَکَ بزينةٍ لَمْ يَتزيّن الْخَلائِقَ بزينةٍ هي أحَبُّ الى الله منها وَ هِيَ زينةُ الأبْرار عندالله جَعَلَک لاتَنالُ من الدُّنْيا شَيئاً وجَعَلها لاتَنال مِنک شَيئاً وَ وَهَبَ لک حُبُّ الْمَساكين**[۱].

(۵۴۹) اصبغ بن نباتة از عمّار یاسر نقل کرده است که رسول اللهﷺ به ولی اللهؑ فرمود:

---

۱. برای ترجمه به روایت شماره ۵۴۹ / شواهد التنزیل مراجعه شود.

یا علی! اِنَّ اللهَ زَیَّنَکَ بِزِینَةٍ لم یَتَزَیَّن الْخَلایَق بِزِینَةٍ اَحَبُّ اِلی اللهِ مِنْها، الزّهدُ فی الدنیا، و جعل الدّنیا لاتنال منک شیئاً.

یا علی! خدای سبحان تو را به زیوری گرانبها آراست که محبوب‌تر از آن زینت در نزد خداوند نیست و آن زهد تو در دنیاست که میل و رغبتی به دنیا نداری و دنیا نیز نمی‌تواند به تو امیدوار باشد و تو را به خود جذب و جلب کند.

۱۰۰ **وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِین الَّذِیْن اِذا ذُکِرَ اللَّهُ وَ جِلَتْ قُلُوبُهُم وَالصَّابِرِین عَلَیٰ ما أَصٰابَهُم وُالْمُقِیمی الصَّلَوةِ وَ مِمَّا رزَقنٰهُم یُنفِقُون.** (حج/۳۵)

فروتنان را بشارت ده همانا که چون (نام) خدا یاد شود، دلهایشان خشیت یابد و (آنان که) بر هر چه بر سرشان آید صبر پیشه کنند و بر پا دارندگان نمازند، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند.

(۵۵۰) زبیربن عدیّ از ضحّاک نقل کرد. ابن عباس در شأن نزول آیه شریفه **وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِین الَّذِیْن اِذا ذُکِرَ اللَّهُ وَ جِلَتْ قُلُوبُهُم وَالصَّابِرِین عَلَیٰ ما أَصٰابَهُم وُالْمُقِیمی الصَّلَوة وَ مِمَّا رزَقنٰهُم یُنفِقُون** گفت؛ این کلام ربّانی درباره علی﷣ و سلمان فارسی است که از مخلصین ومخبتین هستند؛

و مُخبِتین یعنی کسانی که متواضع و خاشع‌اند.

۱۰۱ **أُذِنَ لِلَّذینَ یُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَانَّ اللَّهَ عَلَیٰ نَصْرِهِم لَقَدیرٌ** (حج/۳۹)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، والبته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست.

(۵۵۱) زیاد مدینی از قول زیدبن علی﷣ نقل کرد که زید بن علی﷣ آیهٔ شریفهٔ «**اُذِنَ**

لِلَّذِیْنَ یُقَاتَلُون بِاَنَّهُم ظُلِمُوا...» را قرائت کرد. و سپس گفت: این کلام ربّانی دربارهٔ ما فرزندان پیامبرﷺ نازل شد.

۱۰۲ اَلَّذِیْن اُخْرِجُوا مِنْ دِیٰارِهِم بِغَیرِ حَقٍّ اِلاّ اَنْ یَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ. (حج/۴۰)

همان کسانی که بنا حق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. (آنان گناهی نداشتند) جز این که می‌گفتند: پروردگار ما خداست.

(۵۵۲) محمّد بن زید از پدرش نقل کرد که پدرش گفت: از ابو جعفر محمّدبن علی‌ﷺ پرسیدم: یابن رسول الله! «**اَلّذین اُخرِجُوا مِنْ دِیٰارِهِم بِغَیر حقّ...**» چه کسانی هستند؟

فرمود: آیه شریفه در شأن علیﷺ و حمزه و جعفر طیّار نازل شد و برای حسینﷺ نیز این آیه جریان دارد.

(۵۵۳) زیاد مَدینی نقل کرد، زید فرزند علی‌بن حسینﷺ در توضیح و شأن نزول آیه شریفه (**اُذِنَ لِلَّذِیْنَ یُقَاتَلُونَ بِاَنَّهُم ظُلِمُوا**) و همچنین (**اَلّذِیْنَ اُخْرِجُوا مِنْ دِیٰارِهِم بِغَیر حَقّ...**) گفت: این کلام الهی برای ما خاندان رسول الله نازل شد.

۱۰۳ اَلَّذِینَ اِنْ مَکَّنّٰهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّکٰوةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنکَرِ وَلِلّٰهِ عٰقِبَةُ الْاُمُور. (حج/۴۱)

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و دیگران را به کارهای پسندیده وا می‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آنِ خداست.

(۵۵۴) ابان بن تغلب از ابوجعفر محمّد بن علیﷺ نقل کرد. آن بزرگوار فرمود:

به خدا سوگند آیه شریفهٔ «الَّذِيْنَ اِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِی الْاَرْض...» برای ما اهل بیت مصطفی‌ﷺ نازل شد.

(۵۵۵) ابی خلیفه می‌گوید روزی من و ابوعبیده حذّاء به خدمت ابوجعفر ﷺ رسیدیم. ابوجعفر ﷺ فرمود: بیایید در کنار من بنشینید.

عرض کردم: یابن رسول الله! همین جا می‌نشینیم.

فرمود: یا ابا خلیفه! بدان، اکرام را کسی رد نمی‌کند مگر اینکه حمار و چهار پا باشد.

پس عرض کردم: چگونه می‌توانیم صاحب عصر و امام زمان را بشناسیم؟

فرمود: به کلام خدا «اَلَّذِيْنَ اِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِی الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوا الزَّكٰوةَ وَاَمَرُوا بِالْمَعْرُوف وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكر» او را بشناسید. اگر مردی را با مشخصات این آیهٔ ربّانی یافتید از او متابعت کنید و بدانید او صاحب الامر شماست.

(۵۵۶) فُضَیل بن زبیر از زید بن علیّ نقل کرد که زید بن علی ﷺ در توضیح آیهٔ شریفه گفت:

هرگاه قائم آل محمدﷺ ظهور کند در بین مردم می‌ایستد و می‌گوید:

ای مردم! آن کسی که خدای کریم در قرآن مبین فرمود: «اَلَّذِيْنَ اِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِی الْاَرْض اَقَامُوا الصَّلوة وَاتوا الزَّكوٰة واَمَرُوا بِالْمَعْرُوف وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكر» ما هستیم و خویشتن را با این آیه معرفی می‌کند.

۱۰۴ وَ اِنَّ الَّذِيْنَ لَايُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ. (مومنون/۷۴)

و به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از راه (درست) سخت منحرف‌اند.

(۵۵۷) سعد اسکاف از اصبغ بن نباته نقل کرد که امیرالمؤمنین علی‌ﷺ در شرح آیه کریمه «اِنَّ الَّذِيْنَ لَايُؤْمِنُوْن بِالْاٰخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُون» فرمود:

کسانی که به ولایت ما ایمان و اعتقاد نداشته باشند. از صراط سقوط می‌کنند.

(۵۵۸) اصبغ بن نباته نقل کرد: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: **(وإنّ الّذِینَ لایُؤمِنُون بِالآخرة عَنِ الصِّراطِ لَنَاکِبُون)** یعنی کسانی که از ولایت ما دورند از صراط منحرف شده و به مقصد نمی‌رسند.

۱۰۵ **قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُون * رَبِّ فَلا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّٰلِمِينَ * وَ إِنَّا عَلَى أَنْ نُرِيَكَ مَا نَعِدُهُم لَقَٰدِرُونَ.** (مؤمنون/ ۹۵ـ۹۳)

بگو: پروردگارا، اگر آنچه (از عذاب) به آنان وعده داده شده است به من نشان دهی. پروردگارا، پس مرا در میان قوم ستمکار قرار مده و به راستی که ماتواناییم آنچه را به آنان وعده داده‌ایم بر تو بنمایانیم.

(۵۵۹) عبدالله بن عبّاس و جابربن عبدالله انصاری، هر دو نقل کرده‌اند در حجّة الوداع (آخرین حج) در سرزمین مِنیٰ از مصطفی صلی الله علیه و آله شنیدیم فرمود: ای مردم! بعد از من به کفر و بی‌دینی نگرایید و بعضی از شما گردن دیگری را نزند. به خدا سوگند اگر چنین کنید. با من روبه رو هستید، در همین هنگام جبرئیل از پشت سر، دست بر شانهٔ راست من گذاشت و گفت: «**عليّ أوْ عليّ**».

سپس آیه شریفهٔ «**قُل ربِّ إمّا تُرِیَنّی ما یُوْعَدون...**» را برایم قرائت کرد).

(۵۶۰) جابربن عبدالله انصاری نقل کرد که خدای سبحان به مصطفی صلی الله علیه و آله خبر داد، اُمّت او بعد از ارتحالش فتنه بپا خواهند کرد. سپس آیهٔ شریفهٔ «**قُلْ ربِّ إمّا تُرِیَنّی ما یُوْعَدُون**» نازل شد.

جابر در ادامه می‌گوید در حجّة الوداع در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله نشسته بودم. از آن حضرت شنیدم فرمود: ای مردم! بعد از من به کفر و بی دینی رجعت نکنید و بعضی از شما گردن دیگری را نزند.

آگاه باشید اگر چنین کنید؛ مرا بار دیگر می‌بینید که در جانب دیگر صف و در مقابل شما قرار می‌گیرم. و بار دیگر برای اسلام با شما پیکار خواهم کرد.

پس جبرئیل دست بر شانهٔ من گذاشت چون به سوی او برگشتم.

گفت یا محمدﷺ بگو، به خاطر علی بن ابی طالبؑ با شما مقاتله می‌کنم.

آن حضرت به طرف ما برگشت و فرمود: پس با علیؑ دشمنی و مخالفت نکنید.

(۵۶۱) در کتاب عتیق، ابی صالح از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرد:

جبرئیل برای نبیﷺ خبر آورد؛ پیروان و اُمّت تو بعد از تو با علیؑ به جنگ و جدال بر می‌خیزند.

آن گاه آیهٔ: «قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ رَبِّ فَلَاتَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»[1].

و آیه «فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا مُقْتَدِرُونَ[2]»

به رسول اللهﷺ نازل شد.

مصطفیﷺ رو به یاران و اصحاب کرد و فرمود: ای مردم! بار دیگر کافر نشوید تا بعضی از شما گردن دیگری را با شمشیر بزنند. و قتل و خون ریزی به راه افتد.[3] اگر چنین کنید در صف ... شر با من روبرو می‌شوید و با شما بر سر اسلام مقاتله خواهم کرد. جبرئیل با تندی به من اشاره کرد و گفت بگو بلکه به خاطر علیؑ با شما مقاتله و پیکار می‌کنم.

---

۱. مؤمنون ۹۵-۹۳.

۲. زخرف ۴۲-۴۳.

۳. روایت رقم ۵۶۲ و ۵۶۳ / شواهد التنزیل تقریباً به همین محتوی است.

۱۰۶ فَإِذَا نُفِخَ فِی الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَیْنَهُمْ یَوْمَئِذٍ وَلَا یَتَسَاءَلُونَ. (مومنون/۱۰۱)

پس آن گاه که در صور دمیده شود، در آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از (حال) یکدیگر نمی‌پرسند.

(۵۶۴) سفیان ثوری از ابن جُرَیج از عطاء نقل کرد: ابن عبّاس صحابی نوجوان گفت، از مصطفی ﷺ شنیدم فرمود: «**کُلُّ حَسَبٍ وَنَسَبٍ یَوْمُ الْقِیَامَةِ مُنْقَطِعٌ إِلاَّ حَسَبِی وَ نَسَبِی**» همه رابطه‌های فامیلی اعم از حَسبی و نَسبی در روز قیامت منقطع می‌شود مگر حسب و نسب من که ارتباطش قطع نمی‌شود. اگر دوست دارید. آیهٔ شریفهٔ: «**فَاذَا نُفِخَ فی الصُّور فَلاَ أنسَاب بینهم یَوْمَئِذٍ وَلاَ یَتَسائَلُون**» را تلاوت کنید.

۱۰۷ انّی جَزَیْتُهُمُ الْیَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُم هُمُ الْفَآئِزُون. (مومنون/۱۱۱)

من (هم) امروز به (پاس) آن که صبر کردند، به آنان پاداش دادم، آری، ایشان هستند که از رستگاران‌اند.

(۵۶۵) عَلْقمه نقل کرده است، عبدالله بن مسعود قاری مشهور قرآن کریم و صحابی معروف رسول الله ﷺ در تفسیر و توضیح آیه کریمه «**إِنّی جَزَیْتُهُم الْیَوْمَ بَمَا صَبَرُوا**» گفت: پاداش نیکو و جنّت رضوان به کسانی داده می‌شود که بر ولایت علی بن ابی طالب ﷺ و محبّت فاطمه و حسن و حسین ﷺ پایداری کرده و صبور بوده‌اند.

و همچنین در انجام دادن طاعات و فرایض، مطیع و فرمانبردار بوده بر فقر و گرسنگی ناشکیبائی نکرده‌اند، به معاصی نزدیک نشده و به هنگام بلا و گرفتاری بی‌تابی نکرده‌اند و «**أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُون**» یعنی این طایفه که این گونه‌اند اهل نجات‌اند و از حساب و محاسبه رهایی می‌یابند.

۱۰۸ فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرفَعَ وَیُذکَرَ فِیها اسْمُهُ یُسبّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِ وَالْاصَالِ * رِجَالٌ لاتُلْهِیهِم تِجارةٌ وَ لابَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللّهِ وَاِقَامِ الصَّلٰوةِ وَ ایتَاءِ الزَّکوٰة یَخافُونَ یَوْماً تَتَقَلَّبُ فِیهِ القُلُوبُ والابصَرُ. (نور/۳۷)

در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که (قدر و منزلت) آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن (خانه)ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند.

مردانی که نه تجارت و نه داد وستدی، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد، و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود می‌هراسند.

(۵۶۶) ابی داود از ابی برزه نقل کرده است که رسول الله ﷺ دربارهٔ آیه شریفه **فِي بُيُوتٍ أذِنَ اللّهُ أنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فَيها اسْمُهُ**...فرمود؛ منظور از بُیوت در آیه؛ بیت مصطفی ﷺ است.

سؤال شد، یا رسول الله! آیا بیت علی﷣ و فاطمه﷤ هم از آن جمله است.

فرمود: بلی، بلکه از افضل آن بیوت است.

(۵۶۷) ابان بن تغلب از نُفَیع بن حارث نقل کرد که انس بن مالک و بریدهٔ گفته‌اند: چون مصطفی ﷺ آیه کریمه **فِي بُيُوتٍ أذِنَ اللّهُ أنْ تُرْفَع** ... را در میان جمعیت قرائت فرمود؛ مردی از آن میان برخاست و پرسید: این «خانه‌ها» که در آیه تلاوت فرمودید کدام خانه‌ها و از خانه‌های چه طایفه‌ای است؟

مصطفی ﷺ فرمود: آن خانه‌های انبیاست که دارای چنین منزلتی است.

ابوبکر از میان جمعیت برخاست و با دست اشاره به بیت علی﷣ و فاطمه﷤ کرد و پرسید:

یا رسول الله! آیا این خانه هم از آن خانه‌هایی است که با آیهٔ «**أنْ تُرْفَعَ فِيها اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَه** ...» ارتباط دارد؟

مصطفیﷺ با تأکید فرمود: بلی این بیت از بهترین بیوتی است که به این آیهٔ شریفه ارتباط پیدا می‌کند.

(۵۶۸) انس بن مالک و بریدهٔ نقل کردند:

رسول خداﷺ در میان جماعتی از روات آیه (**فِي بُيُوتٍ اَذِنَ اللَّهُ اَنْ تُرفَعَ.....**) را قرائت کرد.

مردی از آن میان برخاست گفت: بیوتی که این چنین با ارزش هستند بیوت چه کسانی است؟

مصطفیﷺ فرمود: آن بیوت انبیاست.

ابوبکر پرسید؟ یا رسول‌الله! آیا بیت فاطمه و علیؑ هم از جمله آن بیوت هستند؟

حضرت فرمود: بلی؛ بلکه از افضل آن بیوت، بیت فاطمهؑ و علیؑ است.

۱۰۹ وَ مَن يُطِعِ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللهَ وَ يَتَّقْهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ.

(نور/ ۵۲)

وکسی که خدا و فرستاده او را فرمان برد، و از خدا بترسد و از او پروا کند؛ آنان‌اند که خود کامیاب‌اند.

(۵۶۹) ضحاک از ابن عباس مفسّر مشهور قرآن در توضیح آیه شریفه نقل کرد؛ (**وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ...**) یعنی کسانی که خدا و رسول را اطاعت می‌کنند و از گناهان و خطاهای گذشتهٔ خویش خائف‌اند، و نفس خویش را برای آینده کنترل و مراقبت می‌کنند. (**فَأُوْلَئِکَ هُمُ‌الْفَائِزُون**) آنان رستگار و اهل نجات‌اند و وارد بهشت می‌شوند.

ابن عباس در ادامهٔ سخن گفت: این آیهٔ شریفه در بارهٔ علی بن ابی طالبؑ نازل شد که دارای چنین صفاتی بوده است.

۱۱۰ **وَعَدَاللهُ الَّذِيْنَ آمَنُوا مِنْكُم وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْض.**

(نور/ ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد.

(۵۷۰) ابی صادق از حنش روایت کرد؛ علی علیه السلام فرمود:
سوگند به آن خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد،خدای سبحان قرآن را بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به صدق و عدل نازل کرد تا با این آیه شریفه مهربانی و عطوفت خویش را به کمال برساند و صالحان را وارثان زمین گرداند.

(۵۷۱) سُدیّ از ابن عبّاس در شأن نزول آیه کریمه «**وَعَدَاللهُ الَّذين آمَنُوا....**» گفت: این کلام یزدان در شأن آل‌محمّد صلی الله علیه و آله نازل شد. که آن بزرگواران را وعده خلافت بر روی زمین داده است.

(۵۷۲) عبدالرّحمان از قاسم بن عوف حکایت کرد، شنیدم عبدالله بن محمد[1] حنفیّه در تفسیر و توضیح آیه شریفه؛«**وَعَدَاللهُ الَّذِيْن آمَنُوا مِنكُم وعَمِلُوا الصّالحات...**» گفت: آن کسانی که خدای سبحان به آنان وعده خلافت وجانشینی در زمین را داده است؛ ما اهل بیت وخاندان مصطفی صلی الله علیه و آله هستیم.

۱۱۱ **وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَآءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَصِهْراً وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيراً.**

(فرقان/ ۵۴)

و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را (دارای خویشاوندی) نسبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست.

---

۱. ابن عبدالله، پسر محمد بن حنفیه است.

(۵۷۳) حکیم بن ظهیر حدیثی از سُدیّ نقل کرد،که وی گفته کلام ربّانی (**هُوَالَّذی خَلَقَ مِنَ الْمَاء بَشَراً...**) درباره نبی ﷺ و علی ؑ نازل شد. آن هنگام که پیامبر فاطمه ؑ دختر خویش را به تزویج پسر عمّ خود در آورد. که در این ازدواج هم رابطهٔ نسبی و هم سببی وجود دارد. که علی ؑ هم پسر عموی نبی ﷺ و هم داماد آن حضرت است. و آیه شریفه به این معنی اشاره کرده است.

(۵۷۴) ابوقُتیبه تیمّی گفت: از ابن سیرین شنیدم؛ در توضیح آیهٔ شریفه «**فَجَعَلَهُ نَسَباً وصِهْراً**» بیان کرد:

آن مرد بزرگی که افتخار پیوند نَسَبی و سَبَبی را پیدا کرد،علی بن ابی طالب ؑ است که هم پسر عم و هم داماد مصطفی ﷺ است وخدای سبحان او را فامیل نَسبَی و سَبَبی؛یعنی پسر عم و داماد نبی ﷺ قرار داد.

۱۱۲ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِینَ إِمَاماً (فرقان / ۷۴)

و ما را پیشوای پرهیزگاران قرارده.

(۵۷۵) ابان بن تغلب گفت: از جعفر بن محمد ؑ در توضیح کلام‌رحمان (**الَّذِیْنَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنَا و ذرّیاتنا قُرَّةَ أَعْیُنٍ وَاجْعَلْنا لِلْمُتَّقِین إماما**) سؤال کردم.

آن جناب فرمود: ما اهل بیت مصطفی ﷺ هستیم که مورد تقاضا قرار گرفتیم تا امام و پیشوای متقین شویم.

(۵۷۶) ابی هارون از ابی سعید خدری در تفسیر آیه شریفه «**رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنَا وَ ذُرّیّاتنا...**» نقل کرده است که مصطفی ﷺ فرمود: از جبرئیل پرسیدم؛منظور از «**أَزْواجنا**» کیست؟ جبرئیل گفت: خدیجه کبریٰ.

پرسیدم: منظور از **ذُرّیاتنا** چیست؟

جبرئیل گفت: فاطمه‌ﷺ

سؤال کردم: پس **قُرَّةَ اَعْیُن** چه کسانی هستند؟

جبرئیل گفت: حسن و حسین‌ﷺ هستند.

آن گاه سؤال کردم: **واجْعَلْنا لِلْمُتَّقین اِماماً** کیست؟

جبرئیل گفت: علی بن ابی طالب‌ﷺ که امام متقین و مؤمنین است.

۱۱۳ **اِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَیْهِم مِنَ السَّماءِ اٰیَةً فَظَلَّتْ اَعْناقُهُمْ لَها خاضِعین.** (شعراء/۴)

اگر بخواهیم، معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم، تا در برابر آن، گردن‌هایشان خاضع شود.

(۵۷۷) ابی صالح از عبدالله بن عباس در توضیح و تفسیر آیه کریمه فوق چنین نقل کرده است که ابن عباس گفت: این کلام الهی درباره ما و بنی امیّه نازل شد. دولت و حکومت برای ما خواهد بود. و بنی امیّه بعد از عزّتِ سلطنت،به ذلّت کشیده می‌شوند و سپس آیه (**اِنْ نَشَأْنُنَزِّل عَلَیْهِم مِنَ السَّمأ...**) را قرائت کرد.

۱۱۴ **فَمَا لَنا مِن شافِعین . وَلاٰ صَدِیقٍ حَمِیمٍ.** (شعرا/۱۰۱)

در نتیجه نه شفاعت کننده و نه دوست نزدیکی داریم.

(۵۷۸) عبّاد بن یعقوب از عیسی و او از پدرش نقل کرد جعفربن محمد ﷺ از قول پدر بزرگوارش فرمود:

آیه «**فَمَا لَنا مِنْ شافِعین وَلاٰ صَدِیقٍ حَمِیمٍ**» در شأن ما اهل بیت و شیعیان حقیقی ما نازل شده است.

چون خدای سبحان به ما و شیعیانمان فضیلت شفاعت عنایت کرد تا در جای خودش که قیامت باشد.از آنان شفاعت کنیم.

کسانی که در صحنه قیامت حاضر شوند، و از شفیع و شفاعت آگاه شوند، با حسرت می‌گویند «**فَمَالَنَا مِنَ شَافِعِیْن**» یعنی برای ما شفیعی نیست![1]

۱۱۵ وَأَنذِرْ عَشِیرَتَکَ الْأَقْرَبِین. (شعرا/۲۱۴)

و خویشان نزدیکت را هشدار ده

(۵۸۰) ابی اسحاق از براءَ نقل می‌کند: وقتی آیهٔ «**وَأَنْذِرْ عَشِیْرَتَکَ الْأَقْرَبِیْن**»نازل شد. رسول الله ﷺ فرزندان عبدالمطلب راکه در آن روز چهل نفر بودند دعوت کرد.

به علی ﷺ فرمود: که ران گوسفندی را بریان کرده، غذایی مهیا کن. آن گاه آنان را با نام خدا فرا بخوان.

آنان ده نفرده نفر بر سر سفره نشستند و همگان از آن غذا تناول کردند و سیر شدند.

ابولهب شروع به سخن کرد و گفت: این مرد چه‌ساحر ماهری است! نبی ﷺ ساکت بود و سخنی نمی‌گفت.

روز بعد نیز همان طعام را مهیا کردند و پس از خوردن،پیامبر ﷺ برای انذار آنان پیام خدای سبحان را ابلاغ کرد و فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! من نذیر و بشیر به سوی شماهستم. دنیا وآخرت را برای شما ارمغان آوردم. مسلمان شوید.واز من متابعت واطاعت کنید تا هدایت شوید و نجات یابید.سپس فرمود:

«**مَنْ یوَاخِینی وَیُوازِرنی یَکُون وَلِیّی وَ وَصیّ بَعْدی وَ خَلیفَتی فِی أَهْلِي وَیَقْضی دَیْنی**».

---

۱. روایت رقم ۵۷۹ / شواهد التنزیل به همین مضمون و محتوی نقل شد.

«امروز هرکسی برادر و وزیر و پشتوانه کارهای من شود، ولیّ و وصیّ و جانشین من در میان اهل و خانواده‌ام می‌شود و دَیْن مرا ادا می‌کند»

در پاسخ به تقاضای رسول الله،ﷺ همه قوم ساکت ماندند و کسی سخنی نمی‌گفت. رسول اللهﷺ پیام خویش را سه بار تکرار کرد، و آنان همچنان ساکت بودند و سخنی نمی‌گفتند، امّا در هر بار علیؑ می‌گفت: یا رسول الله! من تو را اطاعت و اجابت می‌کنم؛ مصطفیﷺ می‌فرمود: یا علی! ساکت و آرام باش.

بعد از سخنان رسول‌اللهﷺ آن جماعت برخاستند. در حالی که به ابوطالب می‌گفتند: برو از پسرت علیؑ اطاعت کن چون محمدﷺ او را امیر تو قرار داده است.

۱۱۶ مَن جٓاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنها وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ یَوْمَئِذٍ آمِنُونَ . وَ مَنْ جٓاءَ بِالسَّیِّئَةِ فَکُبَّتْ وُجُوهُهُم فِی النّٰارِ هَل تُجْزَوْنَ اِلاّٰ مٰا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

(نمل / ۹۰)

هرکسی نیکی به میان آورد، پاداشی بهتر از آن خواهد داشت، و آنان از هراس آن روز ایمن اند. هرکسی بدی به میان آورد، به رو در آتش (دوزخ) سرنگون شود. آیا جز آنچه می‌کردید سزا داده می‌شوید؟

(۵۸۱) محمدبن زید نقل کرد پدرش از ابوجعفر صادقؑ شنید که آن جناب فرمود: روزی ابوعبدالله جَدَلی به حضور امیرالمؤمنین علیؑ رسید. علیؑ به او فرمود: یا اباعبدالله! آیا می‌خواهی تو را از راز و رمز و حقیقت آیات کریمه «**مَن جٓاءَ بِالحَسَنَةِ فَلَهُ خیرٌ مِنها وَهُم مِنْ فَزَعٍ یَومئذٍ آمِنُونَ . وَ مَنْ جٓاءَ بِالسَّیِّئَةِ فَکُبَّتْ وُجُوهُهُم فی النّٰارِ هَل تُجزونَ اِلاّٰ ما کُنْتُم تَعْمَلُون**» مطلع کنم؟

ابوعبدالله گفت: بلی یا امیرالمؤمنین! بفرمایید تا آگاه شوم.

علیؑ فرمود: منظور و مقصود از «حَسَنة» در آیه شریفه، حبّ و دوستی ما اهل

بیت است و منظور از سیّئه بغض و کینه نسبت به ماست.

(۵۸۲) فُضَیل بن زبیر از ابی داود سبیعی نقل کرد که ابی عبدالله جَدَلی گفت: روزی به خدمت علی بن ابی طالب علیه السلام رسیدم.

آن بزرگوار فرمود: یا اباعبدالله! آیا می‌خواهی تو را از حَسَنه‌ای که اگرکسی انجام دهد خدا او رابه بهشت داخل می‌کند و از سیّئه‌ای که انجام دهنده آن با پیشانی در آتش افکنده شود و هیچ عملی با آن سیئه پذیرفته نشود، خبر دهم؟

گفتم: بلی، یا امیرالمؤمنین!

آن حضرت فرمود: «حَسَنة،» حبّ ما اهل بیت و «سیّئه،» بغض و کینه نسبت به ما اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله است.

(۵۸۳) جابربن عبدالله انصاری نقل می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! اگر اُمتم آن قدر روزه بگیرند تا مثل «میخ» شوند وشب و روز در حال نماز باشند تا مثل کَمان منحنی شوند با این همه نماز و روزه اگر دشمن تو باشند و کینه تو را در دل داشته باشند خدای جبّار، آنان را باصورت و (بینی) در آتش جهنّم می‌اندازد.

(۵۸۴) عطیّه از ابوسعید خدری نقل کرد در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله در مدینه شخصی به دست فردی کشته شد. مصطفی صلی الله علیه و آله بر منبر نشست و خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: هر کسی با اهل بیت من دشمن باشد، خدای عزّوجلّ او را با صورت در آتش جهنم می‌افکند.

(۵۸۵) جابربن عبدالله و انس بن مالک گفتند:

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! «**لَوْ اَنَّ اُمَّتی اَبْغَضُوکَ لَاَکَبَّهُم اللهُ عَلیٰ مَناخِرِهم فِی النّار**».

یا علی! هر کسی از اُمّتم با تو دشمنی کند. خدای سبحان او را با صورت و بینی در آتش جهنم سرنگون می‌کند.

(۵۸۶) عطاء بن ابی رباح از قول ابن عبّاس نقل کرده است که روزی مصطفی صلی الله علیه و آله در جمع بنی‌هاشم فرمود: ای بنی هاشم! من سه چیز از خدای منّان برای شما خواستم.

به جاهل بنی‌هاشم علم و حکمت، و به عالم ثبات قدم عنایت کند و نسبت به شما رحمت کند و شما را نجابت عطا فرماید.

و بدانید اگر کسی بین رکن و مقام را لانه خود سازد و در آن جا به عبادت پردازد ولی دشمنی و بغض بنی هاشم را در دل داشته باشد، خدای تعالی او را با صورت در آتش جهنم واژگون می‌کند.

(۵۸۷) فُضیل رسان از ابی‌داوُد سبیعی نقل کرد، ابوعبدالله جَدَلی از قول علی﵇ حدیثی را روایت کرد که امیرالمؤمنین علی﵇ به من فرمود:

یا اباعبدالله! آیا خبر دهم تو را از آن حَسنه‌ای که خدای سبحان دارندگان آن حَسنه را در روز قیامت در رفاه و آسایش قرار می‌دهد؟

بدان که آن حَسَنه، محبّت و دوستی ما اهل بیت مصطفیﷺ است.

و آن سَیّئه‌ای که موجب سرنگونی در جهنم است دشمنی و کینه نسبت به ما اهل بیت محمّدﷺ است.

سپس آیهٔ کریمه «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ» را تلاوت کرد.

(۵۸۸) ابی اُمامه باهلی گفت؛ رسول اللهﷺ فرمود:

اِنَّ اللهَ خَلَقَ اَلاَنبياءَ مِنْ شَجَرٍ شَتّىٰ و خَلَقَني وَعَليّاً مِـنْ شَـجَرةٍ واٰحِـدةٍ، فَاَنااَصلُها وَ عَلىٌّ فَرْعُها وَالحَسَنُ وَالحُسينُ ثِمارُها وَاَشياٰعُنا اَوْراقُها. فَمَنْ تَعلَّقَ بِغُصْنٍ من اَغْصانَها نَجىٰ وَ مَنْ زاغَ هَوىٰ وَ لَوْ اَنَّ عابداً عَبَدَاللهَ اَلف عام ثُمَّ الف عام ثُمَّ الف عامٍ ثُمَّ لم يُدْرِك مُحبّتنا اهل البيت اَكبّه اللهُ على منخريه في النّار.

خدای سبحان؛ پیامبران را از درخت‌های مختلف و پراکنده خلق کرد. امّا من و علی﵇ را از درخت واحد خلق کرد. من اصل شجره هستم و علی﵇ فرع آن است. حسن و حسین﵉ میوه‌های این درخت هستند. شیعیان ما برگ‌های سبز این درخت‌اند. هر کسی به شاخه‌ای از شاخه‌های این درخت بچسبد و آویزان شود، نجات می‌یابد و هر کسی از آن جدا شود و فاصله گیرد هلاک گردد.

اگر عابدی سه هزار سال عبادت کند و حال این که محبّت ما اهل بیت را درک نکند، خدای رحمان او را با صورت در آتش جهنم سرنگون کند.

سپس این آیه شریفه **(قُل لاأسألُکُمْ عَلَیه اَجْراً اَلاّ المَوَدَّةَ فِی القُربٰی)** را تلاوت کرد.

۱۱۷ وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِیْنَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْاَرضِ وَ نَجْعَلَهُم ائِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِین.

(قصص /۴)

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منّت گذاریم و آنان را پیشوایان(مردم) گردانیم، و ایشان را وارث (زمین) قرار دهیم.

(۵۸۹) محمّدبن سنان از مُفضَل بن عمر نقل کرد،که او گفت، از جعفربن محمد صادقﷺ شنیدم فرمود: روزی رسول الله ﷺ به علی، حسن و حسین ﷺ نظر انداخت و شروع به گریه کرد و اشک ریخت؛ سپس فرمود: شما مستضعفین بعد از من هستید. مُفَضَّل گفت؛ پرسیدم: یابن رسول‌الله! معنی این کلام پیامبر ﷺ چیست؟

فرمود: یعنی مصطفی ﷺ به علی و حسن و حسین ﷺ گفت بعد از من ائمه و امام هستید، و خدای سبحان می‌فرماید:

«وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِیْنَ اُسْتُضْعِفُوا فِی الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُم ائمَّةً وَ نَجْعَلَهُم الوارِثِین»

و این آیه کریمه درباره ما اهل بیت و امامان امت تا قیامت جریان دارد.

(۵۹۰) ربیعة بن ناجذ گفت؛ علی ﷺ فرمود:

لَیَعْطِفَنَّ عَلَیْنا الدُّنیا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلى وَلَدها، سپس آیه **(وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلى الَّذِیْن)...»** را تلاوت کرد.

(۵۹۱) ابی صادق از حنش نقل کرده است که امیرالمؤمنین علی ﷺ فرمود: هر کسی بخواهد از کارها وارتباط ما با مردم و قوم قریش سؤال کند، بداند که ما و شیعیانمان از

روزی که خدای سبحان زمین و آسمان را خلق کرد بر سنّت وسیره موسی‌ﷺ وپیروان او بودیم وهستیم. و دشمنان ما هم از روز خلقت زمین وآسمان بر مرام ومسلک و سنّت فرعون واتباع وپیروانش بودند و هستند.

سپس این دو آیه شریفه را تلاوت کند **(إنّ فِرْعون عَلاَ فِی الأَرْضِ)** **«وَنُرِيدُ اَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِيْنَ اُسْتُضْعِفُوا...»**.

آن گاه فرمود: سوگند به خدای سبحان که بر موسی‌ﷺ کتابی از سر صدق و عدل نازل شد که این مطلب را خبر داده بود.

«لِيَعْطِفَنَّ عَلَيْكُم هٰولآء الآيات عَطْف الضَّرُوس عَلَى وَلَدِها».

(۵۹۲) عبدالجبّار از عثمان اعشی ثقفی و او از ابی صادق نقل کرد؛ علی‌ﷺ فرمود: آیهٔ شریفه **«وَنُرِيدُ اَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِيْنَ اُسْتُضْعِفُوا فِي‌الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُم ائمةً و نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِين»** برای ما ودربارهٔ ماست.[۱]

(۵۹۵) عبدالله بن محمد بن عقیل از قول جابربن عبدالله انصاری نقل کرده است که رسول الله‌ﷺ فرمود:

يا بنيّ هاشم! اَنْتُم الْمُسْتَضْعَفُون الْمَقْهُورون الْمُسْتَذِلُّون بَعْدي.

ای بنی هاشم! بعد از من حق شما را تضعیف و شما را مستضعف و مقهور قرار می‌دهند. و آن عزّتی که در زمان حیات من داشتید، به ذلت وخواری تبدیل می‌کنند.

(۵۹۷) عبدالله بن حسن از مادرش فاطمه بنت حسین‌ﷺ و او از پدرش حسین بن علی‌ﷺ نقل کرده‌اند که اباعبدالله الحسین ﷺ فرمود:

«نَحْنُ الْمُسْتَضْعَفُون وَ نَحْنُ‌الْمَقْهُورُون وَ نَحْنُ عِترةَ رسول الله فَمَنْ نَصَرَنا فَرَسُولُ الله نَصَرَ و مَنْ خَذَلَنا فَرَسُولُ الله خَذَلَ»

به یقین ما به سبب حمایت نشدن، مستضعف و مقهور قرار گرفتیم، ما عترت مصطفی‌ﷺ هستیم. هر مسلمانی ما را یاری و نصرت دهد؛ رسول الله‌ﷺ را یاری داده

۱. روایت رقم ۵۹۳ و ۵۹۴ / شواهد التنزیل تقریباًبه یک معنی است که با همین مضمون نقل شد.

است. و هر کسی ما را خوار گرداند، رسول اللهﷺ را خوار کرده است.

بدانید ما و دشمنانمان در روزی که (**يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَراً**...) تجمع می‌کنیم. آنان به سزای دشمنی خویش می‌رسند.

۱۱۸ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِأَخِيکَ وَ نَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطاناً. (قصص / ۳۵)

فرمود: به زودی بازویت را به (وسیله) برادرت نیرومند خواهیم کرد و به شما هر دوقدرت می‌دهیم.

(۵۹۸) مُنذر از ابان بن تغلب و او از انس بن مالک خدمتکار رسول اللهﷺ نقل کرد، در یک سرزمینی که عده‌ای به تجاوز و نافرمانی پرداختند، آن حضرت عده‌ای از اصحاب را به فرماندهی فردی به نام مصدّق برای سرکوبی آنان فرستاد، آن متجاوزان، مصدّق را به قتل رساندند. چون خبر کشتن او به رسول اللهﷺ رسید، خیلی متأثر و ناراحت شد.

بلافاصله علیّ مرتضیﷺ را به فرماندهی عدّه‌ای از اصحاب به سرکوبی و تنبیه آنان اعزام کرد.

علیﷺ مثل صاعقه بر سر آن یاغیان فرود آمد. جنگجویان آنان را کشت و فرزندانشان را اسیر گرفت و به سوی مدینه بازگشت.

وقتی خبر پیروزی به مصطفیﷺ رسید، بسیار مسرور و دلشاد شد.

علیﷺ چون به نزدیک مدینه رسید. نبیﷺ به استقبال وی آمد و او را در آغوش گرفت، و معانقه کرد. سپس بین دو چشم او را بوسید. و فرمود:

«يا عَلی! بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی مَنْ شَدَّ عَضُدی بِهِ كَمَا شَدَّ عَضُدَ موسٰی بهارون».

پدر و مادرم فدای آن یار و یاوری که خدای تعالی بازوان مرا به وسیله او تقویت کرد. همان طور که بازوی موسی را به وسیله هارون محکم کرد.

۱۱۹ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ. (قصص / ۶۱)

آیا کسی که وعدهٔ نیکو به او داده‌ایم و او به آن خواهد رسید، مانند کسی است که از زندگی دنیا بهره‌مندش کرده‌ایم‌!پس او روز قیامت از (جملهٔ) احضار شدگان (در آتش) است.

۵۹۹ أبان بن تَغلب از قول مجاهد در شأن نزول آیه کریمه «أَفَمَن وَعَدْنٰاهُ‌وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لاَقِيهِ ...» بیان کرد:

این آیه دربارهٔ علی﷣ و حمزه سیدالشهدا و ابی جهل نازل شد که در قیامت به علی﷣ و حمزه وعدهٔ نیکو و به ابوجهل وعده عذاب داده خواهد شد.

۶۰۰ أبان بن تَغلب از مجاهد درباره آیه شریفه أَفَمَنْ وَعَدْنٰاهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لاٰقِيهِ...» گفت؛ این آیه در شأن علی﷣ و حمزه نازل شد که پیوسته مورد لطف و عنایت خدای سبحان هستند، و در این آیه وعدهٔ نیکو به آنان داده است.

و ادامه آیه «كَمَن مَتَّعناهُ متاع الْحَياة الدُّنيَا» در مذّمت ابو جهل و توبیخ او نازل شده است.

۶۰۱ ابی صالح از عبدالله بن عبّاس در توضیح این آیه شریفه بیان کرد که ابن عَبّاس گفت: أَفَمَن وَعَدْنٰاهُ وَعْداً حَسَناً در شأن علی﷣، جعفر طیّار و حمزه سید الشهدا نازل شد، چون که خدای سبحان در دنیا از زبان نبیّﷺ به آنان وعده نیکو داد و این سه تن اخیار در قیامت پاداش‌های نیکوی خویش را دریافت می‌کنند.

و منظور از دنبالهٔ آیه «كَمَنْ مَتَّعناهُ مَتاعَ الْحياة الدُّنيا» ابوجهل بن هشام است که به

واسطه متاع چند روزهٔ دنیا راه طغیان و مخالفت بر ضدّ محمّد رسول‌اللهﷺ را با اصرار ادامه داد، واو طبق آیه (**ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِين**) از کسانی است که در جهنّم معذّب است.

۱۲۰ الٓمٓ * أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لاَيُفْتَنُونَ. (عنکبوت ۲)

الف، لام، میم. آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟

(۶۰۲) عُبیداللّه بن حسین از پدرش و پدر او از جدّش و جدّ او از حسین بن علیؑ نقل کرده است که علیؑ فرمود: وقتی آیهٔ کریمه (**الٓم، أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لاَيُفْتَنُونَ**) بر پیامبرﷺ نازل شد از آن حضرت پرسیدم: یا رسول الله! این چه فتنه و آزمایشی است که در کلام خدای جلیل ذکر شد؟

فرمود: «**يا عليّ! إنّكَ مُبتَلىً وَ مُبتَلىً بِكَ**»

یعنی یا علی! تو مورد آزمایش واقع می‌شوی. و مردم هم به سبب تو آزمایش می‌شوند و در فتنه می‌افتند و مَفتُون می‌شوند.

(۶۰۳) ابی معاذ بَصْری نقل می‌کند، همراه امیرالمؤمنین علیؑ در جنگ جمل بودم، وقتی بصره را فتح کرد، نماز ظهر را با مردم و لشکریان به جماعت اقامه کرد.

در پایان نماز رو به مردم کرد و فرمود: ای مردم! آنچه می‌خواهید بپرسید؟

عبّاد بن قیس برخاست وگفت: یا علی! آیا در مورد فتنه از رسول اللهﷺ سؤالی کردی؟

علیؑ فرمود: بلی؛ آن هنگام که آیه «**الم، أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا...**» بر پیامبر نازل شد. اطراف آن حضرت جمع شدیم، و گفتم: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای وجود نازنینت، این فتنه‌ای که امّت تو به آن مبتلا می‌شوند چیست؟

رسول خدا(ص) فرمود: یا علی! از آنچه در ذهن داری سؤال کن.

گفتم: یا رسول الله(ص)! بعد از تو برای چه چیزهایی جهاد و تلاش کنیم.

فرمود: **عَلَى الْأَحْدَاثِ يَا عَلِيُّ!**

پرسیدم: **يَا رَسُولَ اللهِ! فَبَيِّنْهَا لِي.**

فرمود: **كُلِّ شَيْءٍ يُخَالِفُ الْقُرْآنَ وَ سُنَّتِي.**

با هر چیزی که مخالف قرآن و سنّت من است، مخالفت و مقابله کنید.

۱۲۱ **أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَن يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ * مَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * وَ مَن جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ * وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ**

(عنکبوت ۸ـ۴)

آیا کسانی که کارهای بد می‌کنند، می‌پندارند که بر ما پیشی خواهند جست؟ چه بد داوری می‌کنند. کسی که به دیدار خدا امید دارد (بداند که) اجل (او از سوی) خدا آمدنی است، و اوست شنوای دانا.

و هر که بکوشد، تنها برای خود می‌کوشد، زیرا خدا از جهانیان سخت بی‌نیاز است. و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً گناهانشان را از آنان می‌زداییم، و بهتر از آنچه می‌کردند پاداششان می‌دهیم.

۶۰۴ ابی صالح نقل کرد، ابن عبّاس در توضیح آیه شریفه «**أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ**» بیان کرد. این قسمت آیه شریفه در مذمت عُتبه و شیبه و ولید بن عتبه که به مبارزه علی(ع) و حمزه و عبیده در جنگ بدر حاضر شدند نازل شد.

و آیهٔ «**مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ مَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا**

یُجاهِدُ لِنَفْسِهِ» در تحسین و تمجید علیؑ و حمزه سیدالشهدا وابوعبیده نازل شد که به امید ثواب و توقّع لقاء پروردگار در خدمت پیامبرﷺ به میدان جهاد رفتند.

(۶۰۵) کلبی از ابی صالح نقل کرد، عبدالله بن عباس مفسّر مشهور در توضیح شأن نزول آیهٔ شریفه گفت: «وَالَّذِيْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» یعنی علیؑ و حمزه وابوعبیده «لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّآتِهِم» که گناهان آنان را به پاس خدماتشان در جنگ بدر محو ونابود می‌کنیم و آنان را مورد لطف و نوازش و بخشش قرار می‌دهیم.

«وَلَنَجْزِيَنَّهُم» به آنان ثواب و اجر اُخروی که بهشت باشد می دهیم.

اینان کسانی بودند که بهترین اعمال را در دنیا انجام دادند، و این سه آیه در شأن علیؑ و دو مصاحبش نازل شد. سپس شامل هر کسی که بر این صفت باشد نیز می‌شود.

۱۲۲ وَالَّذِيْنَ جاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُم سُبُلَنا وَ إِنَّ اللهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ.

(عنکبوت / ۶۹)

و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نمایانیم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.

(۶۰۶) زیاد بن مُنْذِر نقل کرد، ابی جعفرؑ فرمود:

کلام خدای سبحان: «وَالَّذِيْنَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا» درباره ما اهل بیت نازل شد.

(۶۰۷) اَبان بن تَغْلِب روایت کرد. ابوجعفرؑ فرمود:

آیه کریمه «والَّذِيْنَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَإِنَّ اللهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» در حقّ ما اهل بیت نازل شد. و مصداق کامل آیهٔ شریفه ما هستیم.

۱۲۳ فَآتِ ذَاالْقُرْبىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلَ. (روم /۳۸)

پس حق خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را بده.

(۶۰۸) سفیان ثوری، از واصل احدب واو از عطاء نقل کرد؛ ابن عباس در تفسیر و توضیح این آیه گفت:

وقتی آیهٔ «وَآتِ ذَاالْقُرْبىٰ حَقَّهُ» نازل شد. رسول اللهﷺ، فاطمهﷺ را فرا خواند و سرزمین فدک را تقدیم وتسلیم او فرمود و مقصود از (اَلْمِسْكِينَ) گرسنه‌ای است که تقاضای طعام می‌کند و باید او را طعام دهند و منظور از «ابن السبیل» مهمانی است که برای ضیافت به منزل کسی می‌رود، باید سه روز به عنوان مهمان او را اکرام واحترام کرد.

سپس خدای بزرگ به رسولش خطاب می‌فرماید: یا محمد! اگر این خدمات را به ذوالقربی و مسکین وابن سبیل انجام می‌دهی به قصد قربت و وجه الله انجام ده.

«وَاُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». یا رسول الله! تو و هر کسی این حسنات را انجام دهد، در آخرت از آتش جهنم نجات می‌یابد و فائز و رستگار وارد بهشت خواهد شد.

۱۲۴ وَ مَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ اِلَى اللهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثقى (لقمان /۲۲)

و هر کسی خود را در حالی که نیکو کار باشد تسلیم خدا کند، قطعاً به ریسمان استوارتری چنگ زده است.

(۶۰۹) انس بن مالک در توضیح و شرح کلام خدا «وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى الله...» گفت: این آیه در باره شأن و مقام علیﷺ نازل شده است، آن حضرت نخستین مؤمن به

خدای سبحان و اوّلین مخلص لله بود که همه وجودش را در اختیار یزدان قرار داده و تسلیم خدای سبحان بود.

«هُوَ مُحْسِنٌ» یعنی او مؤمن ومطیع پروردگار بود و به عروة الوثقی مستمسک شد **«فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقیٰ»** که عروة الوثقی کلمه توحید و شعار **لا اله الا الله** است. و علی ؑ در طول عمر، چنین خصوصیتی داشت.

۱۲۵ **أَفَمَنْ کٰانَ مُؤْمِناً کَمَنْ کٰانَ فَاسِقاً لایَسْتَوُونَ.** (سجده ۱۸/)

آیا کسی که مؤمن است، چون کسی است که نافرمان است؟

(۶۱۰) کلبی از ابی صالح نقل کرده است که ابن عباس در توضیح آیه (**أَفَمَنْ کٰانَ مُؤْمِناً کَمَنْ کٰانَ فٰاسِقاً لایَسْتَوُون**) گفت:

منظور از مؤمن، علی بن ابی طالب ؑ و مقصود از فاسق ولید بن عُقبه است. که علی ؑ سمبل ایمان و ولید بن عُقبه معروف در فسق و فجور بود.

(۶۱۱) عبدالله بن عباس حکایت کرد.

ولید بن عقبه در مقام خود ستایی در مقابل علی ؑ بر آمده و با آن حضرت به مناظره ومشاجره پرداخت وگفت:

«یا عَلی! اَنَا اَحَدُّ مِنکَ سِناناً و اَسْلَطُ مِنکَ لِساناً وَاَمْلأُ مِنکَ حَشْواً فی الکتیبة».

یا علی! نیزه من از نیزه تو برّنده‌تر، فصاحت من از تو بیشتر و قوّت من از تو افزون‌تر است.

علی ؑ فرمود: خاموش باش، ای فاسق! وای بی مقدار! تو را نرسد که خود را با من مقایسه یا برتر بدانی!

سپس این آیهٔ کریمه بر مصطفی ﷺ نازل شد. و صحت سخنان علی ؑ را تأیید و تأکید فرمود که مؤمنی مثل علی ؑ با فاسقی مثل ولید هرگز قابل مقایسه نیستند.

(۶۱۲) ابی صالح از قول ابن عبّاس نقل کرد:

روزی ولید بن عُقبه به علی علیه السلام گفت: «أنَا أبسَط مِنکَ لِساناً وأحَدُّ منک سِناناً وَ أملأُ مِنکَ حَشواً فی الکتیبة».

یا علی! زبان من از تو گویاتر و برّنده‌تر و نیزه من از نیزه تو تیزتر و قوّت من از تو بیشتر است.

علی علیه السلام فرمود: ساکت باش و سخن گزاف مگو، تو فاسقی بیش نیستی و سخنان هرزه می‌گویی.!

سپس آیه شریفه «أفَمَنْ کَانَ مُؤمِناً کَمَنْ کَانَ فاسِقاً لایَستَوُون» بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد. یعنی آیا مؤمنی پاک سیرت (مثل علی بن ابی طالب علیه السلام) با فاسقی بد طینت (مثل ولید بن عُقبه) با هم یکسان اند؟ و هرگز (ولید با علی علیه السلام) قابل مقایسه نیست.

(۶۱۳) عِکْرَمة از ابن عباس نقل کرد؛ آیه کریمه «أفَمَنْ کَانَ مُؤمِناً کَمَنْ کَان فَاسِقاً» درباره علی علیه السلام و ولید نازل شد.

که علی علیه السلام به عنوان مؤمن و ولید بن عُقبه، مصداق بارز فسق وفاسق است که هرگز با هم قابل مقایسه نیستند.

(۶۱۴) ابی صالح از عبدالله بن عباس در شأن نزول آیه کریمه بیان کرد: «أفَمَنْ کَان مؤمناً» یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام و (کَمَنْ کَانَ فاسِقاً) یعنی ولیدبن عُقبه بن ابی مُعیَط «لایَستَوُون» هرگز با هم مساوی وبرابر نیستند. علی علیه السلام مؤمن والا نسب و ولید بن عقبه فاسقی بد سرشت است.

و ادامه آیه‌شریفه (فَلَهُمْ جَنّاتُ الْمَاوَیٰ) برای علی علیه السلام است. که مسکنش درجنّت است. «و مَاوَاهُمُ النَّار» دربارهٔ ولید بن عُقبه است، که جای فاسقی مثل ولید در آتش سوزان است.

(۶۱۵) عمروبن دینار از عبدالله بن عبّاس روایت کرد.

آیهٔ شریفه «أفَمَنْ کَانَ مُؤمِناً کَمَنْ کَان فَاسِقاً لایَستَوُون» بعد از مجادله علی علیه السلام و ولید بن عقبه بر رسول‌الله صلی الله علیه و آله نازل شد.

پس مؤمن در آیه علی بن ابی طالب علیه السلام است و فاسق ولید بن عُقبه که خدای

سبحان باطن هر دو را روشن و مقام و فضیلت هر یک را بیان کرد.

که مؤمنی مثل علی، هرگز با فاسقی مثل ولید برابر نیست[۱].

(۶۱۹) محمّدبن مغیرة با سلسله سندش نقل کرده است:

«أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كَانَ فَاسِقاً لايَسْتَوُونَ»

مؤمن یعنی مُصدّق و فاسق یعنی منافق که با هم در ایمان دنیایی و ثواب آخرتی نزد خدا هرگز مساوی نیستند.

ابن عبّاس در فلسفه نزول آیه کریمه فوق چنین گفت:

بین علی ﷺ و ولید بن عُقبه نزاع لفظی در گرفت و ولید در خودستایی مبالغه بسیاری کرد. و سخنان آن دو به تندی و خشونت کشید.

آن گاه آیهٔ شریفه نازل شد. که مرام و مسلک و ایمان و فسق هر یک را مشخص فرمود. تا بار دیگر ولید بن عُقبه لاف بیهوده نزند.

(۶۲۰) بعضی از صحابه از قول عطاء بن یسار نقل کرده‌اند.

سوره سجده به جز سه آیهٔ آن، در مکه نازل شد. که این سه آیه درباره علی ﷺ وولید بن عُقبه است و در مدینه نازل شد.

آن هنگام که ولید بن عُقبه در مقابل علی ﷺ ایستاد و گفت: من از تو شجاع‌تر و سخن‌ورتر و برترم.

علی ﷺ فرمود: ساکت باش. تو فاسقی بیش نیستی و خود را با من مقایسه نکن.

آن گاه خدای سبحان آیهٔ **«أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كَانِ فَاسِقاً»** را درباره آن دو نازل فرمود، تا همگان بدانند مؤمن یا فاسق کیست؟

(۶۲۲) ابو قُتیبه نقل کرده است از محمّدبن سیرین شنیدم در توضیح آیهٔ شریفه **(أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كَانَ فَاسِقاً لايَسْتَوُون)** گفت؛ مؤمن یعنی علی بن ابی طالب ﷺ و فاسق همان ولیدبن عقبه است.

---

۱. روایت رقم ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، و ۶۱۲ / شواهد التنزیل با همین مضمون و معنی نقل شد. که تکراری است.

۱۲۶ وَ جَعَلْنَا مِنْهُم أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُون.

(سجده /۲۴)

«و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند.»

(۶۲۴) ابو حمزه ثُمالی از قول ابوجعفرﷺ نقل کرده است که آن جناب فرمود: آیه شریفه **«وَجَعَلْنَا مِنْهُم أَئِمَّةً يَهْدُون بِأَمْرِنا...»** درباره فرزندان فاطمهﷺ نازل شده است. آنان امامانی هستند که به امر پروردگار، بندگان خدا را به هدایت رهنمون می‌کنند.

(۶۲۵) جابربن عبدالله انصاری از ابوجعفرﷺ نقل کرد. آیه کریمه **«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُون بِأَمْرِنا»** منحصراً در حقّ فرزندان فاطمهﷺ نازل شد

خدای سبحان از فرزندان زهراﷺ امامانی را قرار داد که به امر یزدان به هدایت بندگان مبادرت می‌نمایند.

(۶۲۶) عطاء بن یسار از ابن عبّاس مفسر مشهور قرآن در توضیح و تفسیر آیه شریفه **«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُون بِأَمْرِنا»** بیان کرده است:

خدای تعالی بعد از موسی کلیم وهارون، برای بنی اسرائیل هفت نفر از فرزندان هارون را امام آن جماعت قرار داد. همچنین بعد از رحلت رسول اللهﷺ هفت نفر را به عنوان امام نصب و معرّفی کرد.

که علیﷺ و شش نفر از فرزندان او هستند.

سپس بعد از هفت نفر فرزندان هارون، پنج نفر دیگر را به عنوان امام نصب ومعرفی کرد. و آنان را به دوازده نفر رسانید.

و همچنین بعد از شش نفر فرزندان علیﷺ، پنج تن دیگر از فرزندان او را به امامت برگزید و عدّهٔ آنان را به دوازده نفر رسانید تا طبق آیه **وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُون بِأَمْرِنا** امامتِ امّت را به عهده گرفتند.

۱۲۸ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا۟ مَا عَاهَدُوا ٱللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُۥ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا۟ تَبْدِيلًا. (احزاب/۲۳)

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در (همین) انتظارند و (هرگز عقیدهٔ خود را) تبدیل نکردند (تغییر ندادند).

(۶۲۷) ابی اسحاق از علی ؑ نقل کرد؛ که آن حضرت فرمود:

آیهٔ کریمه «**رِجَالٌ صَدَقُوا مَاعَاهَدُوا ٱللَّهَ عَلَيْهِ ...**» در شأن و منزلت ما نازل شد، به خدا سوگند من از منتظران شهادت در راه عهد و پیمانی که با خدای یگانه بستم، هستم و تبدیل و تغییری هم در آن نیست.

(۶۲۸) مقاتل از ضحّاک نقل کرد؛ عبدالله بن عباس در شرح و توضیح آیه شریفه «**مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَاعَهَدُوا ٱللَّهَ عَلَيْهِ**» بیان کرد یعنی علی ؑ، حمزه و جعفر که از مؤمنان صادق در پیمان با خدا هستند. (**فَمِنْهُم مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ**) از میان آن سه تن حمزه و جعفر طیّار در راه پیمان با خدا استقامت و ایثار کردند تا به لقاءَ اللّه رسیدند.

«**وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ**» فقط علی ؑ است که منتظر شهادت در راه خدا و وفای به عهد است. به خدا سوگند در پایان عمرش، خدای سبحان شهادت را نصیب آن حضرت کرد.

۱۲۹ وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلْقِتَالَ. (احزاب/۲۵)

و خدا (زحمت) جنگ را از مؤمنان برداشت.

(۶۲۹) سفیان ثوری از زبیر و او از مُرّة نقل کرد[1] عبدالله بن مسعود، قاری مشهور و

---

۱. همین روایت از عبدالله بن مسعود از طریق روات دیگری نیز نقل شده است. که روایت شماره ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ از این قبیل است که متن روایت واحد است، ولی راویان آن متعددند.

صحابی معروف مصطفیﷺ آیه شریفهٔ «وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلْقِتَالَ». را قرائت می‌کرد و می‌گفت: خدای سبحان در جنگ‌ها به وسیله علی بن ابی طالب ؑ از مؤمنین و مسلمین دفاع می‌کرد و فتنهٔ کفّار بر ضد مسلمانان را با دست توانای علیؑ سرکوب و خاموش می‌کرد.

(۶۳۳) مقاتل از ضحّاک نقل کرد، عبدالله بن عباس در تفسیر و توضیح آیهٔ کریمه «وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلْقِتَالَ» بیان کرد:

خدای قادر درجنگ خندق خطر کفّار و شرارت عمروبن عَبْدَوُد را به وسیلهٔ علی‌بن‌ابیطالبؑ دفع کرد.

(۶۳۴) حُذیفة بن یَمان از اصحاب نزدیک رسول اللهﷺ حکایت مفصّلی را از جنگ خندق نقل می‌کند که چنین است:

عمروبن عَبْدَوُد از خندق عبور کرد و درمقابل لشکر مصطفیﷺ ایستاد و با صدایی بلند و فریادی مستانه مبارز طلبید.

رسول خدا به یاران خود فرمود: چه کسی صدای او را خاموش می‌کند؟

هیچ کسی از جایش تکان نخورد و حرکت نکرد و همگان خاموش بودند، در آن هنگام علیؑ برخاست و گفت: یا رسول‌الله! من آمادهٔ جانبازی هستم.

رسول خدا فرمود: یا علی! صبر کن و درجای خود بنشین.

دوباره رسول خداﷺ به یاران خود فرمود: چه کسی به مبارزه عمرو مبادرت می‌کند؟ باز هم کسی سخنی نگفت. و همگی ساکت نشستند

بار سوم مصطفی ﷺ فرمود: آیا کسی در میان شماهست که نعره عمرو را خاموش کند و شرّ او را دور گرداند.

باز هم کسی را جرائت سخن گفتن نبود، همه ساکت بودند و حتی بعضی خود را پنهان می‌کردند.

علی ؑ از جا برخاست و گفت: یا رسول الله! من کمر همت برمیان بسته وآماده

رزم و پیکار با عمرو هستم.

مصطفی ﷺ او را به نزد خویش فراخواند و فرمود: یا علی ﷺ! او عمرو بن عبدود است که در شجاعت بی‌نظیر است.

امیرالمؤمنین علی ﷺ گفت: یا رسول الله! من هم علی‌بن ابی‌طالب هستم که پهلوانی را از اجداد خویش آموختم.

رسول الله ﷺ زره خود را بر تن او پوشاند و عمامه‌اش را بر سرش بست وذوالفقار، شمشیر مخصوص خود را، به دست او داد؛ سپس فرمود: خدایا! علی را از چپ و راست و از جلو و عقب حفظ فرما.

علی ﷺ به سرعت و با چابکی، خود را به عمرو بن عبدود رساند و به او گفت: کیستی و نامت چیست؟

عمرو گفت: گمان نمی‌کردم کسی مرا نشناسد! مرا عمرو بن عَبْدَوُد می‌گویند. امّا نام تو چیست؟

گفت: من علی‌بن ابی طالب ﷺ هستم.

عمرو گفت: نوجوانی بودی که در حُجرهٔ ابوطالب تو را دیدم من از کشتن تو اکراه دارم و به قتل تو راضی نیستم.

علی ﷺ فرمود: امّا من نه تنها در کشتن تو اکراهی ندارم بلکه در نابودی تو بسیار راغبم و لیکن شنیدم دست در پرده کعبه انداختی و عهد کردی هر که سه خواسته از تو داشته باشد حتماً یکی را اجابت می‌کنی.

عمرو گفت: درست است، من چنین عهدی کردم.

علی ﷺ فرمود: ای عمرو! حالا که چنین است بیا از جنگ دست بردار و از همان راهی که آمدی برگرد.

عمرو گفت: این محال است.

علی ﷺ فرمود: دین و آیین ما، را بپذیر؛ آنچه برای ماست برای تو نیز خواهد بود.

عمرو گفت: این را هم نمی‌پذیرم.

علی﷣ فرمود: تو سواره‌ای و من پیاده‌ام و این سزاوار نیست!

عمرو با عصبانیت گفت: تاکنون چنین درخواستی رانشنیده‌ام. اسب خود را تازیانه زده، ازمیدان دور کرد.

آن گاه به نبرد پرداخت. عمرو که مردی قوی هیکل بود در اثنای مبارزه شمشیری را بر فرق علی﷣ فرود آورد. ضربه چنان محکم بود که علاوه بر سپر، سر را شکافت. و خط شمشیر بر پیشانی مبارک آن حضرت ماند.

علی﷣ درست در آن هنگام با شمشیر از پایین، پاهای عمرو را هدف گرفت و دو پای او را قطع کرد، عمرو بر زمین افتاد، و صدای تکبیر پیروزی علی﷣ در فضای میدان طنین انداز شد.

رسول‌اللهﷺ با شنیدن صدای تکبیر فرمود:

به خدا سوگند، علی﷣ پیروز شد، و عمرو کشته شد.

عمربن خطاب نخستین کسی بود که خود را به او رساند، دید علی﷣ شمشیر خود را با سپر عمرو پاک می‌کند، عُمَر با صدای بلند تکبیر گفت و عرض کرد: یا رسول اللّه! آسوده خاطر باش که عمروبن عبدود کشته شد.

پیامبرﷺ رو به علی﷣ کرد و فرمود:

یا عَلی! «فَلَوْ وُزِنَ الْیَوْمَ عَمَلُکَ بِعَمَلِ اُمَّةِ محمّدﷺ لَرَجَحَ عَمَلُکَ بِعَمَلِهِم وَ ذلِکَ اَنّه لَمْ یَبْقَ بَیْتٌ مِنْ بُیُوت الْمُشْرِکین اِلاّ وَ قَدْ دَخَلَه وَهْنٌ بِقتل عَمْرو وَلَمْ یَبْقَ بَیْتٌ مِنْ بُیُوت الْمُسْلِمین اِلاّ وَ قَدْ دَخَلَهُ عِزّ بقتل عَمْرو».

این پیروزی و ثواب آن بر تو مبارک باد.

اگر عمل امروز تو با اعمال اُمّت محمدﷺ مقایسه و موازنه شود، همین یک عمل تو برتر و بافضیلت‌تر از همه اعمال امّت من است.

چون هیچ خانه‌ای از مشرکان و هیچ قلبی از آنان نیست که با کشتن عمروبن عبدود، سستی و یأس و نومیدی در آن راه نیافته باشد.

و از طرف دیگر هیچ خانه‌ای از مسلمانان نیست که با کشتن عمروبن عبدود، شادی و سرور و عزّت در آن داخل نشده باشد.
پس عمل واحد تو بر همه اعمال امّت من رجحان دارد.

(۶۳۵) عبدالله بن محمد بن عمر بن علیﷺ از پدرش و پدر اواز پدرش نقل کرد؛ که علی ﷺ فرمود:

«عمرو بن عبدود در جنگ خندق با جمعی از قریش باریکه‌ای از خندق را پیدا و با اَسبان خویش از آن تنگه عبور کردند و در مقابل لشکر نبیﷺ ایستادند.

عمروبن عبدود که از همه مغرورتر بود رجز می‌خواند و مبارز می‌طلبید. در آن موقع کسی را جرائت و قدرت مقابله با او نبود. من برای مقابله با او برخاستم.

رسول اللهﷺ فرمود: یاعلی! آن مبارز، عمروبن عبدود است!

گفتم: یا رسول الله! من هم علی‌بن ابی‌طالبم، هیچ خوفی و ترسی از او ندارم، پس به سویش رفتم و دعایی که رسول اللهﷺ به من تعلیم داده بود خواندم، وآن دعا چنین بود: **اَللّٰهُمَّ بِکَ أَصُولُ وَ بِکَ أَجُولُ وَ بِکَ أَدْرَءُ فِي نَحرِهِ.**

چون به نبرد مشغول شدم، ضربتی بر سرم حواله کرد. من هم او را باضربتی محکم‌تر بر خاک انداختم. همراهان او پراکنده شده؛ گریختند.

(۶۳۶) بهزبن حکیم از پدرش و او از جدش نقل کرده است که نبیﷺ فرمود:

لَمُبارزة عَلیّ بن ابی طالب ﷺ لِعَمرو بن عَبْدُوَد یَوْمَ الْخَنْدقِ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِ أُمَّتي إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ.

یعنی: پاداش مبارزه و فضیلتِ نبرد علی ﷺ با عمروبن عبدود در جنگ خندق از همه اعمال اُمَتم تا روز قیامت با فضیلت‌تر و برتر است.[۱]

۱. مؤلف در ذیل روایت بیان کرده روایت این باب را تحت عنوان «باب شجاعت» در کتابی به نام «الخصائص» جمع‌آوری و تدوین کرده است.

۱۳۰ **إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.**

(احزاب/۳۳)

خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان (پیامبر) بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

(۶۳۷) أنس بن مالک[1] نقل کرده است که رسول الله(ص) شش ماه برای حضور در نماز صبح از در خانه فاطمه(س) عبور می‌کرد. وقتی به دَرِ خانه دخترش می‌رسید، می‌فرمود: «**الصَّلاةَ يا أَهْلَ الْبَيْت**»؛ یعنی ای اهل بیت! وقت نماز صبح است.

سپس آیه کریمه: « **إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**». را قرائت می‌کرد.

یعنی اراده خدای سبحان بر این است که رجس و ناپاکی را از اهل بیت من دورکند و شما را طاهر ومطهّر گرداند.

(۶۳۸) علی بن زید از أنس‌بن مالک نقل کرد:[2]

نبی(ص) مدّت شش ماه برای نماز صبح از در خانه فاطمه(س) عبور می‌کرد، چون به نزدیک خانه می‌رسید خطاب به اهل آن، سه بار می‌فرمود: «**الصَّلاةَ يا أَهْلَ الْبَيْت**»

یعنی «ای اهل منزل! برای نماز برخیزید و بدانید» «**إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**»

در شأن شما نازل شد.

(۶۴۵) از براءبن عازب نقل شد:[3]

امیرالمؤمنین علی و فاطمه و حسن وحسین(ع) در خانهٔ مصطفی(ص) حاضر

---

۱. ۱) روایت شماره ۶۳۹/ شواهدالتنزیل، از أنس‌بن مالک از رسول الله(ص) با همین مضمون نقل شده است.

۲) روایت شماره ۶۴۰/ شواهدالتنزیل، از أنس‌بن مالک از رسول الله(ص) با همین متن ومضمون نقل شد.

۳) روایت شماره ۶۴۴، ۶۴۳، ۶۴۲، ۶۴۱/ شواهدالتنزیل به همین مضمون است که در روایت متن کتاب ذکر شد.

شدند. چون عدّه، پنج تن کامل شد، رسول‌اللّه فرمود رداء مرا بیاورید، همگی را در زیر عبا و رداء قرار داد آن گاه فرمود!

خدایا! اینها عترت و اهل بیت من هستند.

(۶۴۶) روات از جابربن عبدالله انصاری نقل کردند:

مصطفی ﷺ، علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ را فراخواند و جامه خویش را بر روی آنان انداخت و فرمود: **«اَللّٰهُمَّ هٰؤُلاٰءِ اَهْلی؛ هٰؤلاٰءِ اَهْلی»**.

خدایا اینها اهل بیت من هستند.

(۶۴۸) محمّد بن منکدر از جابربن عبداللّه نقل کرد؛

وقتی آیهٔ کریمهٔ **«إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»** بر رسول اللّه ﷺ نازل شد، در سرای آن حضرت، علی، فاطمه، و حسن و حسین ﷺ حضور داشتند.

نبی ﷺ فرمود: **«اَللّٰهُمَّ هٰؤلاٰءِ اَهْلی»**.

خدایا این چهار تن اهل بیت من هستند که مورد لطف بیکران تو قرار گرفتند.

(۶۴۹) اَبی یَقْظان از زاذان و او از حسن بن علی ﷺ روایت کرد؛

هنگامی که آیه شریفهٔ **«إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ...»**.

نازل شد، جدّ بزرگوار ما، محمّد مصطفی ﷺ، ما را فراخواند و در زیر کساء خیبری که متعلق به اُمّ سَلَمه بود جمع کرد و فرمود:

«اَللّٰهُمَّ هٰؤلاٰءِ اَهْلِ بَيْتي وَ عِتْرَتي، فَاَذْهَبْ عَنْهُم اَلرِّجْسَ وَ طَهِّرهُم تَطْهيراً».

خدایا! اینها اهل بیت و عترت پاک من هستند. رجس و ناپاکی را از ایشان زایل فرما و طهارت و پاکی را نصیب آنان قرار ده.

(۶۵۰) از ابی جمیله روایتی بدین مضمون نقل شده است:[1] روزی حسن بن علی ﷺ

---

۱. روایت شماره ۶۵۱ و ۶۵۲/ شواهدالتنزیل از هلال بن یساف با همین متن و مضمون نقل شده است.

روایت رقم ۶۵۳/ شواهدالتنزیل از طریق یزیدبن هارون به همین معنی نقل شد.

در کوفه با مردم نماز جماعت اقامه می‌کرد، نااهلی از خوارج خَنْجری در ران آن جناب فرو کرد. که بر اثر جراحت دو ماه بستری شد.

حضرت پس از بهبودی به مسجد آمد و بعد از حمد و ثنای الهی فرمود:

ای اهل عراق! تقوا داشته باشید و این قدر بی‌پروا نباشید. ما اُمرا و میهمان سرزمین شما و اهل بیت نبی ﷺ شما هستیم که خدای سبحان در شأن ما فرمود:

«إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

(۶۵۴) عامربن سعد حکایت کرد، پدرم سعد در مدینه به معاویه گفت:

ای معاویه! از رسول الله ﷺ در حقّ علی ﷺ سه فضیلت شنیدم که اگر یکی از آنها برایم بود از شتران سرخ موی در نزدم محبوب‌تر و باارزش‌تر بود.

ای معاویه! روزی شاهد بودم که نبی ﷺ دست فرزندانش حسن و حسین ﷺ و فاطمه ﷺ را گرفته، و خدای خویش را صدا زد و فرمود:

خدایا! اینها اهل بیت من هستند، رِجْس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک و پاکیزه گردان[1].

(۶۵۶) عامربن سعد از پدرش سعد نقل کرد؛ روزی معاویه پدرم را دید و گفت: چرا ابوتراب (علی ﷺ) را ناسزا و لعنت نمی‌گویی؟

پدرم گفت: چون از رسول خدا ﷺ در مورد فضیلت و بزرگواری علی ﷺ سه روایت شنیدم که مرا مانع از سبّ و ناسزا گفتن به او شده است.

و بدان اگر یکی از آنها درباره من بود، برایم از شتران سرخ موی محبوب‌تر و گرانبهاتر بود.

(۶۵۷) عطیّه از ابوسعید خدری در توضیح و تفسیر آیهٔ کریمه «إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» بیان کرد، روزی رسول خدا ﷺ، علی،

---

۱. روایت شماره ۶۵۵ / شواهدالتنزیل باز هم از طریق عامربن سعد با همین مضمون و محتوا درباره اهل بیت نقل شده است.

فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و کساء خود را بر شانهٔ آنان انداخت و فرمود:

خدایا! این جمع، اهل بیت من هستند.

اَللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُم تَطْهِيراً.

خدایا ناپاکی را از آنان دور کن و به آنان طهارت روح و روان عنایت فرما.

(۶۵۹) عمران بن مسلم می‌گوید از عطیهٔ عوفی در توضیح آیه «**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**». سؤال کردم. عطیّه در جواب گفت؛ از ابوسعید خدری صحابه معروف رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم، گفت:

این آیهٔ کریمه در شأن و منزلت نبی صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شد.

و هنگامی که رسول‌الله صلی الله علیه و آله این آیه شریفه را شنید، آن چهار تن را جمع کرد و فرمود:

اَللّٰهُمَّ هٰؤُلَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ عِتْرَتِي، فَاذْهَبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُم تَطْهِيراً.

ام سلمه که در مقابل دَرِ خانه ایستاده بود، چون این سخن رسول الله صلی الله علیه و آله را شنید عرض کرد:

یا نبی الله! آیا من هم از اهل بیت هستم.

حضرت فرمود: ای اُمّ سَلمه! تو از زنان خوب؛ خیرخواه و نیکی هستی، امّا از اهل بیت و این جماعت پنج تن نیستی.

(۶۶۰) ابوعبدالرّحمان مسعودی از کثیرالنوا از عطیّه عوفی و او از ابوسعید خدری نقل کرد؛ آیه کریمه «**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**».

در پاکی روح و طهارت نفس پنج تن یعنی نبی صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام، نازل شد[1].

---

۱. ۱) روایت شماره ۶۶۱/ شواهدالتنزیل، به نقل از سفیان ثوری ازابی حجاف داودبن ابی عوف از عطیه عوفی از ابوسعید خدری روایت شد، آیه شریفه در شأن پنج تن آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است.

۲) روایت رقم ۶۶۲/ شواهدالتنزیل به نقل از عماربن محمدثوری از نظر الفاظ روایت و متن مثل روایت رقم ۶۶۰/ شواهدالتنزیل است.

←

(۶۶۵) عبدالله بن مسلم ملائی از ابوجحّاف از عطیه عوفی از ابوسعید خدری نقل کرد، رسول الله ﷺ مدّت چهل روز هنگام سحر به در خانه علی ﷺ می‌آمد و وقتی فاطمه ﷺ را می‌دید می‌فرمود:

السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَهْلَ بَیْتِ مُصْطَفیٰ! وَ رَحْمَةُاللّه وَ بَرَکاتُه

وقت نماز و زمان اقامه نماز است، خدایتان رحمت کند.

سپس آیه کریمه «**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**» را قرائت می‌کرد.

و مجدداً می‌فرمود: **أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُم وَ سِلْمٌ لِمَنْ سالَمْتُم**».

من دشمن کسی که با شما دشمن باشد هستم. و در صلح و سلامت با کسانی که شما با آنان در صلح و سِلْم باشید، هستم.[1]

(۶۶۷) عطیّه عوفی از ابوسعید خدری روایت کرد؛ هنگامی که آیه کریمه «**وَأْمُرْ**

← ۳) روایت رقم ۶۶۳/شواهدالتنزیل، به نقل از هارون عجلی از عطیه از ابوسعید خدری حکایت شد آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...) درباره نبی ﷺ، علی ﷺ، فاطمه ﷺ، حسن و حسین ﷺ نازل شده است.

۴) روایت رقم ۶۶۴/ شواهدالتنزیل به نقل از اعمش از عطیه از ابوسعید خدری گفته شده آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...) در طهارت و تطهیر نبی ﷺ، علی ﷺ، فاطمه ﷺ، حسن و حسین ﷺ نازل شده است.

۵) روایت رقم ۶۷۱/ شواهدالتنزیل، ازطریق حبّان بن علی عنزی از کلبی از ابی صالح از ابن عباس نقل، آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» در شأن رسول الله ﷺ، علی ﷺ، فاطمه ﷺ، حسن و حسین ﷺ نازل شده است.

۶) روایت رقم ۷۱۴و۷۱۵و۷۱۶و۷۱۷/ شواهدالتنزیل از ام سلمه روایت شد در شأن اهل بیت نازل شده است.

۷) روایت رقم ۷۵۶/ شواهدالتنزیل از حکیم بن سعید از ام سلمه نقل شد آیه شریفه در شأن اهل بیت نبی ﷺ نازل شده است.

۸) روایت رقم ۷۶۷/ شواهدالتنزیل از عطیّه عوفی از ابوسعید خدری نقل شد. آیه کریمه در شأن نبی ﷺ، علی ﷺ، فاطمه ﷺ، حسن و حسین ﷺ نازل شده است.

۹) روایت رقم ۷۶۹/ شواهدالتنزیل از اعمش از عطیّه عوفی از ابوسعید خدری با همین لفظ و متن نقل شده است.

۱۰) روایت رقم ۷۷۰/ شواهدالتنزیل از عطیّه از ابوسعید خدری نقل شد آیه کریمه در شأن اهل بیت مصطفی ﷺ که پنج تن هستند نازل شده است.

[1] ۱) روایت ۶۶۶/ شواهدالتنزیل از عطیه عوفی از ابوسعید خدری نظیر روایت متن نقل شده است.

۲) روایت رقم ۷۰۰/ شواهدالتنزیل از سالم بن ابی حفصه از ابی حمراء در همین معنی نقل شد.

أَهلَکَ بِالصَّلاة» نازل شد، رسول‌الله ﷺ مدّت هشت ماه در سحرگاهان به درخانه علی ﷺ می‌آمد و می‌فرمود: «**الصَّلاةُ رَحِمَکُمُ اللّه**».

ای اهل بیت مصطفی! هنگام نماز است. خدایتان رحمت کند.

سپس آیه شریفه «**إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**» را با صدای بلند قرائت می‌کرد، تا همگان بشنوند.[1]

(۷۰۶) عطیّه عوفی از ابوسعید خدری نقل کرده است؛ ام سلمه بیان کرد هنگامی که آیه کریمه «**إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ** ...»نازل شد من کنار دَرِ خانه نشسته بودم، عرض کردم؛ یا رسول‌الله ﷺ! آیا من هم از اهل بیت شما هستم؟

نبی ﷺ فرمود: «ای اُمّ سلمه! تو از زنان خوب و از همسران نیک پیامبر خدا هستی، اما از اهل بیت نیستی».

(۷۰۷) عطیّه عوفی از ابوسعید خدری حکایت کرده، ام سلمه بیان کرد؛ وقتی آیهٔ شریفه «**إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ**...» نازل شد، رسول الله ﷺ در خانه من حضور داشت.

علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ نیز در منزل من بودند ومن در کنار دَرِ منزل نشسته بودم،

گفتم: یا رسول الله! آیا من هم از اهل بیت آن حضرت هستم.

---

۱. ۱) روایت ۶۶۸/ شواهدالتنزیل از عطیّه عوفی از ابوسعید خدری با همین متن و لفظ نقل شده ولی به جای هشت ماه، مدت شش ماه ذکرشده است.

۲) روایت رقم ۶۹۵/شواهدالتنزیل از ابوحمراء در همین معنی نقل شده است.

۳) روایت رقم ۶۹۶/شواهدالتنزیل از ابونعیم از یونس همین روایت را نقل کرده است.

۴) روایت رقم ۶۹۷/ شواهدالتنزیل، ابوداود از ابی حمراء با اندک اختلافی همین روایت را نقل کرده است.

۵) روایت رقم ۶۹۸/ شواهدالتنزیل از نافع از ابی حمراء همین روایت نقل شده است.

۶) روایت رقم ۶۹۹/شواهدالتنزیل از ابی شیبه از یحیی همین روایت نقل شده است.

۷) روایت رقم ۷۰۱/شواهدالتنزیل، نافع از ابی حمراء به همین معنی و مضمون نقل کرده است.

۸) روایت رقم ۷۰۲/شواهدالتنزیل، ابوداود از ابی‌حمراء همین روایت را نقل کرده است.

۹) روایت رقم ۷۶۶ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳/شواهدالتنزیل با اندک‌اختلافی در همین معنی روایت شده‌است.

مصطفی ﷺ فرمود: تو از همسران نبی و از زنان خوب و باتقوا هستی امّا از اهل بیت نیستی و فقط این چهار تن اهل بیت من هستند.[۱]

(۷۲۰) عبدالله بن ربیعه، غلامِ ام‌سلمه همسر رسول‌الله ﷺ نقل کرده است که ام سلمه بیان کرد؛

هنگامی که آیهٔ کریمه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ...» نازل شد، رسول‌الله ﷺ به من امر فرمود علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را دعوت کنم تا حاضر شوند.

چون همگی به حضور نبی ﷺ رسیدند، علی ﷺ را در سمت راست خویش قرار داد و حسن ﷺ را در سمت چپ و حسین ﷺ را روی سینه و در بغل خود گرفت و فاطمه ﷺ را روی پایش نشانید. آن گاه دست به آسمان بلند کرد و فرمود:

«اَللّهُمَّ هٰؤُلاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ عِتْرَتِي، فَاذْهَبْ عَنْهُم ٱلرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً».

خدایا! اینها اهل بیت و عترت من هستند، ناپاکی و پلیدی را از آنان زایل و طهارت روح وصفای باطن به آنان عنایت فرما.

پیامبر ﷺ سه مرتبه این دعا را تکرار کرد.

ام سلمه می‌گوید؛ عرض کردم، یا رسول الله! آیا من هم از اهل بیت هستم؟

نبی ﷺ فرمود: تو از زنان خوب و خیراندیش هستی، ولی از اهل بیت نیستی.[۲]

(۷۳۴) محمّد بن سیرین از ابی هریره از ام سلمه نقل کرد؛

فاطمه ﷺ باظرفی از غذا به حضور رسول‌الله ﷺ رسید و آن‌را مقابل پدرش گذاشت.

---

۱. ۱) روایت ۷۰۸/ شواهدالتنزیل از عبیدالله بن موسی همین روایت نقل شده است.

۲) روایت ۷۰۹ و ۷۰۱ و روایت رقم ۷۱۱و۷۱۲و ۷۱۳و۷۱۴/ شواهدالتنزیل از راویان متعدد از ام سلمه با همین متن و مضمون نقل شده است.

۳) روایت ۷۳۱/ شواهدالتنزیل از شهربن حوشب از ام سلمه همین روایت نقل شده است.

۴) روایت ۷۵۳/ شواهدالتنزیل از یحیی بن عبید از عمربن ابی‌سلمه همین روایت با اندک اختلافی نقل شده است.

۵) روایت ۷۵۴و ۷۵۵/شواهدالتنزیل از عمربن ابی سلمه با همین مضمون و محتوا درباره آیه کریمه نقل شده است.

۲. روایت رقم ۷۲۱،۷۲۲،۷۲۳ و ۷۲۴/ شواهدالتنزیل از ام سلمه با همین مضمون ومحتوا نقل شده است.

نبی ﷺ پرسید: یا فاطمه! پسر عمّ تو علی و دو فرزندت حسن و حسین کجا هستند؟
فاطمه ؑ گفت: در خانه هستند،
نبی ﷺ فرمود: آنان را به نزد من فرا بخوان .
فاطمه ؑ به خانه خویش رفت و گفت: یاعلی! پیامبر تو و دو فرزندت حسن و حسین را طلبیده، او را اجابت کنید.
علی ؑ دست حسن و حسین ؑ را گرفته در حالی که فاطمه ؑ در پشت سر آنان بود همگی به سوی رسول الله ﷺ آمدند. هنگامی که آن حضرت آنان را دید، کسائی که در موقع خواب از آن استفاده می‌کرد، برداشت و آن چهار نفر را در زیر آن قرار داد و فرمود:

«اَللّٰهُمَّ هٰؤُلاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ عِتْرَتِي، فَاذْهَبْ عَنْهُم اَلرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُم تَطْهِيراً».[1]

(۷۴۷) علی بن زید از شهربن حوشب از اُمّ سلمه حکایت کرد، رسول الله ﷺ به فاطمه ؑ فرمود: همسرت علی و فرزندانت حسن و حسین را به نزد من فرابخوان .
فاطمه ؑ به منزل خود رفت و آنان را فراخواند و همگی به خدمت رسول الله ﷺ رسیدند.
نبی ﷺ کساء فدکی را برداشته بر شانه آنان انداخت و زیر دستان خود جمع کرد و فرمود:

«اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰؤُلاء آلَ مُحَمَّد فَاجْعَل صَلواتَکَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلَ مُحَمَّدٍ، فَإِنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

خدایا! اینها آل محمد هستند، صلوات خود را بر آنان قرارده. به درستی که تو حمید و مجید هستی.

---

۱. ۱) روایت ۷۴۰/ شواهدالتنزیل از شهربن حوشب همین روایت با اندک اختلافی نقل شده است .
۲) روایت ۷۴۱/شواهدالتنزیل و ۷۴۲/شواهدالتنزیل از شهربن حوشب از اُم‌سلمه همین روایت نقل شده است .
۳) روایت ۷۴۳ و ۷۴۴و ۷۴۵و ۷۴۶/شواهدالتنزیل با اندک اختلافی با همین مضمون و محتوا در توضیح آیه کریمه (إِنَّما يُرِيدُ اللّٰهُ...)نقل شده است .

ام سلمه می‌افزاید؛ من گوشه کساء را کنار زدم تا در زیر آن جای گیرم؛ امّا رسول خدا صلى الله عليه وآله بر من نهیبی زد و گوشه کساء را از دستم گرفت و فرمود؛

تو از اهل بیت و آل محمد نیستی اما از زنان خوب هستی.[1]

(۷۵۷) عمرة بنت افعی از ام‌سلمه نقل کرد:

آیهٔ شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ...» در سرای من نازل شد و آن هنگام در خانه هفت نفر حضور داشتند، که عبارت از جبرئیل و میکائیل و رسول اللّه صلى الله عليه وآله و علی و فاطمه و حسن و حسین عليهما السلام بودند و من بر در خانه ایستاده بودم، چون این صحنهٔ با عظمت را دیدم به رسول اللّه صلى الله عليه وآله عرض کردم:

یا رسول اللّه! آیا من هم از اهل بیت آن حضرت هستم؟

فرمود: ای ام‌سلمه! تو از زنان خوب و از همسران نیک نبی هستی، ولیکن از اهل‌بیت و آل محمد صلى الله عليه وآله نیستی.[2]

---

۱. ۱) روایت ۷۴۸و ۷۴۹و ۷۵۰و ۷۵۱و ۷۵۲ / شواهدالتنزیل به نقل از راویان متعدد از ام‌سلمه با اندک تغییری در الفاظ در همین مورد نقل شده است.

۲) روایت ۷۶۸/شواهدالتنزیل از عطیّه عوفی از ابوسعید خدری با اندک اختلافی با همین مضمون نقل شده است.

۲. ۱) روایت ۷۶۱/شواهدالتنزیل از ابی‌لیلی کندی از ام‌سلمه در همین معنی است.

۲) روایت ۷۶۲/شواهدالتنزیل از عمار دهنی از عقرب از ام‌سلمه در همین معنی نقل شده است.

۳) روایت ۷۶۳/شواهدالتنزیل از عمرة همدانیه از ام‌سلمه در همین مضمون نقل شده است.

۴) روایت رقم ۷۶۴/شواهدالتنزیل از ابی‌معاویه بَجَلی از عمرة همدانیه از ام‌سلمه همین روایت نقل شد.

۵) روایت رقم ۷۵۸/شواهدالتنزیل، در همین معنی نقل شده است.

۶) روایت رقم ۷۵۹/شواهدالتنزیل از ام‌سلمه در همین معنی نقل شده است.

۱۳۱ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْاخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا. وَٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا ٱكْتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحْتَمَلُواْ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا. (احزاب / ۵۸_۵۷)

بی گمان، کسانی که به خدا و پیامبر او آزار می‌رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده وبرایشان عذابی خفت‌بار آماده ساخته است.

و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی‌آنکه مرتکب (عمل زشتی) شده باشند آزار می‌رسانند، قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته‌اند.

(۷۷۵) مقاتل‌بن سلیمان بلخی در تفسیر آیه شریفه:

«وَٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا ٱكْتَسَبُواْ» گفت:

یعنی کسانی که مؤمنین و مؤمنات را بدون جرم و تقصیر می‌آزارند لعنت خداوند بر آنان باد.

«فَقَدِ ٱحْتَمَلُواْ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» و این آیه در شأن علی‌بن ابی‌طالب ﷺ نازل شد که سر کرده و امیر مؤمنان است.

شأن نزول آیه فوق بدین قرار است که عدّه‌ای از منافقان در زمان حیات رسول‌اللهﷺ، علیﷺ را با زبان و سخن، آزار و اذیت می‌کردند و آیه شریفه آنان را به سبب این کار مذّمت کرد.

(۷۷۶) زید بن علی از پدرش علی بن حسینﷺ و او از پدرش حسین بن علیﷺ و او از علی بن ابی طالبﷺ نقل کرده است که رسول خداﷺ در حالی که با دست موی خود را گرفته بود، فرمود:

مَنْ آذىٰ شَعْرَةً مِنْکَ فَقَدْ آذانِي وَ مَنْ آذانِي فَقَدْ آذَى اللّٰهَ وَ مَنْ آذى اللّٰهَ فَعَلَيه لَعْنَةُ اللّٰه.

یا علی! هر کسی به اندازه سر مویی تو را بیازارد، مرا آزرده است و هر کسی مرا آزرده باشد، خدای مرا به خشم آورده است و لعنت خدا بر او باد که چنین کند و تو را بیازارد.

(۷۷۷) جابربن عبدالله انصاری نقل کرد، از مصطفی ﷺ شنیدم آن حضرت به علی ﷺ فرمود: «**مَنْ آذاک فَقَدْ آذانِي**»

یا علی! هرکسی تو را بیازارد مرا آزرده است.

(۷۷۸) سلمة بن عبدالله بن ابی سلمة از پدرش و او از امّ‌سلمه همسر رسول الله ﷺ حکایت کرد:

از مصطفی ﷺ شنیدم به علی‌بن ابی‌طالب ﷺ فرمود: **أَنْتَ أَخي وَ حَبيبي، مَنْ آذاک فَقَدْ آذانِي**».

یا علی! تو برادر باوفا و دوست بی ریای من هستی. هرکسی تورا اذیت و آزار دهد مرا آزرده است و رنجش تو موجب رنجش من است.

۱۳۲ إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَاءُ. (فاطر-۲۸)

از بندگان خدا تنها دانایان‌اند که از او می‌ترسند.

(۷۷۹) مقاتل بن سلیمان از قول ضحّاک نقل کرده است که عبدالله بن عباس در شرح و تفسیر آیهٔ کریمه « **إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَاءُ**» بیان کرد:

منظور از علما در آیه شریفه، علی بن ابی طالب ﷺ است که در مقابل خدای سبحان خاشع و خاضع است و مراقب کردار و گفتار خویش در همهٔ حالات است.

(۷۸۰) ابن عباس در توضیح و تفسیر آیهٔ (**إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَاءُ**) گفت؛ منظور از علماء در این آیه شریفه عالمانی هستند که معرفت به خدای جبّار و خوف از مقام ربوبی حضرت حق دارند.

(علی ﷺ عارف‌ترین و عالم‌ترین فرد به مقام ربوبی است که آیه شریفه در حق او جریان دارد).

۱۳۳ وَ مَا يَسْتَوِي ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ . وَلَا ٱلظُّلُمَاتُ وَلَا ٱلنُّورُ . وَلَا ٱلظِّلُّ وَلَا ٱلْحَرُورُ وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَحْيَآءُ وَلَا ٱلْأَمْوَٰتُ. (فاطر/ ۲۲_۱۹)

و نابینا و بینا یکسان نیستند. و نه تیرگیها وروشنایی. و نه سایه وگرمای آفتاب و زندگان و مردگان یکسان نیستند.

(۷۸۱) ابی صالح نقل کرد، ابن‌عباس در تفسیر و توضیح آیهٔ کریمه فوق بیان کرد.« وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِير منظور از اعمی ابوجهل است که کوری در بَصَر و بصیرت او راه یافته بود و حق و باطل را باز نمی‌شناخت و منظور از (والبصیر) علی‌بن ابی‌طالب ﷺ است.

(وَلَا ٱلظُّلُمَات)یعنی ابوجهل تاریک‌دل که شرک وکفر، باطن او را نابینا وکورکرده است.

«وَلَا ٱلنُّورُ» یعنی قلب علی ﷺ که نور ایمان دلش‌را منّور کرده و با بصیرت کامل، پیرو قرآن و تابع فرمان یزدان بود.

«وَلَا ٱلظِّلُّ» سایه‌های درختان بهشتی که زیر آن جایگاه علی ﷺ است هرگز با «ٱلْحَرُورُ» یعنی حرارت آتش جهنم که منزل و مأوای ابوجهل است برابر نیستند.

«وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَحْيَآءُ» و زندگانی مانند علی ﷺ، حمزه، جعفر، حسن، حسین، فاطمه، خدیجه ﷺ، هم با کفار مکه (ٱلْأَمْوَٰتُ) برابر نیستند.

۱۳۴ ثُمَّ أَوْرَثْنَا ٱلْكِتَابَ ٱلَّذِينَ ٱصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِٱلْخَيْرَٰتِ (فاطر/ ۳۲)

سپس این کتاب را به آن بندگان خود که (آنان را) برگزیده بودیم، به میراث دادیم؛ پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو، و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگام‌اند.

(۷۸۲) ابو حمزه ثمالی حکایت کرد؛ در حضور علی‌بن حسین‌ﷺ نشسته بودم دو نفر از اهل عراق به نزد آن جناب آمدند وگفتند:

یا بن رسول اللّه! به خدمت شما رسیدیم تا از تفسیر آیات قرآنی ما را با خبر فرمایی. علی بن حسین‌ﷺ پرسید از کدام آیه قرآن ؟

گفتند: از معنی آیه **(ثُمَّ أَوْرَثْنَا ٱلْكِتَٰبَ ٱلَّذِينَ ٱصْطَفَيْنَا...)**

علی‌بن حسین ﷺ پرسید: ای اهل عراق‌!اول بگویید تابدانم عراقیان درباره این آیهٔ شریفه چه می‌گویند؟

گفتند: در عراق می‌گویند این آیه درباره امّت محمدﷺ نازل شده است که وارثان قرآن هستند.

علی‌بن حسین ﷺ فرمود: در این صورت باید همه امّت محمدﷺ به بهشت وارد شوند و از صالحان باشند و احدی مجازات نشود.

ابو حمزه ثمالی می‌گوید؛ چون سخن آن حضرت به این جا رسید، ازمیان جمعیت برخاستم و گفتم: یابن رسول اللّه! پس این آیه کریمه در حقّ چه کسی یا کسانی نازل شده؛ بیان فرمایید تا باخبر شویم.

علی‌بن حسین‌ﷺ فرمود: «**نَزَلَتْ فِينَا أَهْلَ ٱلْبَيْتِ**». و سه بار تکرار کرد؛ یعنی آیه شریفه فوق در حق ما اهل بیت مصطفی ﷺ نازل شده است .

پرسیدم: پس چه کسی ظالم به خویشتن است؟

فرمود: آن کسی که حَسَنات و سیئاتش برابر ومساوی باشد؛ هر چند جایش در جنّت و بهشت است.

سپس پرسیدم: مقتصد ومیانه‌رو چه کسی است؟

فرمود: عابدی که در خانه‌اش عبادت خدا را به جای آورد تا به ملاقات حقّ رود و دارفانی را وداع کند.

پرسیدم: سابقین در خیرات چه کسانی هستند؟

فرمود: کسی که در راه خدا شمشیر را از نیام کشیده و پیوسته مردم را به راه خدا دعوت کند.

(۷۸۳) ابی خالد نقل کرده ؛ زید بن علی ؑ در تفسیر آیه شریفه (ثُمَّ أَوْرَثْنَا ٱلْكِتَٰبَ...) بیان کرد:

(ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ) یعنی کسی که به خویشتن ظلم کند و «وَالْمُقْتَصِد» یعنی عابدی که به عبادت ربّ بپردازد.

(سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ) یعنی کسی که شمشیر از نیام کشیده است و برای دعوت به دین حق و در راه خدا مبارزه و مجاهدت کند.

(۷۸۴) سُدیّ از عبدخیر روایت کرد که؛ علی ؑ فرمود:

از رسول‌الله ﷺ در تفسیر آیه کریمه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا ٱلْكِتَٰبَ ٱلَّذِينَ...» پرسیدم، منظور چه کسانی هستند؟

مصطفی ﷺ فرمود: فرزندان و ذُرّیهٔ تو که وارثان کتاب خدا هستند.

وقتی روز رستاخیز فرارسد؛ مردم در حالی که سه دسته هستند، از قبورشان برانگیخته می‌شوند.

دسته اول ـ «ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ» ؛ کسانی هستند که بدون توبه مُردند.

دسته دوم ـ «مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ»؛ کسانی از ذرّیه تو که حَسَنات و سَیئات آنان مساوی است.

دسته سوم ـ «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ»؛ آن دسته از ذرّیهٔ تو که حسناتشان بر سیئاتشان غالب باشد که اهل رستگاری و نجات‌اند.

۱۳۵ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَسْؤُلُونَ (صافات/۲۴)

وبازداشتشان کنید که آنان مسئول‌اند.

(۷۸۵) مندل عنزی در روایت مرفوعه‌ای از نبی ﷺ نقل می‌کند؛ مصطفی ﷺ در توضیح آیهٔ کریمه «**وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَسْؤُلُونَ**» فرمود؛ مردم در صراط متوقف می‌شوند و از ولایت علی‌بن ابی طالب ﷺ از آنان سؤال می‌شود که در حقّ ولایت مرتضی ﷺ چه کردند؟!

(۷۸۶) ابوسعید خدری در توضیح آیهٔ شریفه «**وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَسْؤُلُونَ**» گفت: در قیامت از امامت علی‌بن ابی‌طالب ﷺ بازخواست و سؤال می‌شود که با امامت و ولایت علی ﷺ چگونه رفتار کردند.

(۷۸۷) ابو هارون از ابوسعید خدری در شرح آیه «**وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَسْؤُلُونَ**» بیان کرد:

مأموران الهی مردم را در رستاخیز نگه می‌دارند و از ولایت علی‌بن ابی طالب ﷺ سؤال می‌کنند تاروشن شود نسبت به ولایت علی ﷺ چگونه اعتقاد و رفتاری داشتند.

(۷۸۸) عطیّه ازابوسعید خدری نقل کرد:

مصطفی ﷺ در تبیین آیه شریفهٔ «**وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَسْؤُلُونَ**» فرمود: مردم در مقابل ولایت علی‌بن ابی‌طالب ﷺ مسئول هستند و در قیامت متوقف می‌شوند تا از ولایت علی ﷺ سؤال شوند که با ولایت او چگونه رفتار کردند.

(۷۸۹) سعیدبن جُبَیر از قول عبداللّه بن عباس روایت کرد:

رسول اللّه ﷺ در تفسیر آیه کریمه «**وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَسْؤُلُونَ**» فرمود: چون روز قیامت و رستاخیز کبری فرارسد من و علی ﷺ بر صراط می‌ایستیم و هرکسی که از مقابل ما عبور کند از ولایت علی‌بن ابی‌طالب ﷺ سؤال می‌کنیم، اگر باولایت علی ﷺ زیسته باشد، نجات یابد و خندان بگذرد و اگر با ولایت علی ﷺ بیگانه یامنکر و معاند باشد، اجازه عبور نخواهد یافت و در آتش جهنم سرنگون خواهدشد.

(۷۹۰) شعبی نقل کرد؛ ابن عباس مفسّر مشهور قرآن در توضیح آیه «**وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم**

مَسْؤُلُونَ» بیان کرد:

مردم در قیامت در مقابل ولایت علی‌بن ابی طالب ﷺ مسئول‌اند و مورد پرسش قرار می‌گیرند.

همچنین ابی جعفر ﷺ در تفسیر کلام خدا (وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَسْؤُلُونَ) فرمود:

در قیامت خدای سبحان از خلایق نسبت به ولایت علی‌بن ابی طالب ﷺ سؤال و پرس و جو می‌کند که اگر ولایت آن بزرگوار را ضایع کرده باشند مورد تنبیه و توبیخ سخت قرار می‌گیرند.

۱۳۶ سَلامٌ عَلَیٰ آلِ یاسِینَ. (صافات / ۱۳۰)

درود بر پیروان آل یاسین.

(۷۹۱) ابی‌صالح نقل کرده: ابن‌عباس در توضیح آیه کریمه «سَلامٌ عَلَیٰ آلِ یاسِینَ» بیان کرد، آل یاسین یعنی آل محمّد ﷺ[۱].

(۷۹۲) حدیثی را کادح از جعفربن محمدالصادق ﷺ و آن جناب از پدر و پدرانش تا می‌رسد به امیرالمؤمنین علی ﷺ که آن سیّد و سرور در معنی و تفسیر آیه شریفه (سَلامٌ عَلَیٰ آلِ یاسِینَ) فرمود:

یاسین نام مبارک محمدمصطفی ﷺ است و ما آل محمد ﷺ، آل یاسین هستیم[۲].

(۷۹۵) میمون بن مهران حکایت کرد:

ابن‌عباس در تفسیر و توضیح آیه کریمه «وَإِنَّ إِلْیَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ... سَلامٌ عَلَیٰ آلِ یاسِینَ» بیان داشت:

---

۱. اعمش از مجاهد از ابن عباس همین روایت را با شماره ۷۹۳ / شواهدالتنزیل نقل کرده است.

۲. سلیم بن قیس عامری هم از علی ﷺ همین روایت را نقل کرد و گفت از علی ﷺ شنیدم فرمود: رسول الله ﷺ به یاسین نامگذاری شد و ما آل او آل یاسین هستیم.

سَلامٌ عَلَىٰ آلِ یاسِینَ یعنی سلامٌ علی آل محمد ﷺ.[۱]

(۷۹۷) حکم بن ظهیر از سُدیّ نقل کرد که ابی مالک غفاری کوفی در شرح آیه کریمه (سَلامٌ عَلَىٰ آلِ یاسِینَ) بیان کرد. منظور از آل یاسین، محمّد ﷺ و اهل بیت آن جناب است.

۱۳۷ «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ». (ص/۲۸)

یا (مگر) کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، چون مفسدان در زمین می‌گردانیم، یا پرهیزگاران را چون پلیدان قرار می‌دهیم؟

(۷۹۸) ابی صالح حکایت کرد؛ ابن عباس مفسّر مشهور قرآن در تفسیر و توضیح آیه کریمه (أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...) بیان کرد:

این آیه در تحسین سه نفر از مسلمین صاحب نام که از متقین و صالحان سابقه دار و فداکار هستند، همچنین در مذمّت سه تن از کفّار لجوج که جزء اشرار و مفسد و فُجّار بودند نازل شده است.

اما سه نفر مسلمان فداکار؛ علی بن ابی طالب ؑ و حمزةبن عبدالمطلب و عبیدةبن حارث بن عبدالمطلب که در جنگ بدر به مبارزه و نبرد با سه تن از مشرکان به نام‌های ولید، عُتبه و شیبه برخاستند و علی ؑ ابتدا ولید را به خاک انداخت و حمزه به قتل عتبه پرداخت و عبیده هم شیبه را هلاک کرد.

(۷۹۹) محمدبن عبیدالله از پدرش و او از عمویش نقل کرد؛

امیرالمؤمنین ؑ فرمود: خدای سبحان آیه کریمه (أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ) را در شأن من و حمزه

---

۱. سفیان ثوری از منصور از مجاهد از قول ابن عباس همین روایت را ذیل آیه (سَلامٌ عَلَىٰ آلِ یاسِینَ) در شماره ۷۹۶ / شواهد التنزیل نقل کرد.

سیدالشهدا و عبیدةبن حارث بعد از این که نام ما را با عنوان‌های مؤمنین و متقین مزیّن فرمود نازل کرد. و سه نفر از کفّار را که به وسیلهٔ ما به هلاکت رسیدند به فجّار نام برد.

(۸۰۰) ابی صالح از ابن عباس در تفسیراین قسمت از آیه «أَمْ نَجْعَلُ ٱلَّذِينَ آمَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّالِحَاتِ» نقل کرده است.

مصداق این آیه، علی ﷺ و حمزه وعبیدة بن حارث هستند و «كَٱلْمُفْسِدِينَ فِى ٱلْأَرْضِ» مفسدین در مقابل آنان شیبه و عتبه و ولیدبن مغیره هستند.

«أَمْ نَجْعَلُ ٱلْمُتَّقِينَ» آیا متقین مانند علی ﷺ و حمزه و عبیدة «كَٱلْفُجَّارِ» مثل فُجّارند؛ هرگز آن سه نفر مُفْسد و فاجر به نام‌های عتبه و شیبه و ولید که در جنگ بدر به مبارزه با مسلمانان مبادرت کردند با متقین مساوی و یکسان نیستند.

و حال این که در آن روز علی ﷺ ولیدبن مغیره را به هلاکت رسانید و حمزه، عتبه راکشت و عبیده، شیبه را به خاک هلاکت انداخت[1].

(۸۰۳) کلبی از ابی صالح روایت کرده که ابن عباس در توضیح آیه (أَمْ نَجْعَلُ ٱلَّذِينَ آمَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّالِحَاتِ) گفت منظور از صالحان، علی ﷺ، حمزه و عبیدةبن حارث هستند.

و «كَالْمُفْسِدِينَ فِي ٱلْأَرْضِ» عتبه، شیبه و ولید بن مغیره هستند. که در صف مشرکان و کافران قرار داشتند.

«أَمْ نَجْعَلُ ٱلْمُتَّقِينَ» آیا علی ﷺ و اصحابش را مانند فجّاری مثل عتبه و یارانش قرار می‌دهیم، قطعاً چنین نیست.

(۸۰۴) ضحّاک از جعفربن محمّد ﷺ و او از پدرش و جدش روایت کرد، آیه شریفه «أَمْ نَجْعَلُ ٱلَّذِينَ آمَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّالِحَاتِ...» در شأن و تحسین علی بن ابی طالب ﷺ نازل شد.

---

۱. همین روایت در شماره ۸۰۱/ شواهد التنزیل از طریق روایت دیگری مثل ابن سائب از ابی صالح از ابن عباس نقل شده‌است. و همچنین سفیان ثوری از منصور از مجاهد از ابن عباس همین روایت را در روایت ۸۰۲ نقل کرده است.

۱۳۸ قُلْ هَلْ يَسْتَوِى ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُوا ٱلأَلْبَٰبِ. (زمر/ ۹)

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟ تنها خردمندان‌اند که پند پذیرند.

(۸۰۵) یعقوب جُعفی از جابربن عبدالله انصاری روایت کرد: ابوجعفر ﷺ در تفسیر و توضیح آیه کریمه «قُلْ هَلْ يَسْتَوِى ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ...» فرمود:

(ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ) یعنی عالمان ربّانی که ما اهل بیت نبی ﷺ هستیم، (وَٱلَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ) دشمنان ما که نادانان و جاهلان اند؛ و «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُوا ٱلأَلْبَٰبِ». صاحبان خرد و اندیشه و دارندگان عقل، شیعیان ما هستند.

(۸۰۶) در تفسیر عتیق، ضحّاک از ابن عباس در توضیح آیه شریفه « هَلْ يَسْتَوِى ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ» نقل کرد؛ «ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ» یعنی علی ﷺ و اهل بیت آن بزرگوار از طایفه بنی هاشم که دانایان امت‌اند.

«وَٱلَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ» یعنی بنی اُمیه که از نادانان و جاهلان اند.

و این دو هرگزبا هم مساوی نیستند و همچنین به شیعیان علی و پیروان اهل‌بیت، صاحبان خرد و دارندگان عقل می‌گویند که اُولی الالباب هستند.

۱۳۹ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلاً رَّجُلاً فِيهِ شُرَكَآءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلاً سَلَماً لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلاً. (زمر/ ۲۹)

خدا مَثَلی زده است: مردی است که چند خواجهٔ ناسازگار در (مالکیت) او شرکت دارند (وهر یک او را به کاری می‌گمارند) و مردی است که تنها فرمانبر یک مرد است. آیا این دو در مَثَل یکسان‌اند؟

(۸۰۷) در تفسیر و توضیح این آیه شریفه، محمدبن حنفیه فرزند علی ﷺ از آن حضرت روایت کرد؛ که علی ﷺ فرمود: (وَرَجُلاً سَلَمًا لِرَجُلٍ) من آن یگانه رجل سلیمی برای رسول الله ﷺ هستم که آیه کریمه در توصیف من نازل شد.[1]

(۸۰۸) قتادة از عطاء نقل کرد؛ ابن عباس در شرح آیه (ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلاً رَّجُلاً فِيهِ شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ) گفت؛ مرد مشرک ابوجهل است و شرکای او آن بت‌های بی‌جان وبی‌خاصیت که مورد پرستش او وامثال او قرار می‌گرفتند.

(وَرَجُلاً سَلَمًا) مرد سلیم و رجل سالمی که دین و ایمانش سالم و قلبش سلیم بود علی‌بن ابی طالب ﷺ است که تنها خدارا معبود خود می‌دانست و فقط او را می‌پرستید.

(هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلاً) آیا این دو شخص در طاعت و عبادت پروردگار ودریافت پاداش و ثواب مساوی‌اند.

۱۴۰ وَٱلَّذِى جَآءَ بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ. (زمر / ۳۳)

و آن کس که راستی آورد و آن را باور کند؛ آنان‌اند که خود پرهیزگاران‌اند.

(۸۱۰) عبدالوهاب بن مجاهد از پدرش در تفسیر این آیه شریفه بیان کرد: «وَٱلَّذِى جَآءَ بِٱلصِّدْقِ» رسول الله ﷺ است که کلام صادق و قرآن ناطق را برای هدایت بندگان خدا آورده است. «وَصَدَّقَ بِهِ» علی بن ابی طالب ﷺ است که بلافاصله نبی ﷺ را تأیید و به آنچه او آورد بایقین قلبی تصدیق فرمود.

(۸۱۱) مجاهد در تفسیر و تبیین آیه شریفه بیان کرد؛ (وَٱلَّذِى جَآءَ بِٱلصِّدْقِ) یعنی آن کسی که به صدق و صداقت مبعوث شد و آن محمد ﷺ است.

۱ـ ابی خالد کابلی از ابی جعفر در روایت شمارهٔ ۸۰۹ / شواهد التنزیل نقل کرد؛ الرّجلُ السالم لرجل؛ علیٌ و شیعته. یعنی مرد سلیم النفس برای رجل دیگر، علی ﷺ و شیعیان او هستند.

(وَٱلَّذِي صَدَّقَ بِهِ) و آن کسی که به تصدیق نبی ﷺ پرداخت، علی‌بن ابی طالب ﷺ است که در نخستین لحظه اعلام نبوت آن حضرت را تصدیق و تأیید کرد و تاآخرین روز هم وفادار ماند[1]

(۸۱۲) لیث از مجاهد در تبیین آیه کریمه «وَٱلَّذِي جَآءَ بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ» بیان کرد؛ منظور از «جَآءَ بِٱلصِّدْقِ» رسول الله ﷺ و مراد از «صَدَّقَ بِهِ» علی‌بن ابی طالب ﷺ است که یاروفادار و صدیق تمام عیار آن حضرت بود.

(۸۱۳) در کتاب تفسیر عتیق، ضحاک از ابن‌عباس مفسّر معروف در توضیح کلام خدای سبحان «وَٱلَّذِي جَآءَ بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ» بیان کرد:

(وَٱلَّذِي جَآءَ بِٱلصِّدْقِ) مصطفی ﷺ است که به صداقت و راستی قدم در میدان گذاشته و به ارشاد و هدایت مردم پرداخته است و منظور از «صَدَّقَ بِهِ» یار وفادار او علی‌بن ابی طالب ﷺ است که پیوسته یاور صدیق و صادق او بود.[2]

(۸۱۵) ابوعیّاش از ابوطُفَیل و او از امیرالمؤمنین علی ﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمود:

(وَٱلَّذِي جَآءَ بِٱلصِّدْقِ) رسول الله ﷺ است، (وَٱلَّذِي صَدَّقَ بِهِ) من هستم که پیوسته او را تصدیق و تأیید می‌کردم و بقیهٔ مردم از جمله کافران و تکذیب کنندگان بودند؛ و آن زمان غیر از من و او، کسی قرآن واسلام را تصدیق نمی‌کرد.

۱۴۱ **ٱلَّذِينَ يَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِۦ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَىْءٍ رَّحْمَةً وَ عِلْمًا فَٱغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا۟ وَٱتَّبَعُوا۟ سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ.رَبَّنَا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّٰتِ**

---

۱. این روایت را محمدبن یحیی بن ضریس از نصر نیز نقل کرده است.

۲. روایت شماره ۸۱۴/ شواهدالتنزیل هم از ابی صالح از ابن عباس در همین معنی نقل شد.

عَدْنٍ ٱلَّتِی وَعَدتَّهُمْ وَ مَن صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَ ذُرِّیَّٰتِهِمْ إِنَّکَ أَنتَ ٱلْعَزِیزُ ٱلْحَکِیمُ. وَقِهِمُ ٱلسَّیِّئَاتِ وَمَن تَقِ ٱلسَّیِّئَاتِ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَٰلِکَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِیمُ. (غافر/ ۹)

کسانی که عرش (خدا) را حمل می‌کنند؛ و آنان که پیرامون آنند، به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده‌اند طلب آمرزش می‌کنند: پروردگارا، رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دارد؛ کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند ببخشای و آنان را از عذاب آتش دور نگاه دار.

پروردگارا، آنان را در باغهای جاوید که وعده‌شان داده‌ای، با هر که از پدران وهمسران و فرزندانشان که به صلاح آمده‌اند، داخل کن، زیرا تو خود ارجمند وحکیمی.

و آنان را از بدیها نگاه دار، و هر که را در آن روز از بدیها حفظ کنی، البتّه رحمتش کرده‌ای؛ و این همان کامیابی بزرگ است.

(۸۱۶) ابوالاسودالدؤلی از پدرش نقل کرد، علی ﷺ درباره آیه شریفه فوق فرمود:

ملائکه و فرشتگان آسمانی مدت چند سال و چند ماه فقط برای رسول الله ﷺ و من استغفار می‌کردند، و درباره ما دونفر این آیه کریمه:

«ٱلَّذِینَ یَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیُؤْمِنُونَ بِهِ وَیَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ ءَامَنُوا۟ رَبَّنَا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَّحْمَةً وَ عِلْمًا فَٱغْفِرْ لِلَّذِینَ تَابُوا۟ وَٱتَّبَعُوا۟ سَبِیلَکَ وَقِهِمْ عَذَابَ ٱلْجَحِیمِ. رَبَّنَا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّٰتِ عَدْنٍ ٱلَّتِی وَعَدتَّهُمْ وَ مَن صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَ ذُرِّیَّٰتِهِمْ إِنَّکَ أَنتَ ٱلْعَزِیزُ ٱلْحَکِیمُ.» نازل شد.

طایفه‌ای از منافقین پس از نزول این آیه گفتند: چه کسانی جزء پدران و ذریّه علی ﷺ هستند که این آیه مبارکه درباره آنان نازل شد؟

علی ﷺ فرمود: «**سبحان اللّه!**» آیا نمی‌دانند پدران ما، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب‌اند، آیا آنان آباء و اجداد ما نیستند؟

(۸۱۷) ابوجارود از ابومُعْتمر و او از پدرش نقل کرد، از علی ﷺ شنیدم، فرمود:

فرشتگان آسمانی هفت سال و چند ماه استغفار نمی‌کردند مگر برای من و رسول‌الله ﷺ و درباره ما دو نفر آیه شریفه «**وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَ عِلْمًا...**» نازل شد.

وقتی این آیه در شأن ما نازل شد، منافقین گفتند: آباء و اجداد آنان چه کسانی هستند؟

سپس علی ﷺ ادامه داد و فرمود: «سبحان‌الله! مگر ابراهیم و اسماعیل واسحاق آباء و اجداد ما نیستند!»

(۸۱۸) ابوظبیان از ابوذر نقل کرد، رسول‌الله ﷺ فرمود:

«**إِنَّ الْمَلائِكَةَ صَلَّتْ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ عليٍّ سَبْعَ سِنِين قَبْلَ اَنْ يَسْلِمِ بَشَرٌ.**

هفت سال قبل از این که بشری مسلمان شود، فرشتگان آسمان به من و علی ﷺ درود و صلوات می‌فرستادند.

(۸۱۹) انس‌بن مالک از رسول‌الله ﷺ روایت کرد:

صَلَّتِ الْمَلائِكَةُ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ عليٍّ سَبْعَ سِنِين؛ وَذٰلِك انّه لَمْ يَرْفَع شهادة اَنْ لا اِلٰهَ الاّ اللّه الاّ مِنّي و مِنْ عَلِيٍّ.

فرشتگان الهی مدّت هفت سال بر من و علی ﷺ درود و صلوات می‌فرستادند؛ آن هنگام که شعار توحید و کلمه **لااله‌الاّالله** جز از خانه من و علی برنمی‌خاست.

(۸۲۰) محمدبن عُبَیدالله از پدرش و پدر او از جدّش ابورافع، این روایت را بیان کرد: نبی ﷺ اول روز دوشنبه نماز را بپاداشت و خدیجه ﷺ آخر روز دوشنبه نماز گزارد و علی ﷺ روز سه شنبه نماز گزاردن را آشکار کرد. البته قبلاً مدت هفت سال و چند ماه علی ﷺ در پنهانی با نبی ﷺ نماز را اقامه می‌کرد.

۱۴۲ **أَفَمَنْ يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِي آمِناً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.** (فصلت / ۴۰)

آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که روز قیامت آسوده خاطر می‌آید.

(۸۲۱) مجاهد از ابن عباس مفسّر معروف در تفسیر آیهٔ کریمه بیان کرد: «**أَفَمَنْ يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ**» آیا کسی که به آتش جهنم انداخته می‌شود مثل ولیدبن مغیره برتر و بهتر است یا علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام که در روز قیامت «**يَأْتِي آمِناً يَوْمَ الْقِيَامَةِ**» درحالی که امنیت از عذاب و مصونیت از غضب خدا دارد و به حضور رب‌العالمین می‌رسد.

۱۴۳ **قُل لَّا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ.** (شوری / ۲۳)

بگو: (به ازای آن رسالت) از شما پاداشی نمی‌خواهم، مگر دوستی دربارهٔ خویشاوندان.

(۸۲۲) سعید بن جُبیر از ابن عباس حکایت کرد:

وقتی آیه کریمه «**قُل لَّا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ**» نازل شد، عدّه‌ای از اصحاب پرسیدند: یا رسول‌الله! این «**قُرْبَىٰ**» چه کسانی هستند که خدای عزّوجلّ ما را امر به مودّت آنان فرمود.

مصطفی صلی الله علیه و آله گفت: اهل بیت من؛ علی، فاطمه و دو فرزندم، حسن و حسین هستند که باید آنان را دوست بدارید و محبّت کنید.[1]

(۸۲۴) اعمش از سعیدبن جبیر از ابن عباس نقل کرد:

هنگامی که آیه کریمه «**قُل لَّا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ**» بر

---

۱. همین روایت را عدّه‌ای از راویان از قول یحیی نقل کرده‌اند و همچنین قنفذبزّاز از حمّانی نیز همین روایت را در شماره ۸۲۳ / شواهد التنزیل از رسول‌الله صلی الله علیه و آله نقل کرد.

رسول‌الله ﷺ نازل شد؛ اصحاب و یاران پرسیدند: یا رسول‌الله! قرابت تو که خدای سبحان مودّت آنان را برما واجب گردانید چه کسانی هستند؟

نبی ﷺ فرمود: علی، فاطمه و دو فرزند آنان، حسن وحسین از خویشاوندان و اهل‌بیت من هستند که خدای رحمان مودّتشان را واجب کرد.[۱]

(۸۲۸) قیس بن ربیع از اعمش و او از سعیدبن جبیر نقل کرد؛

ابن عباس مفسّر مشهور قرآن در توضیح آیه شریفه **«قُل لَّآ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ»** گفت: خویشاوندانی که مودّت آنان در قرآن تأکید و واجب شد؛ علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ هستند.

(۸۲۹) عثمان بن ابی یقظان از سعیدبن جبیر نقل می‌کند: ابن عباس روایتی را حکایت کرد و گفت:

انصار رسول‌الله ﷺ در مدینه بین خود جلسه خصوصی تشکیل دادند و به مشورت نشستند و گفتند: صلاح است اموالی جمع کنیم و تقدیم پیامبر ﷺ کنیم تا گشاده‌دست و متمکّن شود و محتاج کسی نباشد، سپس به حضور مصطفی ﷺ رسیدند و گفتند: یا رسول‌الله! ما تصمیم گرفته‌ایم اموالی برای شما از مال خود جمع کنیم تا به احدی وابسته نباشی.

چون تصمیم و قصد خود را با آن حضرت درمیان گذاشتند، آیه کریمه **«قُل لَّآ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ»** بر نبی ﷺ نازل شد وتکلیف آنان را روشن کرد و جواب صریح و روشن به انصار رسول‌الله ﷺ داده شد که این کار را نکنند و به جای آن مودّت و دوستی اهل بیت او را بپذیرند.

(۸۳۰) عبدالملک میسره از طاووس نقل کرد که ابن عباس بیان کرد؛ هیچ بنی‌هاشمی نیست که خویشاوند رسول‌الله ﷺ نباشد؛ و چون آیهٔ شریفه **«قُل لَّآ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً**

---

۱. محمدبن عیسی واسطی و احمدبن غفار از ابن عباس در شمارهٔ ۸۲۵/ شواهدالتنزیل همین روایت را نقل کرده‌اند و همچنین روایت ۸۲۶و ۸۲۷ / شواهد التنزیل با همین الفاظ و عبارت نقل شد.

إِلاَّ ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ» نازل شد؛ رسول خدا فرمود: به خویشان و نزدیکانم بپیوندید و آنان رادوست بدارید.

(۸۳۱) عبدالملک بن میسره گفت از طاووس شنیدم؛ گفت: مردی از ابن عباس سؤال کرد؛ قُرْبَىٰ در آیه «إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ» چه کسانی هستند؟

سعیدبن جبیر که در آن جا حضور داشت در جواب سؤال کننده گفت: فقط خویشاوندان آل محمدﷺ مورد نظر آیهٔ شریفه است.

عبدالله بن عباس گفت: ای ابوسعید! در جواب تعجیل کردی. بدان منظور اقربای رسول‌اللهﷺ از قریش است.[1]

(۸۳۲) یوسف بن‌مهران نقل کرد، ابن عباس در تفسیر آیه «قُل لَّآ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ» بیان کرد پیامبر فرمود: **أَنْ تودّوني في قرابتي و لاتؤذوني** یعنی به خویشان من مودّت کنید و به آنان اذیت و آزار نرسانید.[2]

(۸۳۴) شعبی می‌گوید: اهل کوفه در معنای آیه شریفه فوق بامن اختلاف کردند، نامه‌ای به ابن عباس مفسّر مشهور قرآن نوشتم تا مفهوم و تفسیر کلام خدا را مشخص کند.

ابن عباس در جواب نوشت: «قُل لَّآ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ».

اراده و قصد خدای تعالی از این آیه شریفه مواصلت و پیوند با خویشاوندان رسول‌اللهﷺ است که به اهل بیت آن حضرت اکرام و احترام کنید.

(۸۳۵) ابی صالح از قول ابن عباس نقل کرد:

وقتی رسول‌اللهﷺ به شهر مدینه مهاجرت کرد، دستش از مال و اموال خالی بود. چون همهٔ دارایی و اموال را در مکّه به جا گذاشته، در حالی که در مدینه مخارج و

---

۱. ابن راهویه از عبدالله بن حمید همین روایت را در سندش نقل کرده است.

۲. همین روایت را عامر شعبی نیز از ابن عباس نقل کرده فقط به جای لاتؤذونی نوشته بود لاتکذّبونی ؛ روایت ۸۳۳/شواهدالتنزیل همین کتاب.

تکالیفی به عهده آن حضرت بود، امّا دستش خالی بود.

طایفه‌ای از انصار به مشورت نشستند و گفتند؛ این مرد الهی ما را هدایت و راهنمایی کرد و شایسته است از دارایی خود، اموالی را جمع آوری کرده او را مساعدت و یاری دهیم. سپس به حضور مصطفی ﷺ رسیدند تا اموالی را تقدیم آن حضرت کنند.

در آن هنگام آیهٔ کریمه «قُل لَّآ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِى ٱلْقُرْبَىٰ» بر رسول‌الله ﷺ نازل شد؛ یعنی ای نبی‌الله! به آنان بگو برای راهنمایی و هدایت و آوردن قرآن از شما مزدی دریافت نمی‌کنم. مگر این که مودّت خویشاوندان مرا به دل بگیرید و آنان را اذیت نکنید و آزار ندهید.

(۸۳۶) حدیثی را قتاده از سعیدبن جبیر از ابن عباس نقل کرده است که رسول‌الله ﷺ وقتی به مدینه مهاجرت کرد، انصار مدینه باهم مشورت کردند و گفتند: خدای تعالی ما را به دست این مرد ربّانی هدایت کرد و اکنون از مال دنیا چیزی ندارد، چون همهٔ دارایی خود را در مکّه به جاگذاشت. شایسته است از اموال خویش اورا کمک کنیم. در نتیجه هشتصد دینار جمع کرده به حضور رسول الله ﷺ رسیدند و گفتند: یا رسول الله! تو برادر ما هستی و خدای سبحان ما را به دست تو هدایت کرد و اموری به عهده شماست که نیاز به درهم و دینار است و حال این که دست شماهم خالی است و از خانه و کاشانه خود دور شده‌اید، بر ما منّت بگذار و این مبلغ را از ماپذیر.

چون سخن بدین جارسید، آیهٔ «قُل لَّآ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِى ٱلْقُرْبَىٰ» نازل شد. یعنی برای تعلیم قرآن و هدایت شما اجر و مزدی را طلب نمی‌کنم، مگر این که مرا و فرزندانم و اهل بیتم را دوست بدارید.

(۸۳۷) طالوت بن عبّاد از فضال بن جبیر از أبی أمامة باهلي روایت کرد؛ رسول‌الله ﷺ فرمود:

إِنَّ ٱللّٰهَ خَلَقَ ٱلأَنْبِياءَ مِنْ أَشْجارٍ شَتّی و خُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ؛

فَانَا اَصْلُها وَ عليٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَينُ ثِمارُها وَ اَشْياعِنا اَوْراقُها وَ مَنْ تَعَلَّق بِغُصْنٍ مِنْ اَغْصانِها نَجیٰ وَمَنْ زاغَ هَویٰ...

خدای سبحان، انبیا و رسولان خود را از درختان مختلف خلق کرد. امّا من وعلی از یک درخت خلق شدیم. من اصل درخت و علی عليه السلام فرع آن است، حسن و حسین ثمره و میوهٔ شیرین آن درخت و شیعیان ما، برگ‌های سبز وزیبای این درخت‌اند. هرکسی به شاخه‌ای از شاخه‌های این درخت بچسبد نجات می‌یابد و هرکسی از این درخت دوری جوید به هویٰ و هوس و گمراهی می‌افتد.

ای یاران! بدانید اگر بنده‌ای دوهزار سال در بین صفا و مروه به عبادت خالق یکتا بپردازد و محبّت ما اهل بیت را درک نکند خدای سبحان او را با صورت در آتش جهنّم سرنگون می‌کند.

سپس آیه شریفه «قُل لَّآ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِى ٱلْقُرْبَىٰ» را تلاوت فرمود.

(۸۳۸) ابی هاشم رُمّانی از زاذان نقل کرد؛ علی عليه السلام فرمود:

در شأن ما اهل بیت در قرآن آیه‌ای هست و آن این که مودّت و محبّت ما را فقط مؤمنین حفظ و رعایت می‌کنند؛

آن گاه آیه شریفه (قُل لَّآ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِى ٱلْقُرْبَىٰ) را تلاوت کرد، و فرمود: این کلام خدای تعالی در حق ماست.[۱]

(۸۳۹) ابن بُکیر از عِکرِمة در توضیح آیه شریفه «قُل لَّآ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِى ٱلْقُرْبَىٰ» گفت:

هر قرابت و خویشاوندی که رسول خدا صلى الله عليه وآله از قریش داشته باشد، از اقربای رسول‌الله صلى الله عليه وآله هستند.[۲]

(۸۴۲) ابی نجیح از مجاهد در توضیح آیه شریفه «إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِى ٱلْقُرْبَىٰ» بیان کرد؛ رسول‌الله صلى الله عليه وآله فرمود: مرا اطاعت و متابعت کنید و به فرزندان من بپیوندید و آنان را احترام و اکرام کنید.

---

۱. همین روایت را مصبحن بن هلقام از عبدالغفور با سندش از رسول الله صلى الله عليه وآله نقل کرده است.

۲. روایت ۸۴۰ و ۸۴۱ / شواهدالتنزیل که به وسیله عمروبن شعیب نقل شده با همین مضمون است.

(۸۴۴) جعفر از سعیدبن جبیر در توضیح قول خدای سبحان «أَلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ» نقل کرد:

پیامبر ﷺ فرمود: با اذیت و آزار اقربا و خویشاوندانم مرا آزار ندهید.[1]

۱۴۴ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا. (شوری / ۲۳)

هر کسی عمل نیکی انجام دهد برنیکی‌اش می‌افزاییم.

(۸۴۵) حکیم بن ظهیر نقل کرد؛ سُدیّ در توضیح آیه شریفه «وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً» بیان کرد، هرکسی مودّت و محبّت آل محمدﷺ راکسب کند، خداوند بزرگ بر حَسَناتش می‌افزاید.[2]

(۸۴۷) ابی مالک از ابن‌عباس روایت کرد؛ «وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً» یعنی هر کسی دوستی و مودّت آل محمدﷺ راکسب کند «نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» بر حَسنات و خوبی‌هایش افزوده می‌شود.[3]

(۸۵۰) ابی مالک از ابی صالح روایت کرده، ابن عباس مفسّر مشهور در تفسیر و توضیح آیه «وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً» گفت؛ هرکسی مودّت اهل بیت مصطفیﷺ راکسب کند، خدای تعالی بر ثواب و پاداش او می‌افزاید.[4]

---

۱. روایت ۸۴۴ / شواهد التنزیل اشعاری است به مضمون و معنی آیه شریفه لا أسئلکم علیه اجراً... است.

۲. حکام حسکانی می‌گوید: روایت ۸۴۶ / شواهد التنزیل از ابن عباس همین گونه نقل شده است.

۳. روایت ۸۴۸ و ۸۴۹ از طریق ابی مالک از ابن عباس با همین معنی و مضمون نقل شده است.

۴. همین روایت از طریق ابوذر غفاری از ابن عباس نقل شده است.

۱۴۵ فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَإِنَّا مِنهُم مُّنتَقِمُونَ أَوْنُرِیَنَّکَ الَّذِی وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَیْهِم مُّقْتَدِرُونَ. فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذِیَ أُوحِیَ إِلَیْکَ إِنَّکَ عَلَیٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ. وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَّکَ وَلِقَوْمِکَ وَسَوْفَ تُسْئَلُونَ. (زخرف / ۴۴ـ۴۱)

پس اگر ما تو را (از دنیا) ببریم؛ قطعاً از آنان انتقام می‌کشیم. یا (اگر) آنچه را به آنان وعده داده‌ایم به تو نشان دهیم؛ حتماً ما بر آنان قدرت داریم. پس به آنچه به سوی تو وحی شده است چنگ زن، که تو بر راهی راست قرار داری. و به راستی که (قرآن) برای تو و برای قوم تو (مایهٔ) تذکّری است، و به زودی (در مورد آن) پرسیده خواهید شد.

(۸۵۱) علی ابن موسی الرضا از پدرش موسی بن جعفر و او از پدرش ابی جعفر و او از پدرش ابی محمد بن علی الباقر نقل کرده است که جابر بن عبدالله انصاری حکایت کرد.

در آخرین مراسم حج یعنی حَجَّةُ الوداع در نزدیک پیامبر ایستاده بودم که آن حضرت فرمود: **لا أَلفِیَنَّکُم تَرجِعُونَ بَعْدِي کُفّاراً یَضرِبُ بَعضُکُم رِقابَ بَعضٍ، و أیم الله لَئن فَعَلْتُمُوها لَتَعرِفُني فی الکتیبة التی تضاربکم.**

ای یاران! شما را توصیه می‌کنم؛ بعد از من به کفر و بی‌دینی نگرایید که با شمشیر به جان یکدیگر بیفتید و گردن همدیگر را بزنید. به خدا سوگند اگر چنین کنید؛ مرا از کسانی خواهید یافت که شما را با شمشیر برانم.

سپس به پشت سرش نگاه کرد و فرمود: علیَ یا علیَ یا علیَ! چون سه بار نام علی را به زبان آورد، دیدیم جبرئیل بر آن حضرت فرود آمد و گفت:

فَامّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَإِنَّا مِنهُم مُنتَقِمُونَ بعلی بن ابی طالب فَاستَمسِکْ بِالَّذِیَ أُوْحِیَ إِلَیکَ مِنْ أَمرِ عَلِيٍّ إِنَّکَ عَلَیٰ صِراطٍ مُستَقِیمٍ.

خدای سبحان می‌فرماید: به وسیله علی بن ابی طالب از آنان انتقام می‌گیرم. ای

رسول من! آنچه از امر علی بن ابی طالب‌ﷺ بر تو وحی می‌کنم تمسک کن. **إِنَّکَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**؛ که تو بر صراط مستقیم و طریق حقیقت هستی.

(۸۵۲) ابوبکر بن عیّاش از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد که جابر بن عبدالله انصاری صحابی رسول خداﷺ در تفسیر و توضیح آیه (**فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَإِنَّا مِنْهُم مُنْتَقِمُونَ**) گفت: یعنی خدای قادر از آنان به وسیله علی بن ابی طالب‌ﷺ انتقام می‌گیرد.

(۸۵۳) ابی زبیر از جابربن عبدالله انصاری نقل کرد، هنگامی که آیه شریفه (**فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَإِنَّا مِنْهُم مُنْتَقِمُونَ...**) بر رسول الله ﷺ نازل شد. آن حضرت بیان کرد؛ خدای قادر در کلام خود فرمود: از آنان به وسیله علی ﷺ انتقام می‌گیرم.

(۸۵۴) زریق بن مرزوق از حَکَم بن ظهیر و او از سُدیّ نقل کرد؛ **فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِکَ مِنْهم مُنْتَقِمُونَ** خدای سبحان می‌فرماید؛ به وسیله علی بن ابی طالب‌ﷺ از آنان انتقام می‌گیریم.

۱۴۶ وَسْئَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رُسُلِنَآ أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ ٱلرَّحْمَٰنِ ءَالِهَةً يُعْبَدُونَ. (زخرف / ۴۵)

و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو؛ آیا در برابرِ (خدای) رحمان، خدایانی که مورد پرستش قرار گیرند مقرّر داشته‌ایم؟

(۸۵۵) علقمه و اَسْوَد از عبدالله بن عباس روایت کردند؛ روزی رسول اللهﷺ به من فرمود: یا عبدالله! جبرئیل به نزدم آمد و گفت؛ یا محمد! «**وَسْئَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رُسُلِنَآ عَلىٰ ما بُعِثُوا؟**»

ای مصطفیﷺ! از رسولان گذشته و پیامبران پیشین از رسالتی که بر آن مبعوث شدند بپرس تا بیان کنند.

به جبرئیل گفتم: انبیای گذشته بر چه رسالتی مبعوث و مأمور شدند؟

گفت: بر ولایت تو و ولایت علی‌بن ابی طالب علیه السلام مبعوث شدند.[۱]

(۸۵۷) محمدبن سوقه از علقمه و اسود حکایت کرد؛ عبداللّه‌بن مسعود قاری معروف قرآن و صحابی مشهور مصطفی صلی الله علیه و آله گفت: رسول‌الله صلی الله علیه و آله به من فرمود؛ شبی که به سفر آسمانی رفته بودم مَلَکی کریم وبامنزلت به نزد من آمد و گفت: یا محمد! از انبیای گذشته و پیامبران سلف بپرس، بر چه عهد و پیمانی مبعوث شدند.

گفتم: **یَامَعاشرالرُّسُل وَالنَّبِیّین عَلیٰ مابَعَثکُم اللّه ؟**

ای رسولان الهی و انبیای گذشته! بر چه چیزی خدای رحمان شمارا مبعوث ومأمور فرمود؟

انبیا در جواب گفتند: یا رسول الله! ما بر ولایت تو و ولایت علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام مبعوث شدیم.[۲]

۱۴۷ **وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ.** (زخرف / ۵۷)

و هنگامی که (در مورد) پسر مریم مثالی آورده شد، به ناگاه قوم تو از آن (سخن) هلهله در انداختند (واعراض کردند).

(۸۵۹) عبدالرّحمان بن‌ابی‌نعم نقل کرد؛ علی علیه السلام فرمود: آیهٔ کریمه «**وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً...**» درباره من نازل شد.

(۸۶۰) عیسی‌بن عبدالله بن محمّد بن عمر بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام از پدرش علی علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

---

۱. روایت ۸۵۶/شواهدالتنزیل از روات دیگری از طریق عبدالعزیزبن محمدبن عمران از علی بن جابر با همین الفاظ و مضمون نقل شده است.

۲. این روایت از طریق محمدبن خالد واسطی نیز نقل شده است.

و روایت ۸۵۸/شواهدالتنزیل از طریق عبداللهبن عباس از نبی صلی الله علیه و آله با همین الفاظ و عبارات نقل شده است.

روزی پیامبر در میان جمعیتی از قریش نشسته بود، من به حضور آن بزرگوار رسیدم، پیامبرﷺ نگاهی معنادار به من کرد و فرمود؛ یاعلی! مَثَل تو در میان این اُمّت مانند عیسی‌بن مریم است.

طایفه‌ای در دوستی با او افراط رواداشتند وعده‌ای هم در دشمنی و کینه راه تفریط را پیمودند.

جماعتی که در حضور رسول الله ﷺ بودند، خندیدند، گفتند: بنگرید و ببینید چگونه پسرعمّ خود را با عیسی‌بن مریمؑ مقایسه می‌کند!

جبرئیل فرودآمد و آیه کریمه «**وَلَمَّا ضُرِبَ ٱبْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ**» را نازل کرد تا جوابی کوبنده بر استهزا و خندهٔ نابجای آن جماعت جاهل باشد.[1]

(۸۶۲) ابی صادق از ربیعة بن ناجذ روایتی را نقل کرد؛ که علی بن ابی طالبؑ فرمود: روزی مصطفی ﷺ مرا فراخواند و گفت:

یا علی! شخصیت وجودی تو مثل عیسی‌بن مریمؑ است. یهودیان او رادشمن شدند و در دشمنی و بغض و کینه تا آنجا پیش رفتند که به مادرش مریم بهتان زدند وافترا بستند، از طرف دیگر نصاریٰ چنان در دوستی افراط کردند تا اورا به جایگاه خدایی نشاندند.

علیؑ در ادامه سخن گفت:

إِنَّهُ يَهْلَكُ فِيَّ مُحِبٌّ يقْرظني بمَاليس فيّ؛ وَمُبْغِضٌ مُفْتَرِی يَحْمِلُهُ شَنَآني عَلىٰ اَن يبهتني. أَلاَ وإِنّي لَسْتُ بِنَبِيٍّ وَلاَ يُوحَىٰ اليّ ولكِنْ أَعْمَلُ بِكِتابِ اللّهِ فَحَقٌّ عَلَيْكُمْ طَاعتي فيما اَحْبَبْتُم وَكَرِهتُم ومااَمَرتُكم بِهِ اَوْ غيري...[2] (۴۹ س)

---

۱. همین روایت از عبّادبن یعقوب از عیسی‌بن عبدالله در رقم ۸۶۱/شواهدالتنزیل نقل شد والفاظ و مضمونش با این روایت یکی است.

۲. روایت ۸۶۳/شواهدالتنزیل از حَکَم‌بن عبدالملک از علیؑ همین گونه نقل شده است.

ـ و روایت ۸۶۴/شواهدالتنزیل از قیس‌بن میسره از ابی صادق همین گونه روایت شده است.

ـ و روایت ۸۶۵/شواهدالتنزیل از ابی حفص با الفاظ و مضمون این روایت یکی است.

دو طایفه به واسطهٔ من هلاک شدند؛ محبّی که افراط کرد و دشمنی که عناد بی‌اندازه ورزید، ای دوستان! آگاه باشید که من پیامبر مرسل و نبیّ مکرم نیستم، ولی عامل به کتاب خداوند بزرگ هستم، اطاعت و پیروی من در آنچه اکراه یا اشتیاق دارید بر شما واجب شد پس با امر و نهی من مخالفت نکنید.

(۸۶۶) صالح‌بن میثم از عبایة بن ربعی نقل کرد[1] که علی ﷺ فرمود: رسول‌الله ﷺ مرا فراخواند و فرمود: یا علی! مَثَل تو مانند عیسی‌بن مریم ﷺ است که یهودیان با او دشمن بودند تا آن جا که بهتان و تهمت در حق مادر او رواداشتند و نصاریٰ به قدری به او محبّت و علاقه داشتند که او را به منزله خدا فرض کردند.

• منافقین با شنیدن کلام پیامبر ﷺ در حق من گفتند:

ببینید چه قدر محمّد ﷺ از پسرعمّ خود راضی است که او را به منزله عیسی‌بن مریم قرار داده و مقام او را تا مقام عیسی‌بن مریم ﷺ بالا برده است!

چون این سخنان ناروا از منافقین منتشر شد، آیه شریفه «**وَلَمَّا ضُرِبَ ٱبْنُ مَرْیَمَ مَثَلاً إِذَا قَوْمُکَ مِنْهُ یَصِدُّونَ...**» نازل شد.

علی ﷺ پس از نقل این حکایت فرمود: به سبب همین فرمایش رسول‌الله ﷺ است: **إِنَّه یَهْلِکُ فِیَّ رَجُلان ؛ مُحِبٌّ مُطْرِی یَطْرِینِی بِمَا لَیْسَ فِیَّ، وَمُبْغِضٌ مُفْتری یَحْمِلُهُ شَنَآنی عَلی أَن یَبْهَتَنِي.**[2]

(۸۶۸) محمدبن عُبَیدالله بن ابی‌رافع از پدر و جدش ابی‌رافع نقل کرد که آن دو گفتند: رسول‌اللّه ﷺ به علی ﷺ فرمود؛

دو خصلت در توست که در عیسی‌بن مریم ﷺ بود. بعضی از صحابه پرسیدند: یارسول‌اللّه! آیا پیامبران خدا را به علی ﷺ تشبیه می‌کنی؟!

در این اثنا علی ﷺ سؤال کرد: آن دو خصلت چیست؟

---

۱. روایت ۸۶۷/شواهدالتنزیل ازابی عبدالرحمان مسعودی از حارث اصبغ‌بن نباتة از علی ﷺ با همین متن و الفاظ نقل شده است.

۲. برای ترجمه به روایت شماره ۸۶۲ مراجعه شود.

رسول‌اللّه ﷺ فرمود: حبّ نصاری تا آن جا که به هلاکت رسیدند و بُغْض یهود تا حدّی که هلاک شدند.

اما درباره تو ؛ افراط در دوستی و محبت تا جایی که موجب هلاکت آنان می‌شود وزیاده‌روی در بُغْض و کینه و دشمنی تو که باعث هلاک آنان می‌شود.

چون این بیانات مصطفیﷺ منتشر شد، طایفه‌ای از منافقین و جمعی از قریش گفتند؛ چگونه ممکن است، علیﷺ مانند عیسی‌بن مریم باشد!

در آن هنگام آیهٔ شریفه ﴿**وَلَمَّا ضُرِبَ ٱبْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ**﴾[1] نازل شد تا دهان مخالفان و معاندان بسته شود.[2]

۱۴۸ **أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُوا ٱلسَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ سَوَآءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ.** (جاثیه / ۲۱)

آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده‌اند پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند (به طوری که) زندگی آنان و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند!

۸۷۲ عطاء و ضَحّاک از مجاهد نقل کردند؛ که ابن عباس در توضیح و شرح آیه کریمه ﴿**أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُوا ٱلسَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ سَوَآءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ**﴾ بیان کرد؛

---

۱. قرأت جعفربن محمد از پدرش واز جدش از علیﷺ به جای یَصِدُّونَ، یَضْحَکُون قرائت شد.

۲. مثل همین روایت در تفسیر عیاشی نقل شد. و همچنین روایت رقم ۸۶۹/ شواهدالتنزیل که از اصبغ نباتة از علیﷺ حکایت شد با همین عبارت و الفاظ است.

و همچنین روایت رقم ۸۷۰/شواهدالتنزیل از طریق ابی یقظان از زاذان از علیﷺ با کمی اختلاف الفاظ روایت شده است.

و روایت رقم ۸۷۱/شواهدالتنزیل ازتفسیر عتیق از طریق ابی‌سعید خدری با همین مضمون نقل شده است.

آیه در مقایسه بین سه نفر از مؤمنان خالص؛ علی ﷺ، حمزه سیدالشهداء و عبیدةبن حارث باسه تن از مشرکان فاجر مثل عتبه و شَیْبه و ولیدبن عُتْبه نازل شد.

«ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ» یعنی کسانی که شرک و بی‌دینی را کسب کردند.

وقضیه از این قرار بود که سه تن از مشرکین پلید مثل عتبه و شیبه و ولیدبن عتبه در مکه با سه نفر از مؤمنین یادشده به مجادله و منازعه پرداختند و گفتند شما را فاضل‌تر و برتر از خود نمی‌دانیم و شما مسلمانان و مؤمنین بر مبنای درست و صحیحی نیستید، اگر هم بر فرض قیامتی و آخرتی درکارباشد باز هم مااز شما برتر و بالاتریم و درجایگاه والاتر و بهتری جای داده می‌شویم.

خدای سبحان که دانای سرّ و نهان است، آیه شریفه «أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ...» را درباره آنان نازل کرد و فرمود: مؤمنان صالح با کافران ناصالح هرگز در نزد ما مساوی نیستند. اگر چنین سخنانی بگویید، قضاوت نادرست وناحقّی کرده‌اید.[1]

(۸۷۴) کلبی از ابی‌صالح نقل کرد؛ ابن عباس در شرح آیه کریمه بیان کرد؛ «أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ» یعنی بنی عبدشمس که دنبال کسب بدی‌ها و سیئات بودند «وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ» بنی هاشم و بنی عبدالمطلب هستند که به ایمان و عمل صالح گرایش و اهتمام داشتند.

(۸۷۵) مقاتل بن سلیمان از ضحّاک روایتی را نقل کرد که ابن عباس در توضیح آیه شریفه گفت: «أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ» یعنی بنی‌امیه که پیوسته دنبال سیئات و ضدّیت و مخالفت با قرآن و اسلام بودند و «أَن نَّجْعَلَهُمْ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ» یعنی مؤمنین صالح که پیوسته گوش به فرمان یزدان و مطیع قرآن بودند و آنان؛ نبی ﷺ، علی ﷺ، حمزه سیدالشهداء، جعفرطیّار، حسن، حسین و فاطمه ﷺ

۱. روایت ۸۷۳/شواهدالتنزیل از طریق ابی‌صالح از ابن‌عباس با اندک اختلافی مثل همین روایت مبسوط نقل شده است.

هستند که این آیه در شأن آنان نازل شد و این بزرگان را مورد تمجید و تحسین قرارداد.

(۸۷۶) ابوصادق از ربیعة‌بن ناجذ نقل کرد: علی بن‌ابی طالب ﷺ فرمود: در سوره محمّد ﷺ آیه‌ای هست که در فضیلت و تحسین ما و مذمّت بنی امیه نازل شد.[1]

(۸۷۷) عبدالله بن‌حزن نقل کرد، درمکّه در میان جمعی در حضور حسین بن علی ﷺ نشسته بودیم، آیه کریمه «**اَلَّذِیْنَ کَفَرُوا وَصَدّوا عَنْ سَبِیلِ‌اللّهِ أَضَلّ اَعْمالَهُم وَاَلَّذِیْن أَمَنوا وَ عَمِلوُ اَلصَّالِحاتِ وَ آمَنوا بِما نَزَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ هوَالْحَقّ مِنْ رَبّهِم**»[2] تلاوت شد. آن بزرگوار فرمود: این آیه شریفه در شأن ما اهل بیت و بی دینی و مخالفت و سدّ راه بنی امیه نازل شد.[3]

۱۴۹ **وَٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ. سَيَهۡدِيهِمۡ وَيُصۡلِحُ بَالَهُمۡ. وَيُدۡخِلُهُمُ ٱلۡجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمۡ.** (محمد / ۶ـ۴)

وکسانی که در راه خدا کشته شدند، هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند. به زودی آنان را راه می‌نماید و حالشان را نیکو می‌گرداند، و در بهشتی که برای آنان وصف کرده می‌برد.

(۸۷۸) قتادة از عطاء نقل کرد؛ ابن عباس در تفسیر وتوضیح کلام خدای عزّوجلّ گفت:

(**وَٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ**)؛ یعنی کسانی که در راه خدا و ترویج دین شهید شدند

---

۱. حاکم حسکانی توضیح داده است که این روایت منقول از علی ﷺ رافقط با همین اسناد درکتب روائی دیدم.

۲. محمد /۱

۳. از طریق علی بن هاشم از فطر از جعفربن حسین هاشمی روایتی به همین معنی و مضمون نقل شده است. و همچنین از سبیعی از ابی‌جعفرالباقر ﷺ همین روایت ذکر شده است.

مثل حمزه سیدالشهداء و جعفر طیار هرگز حسنات و مجاهدت‌های آنان فراموش نمی‌شود و پاداش آنان جنّت و بهشت رضوان است.

﴿وَسَيَهْدِيهِمْ﴾ یعنی خدای سبحان به این مجاهدان توفیق انجام اعمال صالح و کارهای خیر راعنایت می‌فرماید.

«وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ» و همچنین نیّات وحالات و اعمال آنان رااصلاح می‌کند.

﴿وَيُدْخِلُهُمُ ٱلْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ﴾ آن هنگامی که در بهشت داخل شوند، آدرس منازل و جایگاه ابدی آنان را نشان داده معرفی می‌کند.

۱۵۰ **ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ مَوْلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَأَنَّ ٱلْكَٰفِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ.** (محمد / ۱۱)

چراکه خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، ولی کافران را سرپرست (ویاری) نیست.

(۸۷۹) قتادة از سعیدبن جبیر نقل کرد؛ ابن عباس مفسّر مشهور در توضیح آیه کریمه بیان کرد،

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ مَوْلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟﴾ یعنی خدای سبحان ولیّ مؤمنانی مثل محمدﷺ، علی ؑ، حمزه، جعفرطیّار، فاطمه ؑ و حسن ؑ و حسین ؑ است؛ و آنان را بر دشمنان، نصرت و غلبه می‌دهد و عاقبت از آنِ متقین و مؤمنین است.

﴿ وَأَنَّ ٱلْكَٰفِرِينَ﴾ وبرای کافران، مثل ابوسفیان‌بن حَرْب و اعوان وانصارش هیچ ولیّ نیست تا عذاب دنیاو آخرت را از آنان دفع کند.

۱۵۱ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُم.

(محمد / ۱۴)

آیا کسی که بر حجّتی از جانب پروردگار خویش است، چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و هوسهای خود را پیروی کرده‌اند؟

(۸۸۰) مقاتل از عطاء نقل کرد؛ ابن عباس در تفسیر آیه فوق بیان کرد،

«أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ».

آیه برای رسول اللهﷺ وعلی ؑ، آن زمان که شهادت «أَنْ لاإِلٰهَ إِلاَّاللّٰه وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَه» وشعار توحید سر دادند نازل شد. (كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ) آیا این چنین انسان موحد و خداشناسی با مثل ابوجهل‌بن هشام و ابوسفیان‌بن حرب که هوای نفس و شیطان، مال دنیا را برای آنان زینت داده است برابر ومساوی‌اند.

و حال این که ابوسفیان و ابوجهل تابع هویٰ و نبیﷺ و علی ؑ بندهٔ خداهستند.

۱۵۲ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ. فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ.

(محمد / ۲۲ـ۲۱)

و چون کار به تصمیم کشد، قطعاً خیر آنان در این است که با خدا راست (دل) باشند. پس (ای منافقان) آیا امید بستید که چون (از خدا) برگشتید (یا سرپرست مردم شدید) در (روی) زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگلسید؟

(۸۸۱) سفیان ثوری از ابن جُرَیج واو از عطاء نقل کرد؛ ابن عباس بیان کرد:

آیهٔ (فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ) درباره بنی امیه نازل شد، اگر بنی‌امیه ایمان می‌آوردند و در راه طاعت و متابعت گام برمی داشتند و اجابت دستورهای دین وقرآن را می‌کردند، برای

آنان بهتر و نیکوتر از معصیت و عصیان و نافرمانی که در حق قرآن و یـزدان داشـتند، بود.

﴿وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ﴾ این طایفه از نبی ﷺ واهل بیت او بریدند و به مخالفت با آنان پرداخته، در دشمنی کمال بی‌رحمی و سنگ دلی را روا داشتند.

۱۵۳ وَلَتَعۡرِفَنَّهُمۡ فِي لَحۡنِ ٱلۡقَوۡلِ. (محمد / ۳۰)

آنان که در دلهایشان مرض است، از طرز سخن گفتنشان می‌توانی آنها را بشناسی.

(۸۸۲) هارون عبدی از ابوسعید خـدری در شـرح و تـفسیر آیـه کـریمه نـقل کـرد؛ «لَتَعۡرِفَنَّهُمۡ فِي لَحۡنِ ٱلۡقَوۡلِ» یعنی منافقان و بیماردلان را از لحن گفتار و سخنانی که در بغض و کینه نسبت به علی ﷺ ابراز و اعلام می‌دارند می‌توان شناخت.[1]

۱۵۴ مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ سِيمَاهُمۡ فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِۚ وَمَثَلُهُمۡ فِي ٱلۡإِنجِيلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعۡجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلۡكُفَّارَۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنۡهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمَۢا. (فتح / ۲۹)

---

۱. روایت ۸۸۴/شواهدالتنزیل، از طریق ابی‌الحسن مدائنی از هارون عبدی از ابوسعید خدری با همین الفاظ و محتوا نقل شده است. روایت ۸۸۵/شواهدالتنزیل، از جعفربن سلیمان از ابی هارون عبدی از ابوسعید خدری در همین معنی نقل شده است.

محمّدﷺ پیامبر خداست؛ وکسانی که با او هستند، بر کافران، سختگیر(و) با همدیگر مهربان‌اند. آنان را در رکوع وسجود می‌بینی. فضل وخشنودی خدا را خواستارند. علامت (مشخصهٔ) آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مَثَلِ آنان در انجیل، چون کِشته‌ای است که جوانهٔ خود بر آورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از (انبوهی) آنان (خدا) کافران را به خشم در اندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.

(۸۸۶) سفیان ثوری ازابن جُرَیح واو از عطاء نقل کرد که ابن‌عباس مفسّر مشهور در تفسیر و توضیح آیه کریمه بیان کرد؛

(مُحَمَّدٌ رَّسُولُ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ) محمدﷺ و اصحاب مؤمنش از سابقین (تَرَىٰهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا) یعنی علی بن ابی طالبؑ (يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ) یعنی طلحه وزبیر (سِيمَاهُمْ فِى وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ ٱلسُّجُودِ) یعنی عبدالرحمان بن عوف و سعدبن ابی‌وقّاص (ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِى ٱلتَّوْرَىٰةِ وَمَثَلُهُمْ فِى ٱلْإِنجِيلِ) یعنی ابوعبیده جرّاح (كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ) یعنی ابوبکر (فَٱسْتَغْلَظَ) یعنی عمر (فَٱسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ) یعنی عثمان (يُعْجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلْكُفَّارَ) یعنی علی‌بن ابی طالب ؑ (وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنْهُم) یعنی تمامی اصحاب محمدﷺ.[1]

(۸۸۷) عبدالکریم جزری از سعیدبن جُبَیر نقل کرد از عبدالله بن عباس در توضیح و تفسیر کلام خدا: (وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنْهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًۢا) سؤال شد. گفت: روزی در خدمت پیامبرﷺ بودم، جمعی ازآن حضرت پرسیدند یا رسول‌الله! این کلام الهی دربارهٔ چه کسی نازل شد؟

---

۱. روایت ۸۸۸/شواهدالتنزیل از طریق عمروبن زیاد باهلی از موسی‌بن جعفر با همین الفاظ و متن نقل شده است، توضیح این که این روایت درباره اصحاب و یاران پیامبر شاید مقداری مبالغه‌آمیز باشد.
و روایت ۸۹۲، ۸۹۱، ۸۹۰/شواهدالتنزیل از طریق مبارک‌بن فضاله از حسن همین روایت را نقل کرده است.
و همچنین روایت رقم ۸۸۹/شواهدالتنزیل با اندکی اختلاف از أسلم‌بن جنید از حسن همین گونه نقل شده است.

مصطفی ﷺ فرمود: چون قیامت کبریٰ برپا شود، پرچمی سفید و نورانی را می‌آورند و منادی از جانب پروردگار ندا می‌دهد: سیّدمؤمنان و کسانی که با او بعد از بعثت محمّد ﷺ ایمان آوردند برخیزند و به پیش تازند.

علی‌بن ابی‌طالب ﷺ به سرعت برمی‌خیزد و لوای نورانی و پرچم سفید به دستش داده می‌شود. همهٔ مهاجران و انصار سابقه‌دار زیر این لوای نورانی جمع می‌شوند و غیر از مهاجر و انصارِ نخستین و سابقه‌دار کسی با آنان همراه نخواهد بود.

تا این که علی ﷺ بر منبری از نور ربّانی قرار می‌گیرد.

آن گاه بندگان خدا یکی‌یکی به نزد آن سیّد و سرور می‌آیند و پاداش خویش را دریافت می‌کنند، وقتی جمعیتِ زیادی پاداش خود را دریافت کردند به آنان گفته می‌شود، همهٔ شما جایگاه خود را در بهشت شناختید، خدای سبحان به شما می‌فرماید: «**عِنْدِي مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عظيم**».

علی ﷺ و طوایفی که زیر لوای او هستند برخاسته و علی ﷺ آنان را به داخل بهشت می‌برد، سپس بر منبر خود می‌نشیند و پیوسته مؤمنان و صالحانی را که نصیب خود را دریافت کرده‌اند به داخل بهشت می‌برد و طوایف دیگری که اهل جهنم و آتش‌اند به آتش سپرده می‌شوند.

و این کار به سبب قول خدای سبحان؛ «**وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ**.» است که مؤمنان سابقه‌دار واهل ولایت را چنین پاداش نیکو و جایگاه رفیعی عنایت می‌فرماید.

«**وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا**» آنان که ولایت علی ﷺ و حقّ او راکه حقّ مسلّم و واجب بر همه عالمین است زیر پاگذاشتند.

«**أُوْلَٰئِكَ أَصْحَابُ ٱلنَّارِ**» اینان کسانی هستند که علی ﷺ جهنّم را برای آنان قسمت کرده و مستحق جهنّم هم هستند.

(۸۹۱) انس بن مالک می‌گوید؛ رسول‌الله ﷺ آیهٔ کریمه «**مُحَمَّدٌ رَّسُولُ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ**

مَعَهُ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ...» را قرائت فرمود و گفت؛ منظور از «كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْـَٔهُۥ» محمدﷺ (فَـَٔازَرَهُۥ) ابوبکر (فَٱسْتَغْلَظَ) عمر (فَٱسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ) عثمان و «يُعْجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلْكُفَّارَ» علی‌بن‌ابی‌طالبﷺ است.[1]

۱۵۵ إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا۟ وَجَـٰهَدُوا۟ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّـٰدِقُونَ. (حجرات/ ۱۵)

در حقیقت، مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و (دیگر) شک نیاورده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ اینها هستند که راست کردارند.

(۸۹۳) عمروبن دینار از عطاء حکایت کرد؛ ابن‌عباس در تفسیر آیه شریفه «إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟» گفت یعنی کسانی که خدای سبحان و رسولش را تصدیق کردند و شکّ و شبهه‌ای در ایمان نداشتند.

و این آیه در شأن علی‌بن ابی‌طالبﷺ و حمزه‌سیدالشهداء و جعفر طیّار نازل شد. که از مؤمنان راستین به خدا و پیامبرﷺ و قرآن بودند.

(وَجَـٰهَدُوا۟ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّـٰدِقُونَ) که از سرِ صِدْق و خلوص با جان و مال بادشمنان خدا و درراه طاعت الله پیکار و مجاهدت کردند و اینان مؤمنان صادق و وفادارند که خدای سبحان آنان را به صداقت و راستی در این آیه شریفه ستوده و نام برده است.

۱. ابوعمران موسی‌بن احمدبن عمربن غیلان هم این روایت رانقل کرده ومؤلف کتاب فقط روایت آن را تحت شماره ۸۹۲/شواهدالتنزیل ذکرکرده است.

۱۵۶ «وَجَآءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَآئِقٌ وَ شَهِيدٌ». (ق / ۲۱)

هر انسانی وارد محشر می‌شود، در حالی که همراه او سوق دهنده و گواهی هست.

(۸۹۴) جعفربن حکیم ازاُمّ سَلَمه در شرح آیهٔ کریمه **«وَجَآءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَآئِقٌ وَ شَهِيدٌ»** نقل کرد:

رسول اللّه ﷺ در قیامت به عنوان سائق (سوق دهنده) مردم است. و علی‌بن‌ابی‌طالب ؑ به عنوان شهید وگواه بر بندگان است.

۱۵۷ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ. (ق / ۲۴)

(خداوند فرمان می‌دهد) هرکافر متکبّر و لجوج را در جهنم بیفکنید.

(۸۹۵) محمدبن طُفَیل از شریک‌بن عبداللّه این روایت را نقل کرده است که در حضور اعمش که مریض بود به رسم عیادت نشسته بودم که ابوحنیفه وابن شبرمة و ابن ابی‌لیلی وارد مجلس شدند. و رو به اعمش کردند و گفتند: یا ابامحمد! تو در آخرین روزهای عُمر و در آستانه آخرت هستی. و در باره علی بن ابی طالب ؑ احادیث مبالغه‌آمیزی نقل کرده‌ای؛ سزاوار است در پایان عمر از گفته‌های خویش توبه کنی.

اعمش گفت: سنداحادیثی را که در شأن و منزلت علی ؑ گفتم بیان کنید تا بدانم کدام حدیث را می‌گویید.

آنان بعضی ازاحادیث را اشاره کردند.

اعمش گفت: بلی، ابومتوکل ناجی حدیثی را ابوسعیدخدری برایم نقل کرد و گفت؛ رسول‌اللّه ﷺ فرمود: چون قیامت کبریٰ برپا شود، خدای سبحان به من و

علی﷣ می‌فرماید: «أَلْقِيَا فِي ٱلنَّار مَنْ أَبْغَضَكُمَا وَ أَدْخِل ٱلْجَنَّة مَنْ أَحَبَّكُمَا»

هرکسی دشمن کینه‌توز تو وعلی است در آتش جهنم اندازید و هرکسی مُحبّ و مطیع شماست در بهشت داخل کنید و این به جهت آیهٔ شریفه «أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ» است.

ابوحنیفه با عصبانیت برخاست و به دوستانش گفت، برخیزید از این بدتر و شدیدتر کلامی گفته نمی‌شود.

(۸۹۶) اعمش از ابومتوکّل ناجی و او از ابوسعید خدری حدیثی را روایت کرد که رسول اللهﷺ فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، خدای قادر به من وعلی ﷣ دستور می‌فرماید، برخیزید؛ هر کسی که از دوستان و محبّان و پیروان شماست به بهشت داخل کنید و هرکسی دشمن و مخالف شماست به جهنم اندازید.

علی ﷣ بر شفیر و لبه جهنّم می‌ایستد و می‌گوید، این برای من و آن برای تو.

معنای کلام سبحان در قرآن «أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ» هم همین است که اجازه این کار به ما دو نفر داده می‌شود.

(۸۹۷) محمدبن حسین از پدرش و او از جدش از علی ﷣ در توضیح و تفسیر آیهٔ کریمه «أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ» بیان کرد.

علی ﷣ فرمود: رسول اللّه ﷺ برایم بیان فرمود: آن هنگامی که مردم در روز قیامت اجتماع کنند، من و تو در سمت راست عرش ساکن می‌شویم، آن گاه به من و تو گفته می‌شود: قُومَا فَألقِيا مَنْ أَبْغَضَكُمَا وخَالَفَكُما وَكَذَّبَكُما فی النَّار.

یامحمد! تو و علی برخیزید و دشمنان و مخالفان و تکذیب کنندگان خود را به جهنم اندازید.[1]

۱. روایت، ۸۹۸ / شواهدالتنزیل از سعدبن ظریف از عکرمه با اندک اختلافی در همین معنی روایت شده است.

۱۵۸ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى ٱلسَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ.

(ق / ۳۷)

قطعاً در این (عقوبتها) برای هر صاحبدل و حق نیوشی که خود به گواهی ایستد، عبرتی است.

(۸۹۹) مُنْذِر ثوری از محمدبن حنفیّه (فرزند علی ﷺ) نقل کرد؛ علی ﷺ در توضیح کلام خدا **إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى ٱلسَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ**

فرمود: من آن صاحب قلب سلیمی هستم که ربّ جلیل در آیهٔ فوق به آن اشاره فرمود.

(۹۰۰) سفیان ثوری از سدیّ از عطاء نقل کرد؛ ابن عباس مفسّر مشهور بیان کرد؛ روزی دو شتر بزرگ به رسول‌اللّه ﷺ هدیه شد، آن حضرت رو به اصحاب کرد و فرمود آیا در بین شما کسی هست که دو رکعت نماز را خالصانه برای خدای عزّوجل به جای آورد و قلبش فقط متوجّه اللّه باشد و از کار دنیا چیزی در قلبش خطور نکند و در ذهنش راه نیابد، تا یکی از دو شتر را به او بدهم.

علی ﷺ برخاست و به نماز ایستاد. وقتی نماز را به پایان رسانید، جبرئیل به رسول‌اللّه گفت: یکی از دوشتر را به او عنایت فرما.

رسول اللّه ﷺ فرمود، او در تشهّد درنگ و توقف کوتاهی نمود و تفکّری کرد تا کدام یک را انتخاب کند.

جبرئیل گفت: تفکرش برای این بود که کدام یک را انتخاب کند که چاق‌تر باشد تا در راه خدا بکشد و صدقه بدهد و تفکّر او برای وجه‌اللّه بود نه برای خود ودنیای خود.

پس رسول اللّه ﷺ هر دو شتر را به علی ﷺ داد.

در آن هنگام خدای سبحان آیه شریفهٔ «**إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ**

أَلْقَى ٱلسَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ» را بر محمّد مصطفی ﷺ نازل فرمود.

یعنی در نماز علی ؑ پند و اندرزی نیکو برای کسانی است که قلبی سالم و عقلی کامل دارند یا آن کسانی که در نماز آنچه با زبان می‌گویند با گوش می‌شنوند.

و این چنین فردی شهید و حاضرالقلب نامیده می‌شود.

رسول اللهﷺ فرمود: هرکسی دورکعت نماز با صفا بخواند که امور دنیا در آن نماز به قلب و ذهنش خطور نکند، خدای تعالی از او راضی می‌شود و همه گناهانش را عفو می‌کند.

۱۵۹ كَانُواْ قَلِيلاً مِّنَ ٱللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ. وَبِٱلأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ. وَفِيٓ أَمْوَٰلِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّآئِلِ وَٱلْمَحْرُومِ. (ذاریات ۱۹ـ۱۷)

و از شب اندکی را می‌غنودند، و در سحرگاهان (از خدا) طلب آمرزش می‌کردند و در اموالشان برای سائل و محروم حقّی (معین) بود.

(۹۰۱) قتادة از سعیدبن جُبَیر نقل کرد که ابن عباس در توضیح آیه کریمه «كَانُواْ قَلِيلاً مِّنَ ٱللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ...» گفت: این آیه در حقّ علی، حسن، حسین و فاطمهؑ نازل شد.

علی ابن ابی‌طالبؑ چنان بود که دو ثلث آخر شب را به نماز و مناجات و تلاوت قرآن مشغول بود و ثلث اول شب را استراحت می‌کرد.

چون سحرگاهان فرا می‌رسید آن حضرت به دعا و استغفار مبادرت می‌کرد.

در سیره علیؑ وارد شده است که در هر شب هفتاد رکعت نماز و یک ختم قرآن در پایان آن نماز انجام می‌داد.

۱۶۰ إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٍ وَ نَعِيمٍ. (طور / ۱۷)

پرهیزگاران در باغهایی هستند و (در) ناز و نعمت‌اند.

(۹۰۲) سفیان بن عیینة از منصور و او از مجاهد نقل کرد که ابن عباس در شأن نزول و تفسیر آیه کریمه فوق بیان کرد، «إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ» درباره علی ﷺ، حمزه، فاطمه ﷺ و جعفر طیّار نازل شد که مصداق بارز متقین در نزد خدا هستند و اینان در آخرت به بوستان‌هایی زیبا دست می‌یابند.

ابن عباس در ادامه می‌گوید: در هر بوستان از بهشت عُلْیا، در وسطش خیمه‌ای از لؤلؤ وجود دارد و در داخل هر خیمه‌ای تختی از طلا نصب است و در هر تختی هفتاد بستر و فرش مهیاست که از آنِ متقین هست.

۱۶۱ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَآ أَلَتْنَٰهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ. (طور / ۲۱)

و کسانی که گرویده و فرزندانشان آنان را در ایمان پیروی کرده‌اند، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کار(ها)شان نمی‌کاهیم.

(۹۰۳) حَکَم بن ظهیر از سُدیّ و او از ابی مالک و او از ابن عباس نقل کرده است که آیهٔ کریمه «وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم...» در شأن نبی ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ نازل شد.

(۹۰۴) عبدالرّحمان بن عُمَر حکایت کرد که هرگاه بزرگان را می‌شمردیم از ابوبکر و عمر و عثمان نام می‌بردیم.

مردی برخاست و گفت: یا بن عمر! پس علی ﷺ را چرا نام نمی‌بری؟

در جواب گفتم: وای بر تو! علی ﷺ از اهل بیت است، و هیچ کسی را نمی‌توان با او مقایسه کرد، علی ﷺ با نبی ﷺ در یک درجه و رتبه هستند.

خدای سبحان در قرآن فرموده است: «وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم».

و همچنین فاطمه ﷺ با رسول‌الله ﷺ در یک درجه است و علی ﷺ با آن دو بزرگوار نیز در یک درجه هستند.

(۹۰۵) زراره و حمران از محمّدبن مسلم واو از ابوجعفر ﷺ و ابی عبدالله در توضیح آیه «وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ» نقل کرده‌اند:

اطفال و فرزندان به واسطه اعمال صالح پدران محافظت می‌شوند و مورد لطف و عنایت پروردگار قرار می‌گیرند. کما این که خدای تعالی مال و دفینه دو فرزند را به جهت ایمان و تقوا و صلاح پدر به دست خضر ﷺ محافظت کرد.

(۹۰۷) سعیدبن جبیر از ابن عباس نقل کرده است:

خدای سبحان ذریّه مسلمانان را به پدرانشان ملحق می‌کند، هرچند از نظر اعمال پایین‌تر از پدران خود باشند؛ برای این که موجب شادی و روشنی چشم پدران را فراهم فرماید.

ابن عباس آن گاه برای تأیید گفتار خویش آیهٔ «أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ...» را قرائت کرد.[1]

---

۱. روایت ۹۰۹ و ۹۰۸/شواهدالتنزیل از طریق راوی دیگری از ابن عباس باهمین مضمون و محتوا نقل شده است.

۱۶۲ **وَٱلنَّجْمِ إِذَاهَوَىٰ. مَاضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَاغَوَىٰ. وَمَايَنْطِقُ عَنِ ٱلْهَوَىٰٓ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ.** (نجم/۳_۱)

سوگند به اختر (قرآن) چون فرود می‌آید (که) یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده است و از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن به جز وحیی که وحی می‌شود نیست.

(۹۱۰) مالک‌بن غسّان نهشلی از ثابت و او از انس بن مالک نقل کرد:

در عهد رسول‌الله ﷺ ستاره‌ای از جای خود حرکت کرد، مصطفی ﷺ فرمود: این ستاره را بنگرید، در خانه هرکسی فرود آید او خلیفه و جانشین من است.

همه حاضران به نظاره پرداختند و دیدند آن کوکب درخشان در منزل علی‌بن ابی طالب ؑ فرودآمد.

جماعتی از حضّار گفتند: محمد ﷺ از شدّت علاقه و زیادی محبّت به علی ؑ به گمراهی کشیده شد.

جبرئیل آیه شریفهٔ «**وَٱلنَّجْمِ إِذَاهَوَىٰ. مَاضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَاغَوَىٰ. وَمَايَنْطِقُ عَنِ ٱلْهَوَىٰٓ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ**» را بر مصطفی ﷺ نازل کرد و پاسخ محکمی به آن یاوه گویان داد.[۱]

(۹۱۲) ابی‌بشر از سعیدبن جبیر نقل کرد؛ ابن‌عباس گفت:

در محفلی در حضور رسول‌الله ﷺ با عدّه‌ای از جوانان بنی‌هاشم نشسته بودیم، ستاره‌ای از جای خود حرکت کرد، مصطفی ﷺ فرمود:

این ستاره در منزل هر کسی فرود آید او وصیّ و جانشین من است.

جوانی از بنی هاشم برخاست و به تماشای آن کوکب درخشان پرداخت.

تا این که آن ستاره در خانه علی ؑ فرودآمد.

۱. روایت ۹۱۱/شواهدالتنزیل با اندکی اختلاف از ثابت بنانی از انس‌بن مالک باهمین محتوا نقل شده است.

عدّه‌ای از آن جماعت گفتند: یا رسول‌الله ﷺ! حبّ وافر و علاقه فراوان تو نسبت به علی ﷺ تو را به غوایت و گمراهی کشانده و در شأن او مبالغه می‌کنی!

بلافاصله آیه شریفه «وَٱلنَّجْمِ أَذَاهَوَىٰ... وَ هُوَ بِٱلأُفُقِ ٱلأَعْلَىٰ» بر پیامبر نازل شد.[1]

(۹۱۴) منصور بن ابی‌اسود از جعفر بن محمد ﷺ و او از پدرش تا می‌رسد به علی ﷺ؛ که آن حضرت حکایت کرد؛ رسول‌الله ﷺ فرمود:

هرگاه ستاره‌ای از آسمان به منزل یکی از اصحابم فرود آید آن صحابی خلیفه، وصیّ و جانشین من است.

فردای آن روز دیدند، ستاره‌ای نورانی و درخشان که نورش همه جا را فراگرفته بود به حرکت درآمد، تا در بیت و حجره علی ﷺ فرود آمد.

جماعتی از مخالفان و معاندین و منافقان به هیجان آمده گفتند: این مرد، رسول‌الله ﷺ، گمراه شده و در ضلالت افتاده است.

در آن هنگام خدای سبحان آیهٔ «وَٱلنَّجْمِ إِذَاهَوَىٰ. مَاضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَاغَوىٰ...» را بر محمّد مصطفی ﷺ نازل فرمود تا مشت محکمی بر دهان آن ژاژخواهان و بیهوده گویان کم خرد نواخته شود.

(۹۱۶) سفیان ثوری از سدیّ و او از مجاهد نقل کرده است که از ابن عباس در تفسیر و توضیح آیه «وَٱلنَّجْمِ إِذَاهَوَىٰ» گفت:

هنگامی که مردم مدینه از انصار رسول‌الله ﷺ هفت‌صد دینار نقد جمع‌آوری کردند و به حضور نبی ﷺ رسیدند، گفتند: یا رسول‌الله! این دینارها را برای شما جمع‌آوری کردیم از ما بپذیرید. خدای سبحان آیه «قُل لَّآ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ» را در جواب آنان فرستاد.

---

۱. این روایت در شماره ۹۱۳ / شواهد التنزیل از طریق ابن‌عباس زین‌العابدین و ضحّاک و ربیعه و همچنین در امالی صدوق نقل شده وهمچنین از عایشه و بریدهٔ اسلمی در تفسیر فرات نقل شده است و همچنین این روایت از طریق زرارة‌بن أوفی ازابن‌عباس نقل شد که مصنف در روایت ۹۱۵/شواهدالتنزیل به‌طور کامل آن را ذکر کرده است.

یعنی برای تبلیغ رسالت و تعلیم قرآن اَجر و مُزدی از شما نمی‌خواهم و اگر هم مزدی در کار باشد مودّت و محبّت اهل بیت را به عنوان پاداش آن قرار می‌دهم.

گروهی از منافقینِ مسلمان‌نما گفتند: چه تقاضای نابجایی از ما دارد، از ما می‌خواهد که اهل بیت او را دوست بداریم! در آن هنگام آیات سورهٔ نجم نازل شد و فرمود: «**وَٱلنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ...**» زمانی که قرآن را به صورت نجمًانجمًا بر محمد ﷺ فرستادیم، «**مَاضَلَّ صَاحِبُكُمْ**» او رسولی راستین و راست گفتار است و هرگز گمراه نشد و در ضلالت نیفتاد.

«**وَمَاغَوَىٰ**» از این که اهل بیتش را تفضیل و برتری داده است به فرمان ما بود.

«**مَايَنطِقُ عَنِ ٱلْهَوَىٰٓ**» در آنچه مصطفی ﷺ می‌گوید از سر هویٰ و هوس نیست.

«**إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ**» بلکه از منبع وحی و منشأ الهی سخن می‌گوید.

۱۶۳ وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ (نجم/ ۴۳)

و هم اوست که می‌خنداند و می‌گریاند.

(۹۱۷) قتادة از عطاء نقل کرد که ابن‌عباس صحابی نوجوان رسول‌اللّه ﷺ در شرح آیه کریمه **وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ** گفت:

خدای سبحان علی ﷺ و حمزه و جعفر طیّار را درجنگ بدر به واسطه کشتن بعضی از سران لجوجِ کفّار مثل عُتبه و شَیبه و ولید بن عتبه خندان و شاد و مسرور گردانید و در مقابل، بعضی از کفّار مکّه را با سرنگون کردن در آتش جهنّم گریان و نالان کرد.

۱۶۴ «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ. بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ. فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ». (رحمن/ ۲۱ـ۱۹)

دو دریا را (به گونه‌ای) روان کرد (که) با هم برخورد کنند. میان آن دو، حدّ فاصلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ از هر دو (دریا) مروارید ومرجان بر آید.

(۹۱۸) زیادبن مُنْذِر از جُوِیْبر و او از ضحّاک در توضیح این آیه کریمه نقل کرد؛ (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ.) دو بحر که به هم ملاقات کردند علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام هستند. «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» که از الحاق و ازدواج آن دو بزرگوار حسن و حسین علیهما السلام به عنوان لؤلؤ و مرجان ایجاد شدند.[1]

(۹۲۰) سعیدبن جُبیر از ابن‌عباس در تفسیر قول خدای تعالی نقل کرد:
«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» دو بحر (علی و فاطمه علیهما السلام) هستند که با هم ازدواج کردند.
«بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» بین آن دو علاقه‌ای وافر و محبّتی دائم است که هرگز جدا نشود وفانی نگردد.
«يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» نتیجه این پیوند و ارتباط دو گوهر ارجمند و دُرّ گرانبها به نامهای حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است.[2]

(۹۲۲) ابی‌عبدالرحمان سلمی از قول انس‌بن مالک نقل کرد:
رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمود: إذا فَقدتُمْ الشَّمْسَ فَاتوا القَمر، وَ اِذا فَقَدْتُمْ الْقَمَرَ فَاتوا الزّهرةَ فَاذا فَقدْتُمْ الزُّهْرَةَ فَاتوا الْفَرْقَدَيْنَ.

اگر خورشید را از دست دادید به سوی ماه بشتابید و اگر ماه پنهان شد به جانب

۱. روایت ۹۱۹/شواهدالتنزیل از طریق محمّدبن رستم از زاذان از سلمان‌فارسی با همین الفاظ و متن در شرح آیه کریمه فوق ذکر شده است.
۲. روایت ۹۲۱ و ۹۲۳/شواهدالتنزیل، از طریق ابن‌ابی نجیح از مجاهد از ابن‌عباس عین همین روایت است.

زهره بروید. اگر به زهره نتوانستید دست پیدا کنید به جانب فَرقَدین روید.

فردی سؤال کرد یا رسول‌اللّه! شمس و قمر و زهره و فرقدان چیستند؟ بیان فرمایید.

آن حضرت فرمود: شمسِ آسمان هدایت، من هستم. قمرِ عالم‌تابِ آسمان ولایت علی‌بن ابی‌طالب﷣ است. ستاره زهره در شب تاریک و ظلمانی فاطمه﷩ است. و فرقدان دو فرزندم حسن و حسین﷩ هستند.

۱۶۵ وَٱلسَّابِقُونَ ٱلسَّابِقُونَ. أُوْلَٰئِكَ ٱلْمُقَرَّبُونَ. (واقعه / ۱۰)

و سبقت گیرندگان مقدّم‌اند . آنان‌اند همان مقرّبان (خدا).

(۹۲۴) ابی‌نجیح از مجاهد و او از ابن‌عباس نقل کرده است:

سابقون سه نفر بودند؛ یوشع‌بن نون سابق به سوی موسی‌بن‌عمران﷣ است. صاحب یاسین به جانب عیسی﷣ و سابق سوم علی‌بن ابی‌طالب﷣ به‌سوی نبیﷺ است.[۱]

(۹۲۵) ابی‌نجیح از مجاهد واو از ابن‌عباس روایت کرد که رسول‌اللّهﷺ فرمود:

سابقین جهان چهار نفر بودند، یوشع‌بن نون به موسی﷣، سبقت صاحب یاسین به عیسی﷣، سبقت علی﷣ به محمدﷺ و سبقت ابراهیم.[۲]

(۹۲۷) مقاتل‌بن سلیمان از ضَحّاک نقل کرد؛ ابن‌عباس گفت:

از رسول‌اللّهﷺ درباره آیه شریفه «وَٱلسَّابِقُونَ ٱلسَّابِقُونَ. أُوْلَٰئِكَ ٱلْمُقَرَّبُونَ» پرسیدم.

---

۱. روایت ۹۱۵ / ۹۲۶/شواهدالتنزیل که عده‌ای دیگر از روات از ابن عباس نقل کردند که با متن و عبارت همین روایت یکی است.

۲. سبقت ابراهیم به چه کسی بوده را ذکر نکرده است.

آن حضرت فرمود:ازجبرئیل تفسیر آیه را سؤال کردم، بیان کرد؛

سابقون، در آیه شریفه علی﷣ و شیعیانش هستند که از همه مردم در رفتن به بهشت سبقت می‌گیرند.

(۹۲۸) حَکَم بن ظهیر از سُدیّ نقل کرد؛

آیه «وَٱلسَّابِقُونَ ٱلسَّابِقُونَ» در شأن علی‌بن ابی‌طالب﷣ نازل شد.[۱]

(۹۲۹) سُدیّ از ابی‌مالک غفاری و او از ابن‌عباس در شرح آیه «وَٱلسَّابِقُونَ ٱلسَّابِقُونَ» نقل کرد؛

سابقونِ امّتِ محمّد ﷺ، علی‌بن ابی‌طالب﷣ است.

(۹۳۱) عطاءبن ابی‌رباح از قول عبداللّه‌بن عباس در تفسیر آیه شریفه «وَٱلسَّابِقُونَ ٱلسَّابِقُونَ» گفت: سابقون سه تن بودند، یوشع‌بن نون به سوی موسی﷣، شمعون‌بن یوحنّا به جانب عیسی﷣ و علی﷣ به نبی‌اللّه ﷺ.[۲]

۱۶۶ «وَثُلَّةٌ مِّنَ ٱلأَوَّلِينَ. وَقَلِيلٌ مِّنَ ٱلأَخِرِينَ» (واقعه/ ۱۳)

گروهی از پیشینیان . و اندکی از متأخّران.

(۹۳۲) حسین انصاری از قول محمّدبن فرات نقل کرد ؛

درحضور جعفربن محمّد﷣ مردی از تفسیر و معنای آیه شریفه «ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلأَوَّلِينَ وَقَلِيلٌ مِّنَ ٱلأَخِرِينَ» سؤال کرد.

آن جناب فرمود: «ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلأَوَّلِينَ» سه نفر بودند؛ فرزند آدم﷣ هابیل که به دست برادرش کشته شد و مؤمن آل فرعون و صاحب یاسین جانشین عیسی﷣.

---

۱. روایت ۹۳۰/شواهدالتنزیل از طریق روات دیگری از ابن‌عباس به همین معنی نقل شده است.

۲.این روایت در تفسیر عتیق هم ذکر شده است.

امّا «قَلِيلٌ مِّنَ ٱلْآخِرِينَ» فقط علی‌بن ابی‌طالب ؏ است.[۱]

(۹۳۴) شعیب‌بن واقد از محمّدبن سهل و او از جعفربن محمّد ؏ نقل کرده است که آن بزرگوار فرمود: «ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ» فرزند آدم ؏ به نام هابیل است که به دست برادرش کشته شد و لیکن «قَلِيلٌ مِّنَ ٱلْآخِرِينَ» علی‌بن ابی‌طالب ؏ است.

۱۶۷ وَأَصْحَابُ ٱلْيَمِينِ مَآ أَصْحَابُ ٱلْيَمِينِ. (واقعه/۲۷)

و یاران راست؛ یاران راست کدام‌اند؟

(۹۳۶) جابر جُعفی از ابوجعفر محمّدبن علی ؏ نقل کرد که علی ؏ فرمود:

نبوّت و رسالت محمّد مصطفی ﷺ در روز دوشنبه ابلاغ و اعلام گردید ومن روز سه‌شنبه از رسالت نبوّی مطلع شدم و مسلمانی خود را اعلام کردم.

هرگاه نبی ﷺ نماز می‌گزارد، من در سمت راست آن حضرت نماز را به جماعت اقتدا می‌کردم و اَحَدی از مردان با ما نبود، خدای سبحان هم آیهٔ «وَأَصحَابُ ٱلْيَمِينِ مَآأصحَاب ٱلْيَمِينِ...» را برای من نازل فرمود.

(۹۳۷) عثمان‌بن مغیره از زیدبن وهب نقل کرد که عبداللّه‌بن مسعود گفت:

نخستین حرکتی که بعد از مبعوث شدن رسول‌اللّه ﷺ دیدم این بود؛ یک زمانی برای تجارت و خرید کالا به مکّه سفر کردم، عباس‌بن عبدالمطلب که با من دوست بود در کنار چاه زمزم نشسته بود، به سوی او رفتم و درکنارش نشستم، طولی نکشید، دیدم مردی خوش‌سیما با چهره‌ای نورانی درحالی که دو جامهٔ سفید برتن داشت و نوجوانی زیباروی در سمت راست و بانویی باوقار همراه او بود. آنان از باب‌الصفا وارد مسجدالحرام شدند.

---

۱. روایت ۹۳۵/شواهدالتنزیل از طریق روات دیگر از جعفربن‌محمد ؏ با همین الفاظ و متن نقل شده است.

او ابتدا در مقابل رکن، ایستاد، دست‌ها را بلند کرد و تکبیر گفت؛ سپس آن نوجوان در سمت راست وی ایستاد و بابلند کردن دست‌ها تکبیر گفت. بعد آن بانو که در پشت سر آن دو ایستاده بود، تکبیر گفت و آنان سپس قنوت را طولانی کردند.

از عباس‌بن عبدالمطلب پرسیدم اینان کیستند؟

گفت: آن نفر اول برادرزاده‌ام؛ محمّدبن‌عبدالله است، و آن نوجوان، علی‌بن ابی‌طالب‌ﷺ و آن بانو خدیجه همسر محمّدﷺ است.

دینی را که این سه نفر برگزیدند و براساس آن عبادت می‌کنند در روی زمین احدی غیر از این سه تن ندارد.

۱۶۸ **وَالَّذِينَ ءَامَنُواْ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَآءُ عِندَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ.** (حدید/ ۱۹)

و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند، آنان همان راستینان‌اند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود (و) ایشان راست اجر و نورشان.

(۹۳۸) ابن ابی‌لیلی از برادرش عیسی و او از عبدالرّحمان‌بن ابی‌لیلی و او از پدرش نقل کرد؛ رسول‌اللهﷺ فرمود:

صِدّیقین سه نفرند، حبیب‌بن نجّار که مؤمن ال یاسین است و حزقیل، مؤمن آل فرعون و علی‌بن ابی‌طالب ﷺ سومین مؤمن که بافضیلت‌ترین و برترین همه آنان است.

(۹۳۹) محمدبن ابی‌لیلی از عیسی‌بن عبدالرّحمان و او از پدرش و جدش به نام داودبن بلال‌بن أحیحة از رسول‌اللهﷺ نقل کرد؛ مصطفی ﷺ فرمود:

صدّیقین عالم سه نفرند؛ حبیب بن نجّار، مؤمن آل یاسین‌که در قرآن از زبان او گفته شد: **«یا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسلین»** و حزقیل، مؤمن آل فرعون که گفت: **«أَتَقْتُلُون رَجُلاً**

أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُم»

و علی‌بن ابی‌طالب ؛ سومین مؤمن که بهترین و فاضل‌ترین آنان است[1].

۱۶۹ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَءَامِنُواْ بِرَسُولِهِۦ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِۦ وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِۦ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ. (حدید/ ۲۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به (برکت) آن راه سپرید و بر شما ببخشاید، و خدا آمرزندهٔ مهربان است.

(۹۴۳) محمّدبن مروان از کلبی و او از ابوصالح نقل کرد؛ ابن‌عباس مفسّر قرآن در توضیح و تفسیر آیهٔ کریمه گفت: «**يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِۦ**» یعنی حسن و حسین را به شما عنایت کردم.

(**وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِۦ**) منظور از نور در این آیه، علی‌بن ابی‌طالب است که در پناه علم او هدایت می‌شوید.[2]

(۹۴۵) محمّدبن ابی‌شعیب از جابربن عبدالله انصاری و از ابوجعفر روایت کرد که آن جناب در تفسیر آیهٔ شریفه «**يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِۦ**» فرمود، **كِفْلَيْنِ** یعنی حسن و حسین.

«**وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِۦ**» یعنی برای شما امام عادل قراردادم تا در سایه امامت او به راه حقّ و صراط مستقیم هدایت یابید و آن امام هادی علی‌بن ابی‌طالب است.

(۹۴۶) عبدالله بن واصل از سعدبن طریف نقل کرد که ابوجعفر در توضیح آیه

---

۱. روایت ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲ /شواهدالتنزیل از طریق راویان دیگر از رسول‌الله با همین الفاظ ومحتوا نقل شده است.

۲. روایت ۹۴۴/شواهدالتنزیل که از جابربن عبدالله انصاری از رسول‌الله نقل شد، با همین الفاظ و متن است.

«يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ»

فرمود: هرکسی به ولایت علی‌بن ابی‌طالب ﷺ تمسّک کند برایش نوری حاصل شود و قلبش نورانی گردد.[1]

(۹۴۸) مالک‌بن انس از زُهری از سالم و او از پدرش نقل کرد: رسول‌الله ﷺ فرمود:

«أكْثَرُكُمْ نُوْرًا يَوْمَ الْقِيامة أكْثَرُكُمْ حُبًّا لِآلِ محمّد ﷺ.»

نورانی‌ترین شما در روز قیامت آن‌کسی است‌که عاشق‌ترین افراد بـه‌آل‌محمّد ﷺ باشد.

۱۷۰ يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. (مجادله/۱۴ـ۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه با پیامبر (خدا) گفت و گوی محرمانه می‌کنید، پیش از گفت و گوی محرمانهٔ خود صدقه‌ای تقدیم بدارید. این (کار) برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است؛ و اگر چیزی نیافتید بدانید که خدا آمرزندهٔ مهربان است.

آیا ترسیدید که پیش از گفت و گوی محرمانهٔ خود صدقه‌هایی تقدیم دارید؟ و چون نکردید و خدا(هم) بر شما بخشود، پس نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و از خدا و پیامبر او فرمان برید، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

---

۱. مؤیّد این کلام ابوجعفر ﷺ روایت رقم ۹۴۷/شواهدالتنزیل است. که ابوسعیدخدری از قول رسول‌الله ﷺ چنین نقل کرد: أما والله لايُحبُّ اهل بيتى عبدٌ إلاّ اعطاه الله نورًا حتّى يرد علىّ الحوض، ولايبغض اهل بيتى عبدٌ إلاّ احتجب الله عنه يوم القيامة.

(۹۴۹) ابن‌ابی نجیح از مجاهد نقل کرد، بر طبق آیات بالا مناجات رایگان با رسول‌الله ﷺ ممنوع شد و سخن گفتن و نجوا کردن با مصطفی ﷺ منوط به صدقه دادن شد، جز علی ؑ، همه اصحاب خود را پنهان کردند و از سخن گفتن با رسول‌الله ﷺ بازماندند؛ امّا علی ؑ دیناری نقد داشت آن را در راه خدا صدقه داد و به نجوای خود با نبی ﷺ ادامه داد. تا این که آیات رخصت نازل شد و نجوای بدون صدقه را آزاد گذاشت.

(۹۵۰) سلیمان احول از مجاهد در شرح آیه «**یَٰٓأَیُّهَا ٱلَّذِینَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَٰجَیۡتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُواْ بَیۡنَ یَدَیۡ نَجۡوَىٰکُمۡ صَدَقَةٗ**...» گفت:

به مسلمانان از مهاجر و انصار امر شد هرکسی قصد سخن گفتن و نجوا با رسول‌الله ﷺ را داشته باشد، ابتدا صدقه را به اهلش برساند، سپس با نبی ﷺ سخن بگوید.

نخستین کسی که صدقه داد و با مصطفی ﷺ سخن گفت، علی‌بن ابی‌طالب ؑ بود. احدی غیراو با صدقه دادن با آن حضرت سخن نگفت.

آن گاه آیه دیگری نازل شد و این حکم را برداشت و اجازه نجوا با رسول‌الله ﷺ را بدون صدقه صادرفرمود.

(۹۵۱) لیث از مجاهد نقل کرد، علی ؑ فرمود:

در قرآن آیه‌ای وجود دارد که هیچ کسی قبل از من به آن عمل نکرد و بعد از من هم احدی به آن آیه عمل نخواهدکرد و آن آیهٔ نجواست؛ چون آن آیه، نجوا با نبی ﷺ را بدون صدقه ممنوع کرد، من یک دینار داشتم آن را به ده درهم تبدیل کردم و هرگاه اراده سخن گفتن یا نجوا و پرسش با آن حضرت را می‌کردم دِرهَمی صدقه می‌دادم. تا این که درهم‌ها تمام شد و آیه **فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِیمٌ** نازل شد و آن حکم را نسخ کرد.

(۹۵۴) علیّ‌بن علقمه از علیّ‌بن ابی‌طالب ؑ نقل کرده است که چون آیه شریفه «**إِذَا**

نُجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَيكُمْ صَدَقَةً» نازل شد، رسول‌اللّه(ص) مرا احضار کرد و فرمود: یاعلی! آیا یک دینار برای مکالمه و نجوا کافی است.

گفتم: یارسول‌اللّه! یک دینار زیاد است و کسی را توانایی این مقدار نیست.

فرمود: چه مقدار برای این کار کافی است؟

گفتم: شعیرة. آن حضرت فرمود: **انک لزهید**؛ (تو خیلی زاهد هستی).

بلافاصله آیهٔ «ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَيكُمْ صدقاتٍ» نازل شد وحکم تکلّم با پرداخت صدقه را لغو کرد.

سپس علی(ع) فرمود: به سبب من به این امت تخفیف داده شد. چنین آیه‌ای برای هیچ کسی قبل از من نازل نشد و برای هیچ کسی بعد از من هم نازل نخواهد شد.[۱]

(۹۵۸) لیث از مجاهد نقل کرد، علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) فرمود:

در کتاب خدا، آیه‌ای است که احدی قبل از من به آن عمل نکرد و هیچ کسی بعد از من هم نمی‌تواند به آن عمل کند و آن آیه نجواست:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَيكُمْ صَدَقَةً»

در آن هنگام از مال دنیا فقط یک دینار نقد داشتم، آن را به ده درهم تبدیل کردم هرگاه با رسول‌اللّه(ص) نجوامی‌کردم یا پرسشی‌داشتم قبل‌ازآن یک درهم در راه‌خداصدقه می‌دادم.

تا این که آیه کریمه نسخ شد، در حالی که هیچ کسی قبل از من به آن آیه شریفه عمل نکرد و نخواهدکرد.[۲]

---

۱. روایت ۹۵۵/شواهدالتنزیل از روات دیگری از علی‌بن علقمه از علی(ع) نقل شد که متن دو روایت یکی است؛ همچنین یحیی حمّانی از اشجعی از سفیان ثوری همین روایت را نقل کرده است.

و همچنین روایت ۹۵۷/شواهدالتنزیل از یحیی‌بن آدم از عُبیداللّه‌بن اشجعی از سفیان‌بن سعید ثوری از عثمان‌بن مغیره از سالم از علی‌بن علقمه از علی(ع) با همین متن و الفاظ نقل شده است.

۲ـ روایت ۹۵۹/شواهدالتنزیل از روات دیگری از طریق لیث از مجاهد از علی(ع) با همین الفاظ روایت شده است.

و روایت ۹۶۰/شواهدالتنزیل هم از طریق لیث از مجاهد از علی(ع) نقل شد جز این که روایت مختصر و کوتاهتر نقل شده است.

و همچنین روایت ۹۶۱/شواهدالتنزیل از طریق شریک از مجاهد نقل شده که مختصر و ملخّص همین روایت است.

(۹۶۲) عثمان‌بن محمّد از جریر و او از لیث و او از مجاهد روایتی را نقل کرد که علی‌بن ابی‌طالب ﷺ فرمود:

در قرآن آیه‌ای است که احدی غیرازمن به آن آیهٔ کریمه عمل نکرده و عمل نخواهدکرد و آن آیهٔ نجوا «يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَٰجَيۡتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَةٗ» است.

چون این فرمان یزدان صادر شد، همگان پیامبر را تنها گذاشته، ترک کلام و سخن با آن حضرت کردند، امّا من دیناری نقد همراهم بود آن را به ده درهم تبدیل کردم و در هر نجوایی، درهمی را انفاق کرده بارسول‌الله به نجوا و گفت‌وگو نشستم.

چون خدای سبحان تنهایی محمّد مصطفی ﷺ و عقب‌نشینی مسلمانان را مشاهده کرد، فرمان خویش را نسخ فرمود و آیه «ءَأَشۡفَقۡتُمۡ أَن تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَٰتٖ...» را نازل کرد واحدی غیر از من به این آیه عمل نکرد.[1]

(۹۶۴) محمّدبن فُضَیل از کلبی از ابی صالح نقل کرد، ابن‌عباس در توضیح و شرح آیهٔ نجوا بیان کرده است:

در بین مسلمانان صدر اول مشهور شد نخستین کسی که بعد از آیهٔ نجوا با رسول‌الله ﷺ سخن گفت، علی‌بن ابی طالب ﷺ بود، او دیناری دراختیار داشت، آن را در راه خدا انفاق کرد، سپس با نبی ﷺ به نجوا و سخن گفتن پرداخت، امّا سایر مردم، چنین کاری نکردند در حالی که تنهاگذاشتن رسول‌الله برای آنان مشقّت داشت و هم خرج‌کردن پول و انفاق‌کردن برآنان سخت وناگوار بود.[2]

(۹۶۶) ابوایّوب انصاری نقل کرده است، آیهٔ «يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَٰجَيۡتُمُ ٱلرَّسُولَ

۱ـ روایت رقم ۹۶۳/شواهدالتنزیل، صالح‌بن عبدالله کرمزی در کتاب تفسیر از قول جریر از لیث از مجاهد از علی ﷺ نقل کرد که الفاظ و متن روایت با این روایت یکی است.

۲. روایت رقم ۹۶۵/شواهدالتنزیل از طریق سفیان از سلیمان احول از مجاهد با همین متن و الفاظ نقل گردید.

و همچنین راویان دیگری از لیث مطابق همین روایت را نقل کردند و همچنین شبل‌بن عبّاد از ابی‌نجیح این روایت را نقل کرد و همچنین حبّان از لیث از مجاهد هم این روایت را نقل کرد.

فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَىْ نَجْوٰيكُمْ صَدَقَةً» درباره علی ﷺ نازل شد.

آن زمان که همه مسلمانان از ترس انفاق به گوشه‌ای پنهان شدند، علی ﷺ ده بار با رسول الله ﷺ نجوا کرد و در هرنجوایی یک دینار در راه خدا انفاق کرد.

(۹۶۷) ابوزبیر از جابربن عبدالله انصاری نقل کرد،[۱] درجنگ طائف، رسول‌الله ﷺ باعلی ﷺ در مکان خلوتی به نجوا پرداختند؛ چون آن گفت و گو و مجالست طولانی شد، عدّه‌ای از مسلمانان گفتند چه نجوای طولانی با یکدیگر دارند!

رسول‌الله ﷺ فرمود: مَا أَنَا اِنْتَجَيْتُهُ ولكِنَّ اللّٰهَ انْتَجاهُ.

من با او نجوا نمی‌کردم بلکه خدای سبحان با او نجوا و گفت وگو می‌کرد[۲].

[۱۷۱] لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (مجادله/۲۲)

قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشد (و) کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند ـ هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیرهٔ آنان باشند ـ دوست بدارند. در دل اینهاست که (خدا) ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است، و آنان را به بهشتهایی که از زیر (درختان) آن جویهایی

---

۱. روایت فوق در توضیح و تفسیر نجوا نیست. بلکه نقل یک فضیلت از فضایل بی‌شمار علی ﷺ است که به مناسبت در این جا ذکر شد.

۲. روایت ۹۶۸/شواهدالتنزیل، از جابربن عبدالله انصاری همین‌گونه نقل شده است.

فقط تغییراتی جزئی در متن روایت است که ابوبکر و عمر وقتی مناجات آن دو طولانی شد، سؤال کردند و رسول‌الله ﷺ فرمود: مَا أَنَا نَاجَيْتُهُ بَلِ اللّٰهُ نَاجَاهُ.

روان است در می‌آورد؛ همیشه در آنجا ماندگارند؛ خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند؛ اینان‌اند حزب خدا، آری حزب خداست که رستگاران‌اند.

(۹۷۰) حَکَم‌بن ظهیر از حسین‌بن زید از جعفربن محمّد ﷺ و آن حضرت از پدرش نقل کرده است:

آیهٔ کریمهٔ **لا تَجِدُ قَوْمًا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ یُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ کَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِیرَتَهُمْ أُولَٰئِکَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِیمَانَ وَأَیَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَیُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.**

در شأن علی‌بن ابی‌طالب ﷺ نازل شد.

(۹۷۱) ابان‌بن تغلب نقل کرده است: علی‌بن محمد بن بشر گفت:

روزی در حضور محمّدبن علی ﷺ نشسته بودم. مردی سوار بر شتر وارد شد و نامه‌ای را تقدیم کرد؛ آن حضرت چون نامه راخواند گفت: مُهلّب از ما چه چیزی می‌خواهد؟

درجواب گفت: دنیا و آخرت را از شما می‌خواهد، چون در نزد شما اهل بیت، هم دنیا و هم آخرت است.

آن جناب گفت: ماشاءالله، هرکسی ما را برای خدا دوست بدارد نفع می‌برد و حبّ ما اهل بیت چیزی است که خدای سبحان برقلب‌های بندگان می‌نگارد و تثبیت می‌کند. هرکسی در قلبش مهرو محبّت ما نگاشته شود، احدی قادر به محو آن نیست. آیا نشنیدی که خدای تعالی در قرآن فرمود:

أُولَٰئِکَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِیمَانَ وَأَیَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَیُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. و حبّ و دوستی ما اهل‌بیت نه تنها از ایمان‌است، بلکه از اصل ایمان است.

۱۷۲ **وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ.** (حشر/ ۹)

و هر چند در خودشان احتیاجی (مبرم) باشد، آنان را برخودشان مقدّم می‌دارند.

(۹۷۲) عاصم‌بن کلیب از پدرش و او از ابی‌هریرة حکایت کرد:

در اوایل شب مردی به حضور نبی ﷺ رسید و از گرسنگی شکوه و ناله می‌کرد، رسول‌الله ﷺ به خانه همسرانش پیغام فرستاد، گفتند: جز آب چیز دیگری درخانه نیست.

رسول خدا ﷺ در تاریکی صدای پایی را شنید و پرسید، کیست؟

علی ﷺ گفت: من هستم یارسول‌الله!

علی ﷺ چون از ماجرا خبردار شد به خانه رفت و از فاطمه ﷺ پرسید: آیا در خانه چیزی هست؟

فاطمه ﷺ گفت: فقط غذای کودکان موجود است، ولی میهمان گرسنه را ترجیح می‌دهم.

علی ﷺ فرمود: پس کودکان را بخوابان تا تقاضای غذا نکنند، من هم چراغ را خاموش می‌کنم تا میهمان خجالت نکشد.

وآنان از میهمان این چنین پذیرایی کردند؛ چون صبح فرا رسید، خدای سبحان آیهٔ شریفهٔ «**وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ.**» را برای آنان نازل کرد.

(۹۷۳) مجاهد از ابن عباس نقل کرد؛ آیه کریمهٔ «**وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ.**» در تحسین علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ نازل شد.

۱۷۳ **وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ.**

(حشر/ ۱۰)

و (نیز) کسانی که بعد از آنان مهاجران و انصار آمده‌اند (و) می‌گویند: پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دلهایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند (هیچ گونه) کینه‌ای مگذار. پروردگارا، به راستی که تو رؤوف و مهربانی.

(۹۷۴) مکیّ‌بن ابراهیم گفت عثمانِ‌شَحّام برایم نقل کرد، سلمةبن اکوع حکایت کرد: نبی ﷺ در کنار قبرستان بقیع برای نماز حاضر شد و علی ؑ او را همراهی می‌کرد، جعفربن ابی‌طالب هم به آن حضرت پیوست؛ رسول‌الله ﷺ فرمود:

یا جعفر! درکنار برادرت علی ؑ بایست.

هر سه به نماز ایستادند، در پایان نماز، رسول‌الله به جعفربن ابی‌طالب فرمود:

یا جعفر! هم اکنون جبرئیل از جانب ربّ‌العالمین خبرآورد که برای تو در بهشت دو بال سبز رنگ از زَبَرجد و یاقوت قرارداده است که در صبح وشب به هر مکانی که بخواهی می‌توانی پرواز کنی.

علی ؑ گفت: یارسول‌الله! این کرامت برای برادرم جعفر است امّا برای من چه چیزی است؟

رسول‌الله ﷺ فرمود: یا علی! خدای عزّوجلّ طایفه‌ای از امّتم را خلق کرده که تا روز قیامت برایت استغفار و طلب رحمت می‌کنند.

علی ؑ پرسید: آنان چه کسانی هستند؟

نبی ﷺ فرمود: خدای رحمان درکتاب مُنْزَل فرمود **(وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا**

لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

یا علی! آیا احدی در ایمان از تو سبقت گرفته است؟! تنها تو سابق در ایمان و اسلام هستی و مؤمنان تا قیامت برای تو دعاو استغفار می‌کنند.

(۹۷۵) ابی‌بصیر از عِکرمة نقل کرد؛ ابن عباس در شرح و توضیح این آیهٔ شریفه، بیان کرد: خدای سبحان در قرآن شریف، استغفار برای علی ﷺ را برهرمسلمانی فرض و راجب قرارداد و آن آیهٔ کریمه ﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ﴾ است.

و علی ﷺ از اولین مؤمنان و باسابقه‌ترین فرد در ایمان ومسلمانی است.

(۹۷۶) عبداللّه‌بن عباس داستانی را از علی ﷺ حکایت می‌کند و می‌گوید، همراه علی ﷺ از کوچه‌ای عبور می‌کردم، گروهی مشغول دعا بودند، علی ﷺ فرمود: برای من دعا واستغفار کنید. چون مأمور به دعا در حقّ من هستید وخدای عزّوجلّ فرمود:

﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ﴾

ومن نخستین ایمان آورنده به کتاب خدا ورسول خدا ﷺ و از سابقه‌داران در ایمان هستم.

۱۷۴ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ صَفّٗا كَأَنَّهُم بُنۡيَٰنٞ مَّرۡصُوصٞ.

(صف /۴)

در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سُرب‌اند، جهاد می‌کنند.

(۹۷۷) زبیربن عَدیّ از ضحّاک نقل کرد، از ابن‌عباس درباره آیه کریمه
إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ صَفّٗا كَأَنَّهُم بُنۡيَٰنٞ مَّرۡصُوصٞ.
سؤال شد که آنان چه کسانی هستند؟

ابن‌عباس گفت: علی بن ابی‌طالب ﷺ، حمزه اسدالله و اسد رسول ﷺ، عُبیدة‌بن حارث و مقدادبن اسود، از این قبیل مردان‌اند که خدای سبحان در آیه شریفه آنان را توصیف و مورد محبّت خویش قرار داده است.[1]

(۹۷۸) ضحّاک از ابن‌عباس روایت کرد؛ علی ﷺ وقتی به قتال و نبرد می‌پرداخت چون بنیان مرصوص و سدّ آهنین بود و خدای سبحان آیه «**إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ**» را در تحسین و تمجید او نازل کرد.

۱۷۵ هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلْأُمِّيِّنَ رَسُولاً مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ. (جمعه /۲)

اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده‌ای از خودشان بر انگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد.

(۹۸۰) عبدالملک مروان از کلبی و او از ابی‌صالح نقل کرد، ابن‌عباس مفسّر مشهور در تفسیر و توضیح آیه **هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلْأُمِّيِّنَ رَسُولاً مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ.** بیان کرد:

ٱلْكِتَٰبَ یعنی قرآنِ مُنَزَل **وَٱلْحِكْمَةَ** یعنی ولایت علی‌بن ابی‌طالب ﷺ.

معنای آیه چنین می‌شود: رسالت نبی ﷺ تعلیم کتاب خدا و تعلیم ولایت علی ﷺ به بندگان خداست.

---

۱. روایت ۹۷۹/شواهدالتنزیل از طریق کلبی از ابی‌صالح از ابن‌عباس نقل شد که تقریباً همین روایت است فقط افرادی مثل سهل‌بن حنیف و حارث‌بن صمة وابی‌دجّانه را به علی ﷺ و حمزه و مقداد اضافه کرده است.

۱۷۶ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَيهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَئِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ.

(تحریم /۴)

در حقیقت، خدا خود سرپرست اوست، و جبرئیل و صالح مؤمنان (نیز یاور او هستند) و گذشته از این، فرشتگان (هم) پشتیبان (او) خواهند بود.

(۹۸۱) حدیث مرفوع از علی ﷺ روایت شد که آن حضرت فرمود:

رسول‌الله ﷺ در توضیح آیه کریمه و بیان مصداق (**صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ**) فرمود: صالح‌المؤمنین، علی‌بن ابی‌طالب ﷺ است.

(۹۸۲) ابوعلی احمدبن محمدبن علی قاشانی از عمری و او از علی‌بن موسی ﷺ و او ازجدّش نقل کرد، رسول‌الله ﷺ فرمود: منظور از «صالح‌المؤمنین» در آیه کریمه «**فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَيهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَئِكَةُ...**»

علی‌بن ابی طالب ﷺ است.[1]

---

۱. ۱) روایت ۹۸۳ / شواهدالتنزیل از طریق علی‌بن جعفر ﷺ از برادرش از پدرش از جدش از علی ﷺ از رسول‌الله ﷺ نقل شد. صالح‌المؤمنین یعنی علی‌بن ابی‌طالب ﷺ.

۲) روایت ۹۸۴/شواهدالتنزیل، از اسماء بنت عمیس از رسول‌الله ﷺ نقل شد. صالح‌المؤمنین یعنی علی‌بن ابی طالب ﷺ است.

۳) روایت ۹۸۵/شواهدالتنزیل، از روات دیگری ازاسماء بنت عمیس از رسول‌الله ﷺ نقل شد. صالح‌المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب

۴) روایت ۹۸۶/شواهدالتنزیل به نقل از اسماءبنت‌عمیس که از رسول‌الله ﷺ که آن حضرت فرمود: صالح‌المؤمنین یعنی علی‌بن ابی‌طالب ﷺ.

۵) روایت ۹۸۷/شواهدالتنزیل، ازطریق جعفربن محمد از پدر و جدش و پدرانشان از رسول‌الله روایت شد صالح‌المؤمنین یعنی علی‌بن ابی طالب ﷺ

۶) روایت ۹۸۸/شواهدالتنزیل، ازطریق ام‌جعفراز جده‌اش اسماءبنت عمیس از رسول‌الله ﷺ نقل شد صالح‌المؤمنین یعنی علی‌بن ابی طالب ﷺ.

۷) روایت ۹۹۰/شواهدالتنزیل، ازطریق وکیع از اعمش از زیدبن وهب از حذیفه از رسول‌الله نقل شد صالح‌المؤمنین یعنی علی‌بن ابی طالب ﷺ.

۸) روایت ۹۹۱/شواهدالتنزیل، ازطریق زبیربن عدیّ از ضحّاک از ابن‌عباس نقل شد، صالح‌المؤمنین یعنی علی‌بن ابی طالب ﷺ است.

←

(۹۸۹) عمّار یاسر حکایت می‌کند که علی‌بن ابی‌طالب ﷺ فرمود:

روزی رسول اللّه ﷺ مرا فراخواند و فرمود: یاعلی!آیا دوست داری بشارتی به تو بدهم ؟

عرض کردم: یارسول‌اللّه! تو پیوسته بشارت دهنده بـه خـیر و خـیرات بـودی و هستی.

آن گاه پیامبر فرمود: یاعلی! در شأن تو آیه‌ای در قرآن نازل شد.

عرض کردم: کدام آیه است بفرمایید تا بشنوم .

فرمود: جبرئیل نزد من آمد و آیه **وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ ٱلْمُؤْمِنِينَ** را قرائت کرد.

شادباش که تو وفرزندان مؤمن پدرت از صالحین‌اند.

(۹۹۲) حَکَم‌بن ظهیر از سُدیّ و او از ابی مالک نقل کرد؛ ابن‌عبّاس در شرح آیه فـوق بیان کرده است که **صالح‌المؤمنین**، علی‌بن ابی‌طالب ﷺ است و ملائکه الهی پشتیبان و یاور او هستند.

(۹۹۵) حبّان از کلبی و او از ابی‌صالح نقل کرد؛ عبداللّه‌بن عبّاس در تفسیر آیه بیان کرد:

(أَنْ تَظَاهَرَا عَلَيه) درباره عایشه و حفصه نازل شد.

(فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلاهُ وَجِبْرِيل) فقط برای رسول‌اللّه ﷺ نازل شد.

(وَصَالِحُ الْمُؤْمنين) درباره علی‌بن ابی طالب ﷺ اختصاصاً نازل شد.

(۹۹۶) حسین‌بن سلمیان از سُدیر صیرفی و او از ابی جعفر ﷺ نقل کرد؛

رسول‌اللّه ﷺ دوبار علی ﷺ را به یاران و اصحابش معرفی کرد،

باراوّل در غدیرخُم که به حاضران فرمود: **مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَليٌّ مَوْلاه**

امّا مرتبه دوم، وقتی که آیه کریمه **فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ مَوْلَيٰهُ وَجِبْرِيلُ وَصَـالِحُ ٱلْـمُؤْمِنِينَ**

← ۹) روایت ۹۹۳/شواهدالتنزیل، ازطریق ابوحمزه ثمالی از عبداللّه بن عطاء از ابی‌جعفر ﷺ نقل شد، صالح‌المؤمنین یعنی علی‌بن ابی طالب ﷺ.

۱۰) روایت ۹۹۴/شواهدالتنزیل، ازقول ابوقتیبة از ابن‌سیرین نقل شد، صالح‌المؤمنین یعنی علی‌بن ابی‌طالب ﷺ.

وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ...﴾ نازل شد.

آن حضرت دست علی ﷺ را گرفته به میان جمعیتِ حاضرِ در مسجد آورد و فرمود: ای مردم! این علی‌بن ابی‌طالب ﷺ و صالح‌المؤمنین است، پس حق او را فراموش نکنید.

۱۷۷ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيٓـَٔتْ وُجُوهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ. (ملک /۲۷)

و آن گاه که آن (لحظهٔ موعود) را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند درهم رود، و گفته شود: این است همان چیزی که آن را فرا می‌خواندید!.

(۹۹۷) سهل‌بن عامر از شریک و هردو از اعمش در توضیح آیه کریمه «**فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيٓـَٔتْ وُجُوهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ.**» گفتند: هنگامی که مقام و منزلت و جایگاه بلند علی ﷺ را در نزد خدای سبحان‌مشاهده کنند، چهره کافران‌تیره‌و تارمی‌گرددوبر صورت آنان سیاهی غالب می‌شود.[1]

(۹۹۸) در تفسیر عتیق از عمروبن ابی‌بکّار تمیمی از ابی‌جعفر محمدبن‌علی ﷺ در توضیح آیه کریمه «**فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً** نقل شد:

کافردلان وقتی جایگاه ارزشی و منزلت والای علی ﷺ را در نزد نبی ﷺ بنگرند به تکذیب فضایل او می‌پردازند و سعی در کتمان آن می‌کنند.

(۹۹۹) حمّادبن ابراهیم از مغیرة نقل کرد، که ابوجعفر ﷺ در تفسیر وشرح آیه کریمه «**فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً...**» وقتی علی ﷺ را در کنار حوض کوثر با نبی ﷺ ببینند؛ آتش خشم و شرمندگی آنان افزون شده «**سِيٓـَٔتْ وُجُوهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ**» و چهره آنان‌تیره‌و تار می‌شود.

---

۱. روایت ۱۰۰۰/شواهدالتنزیل از طریق داودبن سرحان از جعفربن محمد(ع) با اندک اختلافی در همین معنی روایت شده است و همچنین روایت ۱۰۰۱/شواهدالتنزیل از طریق عیسی‌بن هشام از داودبن سرحان با همین الفاظ نقل شده است.

۱۷۸ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ. بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ (قلم/۶-۵)

به زودی خواهی دید و خواهند دید (كه) كدام یک از شما دستخوش جنونید.

(۱۰۰۲) کعب‌بن عجرة از عبداللّه‌بن مسعود نقل کرد؛

عده‌ای از رسول‌اللّه ﷺ درباره علی بن ابی طالب ؑ سؤال کردند که در نزد شما چگونه مردی است؟!

نبی ﷺ فرمود:

عَلِيٌّ أَقْدَمُكُمْ إِسْلامًا وَ أَوْفَرُكُمْ إِيمَانًا وَأَكْثَرُكُم عِلْمًا وَ أَرْجَحُكُم حِلْمًا وأَشَدُّكُم فِيِ اللّهِ غَضَبًا، عَلَّمْتُهُ عِلْمِي وَاسْتودعته سِرِّي وَ وَكَّلْتُهُ بشأنِي فَهُوَ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَأَمِينِي فِي أُمَّتِي.

علی سابقه‌دارترین وبرترین مؤمن و عالم‌ترین انسان و حلیم‌ترین شماست، در حقّ اللّه سخت گیر ، وارث علم من و محرم اسرارم، وکیل در کارم است، خلیفه و جانشین دراهل و عیالم و در میان امّتم امین من است.

بعضی از افراد قریش گفتند: علی ؑ، نبی ﷺ را فریفته و مفتون خود کرده است که هیچ عیبی از او نمی‌گوید و فقط خوبی‌های او را ذکر می‌کند.

خدای سبحان آیه (**فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ. بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ.**) را نازل فرمود.

یعنی قیامت نزدیک است و آن گاه مشخص می‌شود کدام یک مفتون و فتنه گرند.

(۱۰۰۳) ابی عبداللّه جَدَلی از عبداللّه‌بن مسعود قاری مشهور قرآن نقل کرد که عبداللّه مسعود می‌گوید:

صبحگاهی با رسول‌اللّه ﷺ وارد مسجدشدیم. مردم مبهوت ماندند، تا این که علی ؑ وارد مسجد شد و بر نبی ﷺ سلام و ادب کرد.

عده‌ای از افراد چون علی ؑ را دیدند چهره درهم کشیدند. پیامبر ﷺ به آنان نگاه کرد و فرمود: آیا نمی‌پرسید بهترین و وارسته‌ترین میان شما چه کسی است؟

گفتند: بلی یا رسول‌اللّه! بفرمایید چه کسی است.

نبی ﷺ فرمود:

اَفْضَلُکُم علی‌بن ابی‌طالب ﷺ اَقْدَمُکُم اِسْلامًا وَ اَوْفَرُکُم اِیمانًا وَاَکْثَرُکم عِلْمًا و اَرْجَحُکم حِلْمًا واشدّکم للّه غضبًا، واشدّکم نکایة فی الْعدوّ فَهُو عبداللّه واخو رَسُولِهِ، فَقَدْ عَلَّمْتُهُ عِلْمِی وَاستودعته سِرّی وَهُوَ اَمینِی عَلیٰ اُمَّتِی.

علی بن ابی طالب ﷺ با فضیلت‌ترین فرد در میان شماست او از سابقه دارترین مسلمانان و برترین مسلمان و برترین مؤمن و عالم‌ترین انسان و حلیم‌ترین شماست. در حقّ اللّه سخت‌گیر و در مقابل دشمن کوبنده است. او عبداللّه و برادر مصطفی ﷺ است. من معلّم او و او صحابی وفادار پسر عمّ وامین بر اُمّتم است.

بعضی از حاضران در مسجد که از مقام والای علی ﷺ ناخرسند بودند، گفتند: علی بن ابی طالب ﷺ رسول‌اللّه ﷺ را فریفته که هیچ عیبی از او نمی‌بیند و همیشه از خوبی‌های او سخن می‌گوید.

در همان لحظه آیه شریفه «**فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ. بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ.**» نازل شد.

یعنی به زودی مفتون و فریب خورده مشخص می‌شود که کدام یک از ما هستیم.

۱۷۹ **وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.** (قلم/۷)

و او به راه یافتگان داناتر است.

(۱۰۰۶) عمروبن شمر از دلهم‌بن صالح نقل کرد؛ ضحّاک‌بن مزاحم حکایت کرد:

وقتی قریش مقام ومنزلت و جایگاه رفیع علی ﷺ را نزد نبی ﷺ می‌دیدند که پیوسته رسول اللّه ﷺ او را اکرام و احترام خاصی روامی‌داشت، و بی‌اندازه تجلیل و تعظیم و تکریم می‌نمود. برآنان سخت و گران می‌آمد، لذا از علی ﷺ شکوه و رنجش داشتند و چون تحمّل آن همه محبّت و عظمت رانداشتند لب به اعتراض گشوده و

گفتند:

نبی ﷺ به وسیله علی ؑ مفتون و فریفته شد. در جواب آن جاهلان، خدای ناظر و قادر آیات سوره قلم را بر رسول‌اللّه ﷺ نازل فرمود:

نٓ وَٱلْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ. مَآ أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ. وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ. وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ. فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ. بِأَييِّكُمُ ٱلْمَفْتُونُ. إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ.

یعنی خدای سبحان آگاه به آن گمراهان بی‌منطق است که سخن ناروا و اعتراض‌آمیز در حق علی ؑ و نبی ﷺ می‌گویند.

(**وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ**) و همچنین خدای دانا، عالم به مهتدین که علی‌بن ابی‌طالب ؑ باشد، هست.[1]

۱۸۰ لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَآ أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ.[2] (حاقه / ۱۲)

تا آن را برای شما (مایهٔ) تذکّری گردانیم و گوشهای شنوا آن را نگاه دارد.

(۱۰۰۷) ابو عمرو بن ابی زکریا شعرانی و دیگران گفتند؛ ابوبکر مفید از ابوالدّنیا اشجّ برای ما نقل کرد که از علی بن ابی طالب ؑ شنیدیم، فرمود:

هنگامی که آیه شریفه (**وَتَعِيَهَآ أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ**) نازل شد.

مصطفی ﷺ مرا به حضور طلبید و فرمود: یا علی! از خدای حکیم مسئلت کردم گوشهای تو را (اُذُن واعیة) قرار دهد.

(۱۰۰۸) اعمش از عُدیّ بن ثابت و او از زِرّبن حبیش نقل کرده است که علی بن ابی طالب ؑ فرمود:

---

۱. مثل همین روایت را طاووس از امام باقر ؑ نقل کرد.

۲. حاقه /۱۲.

روزی رسول خداﷺ مرا به سینه‌اش چسبانید و فرمود: **اَمَرَنِي رَبّي اَنْ اُدْنِيکَ وَلاٰ اُقصِيکَ وَ اَنْ تَسْمَعَ وَ تَعِيَ وَ حَقٌّ عَلَى اللهِ اَنْ تَعِيَ.**

خدای بزرگ مرا فرمان داد تو را به خویشتن نزدیک سازم و از خود دور نسازم تا سخنان مرا بشنوی و شنوا گردی، و بر خداوند مقرر گردید که گوش تو را شنوا گرداند.

آن گاه آیه شریفه **(وَتَعِيَهَآ أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ)** نازل شد.

(۱۰۰۹) محمّد بن عمرو بن علی بن ابی طالبﷺ از پدرش وپدر او از علی بن ابی طالبﷺ حکایت کرد؛ روزی مصطفیﷺ به من فرمود: **یا عَلَیّ! اِنَّ اللهَ اَمَرَنی ان اُدْنِیکَ وَلاٰ اُقصِیکَ، وَ اُعَلِّمَکَ لِتَعِیَ**[1].

و این آیه شریفه **(وَتَعِيَهَآ أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ)** نازل شد.

یا علی! تو اُذُن واعیة و گوش شنوا برای دریای بیکران علم من هستی.

یا عَلیُّ! اَنَا الْمَدِینَةُ وَ اَنْتَ الْبابُ وَلاٰ یُؤْتیَ الْمَدِینَةَ الاّٰ مِن بٰابِها.

من شهر علم و تو باب او هستی، همیشه شهر از در آن گشوده می‌گردد. و ورود به شهر از در آن آغاز می‌شود[2].

(۱۰۱۱) علیّ بن حوشب از مکحول نقل کرد که علیﷺ فرمود؛ وقتی آیه **(وَتَعِيَهَآ أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ)** نازل شد مصطفیﷺ به من فرمود: یا علی! از خدای علیم و حکیم خواستم گوش تو را **أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ** و شنوا قرار دهد[3].

(۱۰۱۴) ولیدبن مسلم از مکحول و او از علی بن ابی طالبﷺ نقل کرده است؛ آن هنگام که آیه شریفه **(وَتَعِيَهَآ أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ)** نازل شد.

رسول خداﷺ به من فرمود: یا علی! از خدای منّان خواستم گوش تو را اُذُن واعیه (گوش شنوا) قرار دهد.

---

۱. برای ترجمه سخن رسول خدا(ص) به روایت شماره ۱۰۰۸ مراجعه شود.

۲. روایت ۱۰۱۲ / و ۱۰۱ / شواهد التنزیل از رسول خداﷺ به همین معنی نقل شد.

۳. روایت ۱۰۱۳ / شواهد التنزیل به همین معنی و مضمون است.

و ربّ جلیل نیز درخواست مرا پذیرفت و چنان که خواسته بودم؛ اجابت کرد[۱].

(۱۰۱۵) ولید بن مسلم از علیّ بن حوشب فزاری نقل کرد که مکحول گفته است؛ از رسول خدا ﷺ شنیدم آیه شریفه (وَتَعِيَهَآ أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ) را قرائت کرد، سپس توجّه والتفاتی به علی بن ابی طالب ﷺ نمود وگفت: **یا علی! سَأَلْتُ اللهَ أَنْ يَجْعَلَها أُذُنَک**

از خدای کریم خواستم، گوشهای تو را اُذُن واعیه و شنوا قرار دهد.

و علی ﷺ همیشه می‌فرمود: بعد از دعای رسول الله ﷺ هرگز کلامی را که از آن حضرت می‌شنیدم، فراموش نکردم[۲].

(۱۰۱۶) یحیی بن صالح از علیّ بن حوشب و او از مکحول درباره آیه (وَتَعِيَهَآ أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ) نقل کرد مصطفی ﷺ آیه شریفه فوق را قرائت کرد و آن گاه فرمود: از خدای خویش خواستم گوش‌های علی بن ابی طالب ﷺ را **أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ** و شنوا قرار دهد. و علی ﷺ بعد از آن، پیوسته می‌گفت:

ما سَمِعْتُ مِن رسول الله ﷺ کَلاماً اِلاّ وَعَيْتُهُ وَ حَفِظْتُهُ فَلَمْ أَنْسه هر سخن و گفتاری از مصطفی ﷺ شنیدم آن را ضبط و ثبت کردم و هرگز مبتلی به نسیان نشدم، و حدیثی را فراموش نکردم[۳].

(۱۰۲۰) عبدالله بن زبیر اسدیّ از صالح بن میثم و او از بریدة اسلمی شنید که گفت مصطفی ﷺ به علی بن ابی طالب ﷺ فرمود[۴]:

إِنَّ اللهَ أَمَرَنی أَن أُدْنِیَکَ وَلا أُقْصِیَکَ وَ أَنْ أُعَلِّمَکَ وَ أَنْ تَعِيَ وَ حَقٌّ عَلَى اللهِ أَن تَعِيَ.

خدای سبحان مرا فرمان داد، تو را به خویشتن نزدیک سازم و به تو علم و دانش بیاموزم تا شنوا گردی و خداوند بر خود مقرر فرمود که گوش تو را شنوا قرار دهد.

---

۱. روایت ۱۰۱۹ / شواهد التنزیل با همین متن و لفظ نقل شده است.

۲. در روایت ۱۰۲۶ / شواهد التنزیل؛ جعفر بن برقان از میمون بن مهران از ابن عباس و او از نبی ﷺ با همین لفظ و محتوا نقل کرده است.

۳. روایت ۱۰۱۷، ۱۰۱۸ / شواهد التنزیل از قول رسول الله ﷺ به همین لفظ و محتوا نقل شده است.

۴. روایت ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹ / شواهد التنزیل از محدّثان مختلف به همین لفظ، و محتوا نقل شده است که به علت تکراری بودن ذکر نکردیم.

(۱۰۲۷) اعمش از مسلم بطین از سعید بن جبیر و او از ابن عبّاس نقل کرده است، روزی رسول الله ﷺ به علی بن ابی طالب ﷺ فرمود: **یَا عَلِیُّ! إِنَّ اللهَ أَمَرَنِي أَنْ أُدْنِیَکَ وَلا أُقْصِیَکَ وَ أَنْ أُحِبَّ مَنْ یُحِبُّکَ، وَ أَنْ أُعَلِّمَکَ وَ تَعِیَ وَ حَقٌّ عَلَی اللهِ أَن تَعِیَ.**

یا علی! خدای بزرگ به من فرمان داد، تو را به خویشتن نزدیک سازم و لحظه‌ای از خود دور نکنم، دوستدار تو را دوست بدارم، تو را علم و حکمت بیاموزم تا گوش تو شنوا گردد، و خدای توانا نیز چنین کرد و گوش تو را شنوا گردانید.

پس خدای سبحان آیه شریفه ﴿**وَتَعِیَهَآ أُذُنٌ وَٰعِیَةٌ**﴾ را نازل کرد.

آن گاه مصطفی ﷺ خطاب به علی بن ابی طالب ﷺ فرمود: یا علی! از پروردگارم خواستم، گوش تو را از گوشهای شنوا **وَأُذُنٌ وَٰعِیَةٌ** قرار دهد.

از آن پس علی ﷺ پیوسته می‌گفت: **مَا سَمِعَتْ أُذُنَایَ شَیْئاً مِنَ الْخَیْرِ وَالْعِلْمِ وَالْقُرآنِ إِلاَّ وَعَیْتُهُ وَ حَفِظْتُهُ.**

یعنی پس از نزول آیه شریفه و دعای خیر مصطفی ﷺ در حقّ من، هر چیزی از خیر و علم و قرآن به سمع و اُذن من اصابت کرد همه را ضبط و ثبت کردم و هرگز فراموش نکردم.

۞

۱۸۱ **سَأَلَ سَآئِلُۢ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ. لِّلْکَٰفِرِینَ لَیْسَ لَهُۥ دَافِعٌ.** (معارج /۲ـ۱)

پرسنده‌ای از عذاب واقع شونده‌ای پرسید که اختصاص به کافران دارد (و) آن را بازدارنده‌ای نیست.

(۱۰۳۰) سفیان بن عیینه از جعفربن محمد ﷺ و او از پدرش روایت کرد؛

علی ﷺ[1] حکایت کرد، وقتی در روز غدیرخم، رسول‌اللّه ﷺ مرا به جانشینی

---

۱. باید علی‌بن حسین ﷺ باشد.

نصب کرد و فرمود: **اَیُّهَاالنَّاس مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ.**

و این خبر در اطراف و اکناف منتشر شد.

نعمان بن حرث فهری وقتی خبر غدیر را شنید به نزد رسول‌الله ﷺ آمد و گفت: یا محمد! ما را امر کردی بگوییم **لااِلهَ الاّ اللّه وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ‌اللّه.** تو را اطاعت کردیم.

آن گاه دستور دادی جهاد و حج و نماز و زکات و روزه به جای آوریم همه اینها را قبول کردیم، ولی تو به این همه راضی نشدی، سپس این غلام (علی‌بن ابی‌طالب ؑ) را به عنوان جانشین خود نصب کردی و گفتی: **مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا مَوْلاهُ.**

امّا از تو سؤالی می‌کنم. آیا این کار از طرف توست یا از جانب خدای تو؟

مصطفی ﷺ دوباره تکرار فرمود: به آن خدایی که غیراو معبودی نیست انتخاب علی ؑ از جانب خدای بی همتا بود.

نعمان از نزد رسول‌اللّه بازگشت، درحالی‌که عصبانی و ناراضی بود و باخود می‌گفت: خدایا اگراین کار و نصب علی ؑ برحق است. مرا طاقت پذیرش آن نیست از آسمان سنگی یا عذابی دردناک برمن بفرست.

بیدرنگ خدای جبّار سنگی آتشین بر سرش کوبید و هلاکش کرد. آن گاه آیه **سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ. لِّلْكَٰفِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ.** برنبی ﷺ نازل شد.[1]

(۱۰۳۳) سفیان‌بن سعید از منصور از ربعی و او از حذیفة بن یمان روایت کرده است:

وقتی نبی ﷺ برای جانشینی علی ؑ در غدیرخم فرمود: **مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا مَوْلاهُ.** نعمان‌بن مُنذر فهری از جای برخاست و گفت: یامحمد! آیا این انتصاب به دستور پروردگار است یا ازجانب توست؟

---

۱. روایت ۱۰۳۱/شواهدالتنزیل، ازطریق شریح‌بن نعمان از سفیان‌بن عیینه از پدرش از علی‌بن حسین ؑ نقل شد و عین روایت ۱۰۳۰/شواهدالتنزیل را حکایت نمود.

و روایت ۱۰۳۲/شواهدالتنزیل از طریق جابرجعفی از محمدبن علی نقل شد و به جای نعمان‌بن حرث فهری، حارث‌بن عمروفهری ذکرشده وبقیه متن خبر با روایت ۱۰۳۰/شواهدالتنزیل یکی است.

رسول‌اللّه ﷺ فرمود: البته خدای قادر وعلیم مرا دستور فرمود تاعلی ﷺ را در میان شما نصب کنم.

نعمان‌بن مُنذر که از این انتصاب ناراضی و ناراحت بود با عصبانیت به طرف شتر خود رفت و گفت:

اللّهُمَّ أَنْزِلْ عَلَيْنا حِجارَةً مِنَ السَّماء.

خدایا! مرا تاب و تحمّل ولایت علی ﷺ نیست، پس سنگی از آسمان برمن فرودآر.

هنوز به نزدیک شتر خود نرسیده بود که سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و دردم هلاک شد.

آن گاه آیه کریمه «**سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ. لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ**».

برای پیامبر ﷺ نازل شد و این حادثه را این گونه بیان کرد.

(۱۰۳۴) سعیدبن ابی‌سعید مقبری از ابی هریرة نقل کرد؛

برد و چون مصطفی ﷺ در غدیرخم بازوی مرتضی ﷺ را گرفته درمیان جمعیت حاضر فرمود: **مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَهٰذا مَوْلاهُ.**

در آن هنگام مردی اعرابی برخاست و گفت: یا محمد ﷺ! ما را دعوت کردی بگوییم **أَشْهَدُ أَنْ لاإِلٰهَ إِلاَّ اللّهَ وَمُحَمَّدًا رَسُولُ‌اللّه**، تورا تصدیق کردیم، دوباره امر به نماز و روزه کردی اجابت کردیم، سپس به زکات فرمان دادی، آن را هم پذیرفتیم و تسلیم شدیم، امّا تو به اینها قانع نشدی و اکنون پسرعمّ خود را بر ما ولیّ گردانیدی.

سؤالی دارم، آیا این کار به فرمان یزدان و خدای سبحان است یا از پیش خود او را برما ولایت دادی؟

رسول‌اللّه ﷺ فرمود: این کار از جانب خداست نه از طرف من، به آن خدایی که شریک و همتا ندارد این امر مهم به دستور خداوند سبحان است نه از جانب من وسه بار این جمله را تکرار کرد.

اعرابی که از این گفتار سخت عصبانی شده بود؛ به سرعت به سوی شتر خود رفت و گفت:

اللّٰهُمَّ اِنْ کانَ هَذا هُوَالْحَقَّ مِنْ عِنْدِک.......

خدایا! اگر انتصاب ولایت علی ﷺ حقّ است، از آسمان عذابی دردناک یا سنگی آتشین برمن فرودآور. هنوز این کلمات تمام نشده بود که آتشی سوزنده از آسمان فروریخت و او را هلاک کرد. و به دنبال آن آیهٔ کریمه «**سَأَلَ سَائِلُ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ. لِّلْكَٰفِرِينَ لَيْسَ لَهُۥ دَافِعٌ**» نازل شد.

۱۸۲ **وَمَنْ يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِۦ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا.** (جن / ۱۷)

و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را در قید عذابی (روز) افزون در آورد.

(۱۰۳۵) حسین‌بن عَلْوان از علی‌بن غراب و او از کلبی و او از ابی‌صالح نقل کرد، ابن عبّاس مفسّر مشهور در تفسیر آیه کریمه «**وَمَنْ يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِۦ...**» گفت: ذکر ربّ یعنی ولایت علی‌بن ابی‌طالب ﷺ و ولایت اولاد گرامی‌اش.

و هر کسی از ولایت علی بن ابی طالبﷺ روی بگرداند؛ او را عذابی شدید فرا خواهد رسید.

۱۸۳ **إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثَيِ الَّيْلِ وَنِصْفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَ طَآئِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ.** (مزمل / ۲۰)

در حقیقت، پروردگارت می‌داند که تو وگروهی از کسانی که با تواند، نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را (به نماز) بر می‌خیزید.

(۱۰۳۶) عُبَیدة‌بن حمید از کلبی و او از ابی‌صالح نقل کرد، که ابن‌عباس در تفسیر و

توضیح آیه کریمه «إِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ أَنَّکَ تَقُومُ أَدْنَیٰ مِن ثُلُثَیِ ٱلَّیْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَ طَآئِفَةٌ مِّنَ ٱلَّذِینَ مَعَکَ» گفت:

طَآئِفَةٌ مِّنَ ٱلَّذِینَ مَعَکَ، یعنی علی‌بن ابی‌طالب ؑ وابوذر که مثل رسول‌الله نیمی از شب یا یک‌سوم شب را به نماز و مناجات و قرائت قرآن بیدار بودند.

(۱۰۳۷) محمّدبن مروان سُدیّ از قتادة و او از عطاء نقل کرد؛ ابن‌عبّاس در تفسیر و توضیح این آیه شریفه گفت:

«إِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ أَنَّکَ» یعنی یا محمّد! خدای تو می‌داند که برای اقامه نماز و تلاوت قرآن کمتر از نصف یا یک سوم یا دوسوم شب را بیدار می‌مانی و همچنین خدا می‌داند «طَآئِفَةٌ مِّنَ ٱلَّذِینَ مَعَکَ» یعنی علی بن ابی طالبؑ که همیشه و پیوسته همراه توست، مثل تو شب زنده داری می‌کند.

سپس ابن عباس ادامه داد و گفت: نخستین کسی که با رسول‌اللهﷺ به نماز ایستاد علیؑ بود .نخستین کسی که اسلام آورد علیؑ بود. نخستین کسی که با رسول‌اللهﷺ بیعت کرد علی بود، نخستین مهاجر فی سبیل‌الله همراه مصطفیﷺ علیؑ بود.

نخستین کسی که همراه رسول‌الله شب‌ها بیدار بود وبه نماز و تلاوت قرآن می‌پرداخت علیؑ بود و این آیه شریفه برای او نازل شد.

۱۸۴ کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ رَهِینَةٌ. إِلَّآ أَصْحَابَ ٱلْیَمِینِ. فِی جَنَّاتٍ یَتَسَآءَلُونَ.

(مدثر/ ۴۰ـ۳۸)

هر کسی در گرو دستاورد خویش است به جز یاران دست راست که در میان باغها از یکدیگر می‌پرسند.

(۱۰۳۸) جابربن عبدالله انصاری نقل کرد ابوجعفرؑ در شرح آیه کریمه (إِلَّآ أَصْحَٰبَ ٱلْیَمِینِ...) بیان فرمود:

ما و شیعیانمان اصحاب یمین هستیم که در جنّات منزل و مأویٰ داریم [۱]

۱۸۵ فَلاَ صَدَّقَ وَلاَ صَلَّىٰ. وَلَٰكِن كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ. (قیامت / ۳۲ـ۳۱)

پس (گویند) تصدیق نکرد و نماز بر پا نداشت بلکه تکذیب کرد و روی گردانید.

(۱۰۴۰) در شأن نزول آیه شریفه فوق عمّار یاسر حکایت کرد:

من و ابوذر غفاری در زیر خیمه‌ای که ابن‌عبّاس با مردم سخن می‌گفت حضور داشتیم، ابوذر برخاست و گفت: ای مردم! مرا جُندب‌بن جُنادة (ابوذرغفاری) می‌گویند، هرگز دروغ نگفتم .آیا صدق و صداقت مرا قبول دارید؟

حاضران در مجلس گفتند: بلی یا ابوذر!

گفت: ای مردم! آیا می‌دانید، در روز غدیرخم رسول‌اللهﷺ هزاروسیصدنفر را و در روز سمرات پانصد نفر از خواص را جمع‌آوری کرد و فرمود:

أَللّٰهُمَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَإِنَّ عَلِيّاًمَوْلاهُ أَللّٰهُمَّ وَالِ مَن وَالاهُ وَعادِ مَنْ عاداه.

و در آن هنگام عمربن خطّاب نخستین کسی بود که برخاست و گفت بخ‌بخ ای فرزند ابوطالب! برتو مبارک باد که مولای من و مولای هر مؤمن و مؤمنه‌ای شدی.

در همان وقت هنگامی که معاویةبن ابی‌سفیان اعلام ولایت علی ؑ را شنید به مغیرةبن شعبه رو آورد و گفت: هرگزبه ولایت علی بن ابی طالبؑ اعتراف نمی‌کنم و محمّدﷺ را در این گفتارش تصدیق وتأیید نمی‌کنم.

چون این سخنان بیهوده از معاویه شنیده شد، خدای سبحان آیات زیر را بر نبیﷺ نازل فرمود: **فَلاَ صَدَّقَ وَلاَصَلَّىٰ. وَلَٰكِن كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ.أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ.**

---

۱. روایت ۱۰۳۹/شواهدالتنزیل، از طریق روات دیگر از جابربن عبدالله از ابوجعفرؑ نقل شده است. جز این که در این روایت فرمود؛ شیعیان ما، اصحاب یمین هستند.

و آنان را تهدید کرد.

ای دوستان و یاران! آیا این چنین نبود؟

همگی گفتند: بلی یا ابوذر! راست می‌گویی، چنین بود.

(۱۰۴۱) ابی‌مریم از یونس‌بن حسّان و او از عطیّه نقل کرد، که حُذَیفةبن یمان حکایت کرد؛

در غدیرخم در کنار مصطفی ﷺ نشسته بودم و اکثر مهاجر و انصار در مجلس حضور داشتند، رسول‌الله ﷺ رو به روی همه ایستاد و فرمود:

ای مردم! خدای سبحان به من فرمانی جدید صادرکرد و فرمود: **یاأَیُّهَاالرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ.** سپس علی ﷺ را صدا زد و در سمت راست خود قرار داد و گفت: ای مردم! آیا می‌دانید من به شما از شما اولیٰ‌ترم؟

گفتند: بلی؛ یارسول‌الله!

فرمود: پس بدانید،

مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ؛ اَللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَه.

حذیفه در ادامهٔ سخن گفت: به خدا سوگند در آن روز معاویه را دیدم باحالت غضبناکی از جایش برخاسته و از مجلس خارج شد، درحالی‌که در سمت راستش عبداللّه‌بن قیس‌اشعری و در سمت چپش مغیرةبن شعبه بودند با تکبّر و غرور خاصی به جایگاه خود می‌رفت و با خود زمزمه می‌کرد و می‌گفت:

هرگز محمد ﷺ را در آنچه گفته تصدیق نمی‌کنم و ولایت علی ﷺ را هیچ وقت نمی‌پذیرم.

خدای تعالی آیات «**فَلا صَدَّقَ وَلاصَلّیٰ. وَلٰکِن کَذَّبَ وَ تَوَلّیٰ ثُمَّ ذَهَبَ إِلیٰ أَهْلِهِ یَتَمَطّیٰ.**» را بر رسول‌الله ﷺ نازل فرمود.

چون مصطفی ﷺ تصمیم گرفت او را برگرداند و تنبیه و مجازات کند، بار

دیگر جبرئیل فرود آمد و گفت: یامحمّد! در این کار تعجیل نکن او دشمن سرسخت اهل بیت توست و آن حضرت ساکت و آرام شد.

۱۸۶ **إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا. عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا. يُوفُونَ بِٱلنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُۥ مُسْتَطِيرًا. وَيُطْعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا.**

(انسان / ۸ـ۵)

همانا نیکان از جامی نوشند که آمیزه‌ای از کافور دارد.
چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و (به دلخواه خویش) جاریش می‌کنند.
(همان بندگانی که) به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی که گزندِ آن فراگیرنده است می‌ترسیدند. و به (پاس) دوستیِ (خدا)، بینوا و یتیم واسیر را خوراک می‌دادند.

(۱۰۴۲) هیثم‌بن عبدالله رُمّانی نقل کرد، علی‌بن موسی‌الرضا ﷺ فرمود: پدرم از پدرش جعفربن‌محمد ﷺ و او از پدرش محمد باقر ﷺ و او از پدرش علی‌بن حسین ﷺ و او از حسین‌بن علی ﷺ و او از علی‌بن ابی‌طالب ﷺ روایتی را چنین حکایت کرد:

روزی حسن و حسین ﷺ را بیماری عارض شد، آن دو را به حضور رسول‌الله ﷺ بردم.

آن جناب فرمود: یا اباالحسن! اگر نذری به پیشگاه خداوند انجام دهی، امیداست خدایم زودتر شفا عنایت فرماید.

علی ﷺ نذر کرد برای بهبودی دو فرزند، سه روز پشت سرهم روزه بگیرد.

به دنبال او فاطمه ﷺ هم سه روز نذر را برخود تکلیف کرد.

فضّه خدمتکار فاطمه ﷺ هم به پیروی از آن حضرت سه روز نذر را بر خود واجب کرد.

همان روز خدای تعالی آن دو را لباس عافیت پوشانید.

چون فردای آن روز شد، همهٔ اهل بیت محمد ﷺ به روزه‌داری پرداختند.

و علی ﷺ در بازار به نزد شمعون یهودی که از قبل با وی سابقهٔ آشنایی داشت، رفت و گفت: مقداری جو واندکی پشم مورد نیازاست .

شمعون آنچه علی ﷺ می‌خواست به او داد و حضرت آنها را در زیر ردا قرار داد و به منزل آورد.

فاطمه ﷺ جو را آسیاب کرده، خمیرکرد و پنج قرص نان پخت.

علی ﷺ بعد از مغرب برای افطار به منزل آمد.

فاطمه ﷺ افطاری راکه شامل چند قرص نان جو ویک ظرف جریش (بلغور) و مقداری آب بود بر سرسفره نهاد. چون می خواستند افطار کنند ناگاه مسکینی دَرِ منزل را به صدادرآورد و گفت:

سلام علیکم یا اهل بیت مصطفی! من مسکین فرزند مسکینم، از گرسنگی بی تابم، مرا اطعام کنید تا خدای رحمان شما را در بهشت میهمان کند.

وقتی اهل منزل صدای حزین و ناله عاجزانه آن مسکین را شنیدند، همگی افطاری راکه همان چند قرص نان و مقداری جریش بود به او دادند و خود فقط با آب افطار کردند.

روز بعد هم، فاطمه ﷺ مجدداً پنج قرص نان جو طبخ کرد.

علی ﷺ بعد از نماز از مسجد به منزل آمد. سفرهٔ افطاری آماده شده و پنج قرص نان ومقداری جریش روی سفره حاضر بود، امّا تا خواستند دست به غذاببرند، یتیمی دَرِ خانه را به صدا درآورد و گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ! یتیمی از اولاد مسلمین هستم. پدرم در جنگ اُحد در رکاب رسول‌الله ﷺ شهید شد. گرسنه‌ام، مرا اطعام کنید تا خدای سبحان شما را در بهشت اطعام فرماید.

همگی غذای آن شب را به یتیم دادند و خود با آب افطار کردند.

روز سوم نیز فاطمهؑ پنج نان گرم پخته و همراه با مقداری جریش و آب روی سفره گذاشت تا افطار کنند.

ناگاه اسیری دَرِ خانه را به صدا درآورد و گفت:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهلَ بَيْتِ نبوّت! ای اهل بیت پیامبرﷺ مرا اطعام کنید، خدای بزرگ شما را در جنّت اکرام و اطعام فرماید.

آن شب نیز همگی غذای افطار را به آن اسیر دادند و بدون افطار سر بر بالین گذاشتند و شب را گرسنه خوابیدند.

چون روز چهارم شد، علی، فاطمه، حسن وحسینؑ که از گرسنگی توان و نیرویی نداشتند به حضور رسول‌اللهﷺ رسیدند. آن حضرت دست به آسمان بلند کرد و گفت: **الهی هٰؤلاء أهل بَيْتي يَمُوتُونَ جَوْعاً، فَارْحمهم يَارَبِّ وَ اغْفِرْ لَهُمْ، هٰؤلا أَهْل بَيْتي فَاحْفِظْهُمْ وَلا تَنسهم.**

خدایا! اینان اهل بیت من هستند و از شدّت گرسنگی بی‌تاب شده‌اند، رحمی بفرما و آنان را مورد مغفرت قرار ده. خدایا! آنان را حفظ فرما و فراموششان مفرما.

چون سخن رسول خدا پایان یافت؛ جبرئیل نزد آن حضرتﷺ فرودآمد و گفت: یامحمدﷺ! خدایت سلام می‌فرستد و می‌فرماید، دعایت را مستجاب کردم.

از اهل بیت تو تشکّر می‌کنم و از کارشان راضی هستم.

و آیه «**إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا**..».تا آیه «**هَٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا**» رابرآن حضرت قرائت کرد.[1]

---

۱. ۱) روایت ۱۰۴۳/شواهدالتنزیل، از طریق حسن‌بن مهران از مسلمةبن جابر از امام جعفرصادقؑ در همین معنی نقل شده است.

۲) روایت ۱۰۴۴/شواهدالتنزیل، از طریق روح‌بن‌عبدالله از جعفرصادقؑ نقل شده است.

۳) روایت ۱۰۴۵/شواهدالتنزیل، همین روایت از معاویةبن عمّار از جعفرصادقؑ باهمین محتوا و الفاظ ←

(۱۰۵۳) کلبی از ابی‌صالح نقل کرد، ابن‌عبّاس در تفسیر و توضیح آیه کریمه «**وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ...**»

گفت: آیه فوق در تحسین علی ﷺ و فاطمه ﷺ است؛ وقتی که سه قرص نان بیشتر نداشتند و آن را به مسکین و یتیم و اسیر اطعام کردند و شب را گرسنه خوابیدند.

(۱۰۵۴) اسحاق‌بن نجیح از عطاء و او از ابن‌عبّاس در توضیح آیه شریفه «**وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ..**» گفت؛.

حسن و حسین ﷺ به بیماری شدیدی مبتلا شدند. همه اصحاب مصطفی ﷺ از آن دو عیادت کردند، بعضی از اصحاب گفتند: یااباالحسن! اگر نذر کنی امید است شفا زودتر حاصل شود.

علی ﷺ و فاطمه ﷺ و فضّه نذر کردند که اگر دو سبط پیامبر ﷺ شفا یابند، سه روز، روزه بگیرند.

چون حسن و حسین ﷺ از پدر و مادر کیفیت نذر را شنیدند گفتند، ما هم نذر

← وموضوع نقل شده است.

۴) روایت ۱۰۴۶/شواهدالتنزیل، همین روایت از طریق احمدبن‌معاویة از محمدبن بحر از روح‌بن عبدالله از جعفربن محمد ﷺ از پدر و جدش از علی ﷺ نقل شده است.

۵) روایت ۱۰۴۷/شواهدالتنزیل، از طریق لیث‌بن ابی‌سلیم از مجاهد از ابن‌عباس با همین متن ومحتوا نقل شده است.

۶) روایت ۱۰۴۸/شواهدالتنزیل، همان روایت رقم ۱۰۴۲/شواهدالتنزیل است که از طریق روات دیگری از طریق مجاهد از ابن‌عبّاس نقل شد که داستان نذر و سه روز، روزه بودن علی و خانواده‌اش را ذکر کرده است.

۷) روایت ۱۰۴۹/شواهدالتنزیل، همان روایت رقم ۱۰۴۲/شواهدالتنزیل است که از طریق عبدالله بن محمدبن احمدبن نصر مقری از عبدالله بن عبدالوهاب نقل شده است.

۸) روایت ۱۰۵۰/شواهدالتنزیل، همان روایت رقم ۱۰۴۲/شواهدالتنزیل است که جماعتی از ابی‌حامد و جماعتی از احمدمروزی از لیث‌بن ابی‌سلیم نقل کرده‌اند.

۹) روایت ۱۰۵۱/شواهدالتنزیل، همان روایت ۱۰۴۲/شواهدالتنزیل است که از طریق قعقاع‌بن عبدالله سعدی از لیث از مجاهد از ابن‌عبّاس در توضیح آیه (یوفون بالنذر) داستان سه روز روزه‌دار بودن علی ﷺ وخانواده‌اش مفصل نقل شده است.

۱۰) روایت ۱۰۵۲/شواهدالتنزیل، از طریق حبّان علیّ‌ابوعلی عنزی از کلبی از ابی‌صالح از ابن عباس در مورد داستان نذر علی ﷺ وفاطمه ﷺ نقل شده است.

می‌کنیم که روزه بگیریم.

خدای سبحان به برکت نذر، آن دو سیّد را شفا عنایت فرمود.

فردای آن روز همه اهل خانه روزه‌دار بودند، علی ﷺ از همسایه‌اش مقداری پشم و سه صاع جو قرض کرد، سه روز پشت سر هم روزه گرفتند و هرروز افطاری خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند وفقط با آب افطار کردند.

تا در روز چهارم، جبرئیل به زمین آمد و به حضور رسول‌اللّه ﷺ رسید و گفت: یا محمّد! خدای تعالی به تو و اهل بیتت تهنیت و تبریک می‌گوید.

سپس آیه «إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ ...» را بر پیامبر ﷺ قرائت کرد.

مصطفی ﷺ، علی ﷺ را فراخواند و آیه کریمه را برایش تلاوت کرد و علی ﷺ به گریه افتاد و گفت: «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي خَصَّنابِذلک» حمد و سپاس خدای را که این آیات را به ما اختصاص داد و این نعمت‌ها را به ما عنایت فرمود.[1]

(۱۰۵۶) ابن جُرَیج از عطاء و او از ابن‌عبّاس در تفسیر آیه «وَيُطْعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ...» نقل کرد:

علی ﷺ بابت آبیاری نخلستان اهل مدینه مقداری جو اجرت گرفت، ثلث آن را آسیاب کرده، نان پختند. مسکینی به در خانه آمد، آن روز همهٔ نان‌ها را به مسکین بخشیدند، روز دیگر یتیمی به در خانه آمد و سهمیه نان آن روز را گرفت و روز سوم اسیری از مشرکین به در خانه آمد، نان روز سوم را هم به آن اسیر دادند.

آیه شریفه فوق برای عمل آن سه روز علی ﷺ و فاطمه ﷺ نازل شد.

که مسکین و اسیر و یتیم را اطعام کرده، سیر کردند.[2]

---

۱ - روایت ۱۰۵۵/شواهدالتنزیل، از طریق مقاتل از اصبغ‌بن نباتة از سعیدبن جبیر از ابن عباس در توضیح آیه «إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ...» نقل شد. که آیه درباره علی ﷺ، فاطمه ﷺ، حسن و حسین ﷺ نازل شد که در آخرت شراب بهشتی و مخصوص می‌نوشند.

۲. روایت ۱۰۵۷ / شواهد التنزیل، از طریق کلبی از ابی‌صالح از ابن عباس نقل شد که آیه يُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلى حُبِّهِ... درباره علی ﷺ نازل شده است.

۱۸۷ **إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى ظِلَٰلٍ وَعُيُونٍ.** (مرسلات/ ۴۱)

اهل تقوا در زیر سایه‌ها و برکنار چشمه ساران‌اند.

(۱۰۷۱) مجاهد از ابن‌عبّاس نقل کرد؛ معنای «إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ» یعنی کسانی که از شرک و گناهان کبیره پرهیزکنند و صاحب تقوا و دارای پروا باشند.

و سرآمد همه متّقین علی، حسن و حسین﷨ هستند که دارای مقامات والای بهشتی هستند و در زیر سایه درختان و خیمه‌های ساخته شده از لؤلؤ در کنار چشمه‌های زلال آرمیده، از انواع میوه‌ها متنعّم می‌شوند.

و به آنان گفته می‌شود نوشیدنی‌های مطبوع وغذاهای متنوع برشما گوارا باشد. اینها پاداش اطاعت و متابعت شما دردنیاست. (**انّا كَذٰلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِين**) محسنین را نیز این گونه پاداش نیکو می‌دهیم و محسنین، اهل بیت محمدﷺ هستند که در جنّت مأویٰ دارند.

۱۸۸ **عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ. عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلْعَظِيمِ.** (نباء/ ۲ـ۱)

دربارهٔ چه چیز از یکدیگر می‌پرسند؟ از آن خبر بزرگ.

(۱۰۷۲) ابوحمزه ثُمالی حکایت کرد؛ از ابوجعفر﷣ در تفسیر «عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ. عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلْعَظِيمِ» سؤال کردم.

در جواب فرمود: علیّ‌بن ابی طالب﷣ به اصحاب خود می‌گفت: به خدا سوگند من نباءعظیم هستم که تمامی اُمّت درباره من اختلاف کردند.

به خدا سوگند، خدای سبحان را نبئی عظیم‌تر و بزرگتر از من نیست و هیچ آیه‌ای از من بزرگتر برای رَبّ الْعالَمین نیست.[۱]

---

۱. روایت ۱۰۷۳/شواهدالتنزیل،ازطریق یکی ازاصحاب نبیﷺ از ابوحمزه‌ثمالی باهمین‌الفاظ ومتن نقل شده است.

←

(۱۰۷۵) سُفیان ثوری از سُدیّ از عبدخیر و او از علی‌بن ابی طالب ؑ نقل کرد؛
صَخْربن حرب به حضور رسول‌الله ﷺ رسید و در کنارش نشست و سؤال کرد؛ حکومت و خلافت بعداز تو به عهده کیست؟

نبی ﷺ فرمود: آن کس که برای من به منزله هارون برای موسی ؑ بود، او جانشین من است.

در همین حین آیه کریمه «**عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ**» بر رسول‌الله فرود آمد. آن هنگام که اهل مکّه از خلافت علی ؑ می‌پرسیدند. بعضی ولایت او را تصدیق وبعضی دیگر تکذیب می‌کردند.

«**كَلاَّ سَيَعْلَمُونَ. ثُمَّ كَلاَّ سَيَعْلَمُونَ**»، این آیه شریفه انکار و اعتراض بر گفتار آنانی است که ولایت علی ؑ را نمی‌پذیرند، درآینده نزدیک می‌فهمند که خلافت او برحقّ بود. چون در قبر از آنان سؤال می‌شود **مَنْ رَبُّكَ وَ ما دِينُكَ وَ مَنْ نَبِيُّكَ و مَنْ إمامُكَ**.

نکیر و منکر دو فرشته مخصوص در قبر می‌پرسند، پروردگارت کیست؟ دینت چیست؟ نبی‌ات کیست وامام خود را معرفی کن.

(۱۸۹) إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا. حَدَآئِقَ وَأَعْنَباً. وَكَواعِبَ أَتْرابًا. وَكَأْساً دِهَاقاً. لاَيَسْمَعُونَ فِيهَالَغْوًا وَلاَ كِذَّباً. جَزَآءً مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابًا. (نبأ ۳۶ـ۳۱)

مسلماً پرهیزگاران را رستگاری است، باغچه‌ها و تاکستانها ودخترانی همسال با سینه‌های برجسته و پیاله‌های لبالب. در آنجا نه بیهوده‌ای شنوند و نه یکدیگر را تکذیب کنند. این است پاداشی از پروردگار تو، عطایی از روی حساب.

(۱۰۷۶) قتادة از حسن نقل کرد؛ ابن‌عبّاس در توضیح و تفسیر «**إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا**» بیان کرد.

ـ روایت ۱۰۷۴/ شواهدالتنزیل، از ابان‌بن تغلب از ابوجعفر در توضیح نباءالعظیم نقل شد، که گفت علی ؑ آن نَبأ عظیمی است که درباره‌اش اختلاف کردند.

منظور از متقین در آیه کریمه، علی بن ابی طالب ﷺ است، که سیّد اتقیا و سرور پرهیزکاران است، از ارتکاب به فواحش دوری کرده و از نزدیکی به کبائر بر حذر بوده است. پاداش او فوز و رستگاری و نجات از آتش جهنّم است.

اوست که در منازل قرب الله جای می‌گیرد و به نعمت‌های بهشتی متنعّم می‌شود.

۱۹۰ **لاَ يَتَكَلَّمُونَ اِلاَّ مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا.** (نباء/۳۸)

و (مردم) سخن نگویند، مگر کسی که (خدای) رحمان به او رخصت دهد، و سخن راست گوید.

(۱۰۷۷) محمد بن سنان حکایت کرد؛ ابو حمزه ثمالی گفت:

روزی به حضور رسول‌الله ﷺ رسیدم. آن حضرت فرمود: یا اباحمزه! همه مردم در قیامت وارد بهشت می‌شوند مگر آن کسانی که خودشان ابا داشته باشند.

گفتم: آیا کسی پیدا می‌شود از رفتن به بهشت ابا کند؟

فرمود: بلی، هرکه شعار **لَا اِلٰهَ الاّ اللّٰه وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰه** را از قلب و جان نگوید، بویی از بهشت نبرد.

گفتم: یا رسول الله! مُرجئه و قدریّه و حَرُوریة و بنی‌امیّه از گویندگان **لااِلٰهَ اِلاّ اللّٰه و مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰه** هستند.

فرمود: هَیْهات هَیْهات، چون قیامت فرا رسد، شهادتین از آنان سلب می‌شود و بدانید جز ما اهل بیت و شیعیانمان کسی به بهشت راه داده نمی‌شود.

آیا آیه کریمه «**يَوْمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلْمَلَٰئِكَةُ صَفًّا لاَ يَتَكَلَّمُونَ اِلاَّ مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا**». را شنیده‌ای؟

بدان آن کسانی که **لاَاِلٰهَ اِلاّ اللّٰه وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰه** را از سر صدق و بااخلاص بگویند که آن قول صواب است، داخل بهشت می‌شوند.

(۱۰۷۸) صالح بن سهل از ابو جارود نقل کرد، ابوجعفر ﷺ در تفسیر آیه کریمه «یَوْمَ یَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلٰئِکَةُ صَفًّا لاٰ یَتَکَلَّمُونَ إِلاّٰ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَقٰالَ صَوٰاباً» بیان کرد؛ چون روز قیامت فرا رسد شعار لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰه وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰه ﷺ از قلب‌ها همه محو می‌گردد مگر کسانی که اقرار به ولایت علی‌بن ابی‌طالب ﷺ داشته باشند. واین به سبب قول خدای سبحان «إِلاّٰ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ» است که خدای رحمان به آن کسانی که به ولایت علی ﷺ اقرار داشته باشند، اجازهٔ دخول به بهشت می‌دهد.

۱۹۱ وَ أَمّٰا مَنْ خٰافَ مَقٰامَ رَبِّهِ وَ نَهَی النَّفْسَ عَنِ الْهَوىٰ. فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِیَ الْمَأْوىٰ. (نازعات / ۴۱ـ۴۰)

و امّا کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید، و نفس (خود) را از هوس بازداشت، پس جایگاه او همان بهشت است.

(۱۰۷۹) سفیان بن عیینه از زُهری از مجاهد و او از ابن‌عباس درتفسیر و توضیح آیه کریمه «فَأَمّٰا مَنْ طَغیٰ» بیان کرد:

منظور از طغیان‌گر، علقمة‌بن حرث‌بن عبدالله بن قصّی بود که با تکبّر و غرور، دنیا را برآخرت ترجیح داده، و جهنّم را جایگاه ابدی خویش برگزید.

ولی «وَأَمّٰامَنْ خٰافَ مَقٰامَ رَبِّهِ» علی بن ابی طالب ﷺ آن عبد صالح و بنده نیکوکاری است که از مقام ربّ، خائف و از حساب و محاسبهٔ پروردگار بیمناک است و«وَنَهَی‌النَّفْسَ عَنِ‌الْهَوىٰ» بر اثر بیم خدای سبحان، نفس خویش را همیشه موعظه و نهی از هوی‌پرستی می‌کرد تا گرایش به محارم و لذّات نامشروع پیدا نکند.

«فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِیَ الْمَأْوىٰ» جنّت جایگاه کسی است که این چنین از خدای تعالی خائف و از هوای نفس و وسوسه شیطان گریزان باشد.

۱۹۲ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ. ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ. (عبس /۳۹-۳۸)

در آن روز، چهره‌هایی درخشانند، خندان (و) شادان‌اند.

(۱۰۸۰) انس بن مالک حکایت می‌کند از رسول اللهﷺ درباره آیه کریمه «وُجوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرة» سؤال کردم.

آن حضرت ﷺ فرمود: ای انس! چهره‌های خندان و دل های شاد متعلق به فرزندان عبدالمطلب است که شامل من و علی‌بن‌ابی‌طالب ﷺ، حمزه، جعفر طیار، حسنﷺ، حسینﷺ و فاطمهﷺ هستیم. در قیامت از قبرها برمی‌خیزیم، درحالی که چهره‌های ما مثل آفتاب نورانی است.

و از این که خدای سبحان از ما راضی است بسیار خوشحال و شاد هستیم و خنده‌های شادی بر لبان ماست.

و یکدیگر را به اَجْر جزیل و ثواب جمیل بشارت و نوید می‌دهیم.

۱۹۳ وَ فِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ. (مطففین / ۲۶)

و در این (نعمتها) مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند.

(۱۰۸۱) جعفربن علی حریری از قول معاوية بن عمّار دهنی از ابی‌زبیر و او از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده‌است که رسول‌اللهﷺ در غزوه[۱] طائف، علی ﷺ را فراخواند و ساعت‌ها با او به صحبت و نجوا پرداخت به طوری که اعتراض بعضی از اصحاب به گوش مصطفی ﷺ رسید. آن حضرت فرمود:

أنَّكم تقُولُون: إنّی إنتَجَيْتُ عَليًا، ماأنَاانتَجيتُهُ، إنَّاللّهَ انْتَجاه وَ فِـی ذلک فَلْيَتَنافَسِ المُتَنافِسُون .

۱ـ جنگ طائف

سخن شما این است که من با علی ﷺ به نجوا پرداختم، ولی بدانید من تنها با او نجوا نمی‌کردم، بلکه خدای رحمان نیز با علی ﷺ نجوا می‌کرد. و به این کار هر مشتاق و راغبی، میل و علاقه دارد.[1]

۱۹۴ **وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ. عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ.** (مطففین ۲۸ـ۲۷)

و ترکیبش از (تسنیم) است. چشمه‌ای که مقرّبان (خدا) از آن نوشند.

(۱۰۸۲) ابوحمزه از ابوجعفر ﷺ از پدرش علی بن حسین ﷺ از جابربن عبدالله انصاری روایت کرد؛ رسول الله ﷺ در توضیح و تبیین آیه کریمه (**وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ**) فرمود:

یعنی شرابی گوارا که بهترین نوشیدنی و شراب در بهشت است، که آل محمد ﷺ ازآن می‌نوشند.

و آنان از مقرّبان سابقه‌دار هستند که شامل رسول‌الله ﷺ و علی ﷺ و خدیجه و ذریّه آنان که در ایمان و عمل به نبی ﷺ و علی ﷺ اقتدا کردند.

۱۹۵ **إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ.** (مطففین /۲۹)

(آری، در دنیا) کسانی که گناه می‌کردند، آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می‌گرفتند.

(۱۰۸۳) محمدبن عیسی از یونس‌بن عبدالرّحمان و او از عبدالرّحمان بن سالم و او از

۲ـاین روایت را سبیعی در تفسیرش از طریق معاویه‌بن عمّار از ابی‌زبیر از جابربن عبدالله انصاری نیز ذکر کرده است.

ابی‌عبدالله نقل کرد: آیه **إِنَّ ٱلَّذِينَ أَجْرَمُواْ كَانُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَضْحَكُونَ وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ** در شأن علی بن ابی طالب ﷺ نازل شد.

روزی علی ﷺ از کنار جمعی از بنی امیّه و منافقین عبور می‌کرد. آن گروه به استهزاء آن حضرت پرداختند و سخن‌های او را به تمسخر گرفتند، چون چنین حرکات زشتی را ادامه دادند، آیه کریمه در مذمّت آنان نازل شد.[1]

(۱۰۸۵) کلبی از ابی‌صالح از ابن عباس در توضیح آیه کریمه نقل کرد؛

(**ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَضْحَكُونَ**)، علی بن ابی طالب ﷺ واصحاب آن بزرگوارند.

(**ٱلَّذِينَ أَجْرَمُواْ**)، گروه منافقین از طایفه قریش هستند.

۱۹۶ يَٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفْسُ ٱلْمُطْمَئِنَّةُ. ٱرْجِعِىٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً. فَٱدْخُلِى فِى عِبَٰدِى. وَٱدْخُلِى جَنَّتِى. (فجر / ۳۰_۲۷)

ای نفس مطمئنّه. خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت باز گرد و در میان بندگان من در آی و در بهشت من داخل شو.

(۱۰۸۹) حسن بن محبوب از عبدالرّحمان بن سالم و او از ابوعبدالله جعفربن محمد ﷺ در شأن نزول آیه کریمه «**يَٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفْسُ ٱلْمُطْمَئِنَّةُ. ٱرْجِعِىٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً. فَٱدْخُلِى فِى عِبَٰدِى. وَٱدْخُلِى جَنَّتِى.**» نقل کرد: آیه شریفه درباره علی‌بن ابی‌طالب ﷺ نازل شد و خدای سبحان نفس آن حضرت را نفس مطمئنّه نامید.

۱_روایت ۱۰۸۶ و ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸/ شواهدالتنزیل در همین معنی و از روات دیگری نقل شد.

۱۹۷ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ. (بلد/۳)

سوگند به پدری (چنان) و آن کسی را که به وجود آورد.

(۱۰۹۰) اسماعیل بن عبّاد ازحسین بن ابی یعفور و او از بعضی از اصحاب نقل کرد، ابوجعفر ﷺ در تفسیر و تطبیق «وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ» فرمود: منظور از «والد» امیرالمومنین علی ﷺ و منظور از «وَلَد» حسن ﷺ و حسین ﷺ است که در آیه کریمه از آن بزرگواران نام برده‌شد.[1]

۱۹۸ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ. (بلد/۱۱)

ولی نخواست از گردنهٔ (عاقبت نگری) بالا رَوَد!

(۱۰۹۲) محمّدبن فُضَیل از ابان‌بن تغلب حکایت کرد؛ وقتی ازابوجعفر ﷺ درتفسیر و توضیح آیه کریمه «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» سؤال شد، آن حضرت با دست به سینه‌اش اشاره کرد و فرمود:

ما آن گردنه و عقبه‌ای هستیم که هر کسی از آن گردنه عبور کند، نجات یابد و از رستگاران خواهد شد.[2]

۱۹۹ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا، وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا، وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا. (شمس/۳ـ۱)

سوگند به خورشید و تابندگی‌اش. سوگند به مَه چون پی (خورشید) رَوَد، سوگند به روز چون (زمین را) روشن گرداند.

---

۱. روایت ۱۰۹۱/ شواهدالتنزیل، از جابربن عبدالله انصاری از ابوجعفر ﷺ به همین معنا نقل شده است.

۲. روایت ۱۰۹۳/شواهدالتنزیل، از محمّدبن خالد برقی از محمد بن فُضَیل با همین متن و لفظ نقل شده است.

(۱۰۹۴) محمّد بن فرات از جعفر و او از پدرش نقل کرد؛ عبداللّه بن عبّاس مفسّر مشهور قرآن در تفسیر آیه کریمه فوق بیان کرد؛

«وَٱلشَّمْسِ وَضُحَىٰهَا» یعنی رسول اللّه ﷺ که شمس و آفتاب در بین مردم است.

«وَٱلْقَمَرِ إِذَا تَلَىٰهَا» یعنی علی‌بن ابی‌طالب؛ که قمر و مهتاب در کنار خورشید است.

«وَٱلنَّهَارِ إِذَا جَلَّىٰهَا» منظور از (النّهار) در آیه شریفه حسن و حسین؛ هستند.

«وَٱلَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰهَا» یعنی بنی‌امیّه که شب تاریک و ظُلمانی هستند و در ظُلمات جهل و گمراهی ماندند.[1]

۲۰۰ إِذِ ٱنۢبَعَثَ أَشْقَىٰهَا

(شمس/ ۱۲)

آن گاه که شقی‌ترین آنان به پا خاست.

(۱۰۹۶) مسلم اعور از حجیّةبن عَدیّ حکایت کرد؛ علی‌بن ابی‌طالب؛ گفت: روزی رسول‌اللّه ﷺ فرمود: یاعلی؛! شقی‌ترین اوّلین چه کسی بود؟

گفتم: آن کس که شتر صالح را از پای درآورد. او اوّلین شقی عالم است، سپس فرمود؛ آیا می‌دانی شقی‌ترین آخرین کیست؟

گفتم: یا رسول‌اللّه! بیان فرمایید تا بدانم کیست.

فرمود: آن کسی که با شمشیر فرق سرت را بشکافد او شقی‌ترین آخرین است. مثل کشنده شتر صالح؛ که شقی‌ترین اولین بود.[2]

---

۱. روایت ۱۰۹۵/ شواهدالتنزیل ازطریق سفیان‌ثوری ازمنصور ازمجاهد از ابن‌عباس، شبیه همین روایت بدون هیچ تغییری نقل شده است.

۲. روایت ۱۰۹۷/ شواهدالتنزیل، از قول زیدبن‌اسلم از نباتةبن اسد از علی؛ از رسول‌اللّه ﷺ با همین مضمون و ←

(۱۰۹۹) سعید بن ابی هلال از زیدبن اسلم روایت کرد؛ اباسنان دوئلی گفت: به خدمت علیﷺ رسیدم و گفتم: ما برای جان تو بیمناک ونگران هستیم.

علیﷺ فرمود: من هرگز برای خویشتن خوف و هراسی ندارم.

چون از رسول صادق ﷺ شنیدم، ضربتی بر فرق سرم فرود می‌آید و محاسنم را رنگین می‌کند وقاتل من شقی‌ترین مردم است، همچنان که شقی‌ترین اوّلین، شتر صالحﷺ را پی کرد.[1]

(۱۱۰۱) ابی‌مطر نقل کرده است از علی بن ابی طالب ﷺ سؤال شد، شقی‌ترین مردم چه زمانی آشکارو هویدا می‌شود؟ و چه کسی شقی‌ترین است؟

علی ﷺ فرمود: آن کسی که مرا به شهادت برساند، او شقی وبدبخت‌ترین است.[2]

(۱۱۰۶) عبداللّه بن عمرو نقل کرد؛ از رسول‌اللّه ﷺ شنیدم فرمود:

الا اِنَّ شَفاعَتي لِأَهْلِ الْكَبائِرِ مِنْ اُمَّتي اِلاّ مَنْ قَتَلَ علی بن ابی طالبﷺ شفاعت من شامل گناهکاران و اهل کبائر از اُمّتم می‌شود، مگر قاتل علی‌بن ابی‌طالب ﷺ، که هرگز مورد عفو و شفاعت قرار نمی‌گیرد.

(۱۱۰۷) ابن عباس نقل کرد رسول‌اللّه ﷺ فرمود: شقی‌ترین مردم، قاتل علی‌بن ابی‌طالب ﷺ است. سپس ابن‌عباس اضافه کرد؛ چون علی ﷺ شهید شد، دو روز متوالی از آسمان خون بارید.

← عبارت نقل شده است.

روایت ۱۰۹۸/ شواهدالتنزیل، از طریق عمربن صهیب از پدرش از رسول‌اللّه ﷺ درهمین معنی روایت شده جز این که در آخر روایت ذکر کرده است، علی ﷺ به اهل عراق گفت: ای اهل عراق! به خدا سوگند، دوست دارم که شقی‌ترین شما برخیزد و محاسنم را با خونم رنگین نماید.

ـ روایت رقم ۱۱۰۳/شواهدالتنزیل، در همین معنی است.

ـ و روایت رقم ۱۱۰۴/شواهدالتنزیل، از عمّاریاسر با همین مضمون نقل شد.

ـ و همچنین ـ روایت رقم ۱۱۰۸/شواهدالتنزیل، از ضحّاک‌بن مزاحم از رسول‌اللّه ﷺ به همین مضمون نقل کرد.

۱. روایت ۱۱۰۰/ شواهدالتنزیل، از عمیربن عبدالملک مثل همین روایت نقل شد.

۲. روایت ۱۱۰۲/ شواهدالتنزیل، از ابوطفیل چنین نقل شد.چون عبدالرحمان بن ملجم برای بیعت به حضور علی ﷺ آمد، آن حضرت او را دوبار برگرداند و گفت او آن شقی است که محاسنم را به خونم رنگین می‌کند.

۲۰۱ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ. (ضحی/۵)

و به زودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد، تا خرسند شوی.

(۱۱۱۰) حمّاد جهنی از جعفربن محمد ﷺ از پدرش از جابربن عبدالله‌انصاری نقل کرد، روزی رسول‌الله ﷺ وارد منزل فاطمه ﷺ شد، درحالی که کسائی از پوست شتر بر شانه فاطمه ﷺ بود‌به آسیاب کردن گندم مشغول بود تا برای بچه‌ها نان تهیه کند.

وقتی نبی ﷺ، دخترش فاطمه ﷺ را در آن حالت مشاهده کرد، اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود:

یا فاطمه! سختی و تلخی دنیا را برای رسیدن به حلاوت و آسایش آخرت تحمّل کن.

آن گاه آیه کریمه «**وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ**» برای خشنودی رسول‌الله ﷺ نازل شد.[1]

(۱۱۱۱) کلبی از ابو صالح از ابن عباس در تفسیر و توضیح «**وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ**» بیان کرد.

خدای سبحان ذریّه مصطفی ﷺ را داخل بهشت می‌کند به گونه‌ای که آن حضرت از عنایت ربّ کریم راضی وخشنود شود.

(۱۱۱۲) محمدبن حنفیّه از پدرش علی بن ابی‌طالب ﷺ در توضیح آیه کریمه (**وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ**) بیان کرد.

رسول الله ﷺ فرمود: آن قدر برای اُمّتم شفاعت می‌کنم تا مُنادی ندا سر دهد، یا محمد! آیا راضی شدی؟

می‌گویم: یاربّ! راضی شدم و تو را سپاسگزارم.

سپس علی ﷺ به اهل عراق روکرد و فرمود: آن گاه شما اهل عراق می‌گویید به آیه

۱ـ روایت ۱۱۰۹/ شواهدالتنزیل، از طریق جعفربن محمد ﷺ از پدرش و او از جابربن‌عبدالله باهمین متن والفاظ در شأن نزول آیه کریمه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» نقل شد.

کریمه «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِم لَاتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّه» امیدواریم.

امّا ما اهل بیت می‌گوییم به آیهٔ کریمه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» امیدوارتر هستیم که شفاعت برای امّت محمّدﷺ قرارداده شد.

(۱۱۱۴) سُدیّ از ابن‌عباس در تفسیر آیه کریمه (وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ) نقل کرد؛ رضایت محمدﷺ به این است که احدی از اهل بیتش در آتش جهنم سرنگون نشود.

۲۰۲ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (ضحی/۱۱)

و از نعمت پروردگار خویش (با مردم) سخن گوی.

(۱۱۱۵) عیسی‌بن عبدالله از پدرش و پدرش از جدّش و او از علی‌بن ابی‌طالب ؑ نقل کرد، آن حضرت فرمود: زمین برای هفت نفر خلق شد.

شما به واسطه این هفت نفر رزق و روزی داده می‌شوید و باران باریده می‌شود. به خاطر آنان نصرت و ظفر الهی فروفرستاده می‌شود و آن هفت تن عبارت از:

عبدالله‌بن مسعود، ابوذر، عمّار، سلمان، مقداد، حذیفه ومن که امام این جماعت هستم. سپس آیه کریمه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» راتلاوت کرد.[۱]

۲۰۳ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ. (شرح /۷)

پس چون فراغت یافتی، به طاعت در کوش.

(۱۱۱۶) سَماعة ازابوبصیر و او از ابوعبدالله ؑ در تفسیر و توضیح آیه کریمه «فَإِذَا

---

۱. روایت ۱۱۱۴/شواهدالتنزیل، از علی‌بن ابی‌طالب ؑ درهمین معنی نقل شده است.

فَرَغْتَ فَانْصَبْ» نقل کرد:

خدای سبحان به نبی ﷺ فرمود: یارسول‌الله! چون فراغت یافتی، علی‌بن ابی‌طالبؑ را برای ولایت منصوب کن.[۱]

۲۰۴ وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ. وَطُورِ سِينِينَ. وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ. ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ. فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ. أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ. (تین/ ۸-۱)

سوگند به (کوه) تین و زیتون «دو کوه در شام» و طور سینا و این شهر امن (وامان) (که) براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. سپس او را به پست‌ترین (مراتب) پستی بازگردانیدیم، مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، که پاداشی بی‌منّت خواهند داشت پس چه چیز، تو را بعد (از این) به تکذیب جزا وا می‌دارد؟ آیا خدا نیکوترین داوران نیست؟

(۱۱۲۰) عبدالرّحمان بن‌مهدی از مالک‌بن انس از زُهری نقل کرد؛ انس‌بن مالک گفت: وقتی سوره تین بر رسول‌الله ﷺ نازل شد، آن حضرت بسیار شاد و خوشحال شد به گونه‌ای که همه ما اصحاب، شادی و خوشحالی آن حضرت را مشاهده کردیم.

از ابن عباس در باره علت سرور و شادی نبیﷺ و تفسیر سوره تین سؤال کردم. ابن عباس بیان کرد: «وَالتِّينِ» یعنی سرزمین شام، «وَالزَّيْتُونِ» یعنی سرزمین زیتون

---

۱. روایت ۱۱۱۷/شواهدالتنزیل، از عبدالله‌بن سنان از ابوعبدالله ؑ باهمین متن ولفظ روایت شده است. و روایت ۱۱۱۸/شواهدالتنزیل، از طریق روات دیگر از ابوعبداللهؑ درهمین معنی ذکرشده است. و همچنین روایت ۱۱۱۹/شواهدالتنزیل، از طریق عبدالرّحمان‌بن حمّاد از فضل از ابوعبداللهؑ در تفسیر آیه کریمه در همین معنی نقل شد.

و أرض فلسطین و «وَطُورِ سِینِینَ» یعنی طور سینا که جایگاه تکلّم موسی ؑ با خداست.

(وَهَٰذَا ٱلْبَلَدِ ٱلْأَمِینِ) منظور شهر مقدّس مکّه است، (لَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ) یعنی محمد ﷺ را که انسان کامل است، در احسن تقویم خلق کردیم.

«ثُمَّ رَدَدْنَٰهُ أَسْفَلَ سَٰفِلِینَ» یعنی عبادت کنندگان بت که در نازل‌ترین و پست‌ترین مرتبه قرار می‌گیرند. «إِلَّا ٱلَّذِینَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ»؛ ابوبکر و عمر، «فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ» یعنی عثمان، «فَمَا یُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِٱلدِّینِ» یعنی علی‌بن ابی‌طالب ؑ[1] «أَلَیْسَ ٱللَّهُ بِأَحْكَمِ ٱلْحَٰكِمِینَ»، یامحمد! تو را درمیان آنان مبعوث و آنان را بر محور تقوا جمع کرده‌است.

(۱۱۲۱) محمّدبن حاتم از محمّدبن فُضَیل‌بن یسار روایت کرد از اباالحسن ؑ درباره تفسیر سوره تین سؤال کردم، آن حضرت فرمود:

«وَٱلتِّینِ» یعنی حسن ؑ، «وَٱلزَّیْتُونِ» یعنی حسین ؑ، «وَطُورِ سِینِینَ» همان طورِ سینا و آن امیرالمؤمنین علی ؑ است.

«وَهَٰذَا ٱلْبَلَدِ ٱلْأَمِینِ» رسول‌الله ﷺ بلد امین است.

«إِلَّا ٱلَّذِینَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ»؛ یعنی کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، که آن امیرالمؤمنین ؑ و شیعیان حقیقی او هستند و به آنان اجر و پاداش غیر ممنون داده می‌شود.[2]

---

۱. روایت ۱۱۲۴/شـواهـدالتـنزیل ازموسی‌بن جـعفر ؑ نـقل شـد (فَمَا یُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِٱلدِّینِ) یـعنی ولایت علی‌بن ابی طالب ؑ.

۲. روایت ۱۱۲۲/شواهدالتنزیل، از طریق محمّدبن فُضَیل صیرفی از موسی‌بن جعفر ؑ در همین معنی و متن نقل شده است. و همچنین روایت ۱۱۲۳/شواهدالتنزیل، از داودبن محمد سهندی از محمّدبن فُضَیل صیرفی از موسی‌بن جعفر ؑ در تفسیر سوره مبارکه تین همین گونه بیان شد.

۲۰۵ **إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ أُوْلَئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ.** (بیّنة/۶)

کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده‌اند و (نیز) مشرکان در آتش دوزخند، (و) در آن همواره می‌مانند؛ اینان‌اند که بدترین آفریدگان‌اند.

(۱۱۲۵) یزیدبن شراحیل انصاری کاتب علی ﷺ روایتی نقل کرد و گفت: از علی‌ﷺ شنیدم بیان کرد؛ رسول‌الله‌ﷺ به من فرمود:

یاعلی! کلام خدای سبحان (**إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّالِحَاتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ**) را شنیدی، بدان که خیرالبریه (بهترین بندگان خدا)، تو و شیعیان حقیقی‌ات هستید و وعده گاه من و شما در حوض کوثر است. هنگامی که همه مردم برای حساب و کتاب تجمّع کنند. شما در قیامت با نام غُرّ مُحَجَّلِین دعوت می‌شوید.[1]

(۱۱۲۶) جابر از محمّدبن علی و تمیم‌بن حذلم از ابن‌عباس نقل کردند. هنگامی که آیه کریمه (**إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّالِحَاتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ**) بر رسول‌الله‌ﷺ نازل شد، آن حضرت به علی‌بن ابی‌طالب‌ﷺ فرمود: یاعلی!

«هُوَ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ، تَأتِي أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ يَوْمَ الْقِيامة راضِين مَرضِيّن! وَيَاتِي عُدُوّكَ غِضَاباً مُقْمَحين.»

یا علی! تو و شیعیان واقعی‌ات خیرالبریّه یعنی بهترین بندگان خداهستید، چون روز قیامت فرا رسد شما راضی و مرضی در صف محشر حاضر می‌شوید و دشمنان تو غضبناک و سرکوب شده‌باشند.

علی‌ﷺ گفت: یارسول‌الله! دشمنان من کیستند؟

آن حضرت‌ﷺ فرمود: کسانی که از تو تبرّی جویند و تو را لعنت کنند

«وَ مَن قالَ رَحِمَ ٱللّه علیاً يَرْحَمُهُ اللّٰهُ.» یعنی هر کسی بگوید: خداوند علی ﷺ را رحمت کند، خدای سبحان او را رحمت می‌کند.[2]

---

۱. روایت ۱۱۳۰/شواهدالتنزیل، از ابوداود از ابوبرزه در همین معنی نقل شده است.

۲. روایت ۱۱۲۸/شواهدالتنزیل، از عمربن هارون از جابربن عبدالله با همین محتوا نقل شده است.

(۱۱۳۱) جابر جُعفی از ابن‌بریده و او از پدرش نقل کرد:

رسول‌الله ﷺ آیه کریمه (**أَنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّالحات أُوْلَٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ**) را تلاوت کرد و دستش را بر کتف علی ؑ گذاشت و فرمود:

یاعلی! تو و شیعیانت، مصداق این آیه شریفه و خیرالبریّه هستید.

یاعلی! در قیامت تو و شیعیانت سیراب وارد صحرای محشر می‌شوید، امّا دشمنانت تشنه، مقهور و ذلیل وارد محشر شوند.

(۱۱۳۲) از جابربن یزید جُعفی از ابوجعفر محمدبن علی ؑ نقل شده است که رسول‌الله ﷺ فرمود: منظور از: «**أَنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّالِحَات...**» علی ؑ و شیعیان حقیقی او هستند.[1]

(۱۱۳۹) ابی‌زبیر حکایت کرد؛ جابربن عبدالله انصاری گفت، روزی در حضور رسول‌الله ﷺ نشسته بودیم، علی بن ابیطالب ؑ به خدمت آن حضرت رسید. هنگامی که چشم نبی ﷺ به رخسار علی ؑ افتاد، فرمود:

برادرم علی ؑ به نزد شما آمد، سپس رو به کعبه کرد و گفت:

به خدای این خانه سوگند، این مرد و شیعیانش در قیامت از فائزان و رستگاران‌اند.

← ـ روایت ۱۱۲۹/شواهدالتنزیل، از عمروبن شمر از جابربن عبدالله و همچنین از شدادبن رشید از جابربن عبدالله از باقرالعلوم ؑ نقل شده است.

و همچنین روایت ۱۱۳۰ / شواهد التنزیل به همین معنی است

۱. و روایت ۱۱۳۳/شواهدالتنزیل، از عمروبن شمر از جابربن عبدالله از ابوجعفر از رسول‌الله ﷺ همین گونه نقل شده است.

ـ روایت ۱۱۳۴/شواهدالتنزیل، از عمروبن شمر از جابر از ابوجعفر از رسول‌الله ﷺ همین روایت است. فقط در آخر روایت اضافه شده است، «یاعلی ؑ! تو و شیعیانت در حالی که راضی و مرضی هستید در قیامت برمن وارد می‌شوید.»

ـ روایت ۱۱۳۵/شواهدالتنزیل، از طریق شدّاد از جُعْفی از جابربن عبدالله از ابوجعفر از رسول‌الله ﷺ به همین متن و لفظ نقل شده است.

ـ روایت ۱۱۳۶ و ۱۱۳۷ و ۱۱۳۸ از روات مختلف از جابر از ابوجعفر ؑ از رسول‌الله ﷺ در همین معنی نقل شده است.

ـ روایت ۱۱۴۵/شواهدالتنزیل، کلبی از ابی‌صالح از ابن‌عباس بیان کرد خیرالبریة، علی وشیعیانش هستند.

آن گاه روبه ما کرد و فرمود: ای یاران! بدانید:

«اِنَّه اَوَّلُکُم ایمانًا بِاللّهِ وَاَقوَمُکم بِاَمرِاللّهِ وَاَوفاکُم بِعَهدِاللّهِ وَاَقضاکُم بِحُکمِ‌اللّه وَاَقسَمَکُمْ بِالسَّویه وَاَعدَلَکُم فِی‌الرَّعیه واَعظَمُکُم عِندَاللّه مزیّة».

علی اولیّن مؤمن و پایدارترین شما در امر الله و با وفاترین در عهد الله و عالم‌ترین در حکم الله، با انصاف‌ترین در تقسیم بیت المال و عادل‌ترین در حفظ حقوق رعیت و با مزایاترین شخص در نزد خداست.

بعد از این بیانات، آیهٔ شریفه **«إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ أُوْلَـٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ»** بر نبی‌ﷺ نازل شد.

سپس جابربن عبدالله ادامه داد و گفت: هرگاه در جمعی بودیم وعلی ﷺ از راه می‌رسید، اصحاب مصطفی ﷺ می‌گفتند: ای مردم! بهترین بندگان خدا بعد از محمدﷺ به سوی شما می‌آید.[1]

(۱۱۴۱) عاصم‌بن ضمرة روایت کرده جابربن عبدالله انصاری نقل کرد؛ در مسجد مدینه نشسته بودیم و رسول‌الله ﷺ در میان ما بود. فرمود:

اِنَّ لِلّهِ لِواءاً مِنْ نُورٍ وَعَمُودًا مِنْ زُبَرجد خَلَقَهاقَبْلَ اَنْ یخلُقَ السَّماوات بِاَلفَیْ سَنةٍ، مَکتُوبٌ عَلی رِداءِ ذٰلِک الّلِواء لااِلٰهَ اِلاّ اللّٰهُ، محمّدٌرَسُولُ‌اللّٰهِ، آلُ محمّد خَیْرُالْبَرِیّة، صاحبُ اللِّواء اِمامُ القَوم.

خدای سبحان را لوائی از نور و عمودی از زَبَرجد است که هزار سال قبل از خلقت آسمان آن را خلق کرد، بر روی آن رداء نوشته است لااله الاّ الله، محمّد رسول الله، آل محمد بهترین مردم‌اند و صاحب پرچم، امام آن جماعت وطایفه است.

پس علی بن ابی طالب ﷺ رو به مصطفی‌ﷺ کرد و گفت: حمد و سپاس خدای عزّوجلّ راکه ما را به وسیله تو هدایت کرده و کرامت و شرافت عنایت فرمود.

سپس نبی ﷺ فرمود: یاعلی! آیا می‌دانی هرکسی ما را دوست داشته باشد، خدای

---

۱. روایت ۱۱۴۰/شواهدالتنزیل، از عبدالله لهیعه با همین لفظ و متن نقل شده‌است.

سبحان او را همراه ما، داخل بهشت می‌کند و آن گاه آیه شریفه «فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِیکٍ مُقْتَدِرٍ» را تلاوت کرد.

(۱۱۴۲) عطیّه عوفی می‌گوید: روزی به حضور جابربن عبدالله انصاری رسیدم زمانی که از کِبَر سن ابروهای او بر روی چشمانش افتاده بود. به او گفتم: از علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام برایم سخن بگو.

جابر، ابروان خویش را به کناری زد وگفت: علی علیه السلام از بهترین خلایق و والاترین انسان است که قرآن شریف او را خَیْرُالْبَرِیَّة نامید.[1]

(۱۱۴۶) مقاتل‌بن سلیمان از ضحّاک و او از ابن‌عباس درباره: «أُوْلَٰئِکَ هُمْ خَیْرُالْبَرِیَّة» نقل کرد، این آیهٔ کریمه در حقّ علی علیه السلام واهل بیتش نازل شد که بهترین بندگان خدا و والاترین انسان‌ها هستند.[2]

۲۰۶ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَٰزِینُهُ. فَهُوَ فِی عِیشَةٍ رَّاضِیَةٍ. (قارعه / ۷-۶)

امّا هر که سنجیده‌هایش سنگین بر آید، پس وی در زندگی خوشی خواهد بود.

(۱۱۴۹) ابی‌صالح از ابن‌عباس در توضیح آیهٔ شریفه «فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَٰزِینُهُ...» نقل کرد: تنها کسی که در قیامت کفّهٔ حَسَناتش بر همگان رجحان دارد، علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام است و این به سبب آن است که در نامه عمل آن حضرت جز حَسَنات چیز دیگری وجود ندارد و کفّهٔ دیگر خالی از سیئات و خطاست و خدای سبحان را حتی در طرفة

---

۱. روایت ۱۱۴۳/شواهدالتنزیل، از عطیّه عوفی از ابوسعید خدری از رسول‌الله صلی الله علیه و آله در همین معنی نقل شده است.

۲. روایت ۱۱۴۸/شواهدالتنزیل، از کلبی از ابی‌صالح از ابن‌عباس نقل شده که آیه کریمه درباره علی علیه السلام و شیعیانش نازل شده است.

و همچنین روایت ۱۱۴۷/شواهدالتنزیل، ازابن‌عباس نقل شده، که آیه شریفه فقط درباره علی‌بن‌ابی‌طالب علیه السلام نازل شده است و او را به عنوان بهترین انسان معرفی فرمود.

عینی عصیان و نافرمانی نکرده است.

پس به دلیل آیه (فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ. فَهُوَ فِى عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ) آن حضرت دارای شخصیتی ارجمند و اعمالی وزین است واز زندگی و حیات اخروی راضی و خشنود است.

۲۰۷ ثُمَّ لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ. (تکاثر/۸)

سپس در همان روز است که از نعمتِ (روی زمین) پرسیده خواهید شد.

(۱۱۵۰) حسن‌بن حسین از ابوحَفْص صائغ روایت کرد؛ ابوجعفربن محمد﷣ در تفسیر و توضیح آیه کریمه «لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ» بیان فرمود:

نعیم، ما اهل بیت محمدﷺ هستیم. سپس آیه «وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْه وَأَنْعَمْتَ عَلَيْه» را قرائت کرد.[1]

(۱۱۵۲) ابوحفص صائغ حکایت کرد، عبدالله بن‌حسن در توضیح آیه کریمه «لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ» بیان کرد؛

ای اباحفص! به خدا سوگند در قیامت از شما دربارهٔ ولایت ما اهل بیت سؤال می‌کنند. که در حق ما چگونه رفتار کردید...

۱. روایت ۱۱۵۱/شواهدالتنزیل، از طریق علی‌بن عباس از حسن‌بن محمّد مزنی از حسن‌بن حسین ازابوحفص از جعفربن محمد﷣ با همین محتوا نقل شد.

۲۰۸ وَٱلْعَصْرِ. إِنَّ ٱلإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ. إِلاَّ ٱلَّذِینَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ ٱلصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْاْ بِٱلْحَقِّ وَتَوَاصَوْاْ بِٱلصَّبْرِ. (عصر /۳)

سوگند به عصر، که واقعاً انسان دستخوش زیان است، مگر کسانی که به خدا گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.

(۱۱۵۳) ابوهشام محمّدبن یزید بن رُفاعة از عمویش علی‌بن‌رُفاعة و او از پدرش نقل کرد که با علی‌بن عبداللّه‌بن عباس قصد سفر حج را داشتم. او درمدینه برای خواندن خطبه به منبر رسول‌اللّهﷺ نشست و سورهٔ مبارکه عصر را قرائت کرد و در توضیح و تبیین این سوره چنین گفت:

«**وَٱلْعَصْرِ. إِنَّ ٱلإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ**» یعنی ابوجهل بن هشام وانسان‌های هم کیش او در خُسران بوده و از زیان‌کاران‌اند.

«**إِلاَّ ٱلَّذِینَ ءَامَنُواْ**» یعنی مؤمنان و از جمله آنان ابوبکر است «**وَ عَمِلُواْ ٱلصَّالِحَاتِ**» یعنی کسانی که اعمال صالح انجام دهند که از این قبیل بود عمربن‌خطّاب «**وَتَوَاصَوْاْ بِٱلْحَقِّ وَتَوَاصَوْاْ بِٱلصَّبْرِ**» یعنی علی‌بن ابی‌طالب ﷺ که توصیه به حق و سفارش به صبر و استواری کرده و می‌کند.

(۱۱۵۴) اُبی‌بن کعب حکایت کرد، برای رسول‌اللّه ﷺ سوره عصر را قرائت کردم و عرض کردم؛ پدرو مادرم فدایت شوند، تفسیر این سوره را برایم بیان فرمایید.

نبی ﷺ «فرمود: «**وَٱلْعَصْرِ إِنَّ الانسانَ لَفی خُسر**» قسم به عصر که انسان در خُسران و زیان است و بالاخص ابوجهل‌بن‌هشام که زیان بارترین آنان است.

«**وَتَوَاصَوْاْ بِٱلصَّبْرِ**» بدانید توصیه کننده به صبر، علی‌بن ابی‌طالبﷺ است[۱] و این آیه در شأن آن بزرگوار است.

(۱۱۵۶) زبیربن عَدیّ از ضحّاک نقل کرد؛ ابن‌عباس در تبیین سوره عصر بیان کرد

۱. روایت ۱۱۵۵/شواهدالتنزیل از قول اَبی‌اُمامة از اُبی‌بن کعب از رسول‌اللّه ﷺ با همین معنی ذکرشده است.

«وَٱلْعَصْرِ. إِنَّ ٱلإِنسَٰنَ لَفِى خُسْرٍ» یعنی ابوجهل و «إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ» عبارت‌اند از علی ﷺ و سلمان و عبداللّه‌بن مسعود.[1]

(۱۱۵۸) سفیان از ابن جُرَیج از عطاء نقل کرد؛ ابن‌عباس مفسّر مشهور قرآن درباره علی‌ﷺ بیان کرد.

خدای سبحان همه خصلت‌های نیک را در سیمای علی‌ﷺ جمع کرد. و طبق آیه «إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ» علیﷺ نخستین مؤمن وسابقه‌دارترین مسلمان بود.

«وَ عَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ» از نظر اعمال صالح سرآمد روزگار بود. نخستین نمازگزار هم او بود که در بین همه اهل زمین به عبادت ربّ جلیل پرداخت.

«وَتَوَاصَوْاْ بِٱلْحَقِّ» علی‌ﷺ توصیه کننده به قرآن بود، قرآنی که آن را از رسول‌اللّهﷺ تعلیم گرفت.

«وَتَوَاصَوْاْ بِٱلصَّبْرِ» پیامبرﷺ، علی‌ﷺ را سفارش به صبر در دنیا و حفظ ونگه داری فاطمه‌ﷺ و جمع‌آوری قرآن و همچنین او رابه قضای دَیْن و غُسل بدن و دیوار کشیدن بر دور قبرش تا به واسطه جمع شدن و نشستن زنان بر روی آن مورد اذیت قرارنگیرد واو را به حفظ و پرستاری حسن و حسین‌ﷺ توصیه کرد.

۲۰۹ إِنَّآ أَعْطَيْنَٰكَ ٱلْكَوْثَرَ. (کوثر/۱)

ما تو را (چشمهٔ) کوثر دادیم.

(۱۱۶۰) زُبیربن ابی‌بکر از محمّدبن یحییٰ حکایت کرد:

حسین‌بن علی‌ﷺ کسی را به خواستگاری عائذة، دختر شعیب‌بن بکّاربن

۱. روایت رقم ۱۱۵۷/شواهدالتنزیل، از طریق أبی هریره از رسول‌اللّه ﷺ در همین معنی نقل شده است، فقط این که درمعنی «إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ و...» نقل شده علی ﷺ و شیعیانش هستند که مصداق این آیهٔ شریفه هستند.

عبدالملک فرستاد. او در جواب گفت: چگونه با مردی که ثروت ندارد ازدواج کنم؟

حسین‌بن علی﷣ فرمود: وای بر او! چگونه مرا به ناداری، عیب جویی می‌کند؟ وحال این که خدای سبحان کوثر را به ما اهل بیت بخشیده‌است.

(۱۱۶۱) عمروبن خالد از زیدبن علی و او از پدرانش تا می‌رسد به علی بن ابی‌طالب﷣ که آن جناب بیان کرد:

رسول‌اللهﷺ فرمود: خدای کریم جایگاه من و اهل بیتم را در کوثر به من نشان داده است.[1]

(۱۱۶۳) عطیّه عَوْفی نقل کرد، انس‌بن مالک گفت: روزی به حضور رسول‌اللهﷺ رسیدم، فرمود: «قَدْ أُعْطِيتُ ٱلْكَوْثَرَ» خدای سبحان کوثر را به من عنایت فرمود.

سؤال کردم یا رسول‌الله! کوثر چیست؟

فرمود:

نَهْرٌ فِي الجَنَّةِ عَرْضُهُ وَطُولُهُ مابَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، لايَشْرَبُ أَحَدٌ مِنْهُ فَيَظْمَاءُ، وَلايَتَوَضّىٰ مِنْهُ أَحَدٌ أَبَداً فَيَشْعَثُ لا يَشْرَبُه إِنْسانٌ خَفِرَ ذِمَّتِي وَلاَ مَنْ قَتَلَ أَهْلَ بَيْتِي.»

کوثر نهری در بهشت است که عرض و طول آن به اندازهٔ فاصله بین مشرق تا مغرب است، هرکسی از آن بنوشد هرگز تشنه نشود و هرکسی با آن آب وضو سازد محدث نگردد. ولی بدانید هرکسی قاتل اهل بیت من باشد یا ذمّه مرا نادیده بگیرد، هرگز از آن آب نمی‌نوشد.

احمد روحانی

بهار ۱۳۸۰ هـ. ش

---

۱. روایت ۱۱۶۲/شواهدالتنزیل، از ابی‌حمزه از علی‌بن حسین﷣ از پدرش وجدّش از رسول‌اللهﷺ همین روایت را نقل کرده است.